Afghanistan Digital Library

adl0568

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (http://afghanistandl.nyu.edu/). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser. When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 1 of 596





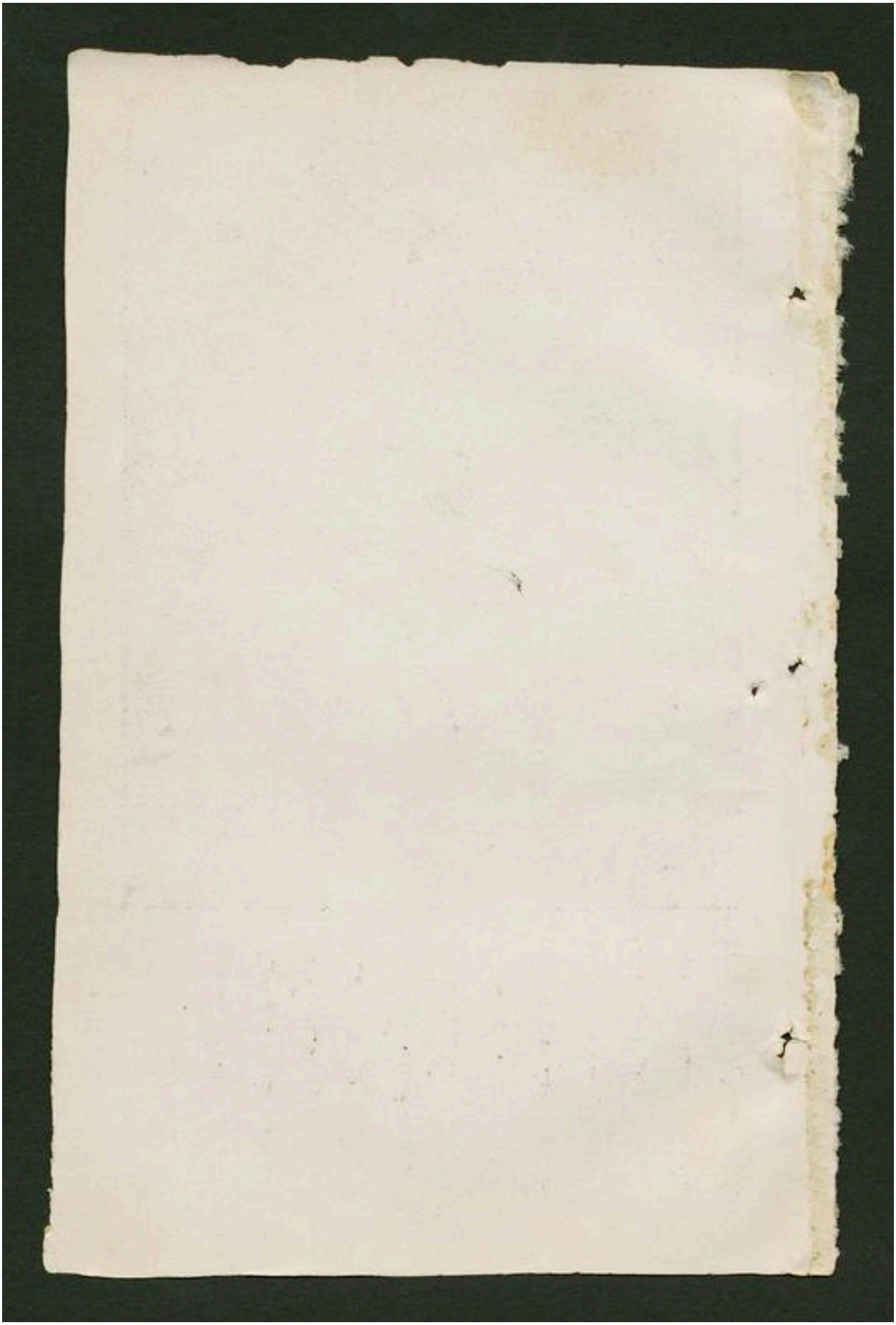

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 4 of 596



(مکتب اهل هنود)

نمونه رعیت پروری
وعدالت گستری ذات
اعلیحضرت شهریاری
که رعایای اهل هنود
شاهانه را هم از نعمت
معرفت محروم نگردانیده
برای شان مکتب ابتدائیه
گشوده اند ، که بعد از
تحصیل مضامین مقرره
ابتدائیه ورسومات دینیه
خودشان بدارالعلوم عالیه
با اولادان مسلمانان یکجا
تعلیم حاصل میکنند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 5 of 596

فهرست مندرجات

(۱) انعام شاهانه
(۲) امنیت عمومیه
(۳) خطاب بوطن (ترجمه از انگریزی)
(٤) اوقات مدهشه‌دو کانه
(٥) جاسوس
(٦) عالم شمس
(۷) طرز انشا در مکتب
(۸) کوه آتش فشان وذریعهٔ پیدایش آن
(۹) نکته ازتاریخ دنیا
(۱۰) مدو جزر اسلام بعداز شماره (۱۲)
(۱۱) تاریخ (»)
(۱۲) ناول (»)
(۱۳) حفظ الصحه . بعداز شمار (»)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 6 of 596

سال دوم (۲) شمارهٔ (۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

ازیمن توجه شه با اقبال
آمد بکنار دولت و استقلال
اسباب تمدن بترقی باشد
آثار معارف همگی رو بکمال

(انعام شاهانه)

هرچه داری اگر بعلم دهی کافرم گر جوی زیان بینی
نظر بحسن خدمات ، وخوبی اجرا آت و ظایفیکه
ازجناب محمدصدیق خان معلم مخفف نویسی مکتب بظهور
آمده وپیوسته نطق های شاهانه را در اعیاد ، ودیگر
مقامات لازمه ، بسرعت فوق العاده ، بدون ظهور

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 7 of 596

اشتباهات، نقل وتحریر مینمایند، مورد الطاف خسروانه گردیده ، بانعام صد طلای امانیه متلطف گردیدند .

از خداوند لایزال ، طول حیات و مزید مراحم اعلیحضرت شهریاری را دعا کرده ، جناب محمدصدیق خارراتبریك ، واقدامات شانرا بیشتر دراجرای وظایف مرجوعهٔ شان تمنا میکنیم !!

« امنیت عمومیه »

رکن رکین ، واساس متین انتظام وترقی، ومدنیت جمعیت بشریه ، وهیئت اجتماعیه ، امنیت عمومیه است. مصالح امور کافهملت ازحضور آن موجود ، وترقیات روز افزون سائر نقاط وطن ، از وجود آن مشهود است .دولت وملتیکه خوش بختانهازین نعمت باسعادت عظمای الهی بهرهور باشد از نخل مراد برخور دار ، وازثمر متمنیات بهرهبردار میگردد ، ومرچه زودتر از حضیض مادونی وپستی رهائیده ، بذروهٔ علیایسعادت وخوبی نایل می گردد ، نامملکتش بلند ، احوال وطنش برومند ، راحت ورفاهیت درمملکتش برپا ، ترقیاتو

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 8 of 596

تعالیات حکمفرما میگردد ، عیش ونشاط ، بیغمی ، مسرت علامات ، راحت وسکون بهبودی آیات سرزده ظهور گردیده تشویش واضطراب . غم وکدر ، ظلم وغصب بیم وترس ، دست اندازی ورهزنی ، غبن و خیانت ، بدرود ابدی گفته آن ملك یك نمونه بهشت برین میشود واهالی آن باحسن وجوه ، بدون تحمل ادنی مشقت مستریحانه اسرار حیات و ازنعمات آلهیه بهره ور و بر خوردار شده درزمرهٔ دول متمدن یك موقع بس بلندی را احراز میکنند چه متمدن همان دولتی را گویند که امنیت عمومیه در آن خطه موجود بوده تمام احکام انسانیت حکمفرما باشد .

امنیت عمومیه دردولتیکه موجود نباشد هرگز آن دولت رنك ترقی نگیرد و صورت تعالی نپذیرد دولت های دیگر ازدوستی وی اجتناب کنند و ابواب تجارت رفت و آمد ، دستگیری ومعاونت ، دوستی و موالفت را برروی وی نگشایند واینها خود اساس ترقی وبلندی دولتها وملتها است چه هردولت برای راحت تجارتی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 9 of 596

ومعاونت علمی وعملی بدول دیگر محتاج و ازانها چشم استمداد دارد .

حالا بایدبدانیم کهامنیت عمومیه چیست وچسان از وجود آن ملك‌ها ترقی واز عدم آن روبزوال وپستی می‌گذارد . مقصد از امنیت عمومیه که یکی از وسایل اصلیه ، و شرایط اساسیه مدنیه شمرده میشود اینست که هر فردی ازافراد ملك را یقین کامل باشد که شخص او ، ثروت ومال او ، محصولات و مصنوعات او ، از ضرر ، ظلم ، غصب ، تعرض دیگری محفوظ ومصئون باشد وبراین یك اعتماد کامله داشته باشد که مال و ملك شان واردات و مداخلات شان ازدزد و رهزن ، از تغلب ظالمان، ازظلم کارداران ،اززبردستی والیان ، ازتعرضات شورش طلبان ، از حیلهٔ فساد پیشه‌گان ، از حملات بیگانگان . واز اختلال وشورش شهریان محفوظ وسالم است ، وظهور این اعتماد بروجود حکومت‌ها که نافذه منوط ، وحدوث این اطمینان برصفوت قلب، ایمانداری ووجدان شناسی حاکمان ووالیان مشروط است تعبیر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 10 of 596

کلمهٔ امنیت عمومیه همانا بمعنی عدالت ، انضباط، انتظام اسایش ، راحت، دلالت میکندواینها تاوقتیکه حکومت نافذه ، محکمهٔ کوتوالی ، ادارهٔ ملکیه وعسکریه خودرا بسلك نظم ونسق نیاورد ، صورت نپذیرد . ونظم و نسق این اداره‌ها ومحکمه‌ها بروجود اشخاص پاك طینت فهیم ، دانا که وسایط ترقیات ملیه را بخوبی درك نموده بتواند ، موقوف است . و ظهور چنین اشخاص باز بتعمیم معارف وانتشار علم ودانش مربوط .

اشخاصی برای ادارهٔ چنین اداره جات ضروری ولازمیست کهازابتدای صباوت تاحینیکه بکاری مأمور ومقرر می کردند بهتعلیم اداب ایمانی ، وتحصیل دروس صفوت وجدانی، وقواعد مرعیه انسانی وعشق ومحبت وطنی ، رفع ظلم ، دفع خیانت وگرفتاری ، وفرا گرفتن اسباق پاکبازی و صدق گفتاری و راست کرداری ، مشغول ومصروف باشند ، تاخزانه وبیت المال را ازغصب وتزویر نگهدارند وحقوق مرعیه ملیه راحفوظ نمایند .

امنیت ، یك نعمت عظما ئیست که چون در ملك

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 11 of 596

و ملتی سرزده ظهور کردد آنملك وملت باندك مدت بترقیات روز افزون نایل میکردند . صناعان بفراغت بال درپی ترویج صناعت ، مالداران وسرمایه دارن در صدد کرمی تجارت ، پیشه‌وران در ترصد ترقی حرفت افتاده ، برق آسا صفحات مملکت‌را ازوحشت ، بمدنیت مبدل میکردانند . زمین های نامزروع ، حاصل‌دار ، وبیشه های خرابه زار بفائده دادن وبار آوردن کسب اقتدار می نمایند ! تیلفون و تلغراف خانه‌ها تشکیل ، تجارت خانه‌ها وشرکت‌ها تنظیم می‌یابند . پست خانهای باقاعده برپا وسرك‌های ریل وماشین‌های رفیض وسعادت آن بزودی رونما میکردد .

خلاصه سعادت ابدی‌مدت، وراحت ورفاهیت بهشتی منزلت ظاهر وهویدا می‌شود !!!

خطاب بوطن

کوپر شاعر انکلیسی وطن خودش را بالفاظ آتیه مخاطب نموده میکوید :—

« وطن عزیزم ، باهمه نقایص و معایبت چون جان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 12 of 596

شیرینت دوست دارم و همچو عشق محبوب مهرت در اعماق قلب می پرورانم . وطن شیرینم انگلیند ! تاوقتیکه یکی هم از اولادهایت در گوشهٔ از گوشهایت به حلیه حیات متحلی باشد یگانه محبوب روحش ترامیداند وصرف محبتش را بخاك مقدست سعادت و فلاح خود می شمارد.

برنز چنین میگوید :—

عزیز وطن شیرینم اوکوشیا ! از مالك ارض وسما استرحام میکنم که فرزندان بخون جگر پرورده ات را صحت وقوت اصطبار وطاقت حبا کند تاتوانند در راه بهبودیت عرض جلادتی نمایندوازتمایلاتیکه مهددترقی وترفیعشان گردیده بجاده عشرت وبطالت جمودت شان سوق فرماید نجات بخشد تا بوقع وقدرت دانسته درپی صیانتت برآیند وبدیوار آتشینی از بذل همت خود ها از تعرض وحمله دشمنانت مصئون دارند !

شکسپیر گوید : —

انکسار ولجاجت نردبان تمایل رفعت شان است یعنی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 13 of 596

ذوائیکه تصمیم میکنند برتبه ومنزلت منیعی ارتقا جویند اولا جاده انکسار ومداهنت می پویندو برای نیل مرام خودها بوسایط خسیسانه ازقبیل رشوه دادن وتملق های بیجا نمودن وغیره وغیره تشبث مینمایند ولی همینکه بآخرین پله آرزوی خود شان عارج میشوند و ازانجا بذرایع مسطور که سبب عروجشان بمعراج ترقی شده صرف نظر میکنند و وجدان شان را خلجانی استیلا مینماید و قلبشانرا قساوتی فرامیگیرد چه ، می بینندوسائیلیکه بآنها درحصول این رتبه منیع توسل جسته وپایه هائیکه دررسیدن بسر این نردبان طی نموده اند همین قابل نفرت بوده اند وسزاوار وشایان کراهت !

(اوقات مدهشه دوگانه)

مهلکترین حالات ومدهشترین اوقات که قیامت کبری ومحشر عظمی اشخاص میکردد ؟ همانا میقات منکوبه است :—

۱. طالب العلمیکه از روی تکبر و رعونت ، یانجاهل وغفلت ؟ پیرامون حفظ تعلمات ، و تدریسات

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 14 of 596

نکشته درحین امتحان از جواب مسئولات عاجز آید ومتحیر ماند ، ودرلوحه نتایج امتحان نامش بنا کامی بحضور هم مکتبیان وهم چشمانش ظاهر شود ! ! !

۲ . حال حسرت مآل جوانیست ، که از ابتدای صباوت مفتونانه به تحصیل علوم مشغول گردیده ، تادرجهٔ تحصیل علم نموده !! لذات دانش، قیمت عمر ، وقدر وطن را شناخته ، و وظیفهٔ انسانیت را نسبت بوطنش خوب فهمیده، پستی خود ورفعت اغیار را هم دقت کرده! مترصد آنست که زیاده علم اموزد ، تا بهر ملك و ملت قابل افادهٔ گردد ! مگر بدبختانه شاهدمقصودش در پرده خفا مکتوم ، ووسایل نیل مرامش کلیةً معدوم !!

« جاسوس »

هرچند لفظ جاسوس درافکار صاحبان وجدانیکه معنی حقیقی آنرا بدرستی نفهمیده وتفریق اقسامش را ندانسته، حس ناگواری تولید میکنند ، اما اگر اصناف مختلفه جاسوسی وجاسوسان بدرستی فهمیده، خدمات پسندیده افعال حسنه واقدامات دلیرانهٔ شانرا بخوبی دقت کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 15 of 596

شود ، همان حس حقارت و نفرت انگیز را یك محبت ومودت ، شفقت آمیز حك واحا میکنند چه در زمان موجوده که شعله مشتهیات اهل دنیانسبت بسابق باربار افزونی وبلندی‌را کسب کرده ، مظهر خیالات گردیده که ان خیـالات منحوسه همیشه بتوسیع دائره تسلط وتحکم خود شان حکم فرماشده ؟ امر پیـامالی و زوال حقوق وحیثیت دیگران نموده است . واینهم ظاهراست که نیل این مرام بدون تکثر قوا صورت انجام نگیرد ، واز خیال خانه دماغ هـای‌شان هیئت فعل را نپذیرد. پس همان دولیـکه خواه برای مزید سطـوت وشوکت ویابرای حفظ حقوق وشخصیت‌خودبافزونی قوا مجبور اند همیشه مترصد اند که از قـوت بحـری ، بری واقتصادی یکدیگر واقف وباخبر باشند و برای کشف همین مطالب‌مهمه که ذریعه اجرای فعالیت‌یا وسیله‌بقای شخصیت است و جود جا سو سان حتمی وضروری دیده‌می شود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 16 of 596

جاسوس چنانچه بزمانه حال موجود است ازینکونه است :—

۱ . ان جاسوسان اند که علناً وظاهراً باسم (اتاشه) باسفرای دولت خود دردول دیکر رفته برای معاینه ومشاهده قوای بحری و بری و هوائی اندولت بکمال جدیت وسر کرمی مشغول عملیات شده ، بااشخاصیکه ازانها اندك فائده هم بحصول ایدطرح موالفت وموانست انداخته بس نکات دقیقه مهمه را کشف کرده بدولت متبوعهٔ خود ازان خبر میدهند . اینکونه جاسوسان بی اهمیت نی بلکه نایل در جات منیع اند و بهر دولتیکه باسفیر دولت خود میروند برسمیت شناخته شده مرتبهٔ فائقه را احراز میدارند چنانچه اکر مناصب شان از درجه کرنیلی بالاتر باشد در در بارها بالاتر از جنرال قونسل دولت خود (باانکه ان جنرال قونسل مامور سیاسی هم باشد) جا کزین می کردد ؛ نظر باهمیت خدمت و سختی و مشکلی ماموریت اینکونه جاسوس ها خیلی عاقل وهشیار

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 17 of 596

وفارغ التحصیلان مکاتب عالیه حربیه میباشند تا توانند بمدد تیزبینی ، دقیقه‌فهمی وموقع شناسی بس فواید فائقه برای دولت متبوعه خود ابراز نمایند .

۲ . جاسوس‌های خفیه‌است که‌وجود ایشان برای بهبودی دولت ازحد زیاده حتمی ولازمی دیده میشود . وظیفه اینگونه جاسوس ها خیلی تهلکه ناك ومهمست هرکس نمیتواند که بآن اقدام کند مگر آن اشخاص جرار، دلیر، شیر دل ، تیز هوش ، باوجدان صاحب ایمان که بسنابر حفظ ناموس وطن،مخاطرات وتهلکات این خدمت رمشقت رابرخود آسان‌دانسته حیات ملی را برحیات شخصی رجحان وبلندی دهد .وباآنکه باربار بدم هلاك رسیده نجات یابد از اجرای وظیفه مقدسه خود نه کشف وتحقیق رموزات سریه واحوالات خفیه دول رقیب همچشم ، وتدقیق اسباب وآلات آنها ازقبیل استحکامات ، توپ ها ، تفنك ها چها وچها لوازمات جنگی که‌واسطهٔ ترقیات وافزونی قوا میگردد ابداً نکول واغفال نکرده پیش از پیش بحصول فوائد عالیه برای

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 18 of 596

دولت متبوعهٔ خود متوجه و مشغول می شود . وهزارها بار خود را بدم تیغ رسانیده وهدف گلوله ساخته بدستیاری اسرار پیچیده مقتدر می سازد .

در اوروپا که خیالات جهانگیرانه وخواهشات شهوت پرستانهٔ آنها . برخیالات وخواهشات مردمان سائر نقاط دنیا بیشی وافزونی دارد وپیوسته هر دولت ان جداگانه باز دیاد قوای خود بمدعای غلبه کردن بر قوای دولت دیگر، بطور سری مشغول اقدامات وعملیات اند اینکونه جاسوس ها خیلی بسیار و خارج از حد حساب اند و با انکه مبالغ خیل هنگفت درین راه بصرف میرسد اصلا در قلت مخارج وصرفیات آن نشده علی التوالی در بودجه ان افزونی میدهند و نسبت باخراجاتیکه میکنند منافع بیشمار مأخوذ هم میدارند چنانچه اگر یکبار دولت جرمنی (پیش از جنك) پیش از همه دول دیگر بساختن یك جهاز جنگی خیلی عظیمه خفیهٔ اقدام میکرد جاسوس های دول دیگر در پی تحقیق وتدقیق ان افتاده بهزاران مشقات باستدراك

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 19 of 596

کلا نی ، جسمی ، قوهٔ ماشین و طاقت وعدد توپ ها و دیکر اشیای ضروریه مهمه ان کامیاب امده بدولت های خود خبر می دادند و انها نیز برای برابر داشتن قوای خود بساختن یك یاد و جهاز بهمان اوصاف مبادرت میکردند وهمان طور هردولتیکه میخواست خفیهً قوای خود را افزونی دهد دول دیکر بذریعهٔ جاسوس های خود واقف کشته بهمان وتیره بقوای خود می افزودند

۳ . جاسوس های بی شرف بی ناموس اند که ذرهٔ پاس ناموس وطن وشرف وحیثیت انرا نداشته پیوسته بیك روش خیانت کارانه برای دادن احوال ملك خود بدولت خارجه مشغول کشته از عایدات ان ،خواهشات خود را پوره میکنند . این میکروب‌های مضره برای فوائد ومنافع دشمنان خیلی مفید افتاده انقدر برای ملك و ملت خود مضر ثابت می‌شوند وانچنان راز هارا بدشمن بیان میکنند که جاسوسان انها بکشف و تحصیل ان اسرار کامیاب امده نمیتوانند انها

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 20 of 596

عالم شمس

آفتاب جهانتاب ، خورشید ضیا پرتاب . یکی از جمله مخلوقات عظیم وجسیم حضرت (خداوندعلیم)جل‌و علی شانه‌است. هر روز ازمطلع افق طلوع نموده،رواق آفاق‌را زراندود می‌نماید، وازطلوع آن ظلمات فلا کت سمات متلاشی ومندفع شده، برتمام دنیاازبروبحر، وسهل وجبل ، ضیای فرحت انتمای آن پرا کنده ومنتشر شده ، یك سرور غریبی درعالم پیدا شده ، حیات تازه دراجسام می‌دمد . جسمی است نهایت کرم و درغایت درخشندگی ، چندی پیش ازین مردم بدون اینکه آنرا یك قرص منور ودرخشنده‌خیال کنند، از شکل هیئت ، صورت ، حرکت ، بعد ومسافت آن اززمین کسی واقفیت کاملی نداشت ، تا اینکه علمای محققین وفضلای‌مدققین فن هیئت دررصد خانه‌های مشهورعالم مانندلندن ،پاریس وغیره بادوربین‌های نهایت طاقت‌ور اهتمامات ومساعی‌زیاده نموده، رنج‌وتعب‌را برخود گوارا کرده، بسی استکشافات ومعلومات حاصل نموده بمطلب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 21 of 596

ومقصد خود کامیاب آمدند . بنده میخواهم که نبذه‌از آن معلومات را عرضهٔ قارئین دانش‌قرین خود میدارم :

(۱) بعد افتاب از کره‌ارض :—

بعد افتاب اززمین ، بقدری است که هر گاه کلوله توپی که درهرثانیه چهار صد میتر (یك‌میتر = یك گز وسه‌انج)قطع مسافت کند بیندازیم ،دوازده سال طول میکشد تابه‌افتاب برسد .

اگر قطار آهنی که درهر ساعت ۳۰ میل حرکت وشب‌وروز دررفتارباشد ، درعرصهٔ (۳۳۸) سه‌صدو سی‌وهشت سال اززمین به آفتاب خواهد رسید .

(۲) نورافتاب‌وسرعت رفتار آن :—

نور افتاب (۸۰۰۰۰۰) هشتصد هزار برابر نور ماه چهارده است . نورافتاب درهشت دقیقه وسیزده ثانیه پس ازطلوع به‌زمین میرسد ، وسریعترازهرچیزیست که بخیال بگنجد ، یعنی درهرثانیهٔ سیصدهزار کیلومتر (کیلومیتر = هزارمیتر) حرکت میکند .

(۳) محیط افتاب :—

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 22 of 596

دورا دور افتاب اگر یك قطار ریل كشیده شده باشد، وریل بسرعت وبطائت مذكور فوق (سی میل فی‌ساعت) متواتراً رهسپار است وشب وروز حركت بكند ، دوره‌اش درعرصهٔ ۹ سال تمام واكمال می‌شود، حالانكه اگر چنین سفر كردا كرد زمین اجرا كرده شود درظرف یكماه سفر ماصورت‌اختتام می‌پذیرد

(٤) قطر افتاب: —

قطر آفتاب (یعنی طول خطیكه ازیك طرف شروع شد،ازمركز كره افتاب گذشته بطرف دیگر می‌رابد) ، ۸٦۷۰۰۰ ، هشتصدو شصت‌وهفت‌هزار میل‌میباشد.

(٥) وزن .—

وزن افتاب بنسبت زمین (۳۳۰٬۰۰۰) سه‌صدو سی هزار چند است ، یعنی اگر كره افتاب را دریك كفه ترازو بگذارند (۳۳۰) هزار مثل كره زمین را دركفه دیگر باید گذاشت تابمیزان بیاید .

(٦) حجم : —

حجم افتاب بنسبت‌زمین(۱۳۳۰٬۰۰۰) چنداست،

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 23 of 596

یعنی افتاب اززمین سیزده لك ومی هزار چند حجیم تر و کلانتر است .

(۷) حرکت :—

افتاب بدورمحور خودش ازمغرب بمشرق می چرخد: افتاب یکدور وضعی خودرادر ۲٤ شبانه روز تمام میکند.

افتاب را چون بادوربین به بینیم لکه های سیاه زیادی و نیز لکه های روشن دارد، که بهرحال این لکه ها متصل درحرکت هستند، وحرکت وضعی ومدت یکدوره افتاب ازین معلوم شده است .

افتاب علاوه از حرکت وضعی خود دارای یك حرکت دیکر نیز هست ، که باسائرسیارات (مثل زمین، مهتاب ، عطارد زهره، مریخ ، زحل ، مشتری وغیره) که درحول او بشکل بیضوی ومریك درمیعادهای مختلف کردش می نمایند ، جملهٔ بیك سمت نامعلوم که علمای فن هیئت تاحال آنرا معلوم نکرده اند درحرکت است .

(۸) حرارت افتاب :—

افتاب چنان حرارت فوق العاده را مالك است که

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 24 of 596

درخط استوا ، (یعنی دروسط زمین) دریك ساعت دریك میل مربع ۲۶۰۰۰ بیست وشش هزار تن (یك تن=) یخ را گداخته میتواند. واین حرارت یك حصهٔ ازدوهزار ملیون حصهٔ کرمی است که از افتاب خارج میشود ؛ یعنی اگر مقدار حرارت مذکوررا با (۵۰) ملیون ضرب داده شود جمله حرارتیکه دریك ساعت ازافتاب بهزمین میرسد معلوم خواهد شد .

عناصریکه (عناصرجمع عنصراست ؛ وعنصر انست که یك جزو داشته باشدوقابل تجزیه نباشد) درزمین موجوداند مثلاً طلا، نقره، مس جست وغیره $\frac{4}{7}$ حصهٔ ان یعنی زیاده ازنصف تعداد ان بذریعه سپکتر سکوپها درافتاب مشاهده شده است فلزاتیکه درافتاب مشاهده شده است ازشدت حرارت ، وغایت کرمی ازحالت جمودیت ومایعیت وارهیده حالت بخاررا اختیار نموده اند ، وهمچنانکه کره هوائی زمین را احاطه نموده است بخارات فلزی نیزاطراف افتاب بصورت ابرسفید

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 25 of 596

احاطه نموده‌اند . ودر زیراین طبقهٔ بخار بعضی مواد بصورت مایع نیز موجود است ، لیکن گفته نمیتوانیم که ایا چه چیز است ؟ انتها

(ع احمد)

صنف تهیه

طرز انشاء در مکتب ! ! !

اندرز یکی ازطلبه مدرسه برای یکی از هم‌صنفانش

برادر عزیز بافرهنك من معاین است که محبت‌وطن یگانه ذریعه امتیاز ملت ومخصوص واسطه افتخاردولت است وطن کافی‌الحقیقت محفظهٔ‌روح وقالب‌جان یك‌ملت است لامحاله‌صرف مساعی آن ملت‌را درصیانت‌وحفاظت خود متقاضی است و وطن که موجب نشو و نموی نهالهای آرزوی افراد ملت است لابد احترام ومحبت فوق العادهٔ از آنها را نسبت بخود متمنی است برادر عزیزمن اکربامورات عالم لحظهٔ صرف نظر دقت نمائیم وبه تفاخر ونازش های بعضی از ملل غور فرمائیم می‌بینیم که هر آن بلیتیکه در بهبودی وترقی حل مقدس

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 26 of 596

وطنش حصر قوی نمود ودر راه تعالی وتوسعهٔ آن اظهار
کمالات نفرمود علم امتیاز در بین اقران برافراشت ونامی
باشرف وعزت در صحائف تواریخ گذاشت شك نیست
که رعایت تحفظ ناموس وطن برسائر افراد یك ملت
امریست لازمی وجادادن محبت این مادر شفقت پرور
درقلوب فرزندان باناز پرورده اش کاریست حتمی وطن
است که بعد ظهور شخصی بعالم وجوددر آغوش مهر
ومحبتش میکشد ووطن است که جسمش را بعد وداع
روح درسینه بی کینه خود جامیدهد ملتیکه قدراین همه
مراحم وفیوضات وطن را نشناخت شرف وافتخارذاتی
خودرا به دونخستین باخت و گروهی که تعالی وبرتری
خودرا درخرابی وتباهی آن تصور نمودفی الحقیقت بنای
قصر مجهولی درهوا فرمود تکمل ایمان بدون محبت وطن
محال است وحصول رضای حضرت باری عزاسمه بغیر
الفت آن خیال پس ازین همه مبرهن میگردد که مایان همه
درتحمل مصائب درراه خدمت وطن مجبولیم ودرعرض
و تقدیم کوشش های عاجزانه مان برای توسعه و ترقی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 27 of 596

آن مجبور لازم است خمولیت را بدرود ابدی گوئیم وابدً راه جمودت نپوئیم رضای حضرت باری تعالی را درخدمت وطن منوط دانیم وذرایع وترقی وترفع خودرا دربین هم چشمان خویش با آن مربوط شماریم ـ باینطریق دردوائر متمدنهٔ عالم سری بافتخار نجنبانیم ودر حلقه های متنوعهٔ تهذیب راه یابیم فقط

نامه یکی از طلبهٔ صنف رشدیه سوم برای

یکی از هم صنفانش

عزیز روشن ضمیر وبرادر خلوصیت تخمیر من نامه‌ات رسید ومزید مسرتم گردید چون اولین نامهٔ ایست که برایت میفرستم پس نمیخواهم ازتذکار نصایح مفیده معراواز افکار بعضی تهدیدات مهمه مبرا باشد برادرعزیزم اولا باطاعت اساتذهٔ محترم وازخود بزرگانت وصیت ونکهداشت شرایط حسن اخلاقت نصیحت میکویم ومخالفت ازاین دوچیزرا سرحادهٔ تهلکه حیاتت ارائه می‌نمایم چونکه استرضای حضرت ایزد متعال جل

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 28 of 596

ذکره باطاعت بزرگان منوط واستمالت عباد برعایت شرایط حسن اخلاق مربوط است محسنات اخلاق مؤدت تولید میکند وعدم اطاعت بزرگان شخصی را ازدائرهٔ انسانیت تبعید می نماید یکانه ذریعهٔ که موجب افتخار انسان وسبب امتیازش دربین اقران میگردد سپردن جادهٔ حسن اخلاق وبدرود گفتن تکبر ومنی است زیرا که تکبر در وجدان شخش تنفری نسبت بهم جنسانش تولید کرده آنها را در نظرش خوار وبی مقدار وا نمود میکند وشك نیست این نوع خیال درحق دیگران خود شخص را در نظر همکنـان منفور واز دایرهٔ الفت شـان مهجور میسازد

بیت

زخود کامی بیرون آو نیاز خلق شو بیدل
که اوج قصر همت هاهمین یك ذرد بان دارد

چون خودت درجـله اهل معارف مشمول ودر دائرهٔ ارباب علم محسوبی میدانی که در ابراز این چند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 29 of 596

کلمه جز خلوصیت مرادی وبغیر عرض صداقت مطلبی ندارم ولی می ترسم ا گررشتهٔ کلامم را طول دهم ملول کردی واگربسیار کویم محزون شوی پس بهمین قدر اکتفا ورزیده ترا ازصحت خود وباقی دوستان اطمینان بخشیده بامان خدا میکویم فقط ملاحظه شد درست است

(جریده تیلفون)

امروز درلندن عده درکاراند که جریده تیلفونی مثل جریده که در (بوداپست) پای تخت مجارستان قبل از جنك بوده تأسیس نمایند ، طریقه تشکیل این جریده اینست که یك سر رشته سیم تیلفون خصوصی برای هر مشترکین کشیده . واز مرکز اخبار ابلاغ میشود بدینطریق ـ درساعت یك صبح ساعت زنك (۱) زده و تا آخر روز هرساعت زنك می زند دراول صبح اخبار شهری وحوادث جنك وغیره را اشعار میدارد .

درظهر خلاصه اخبار روزرا بضمیمهٔ حکایات کوچك ابلاغ می نماید .

بعد ازظهر مشغول بنواختن الحان موسیقی کردیده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 30 of 596

وتادوساعت دوام دارد و درطرف عصر تیاتر رو مانی ازان درهفته پنج مرتبه شنیده میشود .

کوه آتش فشان و ذریعه پیدایش آن

حکمای جدید خیال دارند که زمین یك حصه آفتاب میباشد . چون آفتاب . یك کره کرم ونهایت سوزنده است زمین که یك حصه آن است در ابتدای پیدایش نیز همچنان بود مگر ارباعث برودت هوا حصه خارجی آن که آن را پوست زمین میگویم منجمدشده وحصه وسطی یاداخلی آن همچنان مانده است کوه آتش فشانرا در انگریزی و الکنو مینامندازوالکن که نام معبوده آتش رومن است مشتق شده است درابتدای زمانه کره زمین صرف یك کره ماده رقیق وبخار بود بعد از مرور زمان از باعث اخراج حرارت که مطابق قانون قدرت است سرد شده تابحدی رسیده که ماده رقیق خارجی صورت پوست سخت را اختیار کرده مگر تاحال اندرون زمین همانقسم رقیق بصورت اصلی خود مانده است ضخامت این پوست در مختلف

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 31 of 596

جابها مختلف یعنی در بعضی مقامات کم ودر بعضی زیاداست
مقامات که ضخامت پوست زمین در تمامی حصص
آن کم اند قرار ذیل است

ساحل مغربی امریکه . جاپان ـ جاوا سوترلیند
مشرق استریلیا . بعضی علاقه بحر منجمد شمالی .
اسیس لیند حصه مغربی جزیره برطانیه ویورپ اند

چون آب بحرهاوعذبرها بمقدار کثیراندرون زمین
داخل شده رفته رفته بماده رقیق زمین میرسد وازباعث
شدت حرارت حصه وسطی زمین ، آن آب بصورت
بخار تبدیل شده حجم آن ازپیش بیش میکردد . درین
اثنا مجبور میشود که جای زیادی را بگیرد (زیرا که
هرچیزیکه بران حرارت رسانیده شود در حجم زیاد
میشود) ازین باعث بخار و دخان قوت زیاد پیدا کرده
جائیکه پوست زمین نازك باشد آنجارا ترقانده از راه
آن دخان وخاکستروبخار ودودو کو کرد و آهن وبعض
فلزات که اندرون زمین میبا شد بهمراه خود از دهن
آن سوراخ اخراج میکنند . ونیز از باعث جد وجهد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 32 of 596

زیادی جنبش زمین پیدا میشود که انرا زلزله مینامند چون همان اشیای گداخته قریب زمین میرسند ازباعث سردی هوا تبدیل حالت نموده‌صورت انجمادرا اختیار میکنند بالاخر اشیای منجمد شده باطراف آن مخرج جمع شده صرف بآ نجا یك و یااضافه سوراخ‌مینماید که ازان سوراخ اشیای گداخته خارج میشود و یك دهن مخروطی میسازد واین‌سوراخ باندرون‌زمین تاقریب‌چند میل ممتد شده میباشد وازان اشیای گداخته مثل آهن گو گرد ، دود بمانند فواره آب‌جاری می گردد خانه ها ومسکن ها که قریب کوه آ تش فشان باشد دفعتاً برباد شده بزیر تپه های خا کستر پنهان میماند .

دود ودخان آن تاصدها وهزارهامیل بروی اسمان نمودار میگردد هرگاه کوه آتش‌فشان‌همیشه جاری‌باشد آنرا کوه آ تش فشان زنده وهر گاه مدتی‌جاری‌وبعد ازان‌خموش گرددآ نرا کوه آ تش فشان خفته وهرگاه یك دفعه ظاهر شود وبعد ازان کاملاً خاموش گردد ودیگر دفعه ظاهرنگردد وبحالت اولین خویش رجعت نماید آ نرا کوه آ تش فشان مرده مینامند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 33 of 596

کوه‌های آتش فشان مشهوره دنیا !!!

کوه اتنادرسسلی .... ۱۱ فت بلندمیباشد این کوه بلند ترین کوه‌های آتش فشان دنیا میباشد ، کوه‌وسو وس در اطالیه که یك کوه اتش فشان فعال یورپ شمرده میشود . کوه ستر ومبولی بریکی از جزایر ساحل سسلی واقع است این یك کوه اتش فشان فعال است که همیشه اتش بار وشعله‌نثار . میباشدودقیقه ازاتش فشانی باز نمی‌ایستدواینرالائیت هوس (مینار چراغ دار) بحیره روم میگویند که جمیع جهازات که این بحیره بی سروپاراعبور می‌نمایدازروشنی ضیاپرتو این چراغ قدرتی استفاده کرده بمنزل مقصود خویش مایل میکردند .

نکته از تاریخ دنیا

درین مقام اولاً تاریخ باشند کان دنیای قبل‌التاریخ وترقی وانتشار مدنیت در از منه متعاقبه وبسی نکات مفیده فایده را مختصراً رقم نموده ، سپس تحت عنوان دنیای حاضره بعضی فقرات مفیده از احوالات اقوام وملل موجوده بحث وبیان کرده میشود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 34 of 596

ازروی فن مبرهن گردیده که دنیا بس سالهای دراز پیشتر از پیدایش بنی نوع انسان عرض وجود کرده باانکه میدانیم که انسان هزارها سال پیش ازانکه تاریخ نوشتن بظهور آمده موجود بوده اند این زمانه واین اقسام مردمانرا زمانه ومردمان قبل التاریخ میگوئیم این یك ظاهر است که دنیا از ابتدای خلقت تا حال موردبس انقلابات وحوادثات گردیده است آری چقدر جنگل های کثیره وسیعه زیر بحرهای ژرف پنهانمعدوم گردیده وتاچه پایه ابحار زخار املاك باشان و شوکت پر دبدبه را در شکم خود فرو برده زلزله های بیشمار وولکان های آتش نثار تاچه اندازه اسباب تغیروتبدل سطح زمین گردیده است مگر همین حوادثات فلاکت سبات نه تنها واسطه انهدام املاك گردیده بلکه اهالی آنرا نیز کاملاً زیر وزبر گردانیده پیش ازخلقت انسان برروی زمین حیوانات وکرکدنهای مودارواز همه مشهورتر یك قسم حیوان دیگر که بنام ماموته مشهوراست موجود بودند واز آن حیوانات الحال اثرونشانی باقی نیست .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 35 of 596

آثار ماموته درسایبریا از زیر یخ ها و برف های قدیمه که ازسال های دراز روی هم افتاده اند یافته شده که بصورت اصلی محفوظ ومصئون مانده است حتی چند سال پیش اززیر انبارهای یخ یك ماموته مرده کشیده شد که پوست وموی کاملاً سالم بوده دارای اوصاف یك حیوان زنده بود چنانچه شخصیکه بکندن وکشیدن آن ازتحت یخ کامیاب آمده بود برای مدتی به نزد آن جرأت کرده نمیتوانست .

بعضی اوقات آثار همین حیوانات با آثار انسان درمغاره ها ظاهر وعیان گردیده مبرهن میسازدکه این حیوانات بااشخاص قبل التاریخ همعصر وهم زمان بودند آثار بس حیوانات دیگر که اکنون ازانها نشانی باقی نمانده نیز بهمان وتیره پهلو به پهلوی انسان یافته شده .

انسانها اولاً وحشی بوده ازصنعت وکمال کاملاً بی بهره بودند البسه شان پوست حیوانات بوده در غارها وسوراخهای کوه‌ها ودرختها معیشت بسر کرده ازتعمیر عمارات کاملاً بی خبر بودند خوراك شان مشتمل برصید

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 36 of 596

حیوانات بوده ازطبخ طعام لذیذه واقفیتی نداشتند تاانکه آهسته آهسته بمیدان علیای ترقی پانهاده بدرجه کمال حاضره رسیدند .

آثار انسان ها درمغاره هایکه دران بود وباش داشتندباآلات واسبابیکه درازمنه مختلفه استعمال میکردند بسا اوقات بموقع ظهور آمده نه تنها همین اسباب درمغاره‌ها موجود بوده بلکه چاقوی سنگی کلفت چکش ها، اسباب والات دیگر نیز بکناره های دریا جائیکه روز مره برای سدرمق و تسکین جوع بشکار کردن وماهی گرفتن مشغول بودند یافته شده .

دربعضی مقامات دنمارك . سکات لند اسباب های طبخ واستخوانهای جانوران مثل گربه‌سك روباوخرس ازمیان توده های خاکستر بظهور آورده شده واینهم مشهور است که همان توده های خاکستر وپاروی ممالك مذکور قریباً هفده هزار سال معمر بوده این یك عادت مردمان قدیم بوده که بامردگان اسلحه و اسباب دفن میکرده اند این اسباب، آثار وقبرهای ان مردمان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 37 of 596

ازمنه قدیمه تا کنون موجود مانده یاد کار های خیلی
قیمتدار تشکیل داده که بذریعه آنها ترقیات انسانی از
درجه وحشت بحالت مدنیت تعقیب واستکشاف شده
اسباب والاتیکه اولاً ازدست انسان بعالم صنعت قدم
نهاده اسباب سنکی بوده بانسبب بزمانه حجرمشهور شده
که اولا بصورت خیلی نازیبا و عاری از شکل منتظم
ودل آرابوده ثانیاً بوضع درست و قواره خوب ساخته
شده وآهسته آهسته کنده کاری ومقبولی را کسب
کرده این حال بهمین منوال هم دوام نکرده دورهٔ
اولین ترقیات انسانی را انجام و صورت ثانی را ابتدا
کرده که درین دوره الات و اسباب از برنج بصورت
آمده واین زمانه بنام دوره بازمانه برنج مشهور شده
دربعضی مقامات دنیا درین وقت همه اسباب واشیای
کارامدرا از مس میساختند بعدازانقضای صدها سال
مردمان بکشف واستعمال آهن فایزو کامیاب آمده بس
الات محیرالعقول ایجاد نمودند این زمانه بنام دورهٔاهن
موسوم گردیده بدورهٔ ان بی نوع انسان شهراه ترقی
وتمدن رسیده درجات منیعرا کسب نموده باقیدارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 38 of 596

— مدو جزر اسلام —

کرچه اکنون داغ حسرت بردل ماسوختند
خود بده انصاف آخر از کجا آموختند
در اروپا وانطی (۱) طرز رجز ازما ببرد
روزن و(۲) لونارد (۳) ازمافن الجبرا به برد
آن زمان کردیم بنیاد شریعت استوار
بود درلهو ولعب افتاده خلق ازهر کنار
داده درحرص وهوا از کف عنان اختیار
بود پست افتاده هر ملت زاوج اعتبار
طاعت ایزد بدوش روز کاران بار بود
طبع عالم از هجوم معصیت بیمار بود

(۱) وانطی - اول کسی است که طریق رجز عرب را بزبان انکلیسی شرح داده

(۲) روزن - اول شخصی است که علم الجبرا را از زبان عربی بزبان فرانسوی نقل کرده

(۳) لونارد - اول کسی است که الجبرا واقلیدس را ازتازی به انکلیسی ترجمه نموده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 39 of 596

راهب از تقلید پاپاره (٤) زچه نشناخته
پیروان دین عیسی را به چه انداخته
قبلهٔ آمال خود تصویر مریم ساخته
درقمار حب دنیا دین وایمان باخته
از طریق راستی افتاده هربطریق (٥) دور
وزشعاع آفتاب صدق چشمش مانده کور
خواراز کردار بد گردیده نسل انبیا (٦)
ساخته ازسر بدر اندیشهٔ روز جزا
کرده دورازچهرهٔ خود پردهٔ شرم وحیا
سرنهاده درمعاصی ازره حرص و هوا

(٤) پاپ - اسقف اعظم فرقهٔ کاتولیك که ایشان تصویرحضرت (مریم ع) (وعیسی ع) را سجده میکنند

(٥) بطریق - سرداری ازسرداران سلطنت رومیه

(٦) نسل انبیا - عبارت است ازبنی اسرائیل که اولاد حضرت (ابراهیم ع) و (اسحاق ع) و (یعقوب ع) و (یوسف ع) و (یهودا ع) وغیر هم هستند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 40 of 596

مشرب خود کرده کاهن (۷) شیوهٔ شرب الیهود (۸)
زانکه از توریت موسی در دلش حرمت نبود

(۷) کاهن ماخوذ است از کوهین که لغت عبرانی است یعنی عالم و دانندهٔ توریت - چون ایشان از برای فریفتن عوام اکثر فال گیریها میکردند از نجهت عربان ساحر و غیب گو را کاهن میگفتند

(۸) شرب الیهود - در اصل شراب خوردن یهود است - چون در توریت دربارهٔ باده خوری قدغن شدید وارد است آنقوم شراب رسبیل اختفا می خوردند - بنا بران شعرای زبان فارسی در اصطلاح خود پنهان شراب خوردن را شرب الیهود میگویند ::

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 41 of 596

ودرهرجائیکه باشم مرا مبارك نمود . روزولادت من وروز وفات من . وروزیکه باز زنده شوم بمن سلامتی داده شده است . یهودیها چون این را شنیدند بحیرت ماندند وازحضرت (مریم ع) دست کشیدند . لا کن اما پسری بی پدر پیدا شده می تواند . این است که سخن درمابین یهودیها موجب قیل وقال بسیار گردید و آخر درحق (زکریا علیه السلام) بدگمانی کرده اورا شهید کردند چه غریب چیزی است که یهودیان اینرا باور میکردند که (آدم علیه السلام) بی پدر ومادر پیدا گشت واینرا باور نکردند که عیسی علیه السلام تنها بی پدر پیدا شود (مریم عیسی علیه السلام) را گرفته باپسرعم خود یوسف نجار بمصر رفت دوازده سال در آنجا ماندند بعدازان پس بدیار قدس آمده درقریهٔ ناصره سکونت اختیار کردند (عیسی علیه السلام) چون (۳۰) ساله شد نبوت ورسالت باو آمد . ویك مرده را زنده کرد وچشمهای کورهای مادرزاد را بینا ساخت وبروی آب رفتار نمود مانند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 42 of 596

این بسی معجزه ها نشان داد تا سه سال قوم خودرا بدین حق دعوت کرد . ولی تنها دوازده نفر باو ایمان آوردند که آنهارا حواریون میگویند . نخستین آنها (شمعون) (رسمعان) که درمیان نصاری به (پطرس) مشهور است ودیگر یهودهای یوطی که نصاری اورا (یودا) گویند بغیر ازین دوازده نفر یهودیها بی آنکه ایمان بیارند چنانچه حضرت (یحی ع) را کشتند برکشتن حضرت (عیسی ع) نیز قرار دادند. (عیسی علیه السلام) شب آخرین بود که باحواریون یکجاه شده به پنهانی مصاحبت میکردند . یهودیان نیز برای کشتن او بهرطرف تلاش می نمودند (عیسی علیه السلام) به حواریون گفت:- پیش ازصبح یکی ازشما مرا انکار خواهد کرد وبیك مبلغ بسیار اندك مرا خواهد فروخت بواقعی که یودا پیش ازصبح نزد یهودیان رفته چیزی رشوت گرفته جای (عیسی علیه السلام) را بآنها نشان داد یهودیان برگرفتن عیسی علیه السلام و کشتن او بانجا هجوم آوردند ودرانجا ازشدت حرص وتلاش (عیسی علیه السلام) برایشان مشتبه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 43 of 596

کشته بجای او یودای خائن را گرفته صلب نمودند گمان کردند که (عیسی علیه‌السلام) را صلب کردیم .

الله‌تعالی حضرت عیسی‌علیه‌السلام را مانند ادریس علیه‌السلام زنده بآسمان برداشت واو را ازغایله دنیا ، رهائی‌داد . ازین سبب‌است که اسم یودا درین نصاری بحقارت یاد میشود وکسی‌را که بد وخاین میخوا هند بگویند یودا می گویند .

بعد ازان حواریون بنابر وصیت عیسی علیه‌السلام باطراف پراکنده شدند وبتلقین دین عیسوی مشغول شدندولی‌چون‌دنیادرانوقت از کفر وشرك پربود ازآن رو دین عیسوی آشکارا اجرا نشده زیاده از سه صد سال پنهان ماند .

عیسویان درزیر زمینها ومغارها به پنهانی عبادت میکردند وهر کسیکه ازآنها بدست‌یهودیها می‌افتاد بسیار جور وجفاها میدیدند . سه صد وده سال بعدازتاریخ میلادی علیه السلام قسطنطین امپرا طور روما آشکار باجرای دین عیسوی اجازت داده خود عیسائی شد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 44 of 596

بعدازان پیروان دین عیسی بسیار شدند و عیسویان را نصاری گفتند نسبت به ناصره که جای سکونت عیسی علیه‌السلام بود کتابیکه ازطرف(خدای تعالی) به عیسی علیه‌السلام آمده انجیل نام دارد لاکن انجیل اصلی در وقت عیسی علیه‌السلام نوشته نشده بود واین انجیل که حالا بهرزبان موجود است ومردم نصاری اورا انجیل میگویند چیزدیگر است و حقیقت نوشتن آن چنانست که حواریون جناب عیسی بعد ازآنکه بقرار فرمودهٔ او بهرطرف برای اشاعت دین عیسوی رفتند بنام انجیل شریف که ازطرف خدای تعالی برعیسی علیه‌السلام نازل شده بود بسیار کتابها منتشر کردید که یك قسمی ازآنها را به بعض حواریون ویك کمی از انها را به شاگردان انها نسبت کردند . این کتابها درباب سیرت جناب (عیسی ع) بقسم تاریخ نوشته شده بودند که در بعض جاها رعایتهای انجیل شریف هم داشتندلاکن این کتابها یکی بدیکری مطابق نبودند علمای نصاری چون دیدند که این کتابها باهم مطابق نیستند همهٔ آنهارا ازنظر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 45 of 596

گذرانیده چهار نسخه ازمیان انها جدا کردند که این چهار نسخه نسبت به باقی نسخه‌ها بصحت نزدیکتر بود اینست که درمیان نصارا انجیل شریفیکه متداول است همین چهار نسخه است که انها نیز بایکدیگر کامل برابر مطابق نیستند واصل انجیل شریف بدست نیامده است چون که شریعت عیسوی در اول خوب ضبط نشده بود کار دین عیسی بدست پاپها ماند (پاپ عالم کلان نصاری را می گویند که در نزد نصاری بمنزله مجتهدین مذهب اسلامست وخود رانائب جناب عیسی میدانند) اخرازسبب خواهشات نفسانی پاپها دردین عیسوی اختلاف بسیار پیدا شد . عاقبت بخدای تعالی قایل شدندو جناب عیسیع را پسر خدا قرار دادند ورفته رفته دین عیسوی مثل بت پرستی شد نصاری درعبادت خانه های خود تصویر ها او بختند وکلیسا های خود را مانند عبادت خانهای مشرکان ساختند . ازین سبب مقصد اصلی ازد یانت که توحید خدای تعالی است ازمیان نصاری کم شد ومردم گمراه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 46 of 596

ماندند وبقرار عادت (خدای تعالی) که چون مردم راه حق کم می کنند برای هدایت شان پیغمبری می‌فرستد وقت امد که خدای تعالی برای هدایت مردم یك پیغمبر بفرستد ودین حق را باز قایم کند ، این پیغمبر پیغمبر ماجناب (محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم)بود .

— ٢٥ —

جناب پیغمبرما حضرت محمدعلیه السلام

در قصهٔ جناب هود و اسمعیل علیه السلام چیزی از احوال عربستان احوال مردم عرب پیش از اسلام واهالی آن خوانده بودیم حالااز احوال اخلاقی ودینی آن مردم چیزی می‌نویسیم : عربها مثل افغانهای کوچی وطن ماهمه جاهل وبدوی یعنی صحرا گرد بودند بلکه (حالا هم اکثرشان همین طور هستند) و در غزدیها سکونت داشتند ، وبه چوپانی وراهزنی گذران می‌نمودن ، وباندك سخن هرقبیله بادیگر قبیله سالی چند دفعه جنك میکرد ، وجنگهای شان به سالهای درازتمام نمیشد ، ازین سبب همه وقت مردم بسیار ازانها کشته میشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 47 of 596

دین ا کثر مردم عرب پیش از اسلام بت پرستی بود چنانچه تنها درخانهٔ کعبه که مامسلمانان روز هرپنج وقت در نماز بطرف آن رومی آریم ، (۳۶۰) بت چیده مانده بودند ، وعربها با آن سجده وعبادت میکردند . وبعضی به دین نصاری واند کی بدین یهود ، ویك کمی به دین جناب ابراهیم و جناب اسماعیل بودند شراب خوری وقمار بازی ومال عاجزان ویتیمان را بزور گرفتن نیزدر میان شان رواج داشت . اگرزن شان دختر می زائید عار کرده آن طفل بی گناه رازنده به گور میکردند .

احوال دیگر مردم دنیا پیش از اسلام

حال مردم عرب پیش ازاسلام همین بود که خواندیم ، اما حال مردم ایران که همسایهای مردم عرب بودند وحال دیگر ملتهای دنیا دربیدینی وبد اخلاقی وجور وظلم ازین هم بتربود ، خلاصه در دنیا کسی نبود که خدارا به یکانگی خالص پرستش میکرد ، هرطرف را تاریکی کفر وبداخلاقی وفسق وظلم گرفته واصلاح آن بظهوریك پیغمبر موقوف بود ، زیرا که خدای تعالی خرابی دنیارا نمی خواهد ، وبربندگان خود بسیار

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 48 of 596

مهربان است ، هروقتیکه گمراه شده عبادت اورا فراموش کرده اند ، برای هدایت انها یك پیغمبر فرستاده است چنانچه در قصهای انبیای گذشته این سخن را بارها خواندیم .

احتیاج مردم برای پیغمبر نو

خرابی دین عیسی را دربالا خوانده بودیم که نصاری توحید خدا را فراموش کرده به سه خدا قائل شده بودند ، واز جناب عیسی قریب (٦٠٠) سال گذشته بود که دیگر پیغمبر نیامده بود ، درینوقت خدای تعالی خواست که یك پیغمبر بفرستد تااخلاق مردم را اصلاح نمایند وپرستش خدا به یکانکی در دنیا قایم کنند .

این پیغمبررا ازملت ایران وروم تعین نکرد ، چونکه انها بسیار بداخلاق وبی اندیشه وبی غیرت شده بودند عربهای حجاز که اصلا تابع پادشاهان ایران وروم نشده بامردم آن مملکتها همراه نگشته بودند ، ازانها بهتر بودند .

عربها گرچه بداخلاق وبی دین بودند ، امابعض عادتهای خوب هم داشتند : مسافر پرور ، راستگوی ، غیرت ، سخنور وشاعر بودند ، بنابران خدای تعالی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 49 of 596

ان پیغمبر بزرگوار از قوم عرب تعیین کرده که ان جناب پیغمبر ما حضرت مصطفی علیه السلام می باشند .

پیشتر خواندیم که عربها قبیله های نهایت بسیار دارند عربهای حجاز که اولاد جناب اسماعیل می باشند ، هم چند قبیله بودند و صاحب اعتبار ترانها قریش نام یك قبیله بود زیرا که خدمت خانهٔ کعبه بدست همین قبیله قریش بود ، و ازین سبب دیگر قبیله های عرب نیز قبیله قریش را بنظر عزت و حرمت میدیدند :

قبیله قریش یك سرداری داشتند (عبدالمطلب) نام این عبدالمطلب ۱۳ پسر داشت نام یك پسر او عبدالله بود عبد المطلب این پسر خودرا از دیگر پسرانش بسیار دوست میداشت آمنه نام یك دختر را که پدرش وهب کلان قبیله خود بود بنکاح عبدالله دراورد .

آمنه از عبدالله حامله شد ، وبعد از ۷ ماه عبدالله برای سودا گری بمدینه رفته در آنجا وفات کرده ، بعد از دو ماه بوقت نماز صبح روز دو شنبه سنه (۵۳ . ن . ه) مطابق سنهٔ (۵۷۱ ۶۰) رحمت عالمیان پیغمبر ما

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 50 of 596

حضرت (محمد علیه السلام) ابن عبدالله درشهر مکه از شکم امنه به دنیا آمد

تربیت آنحضرت

چنانچه در بالا خواندیم انحضرت به‌دنیا یتیم آمدند ، پدر شان مرده بود ، بنابران پدر کلان شان عبدالمطلب تربیت آنحضرت‌را درعهده خود گرفت . چونکه شهر مکه بسیار گرم است ، وهوای آن بااطفال نوزاد موا فقت نمی کند ، مردم آن‌باعتبار حفظ صحت یك‌عادت خوبی‌داشتند که‌اولاد های نوزاد را به دایه کان‌صحرائی سپرده بیرون‌شهر می‌فرستادند ، عبدالمطلب‌هم انحضرت‌را به‌حلیمه نام‌یك دایه داده برای شیردادن به‌صحرافرستاد . حلیمه چند سال انحضرت را تربیت کرده ، بعد ازان گشته بمکه آورده به والده شان‌سپارید وقتیکه‌آنحضرت شش ساله شدند ، مادر شان هم وفات کرده و چون هشت ساله شدند پدر کلان شان عبدالمطلب نیز از دنیا گذشت . درینوقت کاکای شان ابوطالب پدرحضرت (علی کرم‌الله وجهه) آنحضرت‌را بحمایت خود گرفت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 51 of 596

انحضرت تاوقتیکه عیالدار نشده بودند بخانه ابوطالب می بودند .

زن گرفتن آنحضرت

اخلاق واداب انحضرت بسیار مقبول و کامل بود . هرگز دروغ نمی گفتند ، بکسی خیانت نمیکردند ، بی انصافی ، بیمروتی وبی حیائی ازانجناب اصلادیده نمی شد، بنا بران اعتبار شان روز بروز در نظر مردم زیاد میگشت . مردم مکه انجناب رامحمدامین میگفتند وقتیکه ۲٤ ساله شدند خدیجه نام یکی از زنان مالدار مکه او را چیزی از مال خود داده برای تجارت بملك شام فرستاد. شام یك ملك بسیار مشهورست بطرف شمال عربستان انحضرت قریب بملك شام مالهای سودا گری رابه بسیار زودی وفایده زیاد فروخته گشته امدند ، خدیجه از انحضرت بسیار ممنون شد ، وازانحضرت خواهش نمود که اگر اورا بنکاح بگیرد ، انحضرت بعداز مشوره با کاکای خود خدیجه را به سن ۲۵ سالگی بنکاح گرفت . دربالا اندکی از اخلاق نیکوی انحضرت راخواندیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 52 of 596

ان اخلاق وعادت شان روز بروز زیاده ترمیشد و مثل مردم مکه بتهارا پرستش نمیکرد ، بلکه خدارا یکانه میدانست وبتها وعبادت ان هارا بدمیدیدند وقتیکه به ٤٠ سالگی رسیدند در یك غار حرا نام یك کوه قریب مکه سنه وانحضرت همه ساله چند وقت دران کوه برای عبادت میرفتند .

از جانب حق تعالی بواسطه جبرئیل چند آیت از اول سورهٔ (اقرأ باسم ربك) براو نازل شد ، وازهمین وقت آنحضرت پیغمبر گردیدند . تا سه سال دیگر هیچ آیت قران شریف نیامد ، بعد ازان چند ایت ازاول سوره (یاایها المدثرقم فانذر) نازل شد ،

مسلمان شدن مردم

وانحضرت باظهار پیغمبری ، ومردم رابدین اسلام دعوت کردن مأمور گردید ، انحضرت این واقعه را اولا بحرم خود حضرت خدیجه بعدازان بحضرت ابوبکر وعلی وزید بن حارثه فهمانیدند ، همه انها مسلمان شدند . بعد ازان به دلالت حضرت ابوبکر ، چند نفر ازکلانان مکه مثل عثمان ابن عفان یار سوم انحضرت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 53 of 596

وعبدالرحمن ابن‌عوف وازپسر العوام پسرعمه انحضرت وغیره ایمان اوردند تا که عدد مسلمانان به ۲۵ رسید انحضرت باین جمعیت خرد مسلمانان به پنهانی عبادت میکردند وصحبت می‌نمودند . لیکن دین تازه اوردن یك کارکلان است . پوشیده نمی‌ماند پیغمبری انحضرت در مکه اوازه شد ، هرکس شنید مردم ازین واقعه حیران ماندند ، بعضی از انها امده می‌پرسیدند انحضرت دین اسلام‌را بانها می‌فهمانیدند . ازبسکه دین‌اسلام یك دین بسیار معقول بود : مردم را به پاکیزگی وخدا ترسی وکارهای نیك امرمیکرد ، ادم کشی‌وکارهای بیهوده را منع می‌نمودند ، عربها باین دین رغبت کردن کرفتند لاکن بعضی کلانهای مکه مثل ابوجهل وابوسفیان اکر ما مسلمان شویم تابع محمدشده کلانی‌را ازدست میدهیم کفته مسلمان نمی‌شدند .

ابو جهل وغیره علاوه ازانکه خود شان مسلمان نمی‌شدند دیکر مردم راهم نمی‌کذاشتند که مسلمان‌شونده مردمان عاجزرا که‌مسلمان شده‌بودند هم بسیار عذاب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 54 of 596

میدادند که پس کافر شوند ، بخود انحضرت هم بسیار عذاب و سختی که از دست شان میشد میرسانیدند ، انحضرت ازعذاب رساندن کافران اصلا دلگیر نشده همیشه حکم خدا را بجامی اوردند ، یعنی مردم را بدین اسلام میخواندند .

مسلمان شدن جناب حمزه وعمر

از برکت ثابت قدمی انحضرت جناب حمزه کاکای انحضرت وجناب عمر یاردوم انحضرت که بهادران نامدار عرب بودند مسلمان شدند . از مسلمان شدن این دو قهربهادران دل مسلمانان قوت گرفت . بدلالت حضرت عمر انحضرت بهاران خود اشکار بمسجد کعبه رفته نماز خواندند مردم را بمسلمانی دعوت نمودند ، مردم یك یك ودودو آمده مسلمان میشدند .

هجرت صحابه بحبش

درسال پنجم پیغمبری آنحضرت عدد مسلمانان به (۳۰۰) رسید هرقدر که عدد مسلمانان زیاده میشد کافران جور وظلم خودرا بسیار تر میکردند ، آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 55 of 596

حضرت ترحم کرده بهیاران خود گفت : هرکس می خواهد به مملکت حبش هجرت نماید ، چند نفر ازاصحاب گرام کوچیده بحبش رفتند، حبش یك ملك است بطرف مغرب حجاز وبآن سمت بحراحمر ، پادشاه آنجا که دین عیسوی داشت آدم خوبی بود مسلمانان را نوازش کرد مسلمانان تاقوت گرفتن دین اسلام درانجا ماندند ، بعد ازان بخدمت انحضرت حاضر شدند .

وفات خدیجه وابوطالب ومعراج آن حضرت(ص)

درسال دهم پیغمبری آنحضرت ، زوجهٔ شان حضرت خدیجه ، وکاکای شان ابوطالب وفات کردند . کافران مکه مرك ابوطالب را غنیمت دانسته جور وجفای خودرا بسیارتر نمودند ، باین سبب انحضرت دوچار غم واندوه بسیار شدند ، لیکن دردعوت مردم باسلام بمثل سابق ثابت قدم بودند .

درهمین وقت ها آنحضرت ازعالم مادی بعالم معنوی سفر کردنداین سفر انحضرت را درتاریخ اسلام معراج می گویند .درشب معراج پنجوقت نماز فرض شد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 56 of 596

اسلام اوردن مردم مدینه

عادت انحضرت بود که درهرجایك جمعیت مردم میدیدند نزدیك شان رفته انهارا بدین اسلام دعوت می کردند ، خصوصاً درموسم حج که مردم درین وقت بسیار ازهر گوشه و کنار عربستان بمکه برای حج گذاردن می امدند ، انحضرت به پیش هرطائفه حاضرشده انهارا بدین اسلام دعوت می کردند .

درسال یازدهم پیغمبری انحضرت شش نفر ازمردم قبیلهٔ خزرج که درشهر مدینه سکونت داشتند مسلمان شدند . این شش نفر بانحضرت گفتند که اگر شما به شهرما یعنی مدینه تشریف بیارید . ماجان ومال خودرا درراه معاونت شما فدا میکنیم ، انحضرت هم این سخن را قبول کرده بهمین قرار داد ازانها بیعت گرفتند . این ملاقات درعقبه نام یك موضع واقع شد بنابران ان را بیعت عقبه می گویند .

چون آن شش نفر گشته بمدینه رفتند ،از ظهور دین اسلام وپیغمبری آنحضرت ،ومسلمان شدن خودها

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 57 of 596

مردم مدینه را خبردادند ، وهم هر کدام شان مردم قوم خودرا به قبول دین اسلام ترغیب نمودند ، چنانچه مردم بسیار ازقبیلهٔ اوس وخزرج [درمدینه دو طائفه مردم بودند یکی یهود دوم عرب ، عرب‌های مدینه دوقبیله بودند یکی اوس دوم خزرج درسال دیگر هم چند نفر از کلانان مردم مدینه آمده بازمسلمان شدند .

درهمان موضع عقبه باآنحضرت بیعت کردند. بوقت رفتن شان بمدینه آنحضرت یکنفر از اصحاب را بجهت تعلیم قرآن باآنها بمدینه فرستاد. درین دفعه اسلام درمدینه بسیارشد، درهرخانه یك نفریادونفر شان مسلمان گردید.

ناول

مابعد ازشمارهٔ(۱۲)

اکرم از شرارت او پیشتر بخارا راوداع کرد زیرا در جمعیت بخارا بسبب خوشی معاملت وروش مروت احترامی زیادی کسب کرده هنوز محرك خطرش کشت بهانهای بیسروپاتراشیده میخواست که سخنان افترا ناجناب عالی رسانیده گرفتارش سازد اما اکرم اورا ناکام گذاشته

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 58 of 596

بکنار امو موجود شد ـ خسر برهٔ کابلیٔ مقتول خبر تعلق بندیوان باافاغنه بکارداران زندانها داده موجب عزل او شد تادیکر داروغه مقرر شده ظلمی که نوجاری کرد یك سببش ترس مخبری همین قسم مردم بود ـ بازعدو سبب خیر شد .

(حادثهٔ جانکاه آمو)

وقتیکه اطلاع فرار وزیر افغان بسمع جنابعالی رسید نهایت خشمناك شد ـ وزیرش علاوه بر کماشتن سوارها در تعاقب اشتهاری شایع کرد ومنادی نمود که بیست هزار طلا انعام است برای کسیکه زنده یامردهٔ وزیر افغان را بیارد ـ مدعایش خوش کردن روس وامیر بود ورقم انعام وصول کردن ازهردو تایکی را برای خود بچنك آرد ـ یك فرقهٔ المانها که ازدست افغانها مزاحمت هادر پیشهٔ رهزنیٔ خود دیده بودند کمر انتقام نیز برای حصول انعام بربستند وبیك دم قصد رسیدن منزل مقصود نمودند ـ براه همین قدر توقف میکردند که سر کین اسپ های خود برداشته دنبهٔ کوسفند وغیره دران امیخته بانها میخورانیدند ـ قبل از سواران سرکاری اینها بدریا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 59 of 596

واصل شدند وچون در تجسس افغانان ساعتی گذشت
دیگران هم ملحق گردیدند ـ درین وقت وزیرا کبرخان
ومحمود ومرد ده افغانان معا اکرم ورفقایش در کشتی‌ها
نشسته وبعضی اسپ های خودرادر اب انداخته بودند
درمیان دریا بودند که فیر تفنگ‌ها بالای شان شد ـ اگرچه
کشتی هارا تیزتر راندند واسپ هارا چابک تردواندند
اما مقابلهٔ تفنگ هم شروع کرده بسیاری را از متعاقبین
هلاک ساختند ـ درجمع مجروحین یکی خسربرهٔ مذکور
بود که بعد از چند روز مرد دیگر پسرعم اکرم بود
که بکلهٔ سردارا کبرخان افتاده گفت که سردار ! همراه
تو غرض ندارم اما تربر خودرادر حال مرگ هم نمیگذارم
همین را گفته تفنگ سوی اکرم راست نمودواوهرچند
کوشش کرد که قاتل متعمد خودرا بتفنگ بزند که از
خیمه مار کرد آورده وان از کار خانهٔ جرمنی بفرمایش
تیار شده بود اما دستش برای قتل بچهٔ کاکایش بهیچ
صورت یاری نداد ـ درین تامل گله بجانش رسیده جلو
اسپ از دست رفت واز اسپ افتاده زیرابشد ـ چون
افغانان بدیگر طرف کنار رسیدند اسپش را دیدند که

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 60 of 596

در میان دو نهنك دست وپازده سوی بیرون می‌اید ـ
انوقت همه‌محسوس کردند که‌ازیك خطره برامده بدیکری
افتادند ـ وزیر زخمی شدنش را بچشم خود دیده بود
اما معاونت محال بوده بخدایش سپرده بود ـ نهنك‌هارا
که دیدند بدهن دو بلکه سه چار مرکش پنداشتند ـ
یکی مجروح شدنش دیگر غرق واخر یك نی دو نهنك
بعضی خیال غوطه زدن نمودند اماخوف نهنك ها مانع
آمد که اسپ راالا کرده‌سر زیر کم شده بودند ـ هنوز
ترکمانها و المانها هم آنسو میکشتند ـ پس مصلحت
همین شدکه بزودی هرچه تمامتر خودرا از آنجابکشند
وزیر اکبر خان بدست آمد وهمین غرض غائی بود اما
این غرض که‌بود ؟ اکرم باین‌مقصد آمده بودوتجاویز
وتدابیر عاقلانه بعمل آورده وزیر را پس می‌برد وزیر
هم اگرچه بسیار ممنون محمود بود اما شکرانهٔ کمتردر
حق اکرم‌ظاهر نمیکرد حالابدل‌ناشاد سوی‌وطن‌عودت
کرده یاد آن غازیٔ جوان‌را اکثر بزبان می آورد
بردل همراه نومسلمهای خود بکنارهٔ دریا میکردد
دودو سه‌سه نفرشان باربار بدریا غوطه زده اند امادر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 61 of 596

مقصود بدست نیامده ـ عادت آب بازی وغوطه‌خوری
در بنداب کلان کا فرستان خـوب داشته هیچ دقیقه
درجستجوی نجات دهنده خودفرو نـگذاشته‌اند اماهیچ
اثری نیافته اند (پردل) ای قوم‌های من ـ احسانات
محمد اکرم خان برما از شمار بیرونست ـ مسلمانان
را از افعال بد شان قیاس کرده دین اسلام‌را از کفر
خود بهترنمی دانستیم بلکه برامت ابوجهل بودن خود
فخرمیکردیم ـ از اوضاع پسندیدهٔ اکرم کرویده برضا
ورغبت مسلمان‌شدیم ـ باوجودیکه اودر کارهای‌ضرو
ری مصروف میبود اما درتعلیم‌وتلقین مادربین سفرها
کوشیده از خـوبیهای اسلام آگاه مان ساخت ـ حالا
یقین داریم که پیشتر درتاریکی دست‌وپا میزدیم‌درزنجیرها
بسته بودیم اکنون بروشنی و آزادی میکردیم‌دلهای‌ما
ازاوهام باطله رها شده مطمئن گردید مرك که یکروز
آمدنی است برای‌ما زندگی معلوم میشود زیرا بهشت
بانعمت هاپیش روی ماست برای زیست این دنیا هم
اکرم برای ماچه کاری بود که نـکرد ـ اهل وعیال‌ما
درلوهگر خوشحالند وچون زمین‌ها آنجا فرا وانست

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 62 of 596

وزنهای ما از مردها بهتر بزرگری میتوانند خاطرما
از طرف انها جمع است ـ بری های مارا از غلامی
آزاد کرده وبرای ساختن تفنك وغیره برای غازیها برده
اند ورنه سرانها مجسمهٔ اکرم میساختیم ـ اگر نعش او
میبافتیم دفنش کرده عمارتی بران میساختیم وزیارتش
را بعداز مزار شریف بزرك میدانستیم ـ بهمین مدعا
حالا سر کردان هستیم — زنده اش را نیافتیم هرقدر
ماتم کنیم کم است و کم سوددارد ضرور است که مرده اش
را بیابیم ـ قسم خورده ام که بی نشانی اکرم پس
نمیکردم ـ اگر شما میخواهید بروید درهمین کند ها
میکردم تا اکرم خودرا بدست آرم یا وجهائیکه ازقهر
کف بر کالای من می اندازد مراهم درقعر دریا با اکرم
هم آغوش سازد ـ پردل این تقریر نموده وخیلی
گریسته سه نفررا باخود گرفت وباقی را رخصت داد .
درین گردش های خود میدیدند که آنسوی دریا
یك قافلهٔ عظیمی راه پیماست ـ شتر واسپ وقاطر بسیاراست .
اشتراسپ های یدك باساز ویراق پیش پیش میرود ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 63 of 596

جوانهای رعنای طلاپوشی دوریك شخصی کلانی که سردارتر کانست ناز وادا نموده اسپ‌نازی میکنند چند شتر هوده های زنانه دارد ـ یك تپهٔ سبز وخرم‌بنظر شان آمده آنجا اقامت کردند خر کاه ها زده شدویك خانهٔ عالیشانی بیك ساعت آراسته کردید ـ پردل‌چنانچه قاعدهٔ محبت باشغف استازمیان جوانان‌ترکمان اکرم‌را می‌بالد وچشمش از یکی بردیکری‌لغزیده‌و کردیده‌میرود از آنجانب مایوس کشته باز بموجهای دریا نکاه میکند از آنسو بازناامیدشده کوشش‌شرنك‌شرنك بازیب‌می‌شنود چشمش پس طرف خر کاهی می‌خیزد که آنجا زنهای پری پیکر در مستی وبی پروائی رقصیده و خرامیده میکردند ـ

حفظ الصحه بعد از (۱۲) سال اول

بیان آب دریا ، تالاب ، چاه وباران : ـ

آب دریا :ـ

اکرآب دریا از قریب‌مأخذ ومنبع ، وپیش‌وازانکه بآبادی وزمین های کشتی برسد ، کرفته شود ، عموما

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 64 of 596

از اضرار خالی ومحفوظست . لا کن درصورتیکه
یاآبادی بکناره دریا باشد ، آب آن نهر ، پایانترازآب
آبادی غیرمحفوظ وضررش بیشتر میکردد ، چه بسا
اشخاص فضلات واشیای بوسیده ، کندیده مضره خانه های
خود هارا بدریا افکنده حتی از انداختن بول و براز نیز
احتراز نمیکنند . پس ازامراض متعدیکه اکثریه دردهها
موجود می باشد ، شاربان آن آب ببلیه آن مرض
کرفتار می آیند . همچنین آب هاییکه اززمین های مزروعی
درجوی ها ونهرها ، راه پیدا میکنند مصدر امراض
پس وخیم میکردد ، چرا که برای قوه نمویه کشت
پاروی اندازند ودران پاروها میکروب های امراض
متعدده موجود میباشد . قایق هاو کشتی ها کهاز نهرها
عبور ومرور دارند ، بسبب که را کبان آن از انداختن بول و براز در نهر روا نمیکنندآب آن مضر صحت
می شود . مواشی وجارپایان درحین آب نوشیدن نیزآب
راخالی ازضرر نمیمانند . ازآب نهرهائیکه ازانهااب های
ناپاك کارخانه ها ، حمام ها ، کوچه ها مخلوط می شود حتماً
پرهیز باید نمود .

باقی دارد



کوه آتش‌فشان وسو ویس (درملك اتلی)
" درحین آتش باری وشعله نثاری "

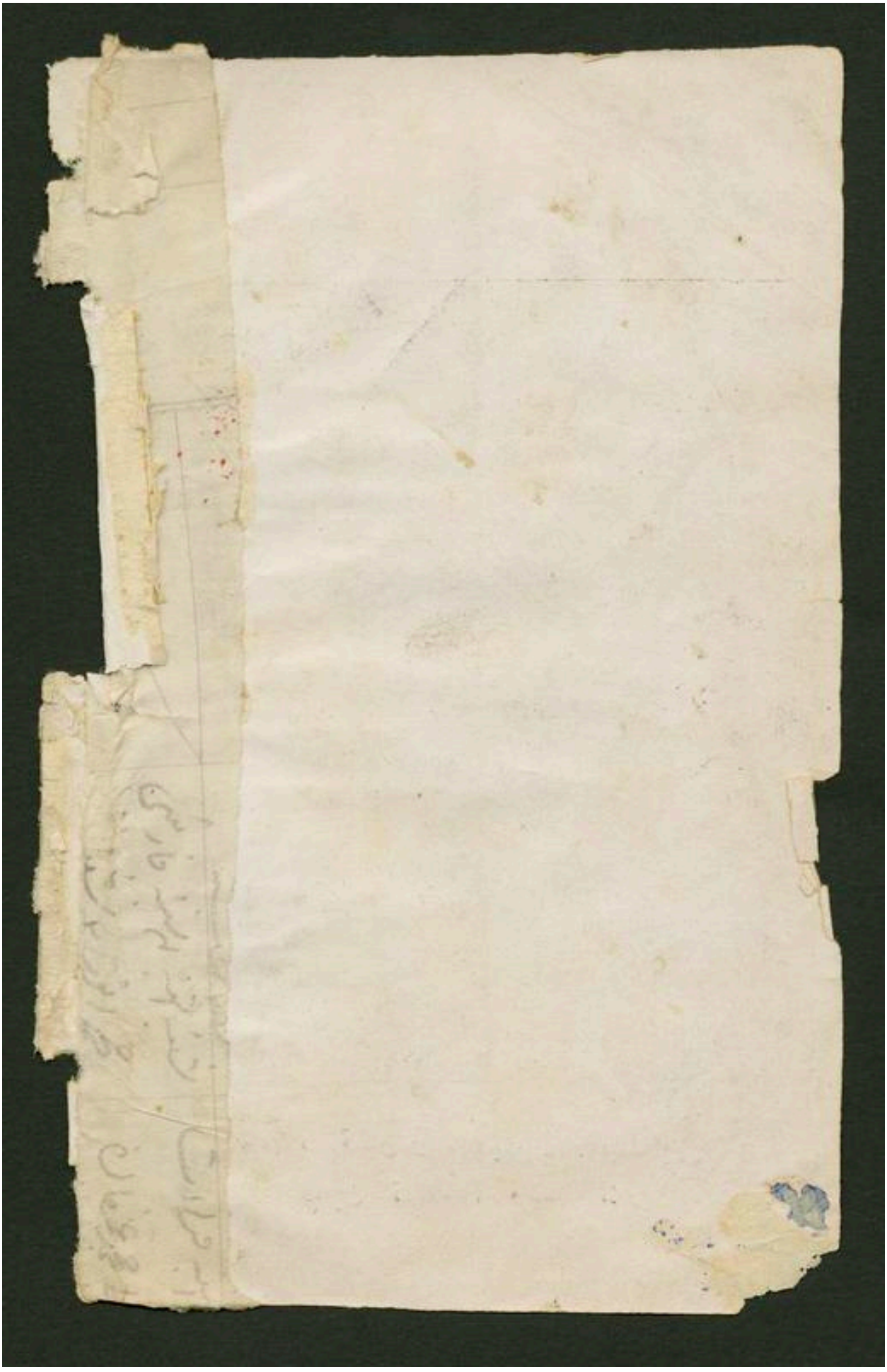

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 67 of 596

سال دوم

شمارهٔ (دوم)

معرف و معارف

۱۲۹۷

یکم میزان سنه ۱۲۹۹

ازیمن توجه شهٔ با اقبال
آمد بکنار دولت و استقلال
اسباب تمدن بترقی باشد
آثار معارف همکی رو بکمال





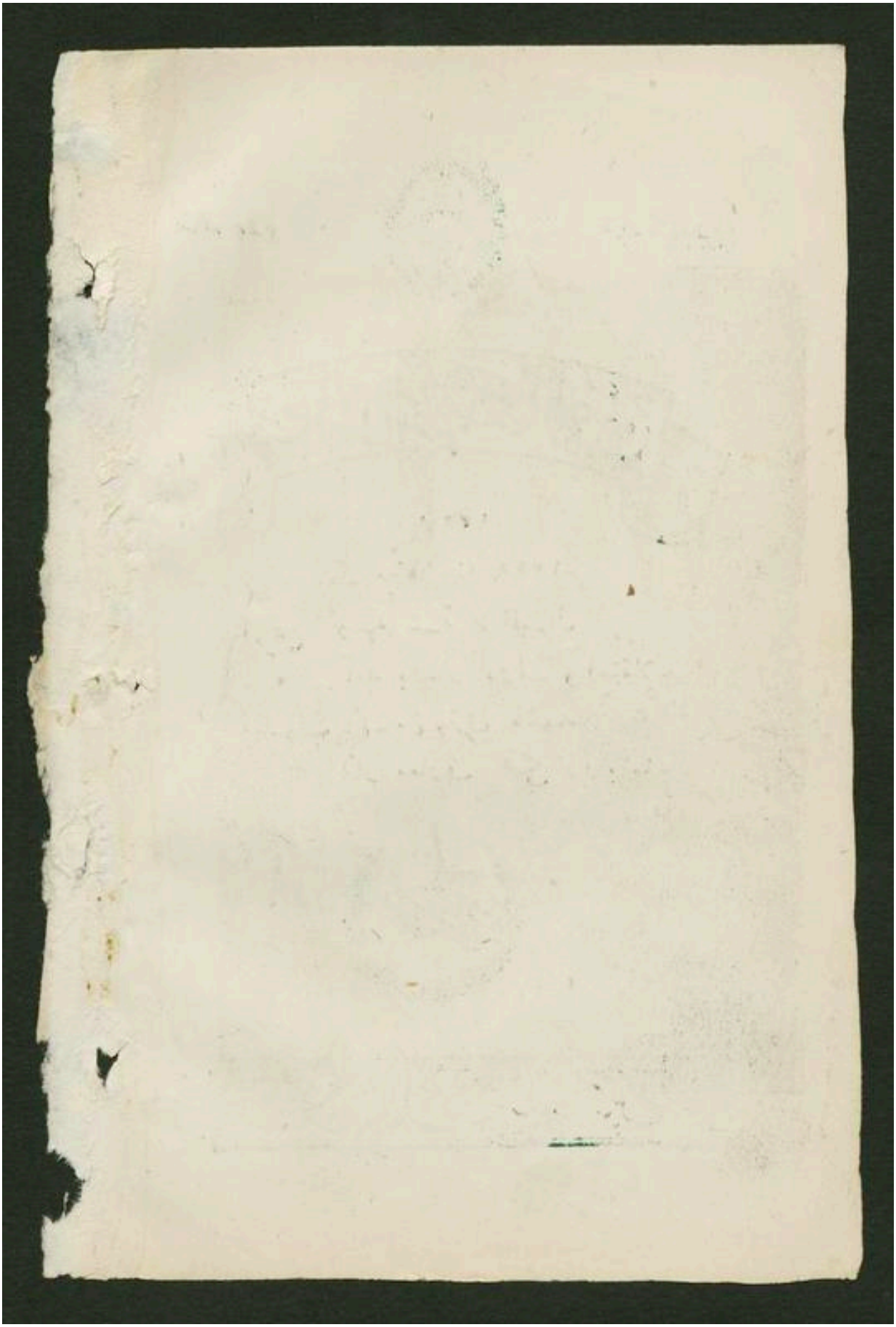

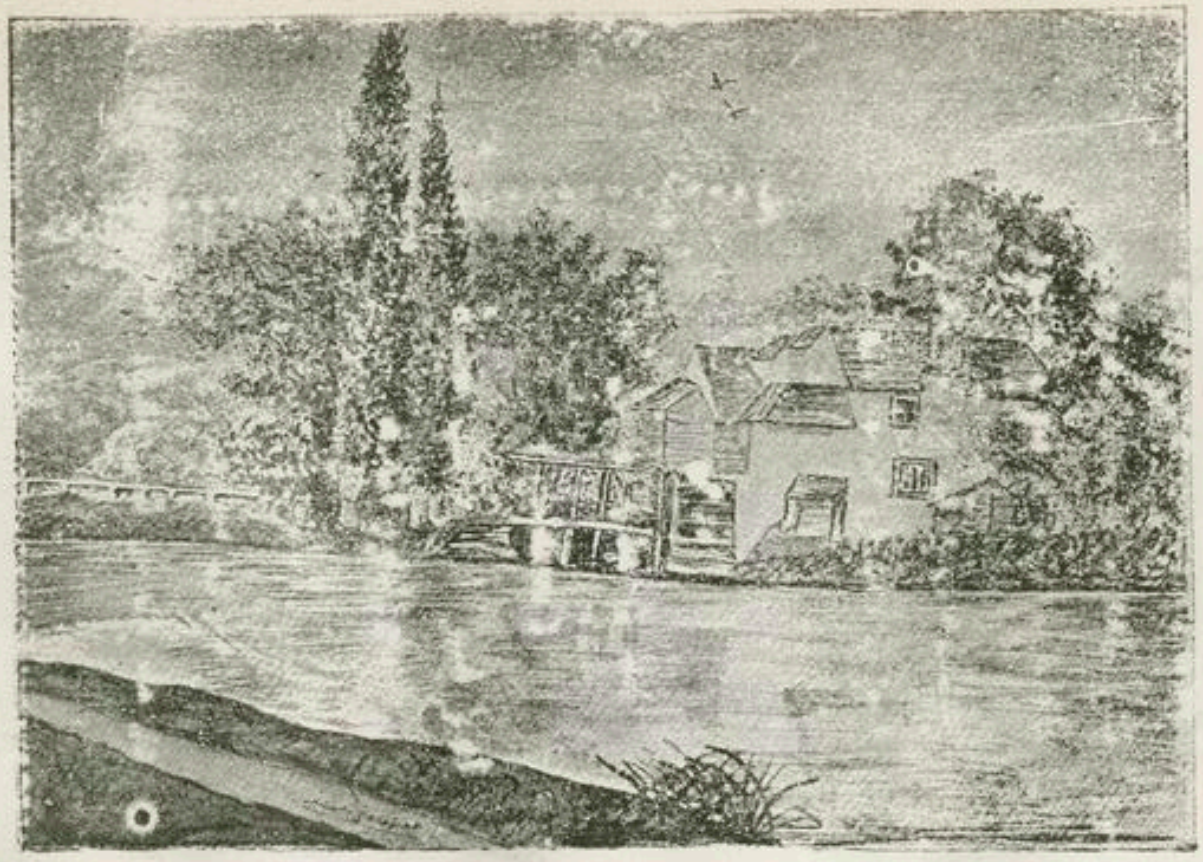

ترقیات رسامی طلبه مکتب اثر قلم عبدالاحد صنف ثانیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 69 of 596

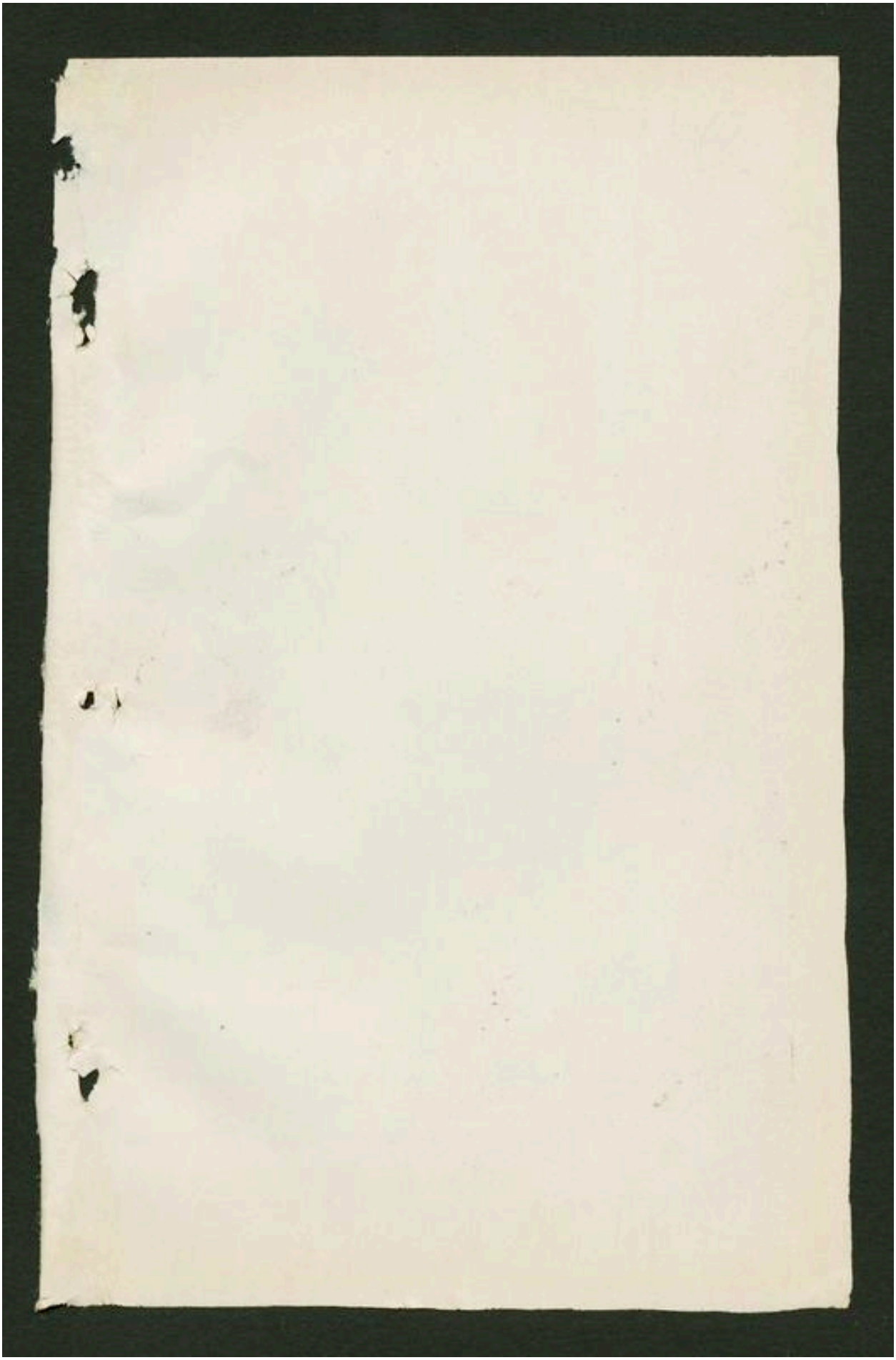

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 71 of 596

فهرست مندرجات

(۱) مراحم شاهانه
(۲) بیانات در خصوص عطار دوزهره
(۳) بیانات قتال سوز و بحیرهٔ احمر
(٤) مسابقهٔ ادبی
(٥) تاریخ انبیاء
(٦) مدو جزر اسلام
(۷) حفظ الصحه .
(۸) خطاب باهل وطن (خیزید که اعدا همه جزدرپی ما نیست)
(۹) ناول (بعداز شماره اول)



http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 72 of 596

بسم الله الرحمن الرحیم

مراحم شاهانه

میله عمومی درباغ بابر

ذکر عدلت نه همین ورد زبانست مرا
میکنند وصف ترا هر که زبانی دارد

خدای بخشندهٔ رؤف مهربان ، چون خواهد که وسایل بهبودی حیات واسباب ترفیه و آرامی وذرائع خلاصی ونجات یك قومی را مهیا و آماده فرماید ، پس برای رهبری و رهنمائی شان یك پادشاه رحیم ، عادل ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 73 of 596

عاقل ، معین ومقرر میفرماید ، تا آن سردار بااقتدار ، برای ترقیات مادی ومعنوی ، وفراهم نمودن ذرائع خوشی وخورسندی شان تمام راحت ومسرت ، ورفاهیت وبهجت را بدرود گفته ، بیك جدت فوق الوصف در انتظام قواعد ملکداری وبرپا داشتن تمام لوازمات عادی وحق شناسی مصروف گردد ولحظه از اجرای همان وظایف مقدسه خیلی مهمه مرجوعهٔ خودغفلت وتکول نورزیده ، دقیقه را عبث وبهدر نگذراند وبرای بسط وتفریح طبیعت که اسباب از دیاد قوای دماغی وآله اکتشاف دقائق ترقی ودور اندیشی است محض بهمان روزهائیکه فطرتاً و شرعاً برای استراحت و آرامی امت ناجیه خیرالانام وضع ومقرر گردیده استراحت نماید و بس .

جلوس میمنت مأنوس اعلیحضرت شهریار جوان بخت غازی ما براریکه تخت عالی بخت افغانستان ، واقدامات خیر اندیشانه شان درتعالی وترقی افغانان ، همان مراحم بیشمار خداوندی را درحق افغانیان ظاهر وعیان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 74 of 596

گردانید . اعلیحضرت شهریار افغان مدار ، بتمام قوت وجدت درانجام وظیفه مأمورهٔ مقدسهٔ خود کوشیده ، سعی وغیرت واجرای وظیفه شاهانه را بدنیا آشکار وهویدا ساخت که اولین نتیجهٔ همان همت وجسارت شکستاندن زنجیر اسارت انگریز بود ازدست وپای اهالی افغانستان ومقتدرساختن شان بقیام سلسله دوستی ومحبت واخوت باهمدینان وهم مذهبان ودوستان آزادی بنی نوع انسان !!!

ثانیاً ترقی معارف وافتتاح مکاتب درسائر ولایات مملکت ، وتشکیل وترتیب نظارات وتقسیم کارها ، وسررشته مالیات وبرابری ودرستی باقی جزئیات امورات مملکت .

ثالثاً ترتیب وتنظیم باغها ومیله ها برای آسایش واستراحت عموم ملت .

از انجا که اعلیحضرت شهریار رعیت نواز ، کمال مرحمت وشفقت را دربارهٔ آرامی رعیت صادقانه خود دارند نمیخواهند که همان چند روز را که شرعاً وعرفاً برای راحت عامه موقوف است ازلذت آن تنها خود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 75 of 596

شخص شاهانه مستریح باشند وباقی رعیت محروم یااینکه همین روزها را افراد رعیت محض بعیش ومسرت بیهوده که سرجادهٔ تهلکه ، بربادی ، غفلت است بگذرانند . پس رأی اقدس بدان قرار گرفت که باغ بابر را برای ساعت تیری عمومی وقف نموده سال دوبار یعنی درعیدین آن باغ مینوسراغ را محل انعقاد میله قراردهند ودر آن میله اسباب و آلات واشیای عجوبهٔ که ازنتیجه سعی وغیرت افراد ملت صادقانه شاهانه کسب ظهور می یابد درمقام مسابقه ونمایش آورده تحصیل انعام وخورسندی خسروانه را بنمایند . پس بهمین مقصد خیرمرصد هم درعید فطر وهم درعید اضحی مجالس سرور منعقد گردید

نظارت معارف وطلبه آن هم بروز مذکور ازان میله پر سرور وزیارت تشریف حضور شهریار مراحم خصال خودمسرور وبمراحم پادشاه حقائق آگاه خویش مرهون گردیدند وپس از مشاهده تماشای گوناگون مانند چوب بازی ، پهلوانی ، کریچ وسرنیزه بازی ، ازمانوره ماهرانه برادران مکتب حربی خود ممنون واز

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 76 of 596

تقریر مؤثرانه سوزناك شهزاده عبدالمجید خان که یکی از
جمله متعلمین مکتب فیض مکسب مو صوف است ، اشك
آلود تاثر کردیدند . وازسیروتماشای اشیای اعلی ساختکی
برادران وطنی خود جهان خرمی کسب نموده بترقیات
روز افزون مملکت خود مسرور وامید وار کشتند سه
مقالات آنیه را سه نفرازطلبه صنف رشدی یعنی مقاله
اول را محمد یعقوب طالب العلم صنف رشدیه دوم ومقاله
ثانی را محمد اسلم رشدیه اول ومقاله سوم را محمدحسین
رشدیه دوم بلهجه های خیلی شیرین وصوتهای بلیغ تمکین
بحضور اعلیحضرت شهریار معرفت خـواه ترقی پسند
قرائت نمودندومورد الطاف شاهانه کردیده بکسب انعام
وتحسین حضور اعلی مفتخر کردیدند انعام هریك برزیاده
ازمبلغ سه صدروپیه بالغ میکردید .

لطفیکه زیاده موجب امیدواریهای کوناکون قاطبه
طلبه مکتب ازحضور شاهـانه کردید همانا تخلیص پدر
وپدر کلان همین محمداسلم طالب العلم رشدیهٔ اول بود که
بنابر قصور خیلی مهم ازمدت یکسال باینطرف محبوس

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 77 of 596

بود وهرچند روی داریهای کثیره وعذرهای متکاثره از مقامات واشخاص مفرطه در تخلیص آنها باستان مبارك تعریض شده بود لاکن جرم عظیمه‌شان ، عفورا باغماض وادار می‌نمود . مگرچون محمداسلم شفاعت پدر را نمود معارف پسندی پادشاه معرفت خواه نه تنهابدر بلکه جدش را نیز عفو فرمود .

سه‌مقالات ذیل بقرار آتیست : --

بسم الله الرحمن الرحیم

(الحمدلله الذی اعزالعلم فی‌الاعصار واعلی حزبه فی‌الامصار اذاقضی امراً فانما یقول له کن‌فیکون - خالق کل‌شیء لااله الاهو فانی تؤفکون - وأنشهد ان‌لا اله الاالله وحده لاشریك له ونشهد ان سیدنا ومولنا محمداً عبده‌ورسوله - یاایهاالذین آمنوا صلواعلیه‌وسلموا تسلیماً)

اما بعد ، برضمیر درایت‌تخمیر ارباب دانش واصحاب بینش پوشیده نیست که جمیع ذرات کائنات که‌درعالم‌امکان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 78 of 596

اظهار وجود می‌نمایند ، مرتبهٔ کمالی در پیش دارند ، که رسیدن بآن . تعبیر بسعادت شان می‌شود ـ انسان که اشرف ترین کائنات است ، نیز سعادتی دارد ، که مسعود ترین سعادات است ـ سعادت انسان رسیدن او ست بمرتبهٔ کمال فضیلت علمی وعملی یعنی خودرا به‌حلیهٔ گرانبهائی معارف آراستن ـ بنابران افضل‌ترین صفات وملکات ، علم‌ومعرفت است ، ازانجهت محاسن ومکارم آن ازاول خلقت‌چون آفتاب‌روشن ، ونزداولوالالباب مبرهن است ـ حتی نزد مردم متمدن ، اگر کسی از فضائل معارف تذکاری نمایدسخن بیهوده‌اش می‌شمارند چرا که آفتاب وضرورت آن‌را هرکس حس می‌کند ولی‌چون دروطن ماضرورت معارف‌وفضائل ومحسنات آن تازه محسوس شده بناءً علیه هرکس هرقدر درین باب‌چیزی بگوید یاچیزی‌بنویسد ، هنوز کمتراست .

پس‌می‌گویم که معارف جمع معرفت به معنی شناسائی ودانستن است ، ومقابل ان جهل یعنی نادانی است ـــ هرقدر که نادانی برای هرکس عیب‌است ، همانقدردانائی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 79 of 596

فضیلت و کمال است همین معارف است که انسان
از روی آن نیك را از بد وصواب را از خطا
تمیز می کند ، وازان دوعنصر قویهٔ متضاده یکی را که
ملائم احوال وواسطهٔ اقبال است ، انخاذ فرموده ،
دیگرش را که برعکس آن نتیجه بخش است طردورد
می نماید ـ معارف ، بعبارت اخری صفابخشای جوهر
لطیف روح است ازکرد کدورت خیز جهل ونادانی
بابهار طراوت افزائی چمنستان ترقی وتعالی ـ شناختن
صفات حضرت خلاق کائنات عزاسمه بمعارف منوط
است ، وخو کرفتن بملکات فضائل قدسیه وشرف
افتخار قومی وملی بران مربوط ـ معارف است که
محرك قوائی مکنونهٔ وجدانی کردیده ، سبب فعالیت
شخص می کردد ، ومعائب جمودت وخمودت را برضمائر
عموم جلوهٔ بروزداده ، باعث تنفرازان می شود ـ معارف
است که اولاً حسیات ناموسکارانه درقلوب افراد یك
هیئت احداث نموده ، همه کانرا درمقام ابراز جلادت
وشهامت می برآرد . افتخار ونازش ـ مباهات وستایش

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 80 of 596

شرف و عزت ـ احترام و عظمت همه بر ترقی معارف متوقف و برحسبی شمردن آن منحصر است ملتی که حیاتش را برحیات معارف موقوف ، ورقاه وراحتش را بروجود ان منوط دانست ، علم امتیاز دربین اقران و امثال بر افراشت ، ونجم ترقی وتعالی فوق العاده درسرزمین دماغ افراد خویش کاشت .

قوهٔ برقیهٔ معارف است که درین عصر سعادت حصر نظر دقت اثر شاهانه بادشاه غیور جوان فکر معارف پرور اعلیحضرت (امیر امان الله خان) غازی (ایده الله الباری) را ، ازاول جلوس میمنت مانوس خودشان برسریر فرمان فرمائی ، بطرف خود جلب نموده همت شاهانهٔ شان را دراجرای ترقی وتعالی معارف برگماشته ، درراه معارف گستری هرگونه عنایات وذره پروری فرموده اند ـ چه به کنه این رمز خوب رسیده اند که عروج و برتری ، بی وجود معارف محال است ، وحفظ نوامیس دولت و ملت در صورت عدم آن سراسر وهم و خیال ـ درپرورش و تربیه فرزندان رعایای صادقانه شان ، ازهیچ گونه اقدامات

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 81 of 596

جمیله باز نمانده اند ـ وذرائع تأمین سعادت واقبال شان را ازهرنوع تهیه فرموده‌اند ـ ازبلند همتی شاهانه‌شان وسائل که موجب تشویق وتحریص اطفال سعادت‌مآل درحصول تعلیم گردد . مهیاست ـ ووسائطی که سبب جهدبلیغ اولادافراد دروصول‌سرجادهٔ مقصود شود برپا .

ازاثرات تقدس ایات معارف است که اطفال صادق الاقوال دبستان آن به حقیقت و کنه آیهٔ کریمهٔ اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی‌الامر منکم ، رسیده مضمون هدایت مشحون آن‌رادرلوح وجدان ، ونخته ضمیر نقش نموده اند ، وفرمان برداری خدا ورسول واولو الامر خود شانرا یکانه واسطهٔ اقدامات مقدسهٔ خودها قرار داده ، دراسترضای بادشاه غیور مجاهد دانش کستر مهربان خود شان ، بهرگونه صرف‌مساعی ایستاده‌اند ، وعلمی‌را که خدانخواسته موجب انحراف شان ازسرجادهٔ رضای بادشاه شان گردد ، بدتراز جهل میدانند ، ومعرفتی را که سبب‌ناخوشنودی پدرمهربان شان‌شود ، قبیح‌ترازنادانی می‌شمارند ـ ودایماً میخواهند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 82 of 596

خدمتی بجا آرند ، وکاری در بهبودی وطن نمایند که موجب استرضای بادشاه روشن فکر ، ومورد تحسین عموم اسلام گردد —

خلاصه معارف سر چشمهٔ جمیع کمالات وسعادات جاودانی است ، وسرمایهٔ تمامی شرف وناموس عالم انسانی ازانجا که شرح معارف بسیاراست ، وتعریف ان بیرون ازحیطه شمار ، پس همان به که اکنون دست دعا بدرگاه خداوند کارساز برداشته ، دانش ملت ، ترقی وطن ، ازدیاد شوکت واقبال ، افزونی عظمت وجلال بادشاه غیور دانش اکتناه خودمانرا بصد التجا والتماس نیاز واسترحام نمائیم .

الهی حاجت مارا روا کن
معارف ملت مارا عطا کن
ترقی ده بفضل خود وطن را
نما سرسبز دانش این چمن را
زفضل خود کن ای خلاق بیچون
شهٔ والای مارا شوکت افزون

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 83 of 596

ظفر را ساز با این شاه توام
که حکم او روان باشد بعالم
شکوه شاه ما را بیش کردان
دعای ما قبول خویش کردان

تاریخچه باغ بابر و تذکار مراحم ذات اعلیحضرت شهریاری دربارهٔ راحت و رفاهیت عموم رعایای صادقانه شاهانه

شد عید پر از امن و امان شد کابل
در عصر امانیه جوان شد کابل
آزاد شد افغان ز امیر غازی
رشک همهٔ دور زمان شد کابل

عید آمد و شد میله بباغ بابر
روشن شد ازین میله چراغ بابر
در دور شهٔ شیر دل غازی ما
پر شد ز مهٔ عیش ایاغ بابر

همین بوستان فرحت نشان بهجت توامان، که از طراوش رشحات سحاب مراحم بی کران شهر یار رعیت نواز گلشن خرمی و شادابی آرزوی قلوب ملت، و مزدرع

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 84 of 596

برنگ وبوی آمال دلهای صداقت انتمای قاطبه رعیت گردیده است دارای کوائف خیلی قیمت دار تاریخی است که ما محض اگاهی حاضرین محترم، شمهٔ ازان بیان داشته انظار صداقت مدار شانرا بکرم گستری ورعیت پروری وجود سراپا مسعود شاهانه معطوف ومبذول میداریم :—

موسس اولین این بوستان مینونشان، تاج شاه است که ذات شاهانه شان یکی از احفاد فاتح مشهور شرق امیرتیمور بوده اند ودر اوائل سال ۸۸۸ هجری قمری در فرغانه از کتم عدم پابعرصهٔ وجود نهاده بعداز وفات پدر مرحوم خود عمر شیخ میرزا پسر دوازده سالگی براورنگ جهان داری فرغانه جلوس فرموده از جانب اعیان مملکت بلقب ظهیرالدین ملقب گردیدند وبعداز انکه از حملات متواتره شیبانی خان وغیره تخت سلطنت را از دست دادند برای بدست آوردن کابل وتأسیس سلطنت دیگر در سنه ۹۱۰ هجری بدینصوب شتافتند وزمام حکومت را از دست پسران ذوالنون که والی وقت بودند ربوده بید اقتدار خویش در آوردند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 85 of 596

ازانجا که هوای طرب فزای کابل فردوس تقابل مساعد طبیعت وموافق مزاج خسروانه شان گردید در صدد تاسیس باغی برامده موقع حاضره را که از حیث رفعت وبلندی دارای هوای لطافت اتماوماك نظارهٔ همچه چهار دهی باغ بدیعهٔ وسیعهٔ دلکشاست منظور نظرشان گردیده بهتشکیل باغ حاضره اقدام فرمودند ، واغلب اوقات را بهمین مقام بهجت انسام براحت ومسرت گذرانیده تکدر مزاج را که از کثرت حملات وهجومات برای شان دست میداد از هوای خرمی انتمای این باغ مندفع می گردانیدند .

بابر شاه مدت بیست ودوسال بر کابل ومدت پنجسال برهند مستولی بوده آخر الامر در شهر آگره در سنه ۹۳۷ جهان فانی را بدرود گفته بعالم جاودانی ره گشود . ونعش اورا بقرار توصیه خودش بکابل آورده مدفون خاك باك همین باغ نمودند ـ

مرور دهور وگردش های متوالی تهلکه نشور دنیا که همارا در تخریب بناهای پرعظمت ، و قصرها و

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 86 of 596

بوستانهای باشان و شوکت است چنانچه موسس این باغ را معدوم ساخت از بیخ کنی و بنیاد افکنی نهالان دست نشانده وقصور تاسیس کرده او نیز اغماض نکرده از یك بیشه دار سه بیشش نگذاشته از انهمه خرمی و شادابی محرومش گردانید .

تا آنکه آفتاب حیات رسان وزندگی بخش افغان و افغانستان و معمار قصر بی قصور سلطنت اسلامیان حضرت (ضیاالملة والدین) جنت مکان بطلوع قدوم سعادت لزوم ، این باغ را که از بیشه بیش نبود نشو و نموداده از سر آبادان فرمودوا کثر اوقات قدسیت آیات ملوکانه را برای ترتیب وانتظام امورات سلطنتی وداد خواهی وغور رسی رعایا وملت صادقانه بهمین مقام صرف میفرمودند .

اعلیحضرت شهید سعید حضرت (سراج الملة والدین) که صفحات افغانستان از اثرات افکار مدنیت خواهانه واقدامات ترقی پسندانه وطن پرورانهٔ شاهانه شان رونقی بکمال یافته بود وهمچنانکه دیگر حصص مملکت را زیب و زینت شایان تعریف بخشیده بودند خرمی و آبادی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 87 of 596

این بوستانرا نیز دوبالا گردانیده بسااوقات برای تفریح طبیعت کهذریعه کشود مهمات‌وا کتشافات دقائق‌مملکت است در هوای صاف واطیف همین جابساط راحت و اقامت می‌افکندند ـ !!

تااینکه زمان سعادت اقتران‌پادشاه غیور غازی‌رعیت پرور مساوات بخش ما که مفتاح ابواب بسته ارزوهای قلوب ملت و کشاینده عقودحزن‌وکدورت از دلهای شکسته اهالی دولت اند این بوستان جنت مثال را نه از بهر راحت شخص شاهانهٔ خود بلکه برای رفاه‌و استراحت عموم ملت وقف نموده آنچه‌را پادشاهان‌سابقه بهرتفرج خود مخصوص کرده بودند پادشاه رعیت‌نواز ماسائر افرادملت‌را بان‌شریك وسهیم‌فرمودند ، چنانچه ا کراسباب سرور وابتهاج در حضور شاهانه موجود است غریب ترین افراد رعیت بآن اشتراك داردوا کر لقاید فرحت ونعمت در محفل خسروانه حضور دارد کمترین وفقیر ترین اشخاص ملت بلذت آن شاد کام و حصه دار اند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 88 of 596

از انجا که افکار دقائق مدار شاهانه کلیة بترفیع و ترقی ملت صادقانه شان معطوف ومبذول است ، نه تنها این گلشن پرآب ورنك را برای ساعت تیری ورفاهیت طلبی عمومی مخصوص نموده ، چه بسیر وصفا عادی شدن ، اندیشه کار کردن وفعال شدن را از خاطر محوساختن و بهادیه عیاشی وتنبلی ره گشودنست !!

بلکه آن ساعت تیر را هم بلباس کار کردن وسعی نمودن ، که رکن رکین ، وحصن حصین ترقی وتعالیست ، جلوه داده وبرای ایقاظ ماملت مخمول چاره خوبی اندیشیده اند یعنی روز دوم عید اضحی هرسال را برای مسابقه ونمائش اشیا واسبابیکه ملت صدق خصلت شاهانه از اثر محنت وزحمت خودها بروز میدهند ، مقرر نمودن ، وبرای هریك جدا گانه انعام بخشیدن واظهار مسرت فرمودن ازان تری های خیال خسروانه نیست که نخل های مراد قاطبه ملت را سر سبزی دایمی نه بخشیده ، ریشه اندازبستان صنعت وحرفت وهنر و کمال نگردانده ! ! !

پس از خدای لایزال مزید عمر وراحت وآسایش

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 89 of 596

(اعلیحضرت) مهربانرا دعامی کنیم تابخاطر جمع وسائل ترقی وترفیه را برای ملت بخواب رفته فراهم نموده در زمرهٔ ملل مترقیه شرف هم قطاری وسرافرازی عطافرمایند .

(هوالعزیز)

براصحاب فراست وارباب درایت روشن است که (حق تعالی) جل وعلا بقرار علم ازلی خویش مصالح وضروریات بنی بشر را بحکمت بالغه سنجیده فطرتاً آنها رامدنی بالطبع خلق کرده ـ یعنی افراد انسان درتکمیل حوایج دنیا وآخرت بهتعاون واتحادبایك دگر مجبوراند تاهمه افراد هیئت‌ها ، جمعیت ها ، ملتهادر اصلاح امور معاش وفلاح معاملات معاد خود شان یك دل ویکجهت بوده بتوانند بکمال سهولت وعجلت ، وسائل ترقی وتعالی خود را مهیانمایند ؛ وبمدارج علیای تمدن وامتیاز ارتقا کنند ، اتفاق یعنی یکدل ویکزبان گشتن درحصول مطلب ، وبیك دیگر شانه دادن ومعاون برآمدن درنیل مرام، عطیه ایست که بهر ملتی رسید ، نامی درعالم کشید ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 90 of 596

اگر حاضرین مفخم ساعتی بمطالعهٔ ترقیات زائد الوصف دول متمدنهٔ غرب صرف توجه فرمایند ازمشاهدهٔ ترقیات محیرالعقولیکه سکنهٔ آن درعرصهٔ قلیلی نائل گردیده ادعای برتری وعلویت برمردم (ایشیا) میکنند ودراین ادعای خود حق هم بدست دارند ، شك نیست مبهوت میگردند ـ آیا اینهمه ترقی راسبب چیست ، واینقدر برتری را واسطه کیست آیا مردم اروپاچه کرده‌اند که این رتبه رفیع را نایل گردیده‌اند ؟ اگربگویم که وسیلهٔ یگانه تعالی مردم اروپا خاص اتفاق واتحاد افراد ملت های شان است ، خیال میرود که سخنم را بسیارکم قابل اعتبار دانند ، وجوابم را بی‌وقارشمارند، چه این لفظك مختصر اتحاد چطور میتواند باعث یکعالم ترقی ، ومایهٔ یك جهان تعالی گردد ـ ولی اگر بنظر تعمق مشاهده رود، مبرهن میگردد که بغیر شبهه و تردید: اتفاق است وهنرمایهٔ آبادیٔ قوم، اختلاف است وجهالت همه اصل خسران ـ اتحاد واتفاق است که تخیلات فاسدهٔ نفاق ودورنگیٔ ملتی را مستاصل نموده همه افرادش را در

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 91 of 596

فراهم آوردن وسایل ترقی وتعالی، ازقبیل تحصیل علوم وفنون متنوعه وتحمل مصائب والام هرکونه باهم دیکر سهیم وشریك میکردانند .

ازحالات موجودهٔ عالم مثالی نیز جهة اثبات ادعای خود اخطار میکنیم هریك ازافراد دولت بهیمه جرمن وروس تازمانیکه سررشته مواخات و یکانکیت استوار داشتند دارای هرکونه تفاخر وترقی بودند ، ولی همینکه سلسله اتحاد ویکرنکی هم کسیختند ، آنهمه صولت وعظمت خودشانرا ازدست داده،درمخمصهٔ ذلت وخواری افتادند .

خوب ! بخیال شما چه میرسد که آیا اتفاق واتحاد نیز آلات واسباب مخترعهٔ مردم اروپاست ویا اینکه قبل از ایشان نیز وجودی داشته وباینمضمون، آنهامقلد بوده اند؟

پس درینجا بکمال شطارت میکوئیم مذهب منیفهٔ اسلام است که اول بار فوائد بیشمار اتحاد و یکانکیت را درانظار عموم مردم جلوه داد ، وپیروان سعادت توامانش را بواسطهٔ این موهبت بزرك از همکنان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 92 of 596

بدرجات عالیه رسانند - چنانچه نخستین ارشادی
واولین کاریکه (حضرت رسول مقبول علیه افضل
الصلواة واکمل التحیات) بعدهجرت شان بمدینهٔ منوره
بعز صدور رساندند، اتحاد مهاجرین وانصار بودبعقد
مواخاة، واتفاق یهود ومسلمان آن خطهٔ مقدسه باهم
دیکر جهت دفاع دشمنان خارجی‌شان نتیجه این شدکه
بمدد اتفاق و اتحاد ، برسایر دشمنان خود غالب آمده
اوشان‌را مخذول و منکوب داشتند برای زیادت ایضاح
این مطلب توجه حاضرین محترم را بمطالعه صحایف کار
سنانهای بهادران اسلام یعنی(صحابهٔ کرام رضوان الله تعالی
علیهم اجمعین)سوق میکنیم تابه بینیدکه آن ابطال باشهامت
وجلال ومبارزان شهیروباکمال رضی‌الله‌تعالی‌عنهم‌اجمعین ،
باوجود قلت تعداد، وکمی آلات حربیه ووسایل نقلیه
چسان بمعونت اتحاد واتفاق ، ومطاوعت احکام (خدا
ورسول) باقوهٔ کثیره واسباب مفرطه کفار مقابله‌نموده
خود شانرا غالب وبالادست ثابت کردند - بلی، اتحاد
ویکرنکی‌را بحدی مواظب بودند، وازخیالات مغرضانه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 93 of 596

وشخصی بدرجهٔ احتراز میفرمودند که بلند تر ازان متصور نیست چنانچه زمانیکه دورهٔ خلافت بحضرت (عمر فاروق رض) رسید نخستین امریکه از پیش گاه خلافت شان شرف نفاذ یافت معزولی حضرت (خالد ابن ولید رض) بود که انذات غیور را دفعةً از رتبه سپهسالاری تنزیل و بزیر دستی حضرت (ابوعبیده رض) تعیین فرمودند ، ولی از انجا که مطاوعت دین نبی و ترقی اسلام منظور نظر سعادت اثر انذات تقدس آیات بود اصلا باین تنزل رتبهٔ خود اعتنای نفرمودند، ودرراه خدمت دین وحصول رضائی حضرت (سیدالمرسلین) هرچه پیشتر از پیشتر صرف مساعی نمودند ـ همین شیوهٔ جلیله مبارکهٔ شان بود که درقلیل زمانی ادارهٔ مذهب وحکومت خودهارا وسعت وفسحتی فوق العاده دادند، ودول متمدنه ایران وروم رامنکوب نمودندو کفار ذی اقتدار آن ایالات را باتکال نمودن بمعاونت خداوندی واتحاد مابینی خودها مخذول ومغلوب کردند ـ همواره در معرکهٔ قتال کفار ، با انکه تعداد کثیری از ایشان شهید میکردید ، ولی هرفرد باقیمانده بخیال اینکه من چطور

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 94 of 596

ازکارزار فرار کنم ، وبرادر خودرا تنها بادشمن دست وگریبان دربیکار گذارم ، هیچگاه استقلال وثبات قدم را فرو گذاشت نکرده ، تادم آخر شخص آخرین میجنگید ـ (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین)

بناءً علیه میتوانیم گفت حصول اتفاق ویگانگیست کمایهٔ فلاح ابدی وذریعهٔ افتخار سرمدیست ، در مسلمانان محض بر پیروی احکام دین مقدس اسلام منوط ومتوقف است ، وتحصیل شرف وسر بلندی دارین بر مطاوعت اوامر شرع شریف مربوط ومنحصر ، اگر خواهیم خود مارا خار چشم دشمنان سازیم ، وگلستان آرزوهای دوستان را سرسبز وشاداب نمائیم ، واز عدم وفاق که مایهٔ انواع مصائب وخذلان است احتراز واجب شماریم ، وبرای اجرا وپیش برد اینهمه ارادات جمیله خودها پیروی وپابندی دین مبین را لازم ومطاوعت او امر واحکام (حضرت سیدالمرسلین) را واجب دائم وبالآخر ازدرگاه (حضرت صمدیت) توفیق اتحاد واتفاق عموم اسلام را بخشوع وخضوع مسئلت نموده استرحام نمائیم که

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 95 of 596

قطع اینقدر فاصله شود

حجم ، قطر ، سطح زهره وقتیکه زمین را واحد فرض کنیم اینطور میشود .

حجم زهره بنسبت زمین (۰،۸۵۶) - یعنی اگر حجم زمین ۱۰۰۰ ذرع مکعب باشد . حجم زهره ۸۵۶ ذرع مکعب خواهد بود قطر زهره بنسبت زمین(۰،۹۵) - اگر قطر زمین ۱۰۰ ذرع باشد قطر زهره ۹۵ ذرع خواهد بود

سطح زهره بنسبت زمین(۰،۹) - یعنی اگر سطح زمین ده ذرع مربع باشد سطح زهره ۹ ذرع مربع خواهد بود . اگر بعدد صحیح بیاوریم :

قطر زهره (۱۲۰۰۰) دوازده هزار کیلو میتر

محیط زهره (۳۸۰۰۰) سی و هشت هزار کیلومیتر

سطح زهره (٤٥٣٢٤٤٤٥) چهار صد و پنجاه وسه ملیون دو صدو چهل وچهار هزار چهارصدو چهل پنج کیلومیتر.زهره را چون بادوربین به بینید،مثل ماه،بدر وهلال می شود .

ع . احمد صنف تهیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 96 of 596

قنال سویز و بحیرهٔ احمر (قلزم)

درمیان بحیرهٔ روم و بحیرهٔ احمر یك خود برزخیست که قطعه عظیمه اسیارا باراعظم افریقا متصل و ملتصق می سازد بحجم عصر پیش ازمیلاد حضرت (عیسی علی نبینا وعلیه السلام)، قنالی بطول نودودومیل ، این برزخ راشکافته هردو بحیره هارا شرف وصال بخشیده بود. لا کن بمرور دهور این قنال اهسته اهسته پرشدن اغاز کرده درسنه هفتصدو شصت وهشت عیسوی از یك قسم ریك روان کاملاً مملو گردید . صدها سال باین وتیره گذشت بی انکه اقدامی بحفر این قنال و کوششی در اتصال آن ابحار گردد ، ناپو لیون بونا پارت اقدامی درین باب نمود مکر از جهالت انجینیران خود که اظهار داشتند که سی فت بلندی درمیان هردو بحیره ها موجود است ؛ از اقدام خود بیأس دوچار گردید .

درسنه هزارو هشت صدو چهل وهفت عیسوی انجینیران ماهردانا از جانب فرانس ، استریا وانکلیند برای معلوم نمودن همواری ویکسان بحیرهٔ روم و بحیرهٔ احمر مقرر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 97 of 596

گردید ازروی معلومات کافیه برغلطی انجینیران ناپولیون قادر گشته هردو بحیره هارا بیك لیول برابر نشان دادند درسنه هزارو هشت صدو پنجاه و چهار (فردی نان دویسیپ) نام انجینیر فرانسوی نژاد ازوایسرای مصر برای شکافتن یك قنال دراین برزخ منظوری حاصل کرد . واز عملیات ماهرانه خود در ۱۷ نومبر سنه ۱۸۶۹ دراجرای خیالات واقدامات خود کامیاب آمده ابهای هردو بحیره را باهم متصل وبرای کشتی‌رانی آماده و حاضر گردانید .

قنال سویزیکی از عجوبه های موجوده دنیا است ووقعت واهمیت فوق العاده را در انظار تجاران دنیا مالك بوده یك وسیله راحت فوق‌التصور برای اهل یورپ که پیوسته بایشیابرای‌فوائد تجارت، ترویج صنعت تفریح طبیعت یااجرای خیالات وتنافسات می آیند مهیا داشته است وبدون انکه سیاحین ووارد‌ین ایشیا را متحمل مشاق سفر کردا کرد افریقه بسازد یك راه نزدیك آسانی را ارائه داشته است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 98 of 596

ازانجا که قنال انقدر پهنائی را مالك نیست که جهاز های کلان بتوان دریك وقت متصلاً باهم قنال را عبور کنند یا اگر یکی از جانب شمال بطرف جنوب ودیگر ازطرف جنوب بصوب شمال رهسپار گردد از پهلوی یکدیگر گذشته بتوانند بدین واسطه حوض های فراخ در چند مقام حفر کرده اند که تا اگر کشتی ها بمقابل یکدیگر آیند ، بی انکه مظهر صدمهٔ گردند بحفاظت تمام همدیگر راعبور کنند، بااینهم جهازها نمیتوانند که سر راست بدون وقفه ازقنال بگذرند چه برای گذشتن یك کشتی کشتی دیگر ساعت ها در حوض بتوقف کردن وایستاده شدن مجبور میگردد .

طول قنال قریب صد میل ، عرض بسطح آب سه صد فت ودرته نهر ۷۲ فت است . یك کشتی ازشانزده تا بیست ساعت می تواند که قنال را عبور کند بشرطیکه درراه با انتظار عبور کشتی دیگر مجبور بتوقف نشود یادرمیان کل ولوش نهر گرفتار نیاید (چنانچه بعضی اوقات این حادثه روی میدهد) هر کشتی که از قنال

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 99 of 596

خداوندا ذات همایون این پادشاه معظم غیور مجاهد را که درراه رضا وخشنودیت وبجهت ترقی اسلام واتحاد ملل آن کمر همت بسته راحت ورفاه را بدرود گفته از عوارضات دهر مصون‌دار ـ ورعایای صادقهٔ شاهانهٔ شانرا بسایهٔ سعادت این پادشاه ترقی‌خواه توفیق خدمت گزاری فرما تاهمه یکدل ویك‌زبان گردیده درراه ترقی دین مقدس وتعالی وطن عزیز شان کرایند و رضای پادشاه مراحم ا کتناه خودشانرا حاصل فرمایند آمین

عطارد

نزدیك ترین تمام سیارات با آفتاب سیارهٔ عطارداست که گاهی پس از غروب و گاهی پیش از طلوع دیده می‌شود ـ وقدمااین را دوستاره خیال میکردند .

فاصله عطارد تاافتاب حدوسطش تخمیناً (۵۹۲۰۰۰۰۰) پنجاه‌ونه ملیون دوصدهزار کیلومیتر . ودوره حرکتش طولانی بیضی است . عطارد یك دوره خودرادرحول افتاب درمدت (۸۸) شبانه روزتمام‌میکند . پس‌سال در کره عطارد ۲ماه وبیست هشت روز،یاسه ماه قمری

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 100 of 596

است . و هر فصلش بیشتر از بیست و دو روز نیست عطارد را چون بادوربین قوی به بینند مثل ماه بدر و هلال می شود

وقتیکه عطارد بزمین خیلی نزدیك شود ، فاصله مابین آنها (۸۰) ملیون کیلومتر [یعنی ٤٠ ملیون کروه]

عطارد از تمام سیارات سریعتر حرکت میکند . البته جهة آن نزدیکی او بافتاب است که قوه جاذبه آفتاب در و بیشتر اثر میکند . زمانیکه بافتاب نزدیك می شود حرکتش سریعتر . واوقتیکه دور می شود حرکتش بطی می شود واوسط رفتارش فی ثانیه (٥٠) کیلومیتر است.

دوره حرکت عطارد (۷۱۲) کرور کیلومتر است یعنی دوره اودر ظرف سه ماه صورت اختتام میپذیرد قطرش (٤٨٠٠)

۱

چهار هزار و هشت صد کیلومتر یعنی تقریبا قطرش — حصة

۳

قطر زمین است محیطش (۱٥۰۰۰) پانزده هزار کیلومیتر.

سطحش هفت مرتبه از سطح زمین کمتر است، یعنی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 101 of 596

سا کنین عطارد زمین‌را بقدر هفت مقابل آنکه عطارد را می‌بینیم می‌بینند .

حجمش هژده مرتبه از زمین کمتر است ، باید هژده مثل کره عطارد را یکی جمع کنم تا اندازه مکانیکه کره زمین درفضا متصرف‌است او متصرف شود .

در کره عطارد آفتاب را هفت مرتبه روشن تر و بزرگتر از سا کنین روی زمین می‌بینند . پس نور آفتاب وحرارتش در انجا هفت مرتبه بیشتر از نور و حرارت زمین خواهد بود — گمان می‌شود که هوای غلیظی دور آن کره را احاطه کرده که حرارت افتاب را کم میکند ـ عطارد کرد محور خوددر ۲٤ساعت (٥) دقیقهٔ دور میخورد پس شبانه روز در عطارد خیلی شبیه بکره زمین است .

ارتفاع کوه‌های‌عطارد تا (۱۹) کیلومتر معین‌شده و کوه های زمین از ۹ کیلومتر زیاده ارتفاع ندارد

زهره

در خشنده ترین و منور ترین ستاره آسمان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 102 of 596

است . و بعد از عطارد نزد یك ترین تمام سیارات بآفتاب زهره است . مثل عطارد گاهی اول شب در مغرب و گاهی پیش از طلوع در مشرق دیده می شود . فاصله آن تا آفتاب حد وسطش (۲۱۳۰۰۰۰۰۰) کیلومیتر دوره حرکتش بیضئی خیلی شبیهٔ بدایره است . هیئت دانان بجهت سهولت زمین را مقیاس و واحد تصور میکنند چه از بابت فاصله و چه در سائر چیزها مثل حجم، قطر سنگی وغیره .

فاصله زهره و آفتاب نسبت به زمین (۷۲،) چند است . یعنی اگر فاصله زمین از آفتاب ده ذرع است زهره فاصله اش ۷ ذرع چیزی بالا می شود .

زهره یك دور آفتاب را در مدت ۲۲٤ روز (۱۷) ساعت تقریبا تمام میکنند که هفت و نیم ماه می شود . نزدیك ترین فاصله زهره با زمین (٤۰) ملیون کیلومیترویا (۲۰) ملیون کروه است . مدار زهره (۶۷۲۰۰۰۰۰۰) شش صدو هفتادو دوملیون کیلومیتر ، و حرکتش فی ثانیهٔ ۳۶ کیلومیتر است که باید در مدت هفت و نیم ماه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 103 of 596

میگذرد رهنمائی باوی مقرر می گردد تانگذارد که کشتی زیاده ازپنج میل فی ساعت رفتار کند چه ازتیزی رفتار بحربه تموج آمده ذریعه خرابی کناره ها و موجب پر شدن نهر میگردد بقرار قواعد جاریه کشتی هادرروشنی روز یادر مصباح مهتاب درایام روشنی ماه یابوسیله ضیای برقی ازقنال گذشته می توانند ودرتاریکی شبها بدون ضیا اجازه تیرشدن ندارند .

مدخل شمالی قنال (پورت سعید) است که درساحل بحیرهٔ روم وقریب یکصدو پنجاه میل بطرف شرق اسکندریه سمت وقوع یافته ازپورت سعید قنال جنوباً بطرف یك غدیر کم عمق که بنام منزلا زبانزداست ممتدو آنراعبور کرده یکسره بطرف جنوب برغدیر تمسه (که برکنار آن قریه اسماعلیه واکنون یك خرابه زاریست) میرسد واز انجا تابغدایر آب تلخ امتداد یافته وازانهم گذشته بقرب سویز که یك مقام خیلی با اهمیت وبر رأس بحرهٔ احمر واقعست راه پیدا کرده .

بحیرهٔ احمر قریب یکهزار ویك صد میل در طول

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 104 of 596

است ویك سفرومقام نهایت کرم خیلی ناخوشگوار است چه هردوسواحل آن باکناره شرقی یعنی ساحل عربستان و کناره غربی یعنی ساحل مصر تابفاصله های خیلی دور عاری از اشجار وسبزوات وتمامی حصص آن غیر آباد ، ویران ونامرغوب است وبکناره های بحیره بهر دوطرف کوهای سر بفلك کشیده خشك وخالی وقوع یافته که این بحیره را مانندیك خندقیکه درمیان دیوار های خیلی بلند محدود شده، باشد بانظار تجسم میدهد . وانعکاس شعاع ها وحرارت همین کوه ها است که باهوا مخلوط شده اراضی کرداکردرا ازروئیدن کیاه هاوهوای بحرهارا جهنم آسا میکرداند بجنوب بحیرهٔ احمر ابنای باب المندب وجزیره پیرم عرض وجود کرده اند جزیره پیرم درتحت تصرف انکلیزاست ودران قلعه مستحکمه بنا کرده وازاهمیت فوق التصورخودبنام جبرالتر بحیرهٔ احمر مشهور کشته .

باین طرف ابنای باب المندب کوه وجهیل عدن صورت وقوع پذیرفته .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 105 of 596

شهر عدن بریك مقام مرتفع کوهستان دار واقع شده که باخطه عربستان بذریعه یك برزخ خیلی تنك الحاق یافته بمانند جبرالتر که باهسپانیه ملتصق شده شهر عدن درسنه ۱۸۳۹ تحت تصرف انکلیز درآمده صورت قلعه جنکی را اختیار کرده وبرای جهاز ها وسیاحین یوروپ یك بندر خیلی مفیده ثابت کردیده است وازحینیکه قنال سویز مفتوح ویوروپیان بایشیاره کشوده اند ، یك ترقی روز افزون را تصاحب کرده نفوسش بچهل هزار بالغ میشود .

برای جهازها زغال سنکی مهیامیکنند وبرای مشتریان پرهای شتر مرغ ، تخم ، پوست شیر وپلنك شاخ کوزن اره‌های کلان ازدندان ماهی‌های (سا) سبدها وتکری های خیلی خوش نما حاضر وآماده دارد ازعدن تابمبئی فاصله شش روزهٔ بحر است .

مسابقه ادبی

(قاری)

کشته فکر کا کلش نارشتهٔ سودا مرا
در کلستان سیر سنبل میبرد ازجا مرا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 106 of 596

داغ سودای جنونم تازه‌زین‌مه میشود
میکند دیوانهٔ خود آنرخ زیبا مرا

تابشوق روی کلبرك توشیون میکنم
همصفیر خویش داند بلبل شیدا مرا

درهوای دام اوازشوق چشمم می‌پرد
کاش بندد بال و پرصیاد بی پروا مرا

کرکنم ضبط‌سرشك بیقرار خودچه سود
دل‌طپیدن میکند درپیش اورسوا مرا

عشرتم سرمایهٔ بزم مصیبت می شود
زخم ناسورم نسازد خندهٔ بیجا مرا

تاخرام نازاو دیدم قیامت دیده ام
تاچه محشر دیکر آرد برسر آن بالا مرا

ازقیامت خیزی انداز موزونش مپرس
میبرد چون سایه‌ازخود آن قدرعنا مرا

من حساب خود بفضل امروز (قاری) داده‌ام
نیست دردل یك قلم اندیشهٔ فردا مرا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 107 of 596

(بیتاب)

باتماشای چمن نبود سرو سودا مرا
بی گل رویت نکردد غنچهٔ دل وا مرا
می کند انداز سرو قامتش دیوانه ام
میرسد فیض جنون از عالم بالا مرا
کشتهٔ چشم ویم از دین و دنیا فارغم
شوخ استغنا نگاهی ساخت بی پروا مرا
از تواضع آیدت خورشید هم زیر کمان
می کند این نکته ابروی بتان ایما مرا
کرلب خاموش اوسربسته داردرازمن
غمزهٔ شوخش بعالم می کند رسوا مرا
موبمویم بستهٔ تارخم کیسوی کیست
اینچنین پیچیده درسر شورش سودا مرا
می سزد کر باکریبان سرنمی آرم فرو
دوستان دل برده از کف دامن صحرا مرا
نیست منظورم بغیر ازناز چشم دلبران
از متاع هردو عالم کشته استغنا مرا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 108 of 596

عشق خود [بیتاب] چون مظهر نهان میداشتم
کرد آخر حسن بالادست او رسوا مرا

(فدائی)

خوش ندارم گر شود در بزم عشرت جا مرا
خون دل میسازد آخر گریهٔ مینا مرا
رنگ رنگ از دست بیدادش جگر خون گشته‌ام
بوی یکرنگی نیامد زان گل رعنا مرا
بسکه بی‌ابروی اواز دیده طوفان ریختم
در نظر چون تیغ آید موجهٔ دریا مرا
جز پریشانی ندارد پیچ کاکل حاصلی
ایدل آشفته مگذار اندرین سودا مرا
گر همی آید بهم یکلحظه مژگان خواب نیست
میبرد از خود خیال جلوه‌ات شبها مرا
دیده آنجا قامت سرو دلارای کسی
دل کشد پیوسته سوی باغ شهر آرا مرا
بسکه در فکر دهان او (فدائی) گم شدم
بعد ازین مرکز نخواهد کرد کس پیدا مرا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 109 of 596

بصحت وسلامت بمدینه‌رسیدند . روز رسیدن‌شان مردم آنجا بسیار شادمانی کردند . حضرت علی هم بعد از سه‌روز رسیده آمدند واقعه هجرت به سال چهار دهم پیغمبری انحضرت درسنه (٦٢٢) واقع شد . مسلمانان همین سال هجرت‌را برتاریخ اعتبار کرده اند مسلمانانیکه همین دفعه بامرانحضرت ازمکه به‌مدینه هجرت کردند انهارا مهاجرین ، و مسلمانان مدینه را که بانهامعاونت کردند، انصار می‌گویند .

(امرجهاد)

دشمنی کافران مکه را بانحضرت و مسلمانان قبلاً تحریر داشتیم ، بعد ازهجرت انحضرت بمدینه کافران مکه‌برای هجوم آوردن برمدینه تیاری میکردند ، مسلمانان را هم محبت وطن وخویشان بی قرار ساخته دایما جنك کردن و گرفتن مکه‌را آرزو می‌نمودند . سال دوم هجرت بود که امرالهی نازل شده اذن جنك بمسلمانان داده شد ، وجهاد فرض گردید —

— و بعد از فرضیت جهاد مسلمانان جنگهائی بسیار با کافران کردند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 110 of 596

درهر جنگیکه خود انحضرت هم رفته باشند درتاریخ اسلام انرا غزامیکویند ، ودرهر جنگیکه لشکرفرستاد خود شان نرفته باشند ، ان را سریه می نامند . درمیان مسلمانان وکافران قریب (۲۷) غزا و (۵۰) سریه واقع شده است مشهورترین آن غزاها : بدر ، احد ، خندق ، خیبر ، فتح مکه ، حنین می باشد که بعدازین ازانها چیزی می نویسم اولین غزاها جنك بدراست درین جنك انحضرت با (۳۱۳) نفر مسلمان برامدند ، کافران مکه قریب هزار ادم جمع شده آمدند هردو لشکر در « بدر » نام یك موضع که قریب مدینه است فرود آمده جنك کردند . مسلمانان درراه حق یك دله شده خوب جنك کردند ولشکر کافران را که سه برابر عسکر اسلام بود شکست دادند . درین جنك ازمسلمانان (۱٤) کس واز کافران (۷۰) کس کشته شد ، از دشمنان کلان اسلام (ابوجهل) هم درمیان کشتکان بود (۷۰) کس دیکر هم از کافران بدست مسلمانان اسیرافتاد . انحضرت مدینه آمده بعض اسیران را فدیه کرفته ازاد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 111 of 596

کردند ، وبعضی را که بسه نداشتند و نوشتن میدانستند نگاهداشته بهر کدام انهاده بچه مسلمان را سپاریدند ، که بانها نوشتن یادبدهند ، ان اسیران بجهای مذکوررا خط یاددادده بعد ازان ازاد شده رفتند این غزادرسال دوم هجرت واقع شد

غزای احد

کافران از جنك بدر شکست خورده بمکه امدند. یکساه ماتم داری کرده بعد ازان بخیال انتقام کرفتن سعی و کوشش نمودند . سال دیکر باسه هزار نفر بجانب مدینه سفر کردند . انحضرت امدن لشکر کافران را شنیده معتبران اصحاب راجمع اورده مصلحت کردند که لشکر دشمن بسیار است اکرما دروازه های شهر را بسته بدرون ایستاده جنك کنیم خوب میشود ، ، جوانان غیرتمند اصحاب این مصلحت را پسندیدند ، وکفتند از شهر بیرون رامده بادشمنان روبروی شده جنك می کنیم ، انحضرت دیدند که اینها طرفداران بیرون رامدن هستند چیزی نکفته با (۷۰۰) نفر مسلمان برامدند ، بدامنه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 112 of 596

کوه احد که در بیرون مدینه است بادشمن روبرو شدند.
در جانب دست چپ عسکر اسلام یك دره بود ،
آنحضرت پنجاه نفر تیر اندازان را جدا کرده گفتند
« شمایان درهمین دره ایستاده باشید ، واصلا بجای دیگر
روید که اگر دشمنان از نجا برامده برما هجوم کنند
کار مشکل میشود »
جنك سر شد مسلمانان هجوم کردند ، کافران شکست
خوردند، لاکن همان پنجاه نفر تیرانداز فرمودهٔ آنحضرت
را ازخاطر برآورده برای گرفتن مال کافران از سر آن
دره جدا شدند ، چندنفر از لشکر دشمن اینحال را
غنیمت دانسته ازان دره آمده تا کهان خود را بلشکر
اسلام زدند ، مسلمانان شکست خوردند ، (۷۰) نفر
از مسلمانان شهید شدند که کاکای آنحضر جناب حمزه
ازان جمله بودند ، خود آنحضرت هم مجروح شدن ،
دندان مبارك شان شکست . اگرچه درین جنك کافران
مسلمانانرا شکست دادند لیکن خود شان هم بازمسلمانان
قوت گرفته مایان را زدند ، گفته زود کوچیده ازراهیکه
آمده بودند رفتند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 113 of 596

(غزای خندق)

درسال پنجم هجرت اهل مکه باتفاق جهودان مدینه ده‌هزار کس جمع کرده بسوی مدینه روانه شدند آنحضرت این خبررا شنیده . بااصحاب مشورت کردند ، از روی مشورت سلمان فارسی باسه هزار کس بیرون آمده ، در نزدیکی شهر فر آمده ، بدور لشکر اسلام خندق کندند .

کافران آمده در رو بروی لشکر ! اسلام صف بستند ، لا کن ازخندق کذشته نتوانستند ، ناچار از همان طرف خندق تیر اندازی کردند ، مسلمانان هم ازینطرف باتیر جواب کفتند ، عاقبت لشکر دشمن بسبب بی اتفاقی پرا کنده شده کشته رفتند ، مسلمانان مظفر ومنصور بمدینه آمدند .

صلح حدیبیه

درسال ششم هجرت آنحضرت باپنجصد نفر صحابه به نیت زیارت خانهٔ کعبه بطرف مکه روان شدند چون که نیت جنك نداشتند ، فرمودند : «کسی غیرازشمشیردیکر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 114 of 596

اسباب جنك باخود نكيرد ، وقتيكه بنزديك شهر مكه آمده در حديبيه نام يك موضع منزل كردند ، ايلچي فرستاده بمردم مكه نيت خودرا فهمانيدند ، لا كن آنها بسبب كينه ديرينه ، آنحضرت را بزيارت كعبه رخصت ندادند درحال آدم جمع كرده بفكر جنك شدند قريب بود كه ميان آنها ومسلمانان جنك شود ليكن بعض آدمها غيرت كرده درميان در آمده صلح كردند وعهد نامهٔ ترتيب دادند. هردو طرف اين عهد نامه را امضا نمودند.

آنحضرت بقرار عهد نامهٔ مذكور گشته بمدينه آمدند ، وسال ديگر رفته كعبه را زيارت كردند . همين واقعه را صلح حديبيه ميگويند .

غزاى خيبر

درميان شام ومدينه قلعهٔ بود خيبر نام . درين قلعه واطراف آن يهوديها خانه داشتند . درسال هفتم هجرت همين يهوديهاى خيبر جمع شده تيارى جنك مسلمانان مى كردند . اين خبر به آنحضرت رسيد ، بنابران باهزار نفر مسلمان براى گرفتن قلعهٔ خيبر آمدند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 115 of 596

یهودیها در دروازه های قلعه بسته از درون بجنك شروع نمودند . لشکر اسلام قلعه خیبررا محاصره کردند بعدازچند روزمحاصره یك جنك سخت واقع شده عاقبت قلعهٔ خیبررا گرفتند درفتح خیبر از جناب علی بهادری وقوت فوق العاده ظهور نمود . درین شهر مال بسیار بدست لشکر اسلام افتاد .

بعدازفتح خیبرزینب نام یك زن یهودی (پیغمبرعلیه السلام را) مهمانی کرد ، درطعامیکه ترتیب داده بود زهر انداخته بود ، چون طعام را به پیش آنحضرت نهاد ، جنابشان از روی معجزه دانستند که دران زهراست. اصحابرا از خوردن آن منع فرمودند ، اما چندنفر که دوسه لقمه خورده بودند از اثرزهر وفات شدند .

فتح مکه

بقرار عهدحدیبیه بااهل مکه ده سال جنك نمیکردند ، لاکن دوسال بعد ، یعنی درسال هشتم هجرت ، خوداهل مکه عهد مذکوررا شکستند ، چنانچه یك قبیلهٔ کافران که طرفدار اهل مکه بودند ، بایك قبیلهٔ دیگر کافران

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 116 of 596

که طرفدار مسلمانان بودند ، و با آنها دشمنی داشتند جنك نمودند ، و کسان بسیار از آنها کشته مال آنها را بغارت بردند . درین جنك بعض مردم مکه طرفداران خودرا معاونت کردند . قبیلهٔ که طرفدار اسلام بود بهداد خواهی پیش آنحضرت آمده واقعه را بیان کردند آنحضرت این معنی را غنیمت دانسته همراه ده هزار کس بسوی مکه روان شدند .

آنحضرت بالشکر اسلام در بیرون مکه آمده فرامدند درین شب مسلمانان را امر کردند که هر کدام شان آتش کنند . اهل مکه از آمدن مسلمانان هنوز بخبر بودند زیرا که چون (پیغمبر علیه السلام) ارادهٔ سفر مکه نمود براه های آن آدمها مقرر کرد که کسی بمکه زود نامرسدم مکه از ارادهٔ اوشان خبر نشوند .

امشب مردم مکه در بیرون مکه آتش های بسیار دیدند یکباره ترسیدند که این چه واقعه است ابوسفیان که کلان مردم مکه بود برای خبر گرفتن بطرف لشکر اسلام آمده درراه باجناب (عثمان) دوچار شده حقیقت را پرسید ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 117 of 596

جناب(عثمان) ارادهٔ آنحضرت را وبسیاری لشکر اسلام را باو بیان نمود، ابوسفیان بی‌دست وپاشده بجناب عثمان گفت : حالا چارهٔ کار من چیست ؟ جناب عثمان فرمود بجز اینکه مسلمان شوی دیگر هیچ چاره نداری .

ابوسفیان بخدمت رسول خدا آمده مسلمان شد آنحضرت بااو مراعات نموده فرمودند: هر کس از مردم مکه بخانهٔ ابوسفیان درآید یادروازهٔ خانهٔ خودرا بسته کند فردا از کشتن خلاص است . باقی دارد

مدو جزر اسلام بعد ازشماره اول

داستان رزحر حان وطخفه(۱) ویوم الفجار(۲)

از مورخ پرس تاسازد به پیشت آشکار

---

(۱) طخفه نام جائیست که در آنجا بنی ربوع را باقابوس بن منذر بن ماءالسماء جدال وقتال رو داده بود

(۲) یوم الفجار چهارروز ماه حرام که مابین قریش وقیس غیلان، طعن وضرب دست داده بود درین معرکه جناب(سرورعالم صلی الله علیه وسلم) نیز تشریف میداشتند وحضرت ایشان دران وقت بیست ساله بودند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 118 of 596

قصه حرب سلیم افسانهٔ یوم الغبیط

فتنه حرب لعانت وشورش یوم الوقیط(۱)

از خرد بیگانه و بی بهره از شرم وحیا

یك قدم ازسهو هم نسپرده در راه وفاء

دل کداز افسانه‌ها آخر چها گویم چها

تن همی لرزد چوخوانیم شمهٔ زان ماجرا

بسکه از تهذیب واز طرز تمدن عار داشت

سر کشی مردم کشی دخترفروشی کار داشت

روی خود پیچیده از فرمان حی لایتنا م

جان نثار صورت بیجان نموده خاص وعام

چیده بت بالای بت از فرش صحنش تا بام

مکة الله المبارك کعبة الله الحرام

خانهٔ ایزد خلیل الله کش معمار بود .

قبضه(۲) لات ومناتش بردرودیوار بود

(۱) وقیط آبکیر ومغاك ویوم الوقیط نام روزی است که در آن بنی تمیم وبکر ابن وایل باهم جنك کرده اند (۲) قبیله ثقیف که از اعاظم قبایل عرب بود در شهر طایف که از مکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 119 of 596

معظمه بفاصله چهل میل واقع است این بت را اززمانه شعیب پرستش میکردند و خدا قاضی الحاجات خویش میدانستند وقتیکه عسکر فیروزی اثر اسلام بسنه ثمانیه هجری المقدس بعدازفتح مکه معظمه بطائف متوجه شد قبایل ثقیف تاب مقاومت نیاورده طالب امان شدند و شرایط صلح را تجویز ساخته پیش کردند منجمله آن یکی آین بود که مارا اجازت داده اید که تایکسال این بت را پرستش کرده باشیم — حضرت رسالت مآب این امررا رضا نه داده فرمودند که ما برای کسر اصنام و نشر اسلام مبعوث گشته ایم مادامیکه این بت را ریزه ریزه نکنید صلح نخواهیم کرد آخرالامر مردمان قبیله ثقیف عاجز شده عرض کردند که مابدست خویش خدای خودرا نمیتوانیم شکست اگر شماها طاقت دارید بسم الله — مغیره بن شعبه بفرموده جناب حضرت (رسالتمآب ص) داخل قلعه شده لات راخود بشکست این بت تخمیناً یکهزارو پانصد ساله بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 120 of 596

نور طور (۱) از ظلمت عصیان چو شد زیر سحاب
وز جهالت شوکت ساعیر (۲) چون شد در حجاب
غیرت حق جلوه فرما شد به گیتی بی نقاب
سر بدرزد از فراز کوه فاران (۳) آفتاب
پرده برزد نور وحدت شد حقیقت آشکار
ظلمت و شرک و ضلالت کرد از عالم فرار
تا که از کوه صفا صبح صداقت بر دمید
در دل صحرا نشینان پرتو عرفان رسید
ظلمت جهل از بیابان عرب دامن کشید
شورشی برخاست هرسو کافتاب آمد پدید
مشرقستان تجلی شد ازو دشت حجاز
دیدهٔ شیاسیان از فرط حیرت ماند باز
(یعنی آفتاب پرستان وفرقه صائبین)

[خطاب باهل وطن]

ازطبع عبدالاحد صنف تهیه

(خیزید که اعدا همه جز درپی مانیست)
هرچند که ذکر همه جز وا وطنا نیست

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 121 of 596

چون خوب نظر افکنی از صدق و صفا نیست
در مغلطه و فتنه و آشوب تیاریم
فریاد که در دل کسی ترس خدا نیست
امروز ازان خوارو پریشان و خراییم
چون حب وطن در دل بیغیرت ما نیست
هرچند کنند ناله وطن بهر تمدن
هرگز اثری در دل سنگین شما نیست
ای اهل وطن تابکی این غفلت بیجا
خیزید که اعدا همه جز درپی ما نیست
همدست شوید اهل وطن ازدل و از جان
بیماری ما را بجز این هیچ دوا نیست
ایمان بیقین هیچ ورا نیست (فدائی)
شخصیکه بحب وطن خویش فدا نیست

(حفظ الصحه بعد ازشماره اول)

آب دریاهادر حالت طغیان بالخصوص مضر و مهلك است چه بسیار مواد مضره و آشیای پر میکروب متعفنهٔ کوچه ها بذریعه باران دران مخلوط میشود . آب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 122 of 596

دریا قابل نوشیدن نیست تا که بذرائع آتیه کسب صفوت ننماید .

تصفیه بذریعه ته نشین شدن : —

چون در یا تابحدی جریان می یابد مواد مخلوط آن میل به نشستن کرده آهسته آهسته ته نشین می شود . یعنی اگر دریا بمقامی تیره گردد پنج میل پایانتر ازان مقام ، از اشیای مخلوط برائت جسته صاف میگردد .

اینکه ازمقام های مرتفع بمثل آبشار جریان مییابد بواسطه که درحین افتادن باذرات هوا مخلوط میشود کسب صفائی میکنند .

اما هیچ یك ازین دوطریقه محل اعتماد کامله نیست چه درحین طوفان اشیای مخلوطه آب انقدرزیاد میگردد که صفائی آن باین دوطریق مشکل مینماید .

آفتاب خیلی مصفی آب است چه اکثر جرمها در اشعهٔ آفتاب بدرود حیات میگویند .

آب تالاب :—

تالاب ، یك حصه مجوف است که خواه قدرتاً بوجود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 123 of 596

آمده باشد یاازدست انسان کسب صورت نموده برای ذخیره شدن . آب آماده باشد . آب تالاب یا از باعث چشمه ها که درته خود تالاب پیدا میشوند ، یاازباعث نهرها که دران جاری میکردد بوجود می آید . و این آب بذریعه ته نشین کردیدن ذرات مخلوطه، وبواسطه وجود ماهیان ودیکر جانوران . (که اشیای کندیده رابلع میکنند) ونیزازتابش آفتاب صاف میکردد .

لا کن این ذرائع ناقابل اعتماد است . چه تالاب نه تموج وجریان را مالک است ونه مثل آبشار ازمقام مرتفع بحصه پستر می افتد که درهردوصورت ذرات آن باذرات هوا بخوبی التصاق پیدا کرده از اثر هوا صفا شود .

آب ، حفریات کم عمق نیز موجب خطر است . نه برای ضروریات طباخی ونه برای نوشیدن استعمال باید کرد .

بعضی کسان همچو خیال میکنند که اکر آب را ازصحن یاململ وغیره بکذرانند صاف خواهد شد وضرری

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 124 of 596

بهم نخواهد رسانید و باین عمل اکثر تکه های ناپاك
را استعمال میکنند و نمیدانند که علاوه بران که در
تصفیه آب زحمت بیفائده برداشته اند از ناپاکی تکه ها
آب را زیاده تر پلید گردانیده . چه تکه از تار های
پنبه بوجود آمده که درمیان پود وتار ان سوراخها
موجود اند که اب ازان میگذرد، لا کن ان سوراخها
انقدر فراخ میباشند که به امتناع اشیای مضرهٔ مخلوطهٔ
اب کامیاب امده نمیتوانند . چه اجرام امراض متعدیه
انقدر خورد میباشند که دیدن انها بچشم ناممکن ومحال
است و اگر صد اجرام مرض وبا، را پهلوی هم گذاشته
شود بازانقدر جسامت پیدا نمیکنند که ازیکی ازسوراخ
های صحن یاململ گذشته نتوانند . صحن یاململ لابد
اب را ازذرات سنك وخس و خاشاك صاف کرده
میتواند با اینکه اگر ان ذرات سنك بلع شود ضرر
کثیره بجسم رسانیده نمیتواند . پس گفته میتوانیم که
تکه وغیره اب را از اشیای مضره صاف کرده نمیتواند .
اکثراً مردمان دراب انهار درامده غسل میکنند و

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 125 of 596

بی انکه ازپلید نمودن اب ذرهٔ حذر کنند اب دهن وبینی خود را هم دران انداخته بعضی اوقات از بول کردن هم پروا ندارند . خیال کنید که غسل کننده شخصیت که عجالتاً ازمرض وباء کسب صحت نموده وقتیکه دراب می‌دراید ودران اب دهن خود را که هنوز از سمیت و باء مملو است می‌اندازد وجسم خود را که در مسامات ان ذرات واثار اجرام وباء موجود است دران اب میشوید ـ اب پلید ومسموم وشاربان ان به مرض مذکور مبتلا می کردند .

اکثر مردمان به کناره های دریا نجاست می‌افگنند مواشیان را درنهر داخل کرده اب مینوشانند وظروف های پلیدوالبسه چرکین را درمیان نهر میشویند، پوست میوه‌ها وغیره اشیای نجس راهم دران می‌اندازند بالاخر اب بااشیای کندیده ، مخلوط و اکر از اختلاط اجرام امراض خیلی مضره هم پاك و بری بماند ، بالضرور موجب اسهال وهیضه شاربان میکردد ، بااینکه از شستن البسه مریضان امراض متعدیه در نهر ، نوشندکان ان اب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 126 of 596

همان مرض بالضرور گرفتار و مبتلا میشوند. خیلی مفید است که اگر در گوشه جداگانه غسل کرده شود و به مقام مخصوصی مواشی را شسته واب داده شود تا این ابهای غلیظ بنهر هائیکه ازان اب میخورند دخالت پیدا نکنند :

باقی دارد

(ناول)

بعد ازشمارهٔ (اول)

پردل بازتوهم میکنند که اگرم رااین شوخها پوشیده کرده باشند که یك زن جوان درازقامتیکه درمیان زنها همان رتبه دارد که سردار ترکمان مابین مردها همه بازیهارا خاموش ساخته بتوجه وشغف سوی پردل می نگرد ـ یك آن بعد خادمش باین پیغام میرسد که چیزیکه می جستی یافتی زود بیا . پردل از سرور مفرط مدهوش گشته

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 127 of 596

میخواست که بتاخت برود اما لرزهٔ حیرت درانداما مش
افتاده آهسته روانش ساخت ـ زبان گویائی یارای سخنش
نداده که از قاصد سوال نماید بدل خود فکر میکرد که این
زن چطور خبر یافت که چیزی را می یابم و اگر اینقدر
آگاهست ضرور آن چیز نزدش خواهد بود و آن خود اکرم
است . اما نمیدانم که زنده است یا نه (در بیخودی لفظ
کافری برای خدابدلش گشته) خدا نکند که مرده ـ
زورقی کوچکی که چار پنج نفر بران سوار شوند بکنار
ایستاده بود پردل را بارفقا یش بران نشانیده بسرعت
زیادی بدرخرگاه رسانیدند ـ حکم شد که تنها بیاید ـ
آمادهٔ رفتن شد امادیگر نومسلمها که بهوش وحواس
خود بودند اندیشیده که درجای نوتنها رفتن مناسب نیست
گفتند که ماخویشاوندش میباشیم ـ قاصد جوابداد که
فرمان بیگم همچنین است واوبالای هزار ها نفر حکمر
انست ـ از درون صداشد که همه بیا ئید ـ چون
پردل نزدیك زن رسید در گریه‌اش دیده فهمید که اکرم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 128 of 596

فوت کرده گویا همه‌عالم مثل‌او درغم اکرم مبتلااست.
چون زن بقدمهایش افتاد تعجب کرده گفت که شما
اورا نکشتید بیچاره غرق شد .

(زن) شما چه‌میگوئید ، آیامرا نمی‌شناسید ؟

(پردل) غیراز اکرم کسی‌را نمی‌شناسم .

(زن) خالهای روی مرا ببینید .

(پردل) بلی مثل تو یك دختر داشتم اما او بسیار
خورد بود وتوبسیار کلان هستی ؟

(زن) دختر ده ساله بسن بیست‌وپنج کلان نمیشود؟
آیارنیشان دختر پریك نبود وشجره اش این نیست؟ پریك
ولد شنگن ولدترمی ولد کل ولدششی‌ولد بنت ولد بستل
ولد شاندرو ولد درگیس ولد لبسی ولد دد کل ولد الؤ
ولد گوت ولدوتگنی ولد مسرولد کچك ولد وتگنی ولد
وتری کل ولد وتراچو ولد ویرو وولد ایدی ویرو وولد
ددو ولد لمی ولد سلمشویت ولد لمی ولدرك دی‌براك .
چون زن شجرهٔ نسب را تاآخررسانید که آنجاهمه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 129 of 596

کافریها ملحق ومتحد میشوند در دل پردل شکی نمانده گفت :—

آه رینئان ـ توزنده استی وبس مایکجا شدیم — شکر است بهمین طریق اکرم را هم می یافم ـ دخترم اینقدر محو اکرم هستم که همه‌چیزهای عزیزراحتی ترا هم‌فراموش کردم بگو که اینجا چتور آمدی و آیامسلمان هستی ؟

(رینأن) الحمدلله علی‌دین‌الاسلام وشمارا هم بوضع شریف مسلمانی می بینم ـ بلی ؟

(پردل) شکر خداست که مسلمان هستم ودرین باب شکر اکرم هم بجا می آرم که مراو دیکر اقربای ترانیز مشرف باسلام ساخته دنیا وعقبای مارا معمور ساخت ـ حالا مادرت وبرادر هایت وخواهرهایت همه در کابل بخانهٔ اکرم خوشحال میباشند اما دختر کم‌اول احوال خود بگو .

(رینأن) ـ خوب یادم است که بزهامی‌چراندم ـ بزغالهٔ بگوه برامده از نظر غائب شدپسش‌رفتم ـ کافری

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 130 of 596

گفت آنسو رفته است ـ همانطرف روان شدم‌واوهم درپیٔ من بودتادور برامدیم- پس تنهایم دیده ودردهنم لته تخته کرده برشانهٔ خود مرا برداشت ـ چون از درهٔ خود بیرون شدیم مجبور براه رفتنم کرده در یك شبانه روز بخوستم‌بردو آنجاپیش‌یك سودا گرم‌فروخت .

ـ (پدر) اقرار این سخن را یکماه پیش آن کافر بوقتی کرد که مسلمان شده بود باین سبب انتقام تو کرفتن رواندانشتم اما منتقم حقیقی در همین مقد مه که باعث کم شدن ا کرم کردید از دست بچـه کا کای اکرم شهیدش ساخت شهادت باین سبب نصیبش‌شد که‌مسلمان بود وترا بخبر مسلمان‌دولتمندی ساخت ـ حالا ازقاتل او دوانتقام کرفتن دارم ـ خوب جوك من(دخترم) پسان چطور شد ؟

(رینأن) تا (پدر) این لفظ ها را بعد ازپانزده سال میکـویم وی شنوم — تا جر خـوست نزد میربدخشانم فروخت

(باقی‌دارد)

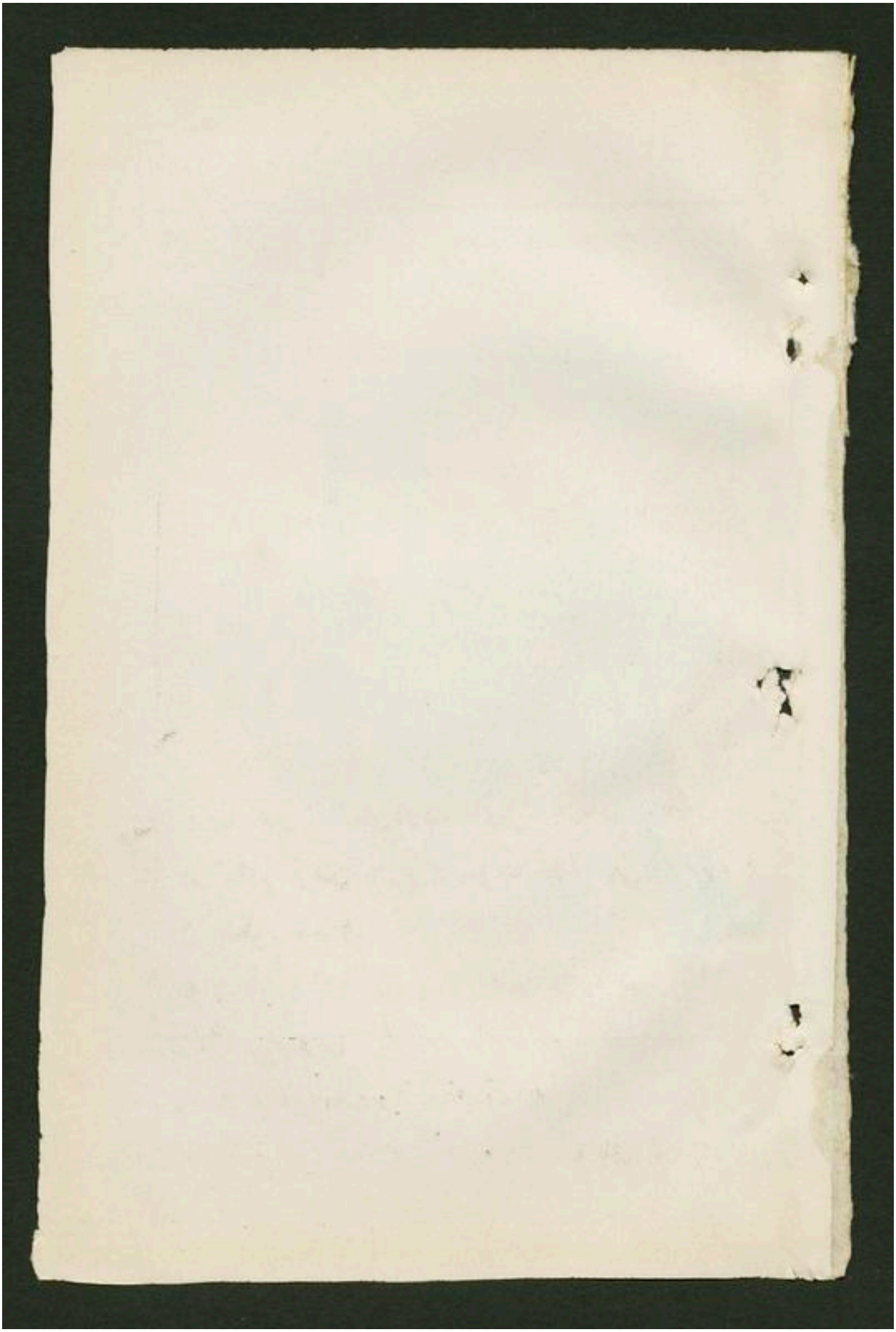

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 132 of 596



نهر سویز وبحیرهٔ احمر

شرحش درصحیفهٔ (۳۰ الی ۳۵)

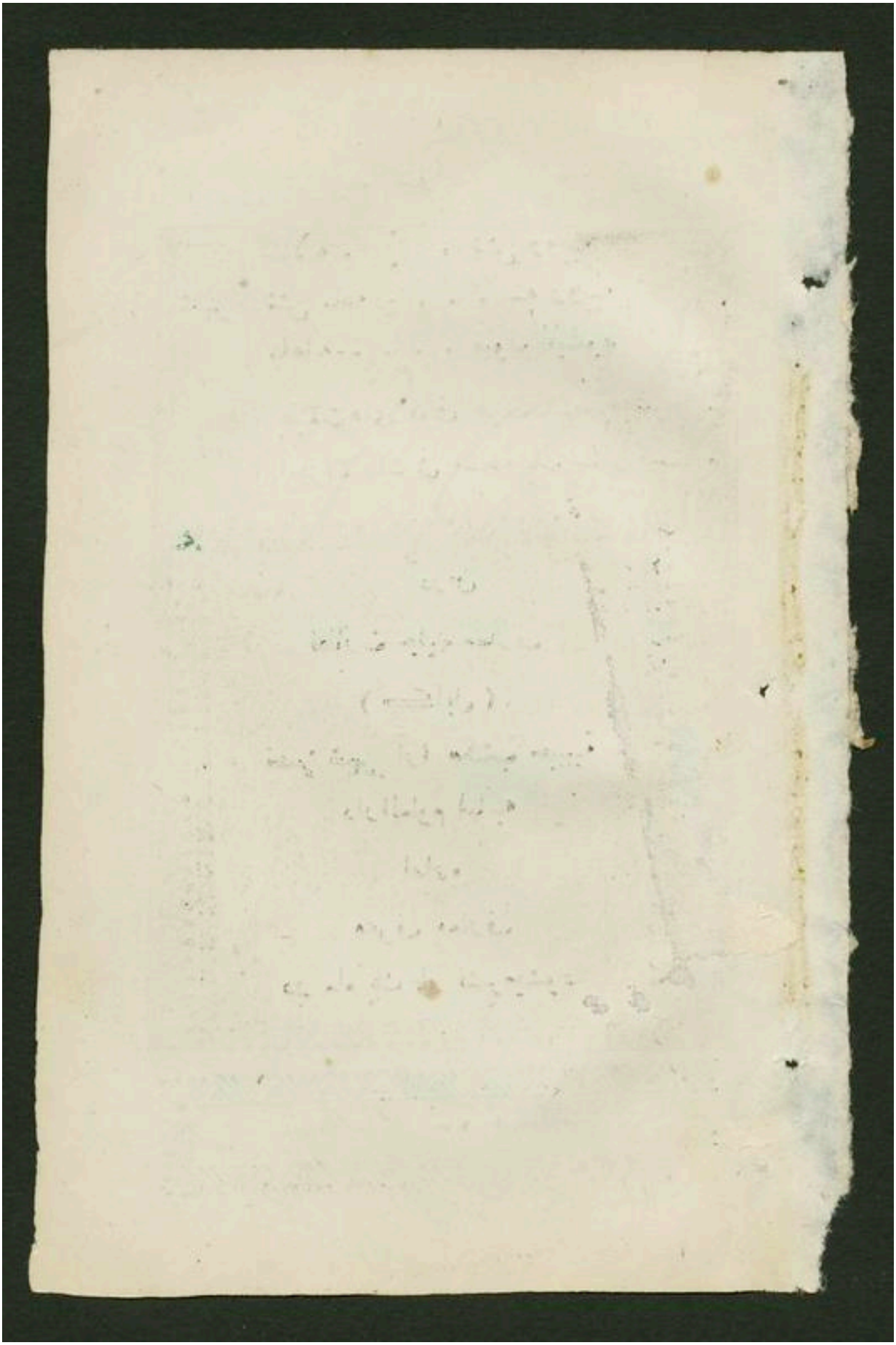

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 134 of 596

شرایط اشتراك

داخل شهر
- سالانه . . . شش روپیه
- شش ماهه . . . . سه روپیه
- ماهانه . . . . قبول نمیشود

خارج شهر
- بقیمت‌های فوق اجرت داك ضم میشود .
- اجرت داك فی نسخهٔ یك سنار است .

آدرس

نظارت جلیله معارف

(کابل)

قصر شهر آرا مکتب حبیبیهٔ

دار العلوم امانیه

اداره

معرف معارف

در ماه یك بار نشر میشود

بمطبعهٔ ماشین خانه چهاپ شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 135 of 596

سال دوم

شمارهٔ (سوم)

معرف و معارف

۱۲۹۷

یکم عقرب سنه ۱۲۹۹

از یمن توجه شهنشاه اقبال

امید بکنار دولت و استقلال

اسباب تمدن بترقی باشد

آثار معارف همگی رو بکمال





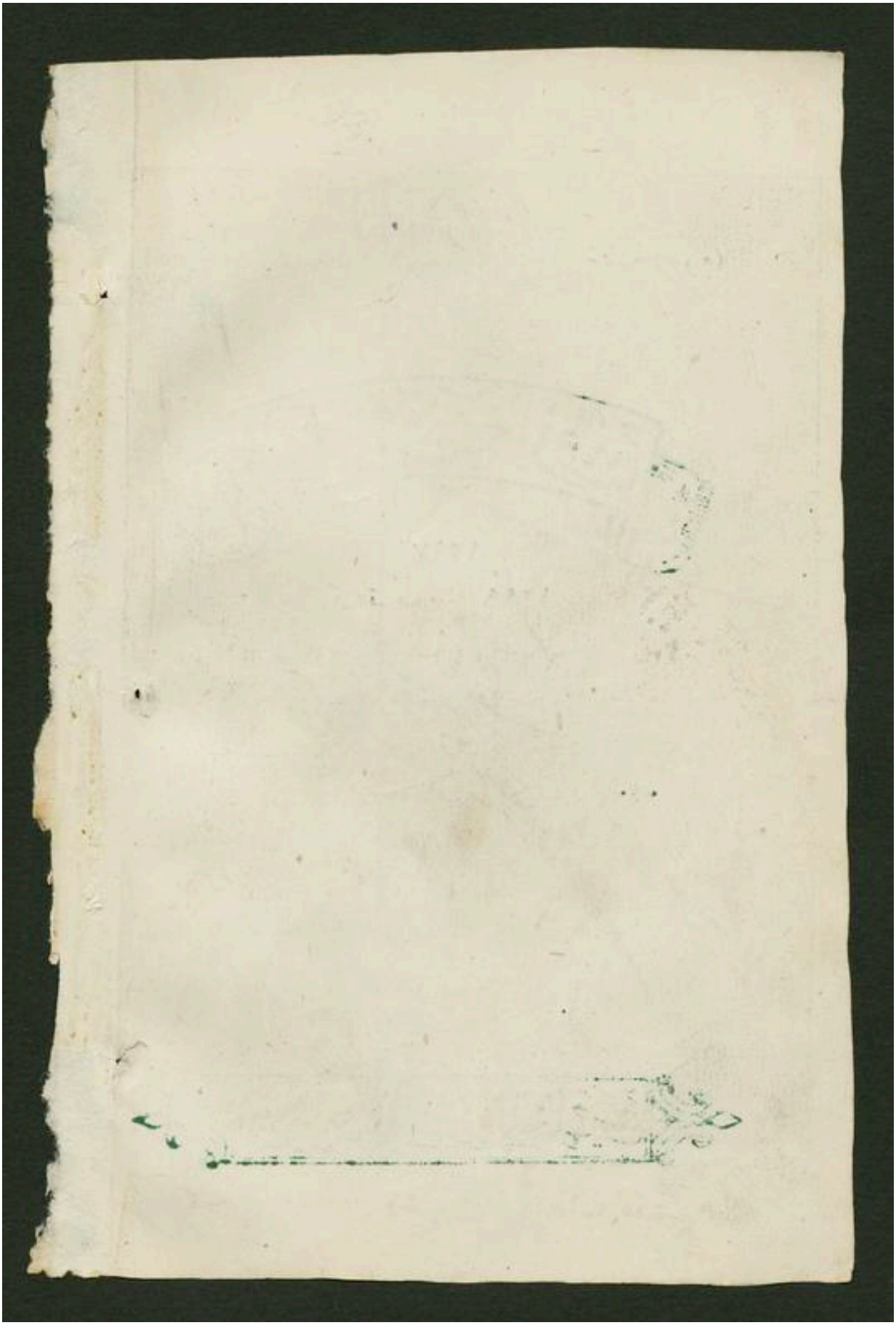

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 137 of 596

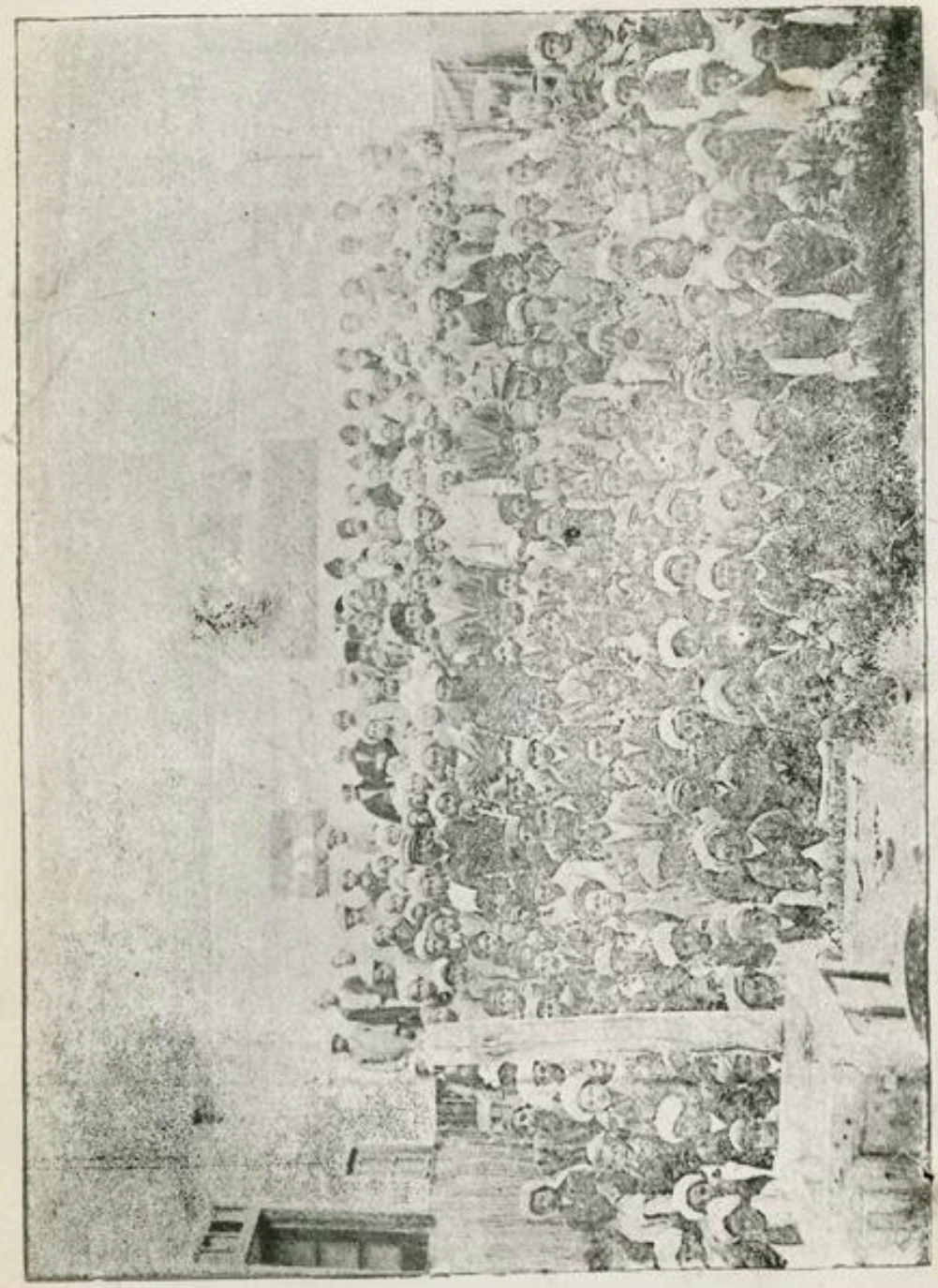

ممتحنین ومعلمین وشاگردان ابتدائیه مکتب همت

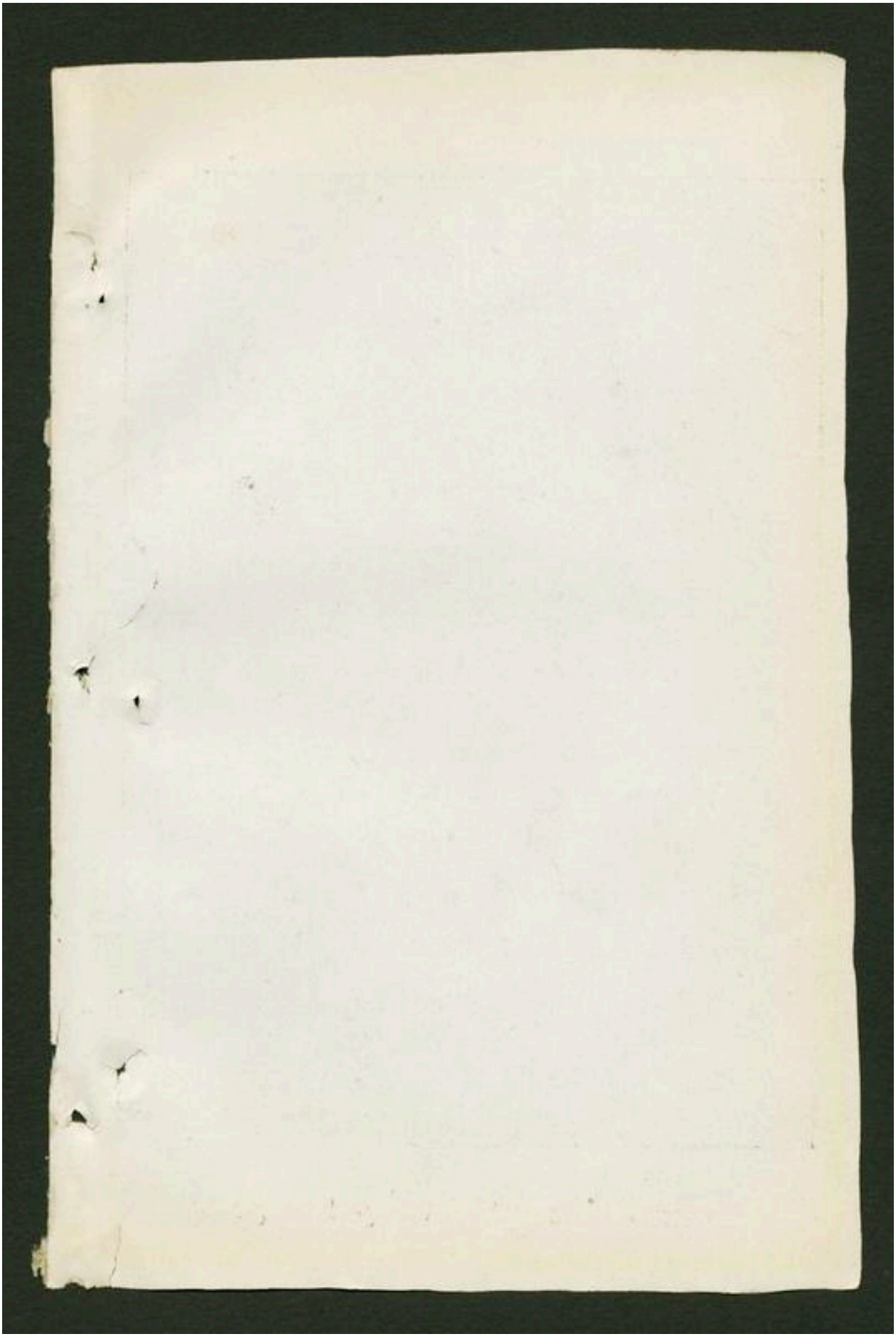

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 139 of 596

فهرست مندرجات

(۱) یك موت حیات توام
(۲) سعی و کوشش (ترجمه از ترکی)
(۳) تحصیل کمال (بقلم عبدالاحد صنف تهیه)
(٤) وزارت یا نظارت خارجیه
(٥) تاریخ پیدایش ریل ومدارج ترقی آن
(٦) آزادی مصر وتفصیل کاپی تولاسیون
(۷) مدو جزر اسلام
(۸) تاریخ انبیاء (بعداز شمارهٔ دوم)
(۹) ناول (بعداز شماره دوم)
(۱۰) دین چیست (ازقلم سیدهاشم خان صنف تهیه)



http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 140 of 596

بسم الله الرحمن الرحیم

« یکموت حیات توام »

ولاتقولوالمن یقتل فی سبیل الله امواتاً بل احیاءولکن لاتشعرون .

حیات داده ترا خضر ! آب حیوانی
بیاکه مرگ در بنعهد روح بخش آمد !!

تیغ برهنه اجل که از دم اول صبح دنیا ، برق آسا از شرق تاغرب عالم سیر کرده بقطع رشته حیات خوردوکلان ، پیروجوان ، دانا ونادان ، یکسان شتافته وبیك ایمای ابروی بی پیازانه سلاسل آمال جوانان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 141 of 596

سراپا امیدرا از صد جا کسیختانده است دایما باجرای وظیفه مامور ه دمی‌از سفاکی وخونریزی فارغ نه‌نشسته ساغر عیش و نشاط عالمی را از خاك یاس و حسرت مالامال گردانیده است . آری چون برق خاطف اجل درافق حیات جمعیتی درزبانه زدن‌آید فضای آرزوهای شانرا دمه آلود وشموس درخشان امید آن کروه را بکسوف ناامیدی مکتوم می‌سازد . مگر این‌واقعه‌هایله ووقوعه فجیعه در کل حال و بهمه اشخاص بیك وتیره اجرای تاثیر ندارد چه آن ستاره کان نور افشانیکه بمقتضای روشن‌خیالی وعالی همتی ، محض بقصد اقتباس انوار متجلای خورشید ضیا فشور ، کره تیره وتاریك خاکی‌خود را گذاشته بمقامات رفیعه ، بر آمدن‌را وجیبه ذمت گرفته اند ، اگر در اثنای عروج مدارج عالیه تکه ابری و جود شانرا مستور و از اشعهٔ فیوضات موفور شان چشم ناظرانرا محروم سازد خیال نمیشود که نقصی در انها وارد آمده و یاذره از درخشانی وجودشان کاسته ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 142 of 596

مرگ حقیقةً یکدشمن خیلی قوی ریشه بر انداز حیات است که هرذی حیات درمقابل این خصم غالب، بمغلوب شدن وفناکردیدن مجبور و محکومست .

کل شیٔ هالک الاوجهه

مگر انانکه محض بنابربقای حیات ملی وحصول ترقی وبرتری قومی خود ها از همه راحت وارامی ، ترفیه وبیغمی شخصی در گذشته ، تکالیف وشداید راه های دشوار گذار را بروجودخود هموار دانسته از مصائب ومشاق بیکسی ذرهٔ پروا نکرده بسمتیکه ازان نفعی برای سعادت وطنی شان متصور است ، پویان وروان کردند هرچندکه بی نیل نتائج متوقعه هم بخشیدن مسرارت ممات محکوم شوند حسن ارادهٔ شان حسیات هم جنسان و هم نوعان شانرا بتحسین خواندن و ثنا گفتن ترغیب وتشویق داده از زبان برناو پیر ندای تمجید و تقدیر بر می آید که این گونه ممات ، حیات جاودانی است وبفلاح ابدی وسعادت سرمدی رهبروهادی !!

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 143 of 596

نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت !!

[محمد آصف] یکی از همان هشت نوماوه کان کاشن افغانستان که برای جمع آوری قوه نمویه برآوری و ثمر بخشی چندی پیش ازین بطرف تاشکند ریشه اندازسی وهمت گردیده بودند (ما در پنباب تحت عنوان ترقی خواهانرا بشارت درشمارهٔ شرحی نوشته بودیم) درحین راه پیش ازانکه بخیالات مقدسه خود کامیاب آید از سموم بادخزان به پژمرده شدن محکوم گردید!!

انالله وانا الیه راجعون

هرچند مرگ جوان ، ماتم پیکران درقلوب هم مسلکان وهواخواهان تولید میکند اما چون امثال این مرگها وسیلهٔ حیات ابدی قومی ماست ، مفتخرانه و مسرورانه خدارا شکر میکوئیم وسپاس میفرستیم که افغانستان محفظهٔ روح وجان مارا آن علویت وبرتری عطافرمود که مالك آن چنان فرزندان باهمت ونوجوانان باغیرت گردید که درراه فراهم نمودن و سایل ترقی وبهبودیش جان میدهند وآن جان دادن را حیات جاودان می شمارند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 144 of 596

موت این هم مسلك ماکار اعجاز کرده وعوض انکه ترس وبیمی درقلوب اطفال تولید کند ودرسفر مردن وبه‌یکسی جان دادن را وخیم‌نشان بدهد دردلهای همه طلاب مظهر احساساتی گردیده است که بفوت‌اورشك میبرند ، وحیات خود را ننك می شمارند وبتوقعات فوق‌العاده کوش براواز امر اولوالامر خویش‌اند تاآن وعدهٔ شاهانه که (در فرصت اولین تهیه خارج رفتن مارا بنمایند) شرف صدور یابد وهرفردبلادرنك بتعمیل احکام مبادرت ورزند وبریکدیکر سبقت جویند .

مانمی بازیم همت‌ای‌عدو، دررهاومردن ماعید ماست

چرا اطفال‌افغان دل دهند وهمت ببازندوباین‌احساسات وطن خواهی و ارزو های ملت پروری نباشند ، آیا نمیدانند که این سرزمین دلنشین ازآنها ونهالان‌وجود شان پرورش یافتهٔ همین‌آب وهواست؛ سطوت وشوکت افغانستان مربوط به همت وغیرت انها ، راحت رفاهیت ، سربلندی وافتخار آنهاموقوف براعتلاوارتقای وطن عزیز شانست . آری سوای خاك پاك این خطه مقدسه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 145 of 596

سرزمین دیگری نیست که وسایل راحت شان را مهیا کنند وماعدای خود اینها ملت دیگری نی که بآبادی افغانستان جهد وغیرت نماید .

کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من

اعلیحضرت پدرشهریار مرحمت شعار ما از اصغای این خبر فوت محمد آصف مغموم وبرای پدرغمدیده اش مبلغ هزارروپیه عطا فرمودند . مبلغ موصوف بتوسط جناب مدیر ونائب معاون نظارت ونائب مدیر وبرخی از استادان محترم برای پدر موصوف کسیل شد تاهم تعزیت دهند وهم رسوم فاتحه بجا آرند .

آن پدرعالی همت باانکه خبر فوت یگانه فرزند جوان فرزانه خودرا درحین شیخوخیت شنید ومیبایست از آه جان سوزخرمن حیات می‌سوخت مگرازانجا که فرزندش دررده وطن پرستی نقد جان باخته بود ، خود را خیلی مسعود دانسته بادیدهٔ اشکبار تعزیت یگانه نوردیده اش را بپدر معنوی قاطبه اهالی افغانستان فرستاد .

سبحان‌الله خدای چون خواهد که مملکتی راباوج

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 146 of 596

رفعت رساند در قلوب قاطبه سکنه آن از کودك وپیر احساسات وطن خواهی وملت دوستی القا میفرماید که درصدد حصول ذرائع ترقی وتعالی آن هرچند که مورد تلفیات زیاد گردند ذره پروا نمیکنند ولو انکه آن ضایعات حاوی عزیز ترین وشیرین ترین اطفال واولاد شان باشند .

سالیکه نکوست از بهارش پیدا ست

سعی و کوشش

روح سائر امورات عالم کار کردن وسعی نمودنست ، انسان در عالم برای همین مقصد خیر مرصد خلق وتکوین شده تابسایه جهدو کوشش ترقیات فائقه دردنیا بوجود آورده اسباب آسایش وترفیه همنوعان وهم سلکان خودرا فراهم آرد .

رفع همه احتیاجات ، دفع ملال و کدر ، دورساختن رنج وعلل محض وابسته سعی نمودنست . شیرین ترین تمامی میوها همانا ثمره غیرت وهمت است ولذیذ ترین همه حلاوت هاشیرینی حصول نتیجه جدوجهد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 147 of 596

بکوشش عادی شدن نقمت دوران را از خود دور نمودن و مخلد لازوال نعمت و مسرت ره کشودنست ، آری تاثیر سعی وغیرت ، دافع ملالت مزاج ، مولد صحت وجود ، مصدر سرور وحبور وذریعهٔ تأمین ثروت و وسیلهٔ ترقی عزت ومکنت است

برای اشخاص ساعی باغیرت سزای بدتر ازین نیست که کارش را مسدود سازندو بیکارش گردانند .

برای ساعیان ، وقت نقد وسریع الگذراست حالانکه تنبلان وقت را بار گران میدانند . عجب تر انکه عمر خویش را عزیز ودوست دارند واندکی تفکر نمیکنند که همین دقیقه ها وساعت ها ست که عمر انسانرا تشکیل داده بوجود آورده است .

اشخاص بیکار در عالم بشریت مضر تقدیر میشوند واسباب تنفر ومورد شبهات میگردند .

بیکاران بانواع متاعب ومصائب گرفتار وسردوچاراند حالیکه فقر واحتیاج از دور بسوی شخص شاغل می نگرد مگر جرأت پیش شدن و نزدیک رفتن را محال میشمارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 148 of 596

عطلت ذریعه تخریب خصائص و خصایل ممدوحه فطری و آله تذلیل سائر فضایل طبعی قلبی ما ست . ازانجا که دراراضی خالیه نامزروع بجز خس و خار بار نمی آید همچنان از دماغ های بی تربیه ما عدای امید های مضره غیر مفیده فکر نافعهٔ صورت بروز نمی یابد .

انسان بکوشش واز امداد آن بحصول منافع مامور است هرشخصیکه باجرای این امر مبادرت نموده اسباب معیشت خودرا مشروعاً فراهم میکنند از میامن آن بسعادات ابدی نایل شده براحت قلب امرار حیات کرده مظهر احترامات فائقه میگردد .

کوشیدن رکنی از ارکان انسانیت است که اگر ازان اغماض نمائیم بدائره تنبلی دوچار واز حیثیت آدمیت بقدار می مانیم .

حاتم طائی را پرسیدند که در عالم از خود عالی همت تر کسی را دیدهٔ یااوصافش را شنیدهٔ ؟ گفت روزی چهل شتر قربان کرده وامرای عرب را بگوشه صحرا ضیافت نموده بودم ، دیدم که شخصی پشتاره هیزم فراهم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 149 of 596

کرده بود ، گفتم حاتم طرح ضیافتی نموده و خلقی را برخوان مهمان نوازی گرد آورده چرا بضیافتش حاضر نکردی شخص صفادل بجوابم گفت از اثر زحمت خویش نان خوردن بهتر است . از گردامدن برسفره حاتم وبار منت واحسانش را متحمل گردیدن ! سخنش را تسلیم نمودم وپایهٔ همتش را برخود بلند دیدم .

§

حضرت ابوالحسن خرقانی که وجود فیوضات آمود شان یکی از اولیاءالله کرام اند میفرمایند که خالص ترین قلوب انست که از سیئات مبرا . واعلی ترین کارها آن که از سوء نیت معرا باشد وبهترین نعمت ها همان که از نتیجه جهد وسعی طراوش نموده است .

(تحصیل کمال)

کسب کمال کن که عزیز جهان شوی
کس بی کمال هیچ نیرزد عزیز من

انسانرا لازم است که زیاده برزیاده وبلندتر از اندازه رهگرای مدارج کمال ومراتب جاه وجلال گردد، تالوح

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 150 of 596

دانشش بزینت فهم وکمال نگارش یابد ووجودش بلباس
کسب وپیشه آرایش بهم رساند وبرنج وز حمت ابدی
واصل نگردد ـ دکان امتیازورکات آدمی را متاع
گرانبهاتر ازجنس نفیس هنروکمال نیست وسپهرازجمندی
وسعادتش را اختر در خشنده تر از قابلیت نی ! !
رقم پردازان صحایف هنر وهنر وران خجسته سیردرهر
ملك و کشور مانند طلای احمر عزیز ومعتبر وازشکر
مراعات خاص وعام شیرین کام و بهره ورمی باشند ـ
فی الحقیقت هنرفیقیست مهربان ویاریست شفیق و فیض
رسان، هر کس را که ازرایحه وریاحین این گلشن فردوس
سرشت بوی مشام ادراك رسیده کامیاب لذات نعمتهای
گوناگون گردیده وآنرا که از می خوشگوار این مو
هبت جرعهٔ بکام استعداد نرسیده درهرآن وآوان بدرد
خمار افلاس وادبار وسختیها وصعوبتهای بیشمار گرفتار
گردیده همه وقت بشرمساری وخفت بلا نهایت دوچار
می شود ـ خلص آنکه محبت شخش بی هنر وبیکمال
درهیچ دلی راه نمی یابد :ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 151 of 596

کلید گنج سعادت فتد بدست کسی
که نخل هستی اورا بود برهنری

ویا گوئیم :—

در هنر هرقدر توانی پیچ
که نداری هنر نداری هیچ

ماراست که اوقات نی بدل عمر عزیز خویش‌را که هرنفسش بمثابهٔ گنجست بدون دریافت کمال وهنر نباید گذرانیم که صاحب هنر درهمه دیار عزیز ونی هنر در چشم مردمان خوار وحقیر است .

ای پسر حضرت رسول‌الله
گفت الکاسب و حبیب‌الله
انبیا هر یك اهل صنعت بود
کسب [آدم] بدان زراعت بود
بودخیاط حضرت (ادریس)
کرده باخلق علم آن تدریس
(نوح) رابود کسب نجاری
علم کشتی ازو شده جاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 152 of 596

کرده بزازی هم (خلیل خدا)
تکمه بند بود (یونس) زیبا
سبط (عمران) (شعیب) را چوبان
بود (داؤد) زره گردوران
صنع زنبیل از (سلیمان) ماند
(ز کریا) هم گلیم بافی راند
تاجری هست پیشهٔ (حضرت)
بود آنشخص را ز هر صنعت
ای پسردان که ادم بیکار
خشك چون هیزم است لایق نار
گفته اند این کلام را اقدم
هنرش نیست چون بود آدم ؟
دولتت رفت ماندی بیکاره
باز صنعت تراست سرمایه
کو تجارت نیابدت دولت
کوش در دست آریك صنعت

(عبدالاحد ـ صنف تهیه)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 153 of 596

,, وزارت بانظارت خارجیه ,,

دولت های متمدنهٔ مستقله ، چنانچه برای سهولت کارهای دولتی واحصای اشکالات امورات سلطنتی برای تقسیم کارها وتشکیل اداره‌ها ونظارت های داخلی صرف دقت میفرمایند ، برای ترتیب وانتظام وپیشرفت مقاصد مهمه خارجیه نیز یك دائره جلیلهٔ قائم کرده بنام وزارت خارجیه مسمی میکردانند . وجود این وزارت معظمه برای دول مستقله خیلی ضروری ومفیدووظیفه اولیا وکار داران آن هم بقدر اهمیت آن وزارت مهم ونزاکت را داراست چه . حیات ،استقلال، پیشرفت وترقی یا نزول ، بربادی وخرابی آن سلطنت بدست وا لیان آن وزارت بانظارت قایم وبرپا اگر مأمورین آن اهل خبره بین المللی بوده از پیچ وتاب رموزات سیاست آگاه ، واز دقایق مشکله مهمه که پیوسته با آن متصادف می‌شوند بخوبی دانا باشند البته بسرناخن رای وتدبیر بس عقود مغلقهٔ درهم پیچیده‌را گشاده‌بس منافع پسندیده برای ملك وملت خویش ظاهر ومهیا میکردانند واگر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 154 of 596

برخلاف آن والیان نظارت خارجیه از سیاست جهان و جهانیان بی خبر واز طرز وروش ماهرین سیاسی زمین وزمینیان ناواقف باشند البته از روی جهالت ونا دانی بکنه اسرار وخیالات سیاست دانان دولیکه باآنها شب وروز بجلب منافع ملی خود در پیکاراند ، دقت نتوانسته از فوائد کثیره مهمه محروم ، بلکه باجرای خیالات انها مجبور میگردند .

اگر وجود دولت را بمنزله یك کشتی تصور کنیم نظارت خارجیه بمنزله سکاندار آن است . که باید ان سکاندار انقدر ماهر وهشیارباشد که کشتی وکشتی نشینان را از لطمه های دهشت نمای امواج کوه آسا محفوظ ومصؤن داشته بی آنکه یك ضرر خفیفه هم بآن کشتی وارد آرد ، سالماً بساحل فوز و نجات رساند .

علاوه برانکه والیان وزارت خارجیه کاردان . رموز فهم ، دور بین ، موقع شناس ، داناوا گاه باشند میباید خیلی نجیب ، باشرف ، پاك طینت که وقعت ناموس ملی را باندازهٔ کمال دانسته ، دایما در محکمی وپایه داری آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 155 of 596

ساعی واز آرزوهای قلبی وخواهشات نفسانی وخود غرضی کاملاً بری باشد تاتواند که بمقابل سیل های نقره وطلای اجنبیان خود داری توانسته شرف و حیثیت ملك ودولت را برباد ندهد . چه بافشای اند کی اسرار دولت های رقیب وهمجوار خودرابر کشف بس مهمات صاحب اقتدار می سازد . وموجب خسران فوائد دولتش میکردد .

اکنون مختصر آبدانیم که وزارت های یانظارت های خارجیه دردول معظمهٔ دنیا بچه اصول اند وترتیبات وانتظامات انهاچگونه است :— نظارت خارجیه اولاً بچند شعب وادارات بقرار تناسب دول همجوار ومقدار دول دوست ورابطه دار همان دولت منقسم شده می باشد تا کار وروابط هریك ازدولت هائیکه درانها سفیر وقونسول میفرستند درصورت اهمیت ، تنهابیك اداره والا بشعبه یك اداره متعلق ومربوط می باشد —

رئیس این اداره یك مستشار وهیئتش مرکب از یك نائب وچند اتاشه (متعلقین) میباشد. باقی ازتشکیل که تحت نکاشته شد مفهوم میکردد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 156 of 596

(تشکیل وزارت خارجیه)

شخص اول وزیر خارجیه

وظیفه وزیر :—

۰۱ ریاست وزارت

۰۲ ریاست سفارت خانه‌ها و قونسول خانه‌های دولت خودش

۰۳ صدارت مجلس مشورت وزارت .

شخص دوم معاون وزارت

وظیفهٔ معاون :—

۰۱ در غیاب و نبودن وزیر یا ناظر قایم مقامی او را کردن

۰۲ ریاست کابینه .

مجلس مشورتی وزارت :— صدرش وزیر خارجیه

اجزایش معاون وزیر و مستشارهای آن .

وظیفهٔ مجلس :— مشوره دادن در کار های وزارت خارجیه .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 157 of 596

کابینه :ـ رئیس کابینه معاون وزیر و اجزای آن نائب معاون وسه‌یا چهار نفراتاشه .

وظیفه کابینه : ـ

۱ . انتخاب اشخاص برای خدمت وزارت سفارت خانه ها وقونسل خانه ها

۲ . کارهای عمله ونفری وزارت را کردن

۳ . تاسیس روابط بادول خارجه

٤ . فرستادن سفرای فوق‌العاده بهر طرف

٥ . ترتیب معاهدات وعهد نامه ها

٦ . ترتیب اعتبار نامه‌ها ودستور العمل‌ها برای سفرا وقونسول ها

۷ . تاسیس سفارت خانها وقونسل خانه‌هادرخارجه

۸ . تصویب سفرا وقونسل های خارجه بملک خود واستقبال انها

۹ . ترتیب دادن بودجهٔ وزارت وسفارت خانها وقونسل خانه هارا کردن

۱۰ . تعین وتغیر مأمورین سفارت خانها وقونسل خانهای دولت خود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 158 of 596

۱۱ . ساختن بیرق ومهرهای دولتی برای سفارت وقونسلخانهای خود .

۱۲ . دادن تذکرهٔ دیپلوماسی بقاصد دیپلوماسی خود و اشخاصیکه برای خدمت بممالك خارج میفرستند .

۱۳ . دادن رجسترهای مختلفه برای سفارت خانها وقونسل خانهای خود

۱٤ . تنخواه عملهٔ وزارت را دادن .

۱۵ . دادن مبلغ برای مخارج ادارجات خارجه .

۱٦ . انتشار رپورتهای تجارتی مستخدمین خودرا که درممالك خارجه باشند

۱۷ . تشکیل دادن وچهاپ نمودن سال نامهای وزارت .

۱۸ . ارسال نشانهای دولت متبوعهٔ خودرا برای سلاطین ، وزرا ونبائع خارجه .

۱۹ . تصدیق فرامین ونشان که ازدول خارج به تبعهٔ دولت متبوعه اش عطاشده باشد .

۲۰ . تشئید و تحکیم روابط باهم مذهبان .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 159 of 596

۲۱ . خواندن وترجمه کردن اخبار اب خارجه وتکذیب اخبارات دروغ که راجع بدولت متبوعه اش باشد

۲۲ . ترجمه کتابهای هر نوع را نمودن .

۲۳ . تشکیل کتابخانهٔ وزارت را کردن .

(اداره جات وزارت) هر نظارت بقرار تناسب وتعداد دول دوست ورابطه دار خود بادارات تقسیم میشود که مافرضاً درین جا افغانستان را مثال میاوریم .

۱ . ادارهٔ روس وبخارا رئیس این اداره یك مستشار اجزایش یك نفر نائب مستشار وسه یاچهار نفر اتاشه . وظیفهٔ این اداره ، امورات متعلقه افغانستان وروس وبخاری را اجرا کردن .

۲ . ادارهٔ دوم :- انگلستان ، هندوستان ، بلوچستان رئیس این یك مستشار واجزای آن مثل فوق .

۳ . ادارهٔ سوم ایران :- ترتیبش مثل فوق .

٤ . ادارهٔ چهارم چین :- ایضاً

٥ . باهر دولتیکه بنابر فوائد خود طرح دوستی اندازیم

٦ . ادارهٔ ششم :- ادارهٔ رجستری ووثیقه ها یادفتر وزارت .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 160 of 596

رئیس این یك باشکات واجزایش چند نفر میرزا

(مدارج ومناسب مستخدمین وزارت خارجه)

۱ . اتاشه سفارت ، نائب قونسل خانه . نائب جنرال قونسول خانه ، اتاشهٔ وزارت) بدرجهٔ کیدانی

۲ . نائب دوم سفارت ، ورئیس قونسول جنرال قونسول ، نائب مستشار وزارت ، نائب سوم سفارت ورئیس قونسول) بدرجهٔ کرنیلی

۳ . نائب اول سفارت ، قونسول ، مستشار وزارت) بدرجهٔ برکدی

٤ . وزیر خارجیه . وزیر مختار ، سفیر ، مستشار سفارت ، معاون وزیر خارجیه ، جنرال قونسول) بدرجهٔ جرنیلی .

تاریخ پیدایش ریل ومدارج ترقی آن

فوائد ومنافعیکه از احداث ریل برای عالم تجارت و مدنیت رسیده است هیچ فردی ازافراد دنیا ازان بیخبر نیست هرچند که خودش بدبختانه روی ریل را هم ندیده باشد . درمنافع آن اگر سخن رانیم ویا تیزی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 161 of 596

رفتار ، راحت سواری ، وعدم مخافتش را با کثرت مشاق وتکالیف ومخافات کثیر الوقوع الات حمل ونقل ازمنه سابقه بمیدان مسابقه ومقایسه آریم سخن دربدیهیات رانده خواهیم بود . پس همینقدر میگویم که اگر وجود مملکت هارا بجسم انسان تشبیه بدهیم ماشین ریل را بمنزلهٔ خون سریع السیر وسرك هـای آنرا بمشابه اورده وشرائین میبایم که هردم برای رسانیدن مواد حیاتیه درسرعت وجریان بوده ازفقر خاطفانه خودهمه حصص را قوت وقدرت میبخشد . ودرعـدم آن ، همچنانکه هرعضوی درعدم رك وپی بیجان وناتوان وعاقبت افتـا واعدام میکردد ، حصه های ملك ها نیز خراب وویران میشود .

ریل ها واسطه ترقیات تجارت ، آله اسایش وراحت عالم انسانیت ، ووسیله غالبیت بردشمنان وهم چشمان ملك وملت است .

امیدداریم که عنقریب اطفال نیکو فال وطن عزیز ما بممالك خارجیه برای تعلیم ریل سازی رفته افغانستان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 162 of 596

نیز ازین گونه لوازمات ترقی و تمدن مستفیض شود .

اکنون بتاریخ ریل اعان نظر میکنیم :—

ریل ازمدت های بس مدید موقع جریان آمده چنانچه درقرن هفدهم « تریم وی » بکانها ودیگر جاها یکه اسباب نقلیه برای حمل ونقل بارهای وزنین عظیمه بکار بود ، مستعمل میشد هرچند که آن تریم وی‌ها از تریم وی های زمانه موجوده مباینت کلی را هم در سرك وهم در واغون حائز بود . چه درسرك آن محض تخته های بلوطی وضع شده برسر آن واغون اسپکی رفتار مینمود مکربعد ازمدتی این خیال دردماغ بعضی اشخاص عرض وجود نمود که اگر برسر آن تخته های بلوط که سرك را مفروش ساخته میل هـای آهن نصب کرده شود تاتوان در موقع لزوم انرا تبدیل نمود پس ازین خیال طریقه استعمال سرك اهنی بظهور آمد .

مؤرخین دردانستن اینکه کدام شخص امتیاز اولین ایجاد ماشین بخار را ازسائرین تحصیل نمود بحیرت دوچار اند چه بسا اشخاص درفکر اختراع ماشین بخار افتاده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 163 of 596

بسی کوشش های فوق‌العاده وتجارب فائقه خود را در بنباب بروز میدادند هرچند که به نتیجه کافی رسیده نمی توانستند . تا که (کاك نت) نام فرانسوی از آثار ذکای خویش یك کادیکه بذریعه بخار بحرکت می آمد درسنه ۱۷۶۶ عیسوی به پیشگاه انظار عالم تمدن وترقی معروضداشت اگرماشین مذکوررا باماشین های متداوله حالیه بمیزان مقایسه وموازنه آریم یك ماشین عجیب الاختراعی معلوم میشود چه ماشین موصوف برسه عراده روان ودوسلیندر عراده اولش را بتدویر می آورد بعد ازان یك ماشین دیگر که ازقوه بخاریه خودش بحرکت می آمد درسنه ۱۸۰۴ ازدست قابلیت پیوست (ولیور ایوانز) نام امریکائی بمیدان ظهور آمد

(جیمز وات) یك جوان سکات لیندی که درمیان سنوات ۱۷۳۶ و۱۸۱۹ امرار حیات داشت بسی مساعی جمیله در ترقی دادن ریل نموده تایکدرجه مقتدر آن گردیده راه ناهموار این فن مشکله را برای باز آینده کان صاف وهموار ساخت سپس ولیم مرداك . ولیم سی منکنن

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 164 of 596

ورچرد تری وی هتك وغیره نیز درین مقام کوشش های عالیه ابراز نمودند .

باقی دارد

« آزادی مصر »

هرچند انتشار این خبروظیفه معرف معارف نیست خاصه در حینیکه جراید وطنی ما این پیغام بهجت انسام را خیلی پیش بابنای وطن که شیفته اصغای همچه احوالات طرب فزا اند مژده داده باشند . اما چون درضمن اشعار خبر آزادی مصر لفظ کی نی چولیشن که درفرانسوی کابی تولاسیون تلفظ میشود دراخبار پایونیر بمشاهده رسید ازبیان معنی اصطلاحی وشرح آن لفظك کوچك که حاوی بس نتائج وخیمه است اغماض نتوانستیم ، لهذا اولاً خبر مذکور را ترجمه نموده سپس بتوضیح کاپیتو لاسیون اقدام میکنیم :ـ

پایونیر میکوید : —

یك کریمان (ترتیب نامه) از نتیجه اجتماع و تبادله افکار ملنر مشن (وفد انکریزی) ووفد مصری که

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 165 of 596

صدر آن زغلول پادشاه است رسید . بقرار اختصار اخبار تائمز برطانیه عظمی آزادی مصر را قبول دار شده ضمانت میکنند که اقدامی نخواهد کرد که مورد نقصان آزادی مصر گردد ویا خللی در اقتدار دولت موصوف وارد آید مصر قبول میکنند که دولت برطانیه در وادی نیل دارای حقوق باشد ودر مواقع لزوم میگذارد که افواج برطانیه بر سواحل وسرحد اتش توقف ، عبور و مرور تواند برطانیه حق آوردن یك عده قشون در قنال سویز خواهد داشت وشاید که مرکز آن قشون را در (کان تارا) منصوب ومعین نماید . مصر بر روابط و امورات خارجیه خود کاملاً آزاد واقتدار کامله را مالك بوده کاپیتولاسیون نیز دران ملك منسوخ و مرفوع خواهد بود . اما این بیانات آن وقت منظور و بموقع اجرا خواهد آمد که وفد مصری در پیشگاه قبولیت ملت پرستان مصر را حاصل نماید .

§

کاپیتولاسیون مراد از عهد نامه هائیست که بین

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 166 of 596

دولت های قوی وضعیف بامتیاز وانتفاع اتباع دولت قوی صورت انعقاد می‌یابد ودولت قوی‌را امتیازی‌در مملکت ضعیف ازقبیل حکومت یاقضاوت قونسل ها و ترمیم معابد و آزادی‌تجارت وغیره‌امتیازات حقوق شکن قوت فرسا حاصل میشود .

حکومت قونسل ها مراد از قضاوت انها است در محاکمات بین اتباع دول خارجه باتبعه داخله که برای ایضاح آن یك دومثال بیان میداریم .

قبل از انقراض دولت تزاری روسیه دولت علیهٔ ایران بهمین درد بیدرمان کاپیتولاسیون گرفتار بود . دران وقت اگر یکی ازتبایع روس بنابر اجرای ظلم وستم بریکی ازتبایع ایران ، مجرم قرار داده میشدحکام دولت‌ایران نمیتوانستند که‌محاکمه آن مجرم‌را نموده بقدر گناه سزایش دهند بلکه حاکم ایران مجبور بود که واقعه را برای قونسل روسیه اظهار داشته یك‌محکمه جداگانه که مختلط ازاتباع دولت ایران‌و دولت روسیه باشد برپا کنند که‌انهابااتفاق همدیگر مجرم‌را محاکمه مینمودند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 167 of 596

وبالانکه نمایندهٔ کهازطرف قونسل روسیه درین محاکمه مقرر میشد پیوسته در براءت تبعه مجرم خود کوشیده معصوم وبیگناهش وانمود میکرد ، لکن اگر اری جرم آن مجرم آن بزرگی را مالك می بود که در زیر پرده طرفداری نمایندهٔ ناحق شناس مکتوم نمی شد و گناهش صراحةً ظاهر میگردید حاکم ایران نمیتوانست که مجرم را بجزای اعمال زشت وافعال ناهموارش برساند بلکه آن مجرم راتسلیم قونسل روسیه مینمود وقونسل هم جزا نداده بوطن مالوف میفرستاد به بهانه آنکه انجا بجزا برسد مگر بسا مجرم بی آنکه بسزای افعال گرفتار آیند ازیم راه برگشته ، بهمان محلیکه دران اجرای تظلم نموده بود مراجعت میکرد یامقام دیگر در اجرای اجحاف وزبردستی مشغول ومصروف میگردید .

این احقاق حقوق قونسل روسیه نه تنها بدادخواهی وعدالت گستری تبعهٔ خود شان منوط ومحدود میماند بلکه بتابع داخله ایران نیز مداخله کرده بس اقدامات

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 168 of 596

حقوق شکنانه بعرض میرساند باآنکه بقرار قوانین حقوق بین المللی سفرا وقونسل های دول خارجه بهیچ صورت حق دخول در کار های داخله یکدولت ندارند اینك مجبوریم بگوئیم که دولت علیه ایران ، آن دولت پرسطوت که باری قریباً کل ایشیارا بانصف اورو پابتسلط قوه قاهره خودآورده بود محض ازعیاشی وتن پروری سلاطین وشاهان وتنبلی ونفاق وعدم اتفاق اهالی خود باین بلای خانمان سوز گرفتارشده از ترقیات فائقه محروم گردید. آری همینست نتائج وعاقبت ممالکیکه درعدم سراج وهاج علم وهنر بسایه جهل ونادانی در کنج های تیره وتاریك رهسپارند و از تزاید قوه عسکریه چشم پوشیده درمواقعیکه لشکر مخالف بنای دست اندازی برناموس ، شرف ، حیثیت ، اقتدار شان می نماید ، بیدار میگردند اما چه بیداری که تاچشم های خواب آلود ، نشه نمودخودرا میمالند دست قوی بیگانه حلقوم شانرا آنچنان سخت فشرده است که مجبور می شوند برای آسایش چند روزه دیگر طرح مجالس صلح نمایند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 169 of 596

وبه‌انعقاد عهد نامه های ناموس شکن ، اعدام نما
مجبور کردند ورفته رفته تحت مظالم دولت قویه
ترك حیات کنند .

اگر همین تکالیفات و زحمات دولت علیه ایران
را تعقیب کرده مواد اصلیه و اسباب اساسیه این بلایا
رادرتاریخ ایران بجوئیم می بینیم که مأخذ اصل این درد
جانکاه همانیکی عهدنامه « ترکمان چای » که درسنه ۱۲۴۳
پس ازجنك روس و ایران بین فتح علی شاه و دولت
روسی منعقد گردیدوعهد نامهٔ دیگر پس‌از جنك‌مرات
و بوشهر در سنه ۱۲۷۳ بین دولتین ایران و انکلیس
بوقوع آمد وازانروز هادولت‌ایران درپنجه های ظالمانه
دول روسیه و انکلیسیه گرفتار آمده از تمامی ترقیات
محروم‌ماند . باین حال اسف‌ناك ایران بیچاره بسی‌سالهای
متمادیه گرفتار بوده‌تا آنکه بعد ازتشکیل جمهوریه بولشویك
درسنه ۱۳۳۷ مجزی ازچنك‌این بلای مبرم خلاصی‌یافت .

دولت‌معظمه عثمانیه‌نیز تاشروع جنك ۱۹۱۴ تحت
این قانون استقلال شکن بود که انعقاد آن معاهده در

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 170 of 596

سنه ۱۵۳۵ع بین فرانسوی اول پادشاه دولت فرانس
و سلیمان اول سلطان عثمانی بود و عهد نامه دیگر در
۱۷۴۵ بین سلطان محمد اول ولوئی پانزدهم منعقد گردید
که مواد معاهده اول را تائید و بعضی قوانین دیگر
مانندازادی تجارت ، ترمیم معابد ، ازادی دین عیسوی
وتساوی حقوق نصارا بامسلمانان ، وحکومت قونسل
برمعاهده اول نیز اضافه نمود . هرچندبعد ازین معاهدهٔ
دولت عثمانیه را ازجمله دول متمدن دانسته حقوق دخول
مجلس بین المللی را دادند مگرمفاد این معاهده نه چنان
قوت فرسای تهلکه ناك بود که دولت عثمانیه از چنك
آن میتوانست خودرا ازادی داده درره ترقی وعمران
پویان گردد . هرچند که وطن پرستان با وجدان آن
قباحت این مظالم را دانسته از زوی رفع ودفع آن مینمودند
مگر بمقتضیات زمانه ازتحمل آن بار خیل گران خودرا
خلاص نتوانسته تا که در چنك حاضره وقت را غنیمت
شمرده تخلیص گریبان نمودند مگر افسوس که خلاصی
ونجات آنها مشابه به نوشدا روی شد که پس از مهلك

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 171 of 596

بسهراب رسید !!

چین تا کنون تحت همچه معاهده درعذاب گرفتار ودولت مترقیه ژاپون بسایه علم وهنر وقوت و سطوت خویش این زنجیر قوت فرسای رذالت واسارت را از دست وپای وطن خود درسنه ۱۸۸۶ شکستانده دراقطار دور و نزدیك انداخت و از آواز مهیب دهشتناك آن خوف بسی عظیم در دلهای اسیر کنندگان اقوام دنیا گذاشت !!

انسان ستاره اقبال خود است ، روحیکه میتواند یك شخص باوجدان که باوصاف حمیده انسانیت متحلی باشد ترکیب بدهد انشخص برسائر سعادات متصرف بوده ادوار حیات، انقلابات زمانه سیروحرکات معاملات هم موافق خیال و مطابق مزاجش رفتار میکنند. آری اعمال مافرشتگان موکله اجسام ما است که اگر بصفات حسنه ، پیراسته باشد بفلاح ونجاح سرمدی ، رهبر و هادی مان میگردد واگر ازحلیه محاسن معرا وبدرد قباحت وسفالت مبتلا باشد حضور همه راحت ها ، مسرتها را

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 172 of 596

ازما دور و بجدائی سائر سعادات وقاطبه خوش بختی‌ها محکوم مان می‌سازد .

مدو جزر اسلام

غیرت (۱) نیرون شده هرا بیرا (۲) طور زمان
ظلم و طغیان را رسانده سر باوج آسمان
نی بشرع موسوی مائل کس از پیرو جوان
نی سوی قانون سولن (۳) ملتفت خلق جهان

(۱و۲) نیرون امپراطور سلطنت رومیه که درسنه ۳۷ عیسویه ازبطن مادر برامده خیلی جابر و جائر گذشته است اولاً مادر خود را کشته سپس همه شهر را آتش درزده خود برقصر برآمده تماشا میکرد — آخر رعایا ازدستش بجان آمده علم بغاوت برافراشتند و آن بد سیر تاب مقاومت نیاورده خودرا هلاك ساخت (۳) سولن از صنادید حکمای یونان است و مسقط الراس او بلدهٔ اسن بود که معرب آن اثینه است واوجد مادری افلاطون بود از برای ملك یونان قوانین سیاست مدنیه خیلی خوب وضع کرده بود درشهر صور مدفون گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 173 of 596

در لکد کوب حوادث عالمی پامال بود
بر جهان باب رسالت بسته ششصدسال(۱) بود
هیچکس جویای حکمت در همه یونان نبود
هیچکس پابند ملت در همه کنعان نبود
هیچکس زابنای فارس(۲) صاحب عرفان نبود
هیچکس از اهل لندن غمخور انسان نبود
خود عرب جز تلخکامی بهرهٔ دیگر نداشت
فاش میگویم جز آب شور در ساغر نداشت
طبعها نا آشنا از کسب و ایجاد هنر
از فلاحت بی نصیب و از تجارت بی خبر

(۱) مراد از زمان فترت است که مابین جناب عیسی علیه السلام وعهد فرخ مهد سرور عالم صلی الله علیه وسلم بود در اول اوقات جمیع ملل ونحل در ظلمت جهالت سرنگون افتاده بودند (۲) اشارت است بحدیث شریف نبویه علی قایلها افضل الصلوة و السلام لو کان العلم فی الثریا لنالهٔ لفرس

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 174 of 596

چون بهایم یکسر افتاده میان خواب و خور
نی بحکمت نامدارو نی به صنعت شهره ور
جز ستمکاری و خونخواری دگر آئین نبود
هیچکس در انقیاد حکم شرع و دین نبود
آتش کین ار به نجد (۱) از غصه می افروختند
تا بغور (۲) از کرمئی آن خشک و تر میسوختند
جز سلحشوری دگر حرفی نمی اموختند
حاصلی غیر از زیانکاری نمی اندوختند
از جدل بر عرب زیر و زبر می ساختند
آن کهن ویرانه را ویرانه تر میساختند
سر گذشت بکر و تغلب (۳) هم نسار و (٤) هم جفار (٥)
ماجرای واحس (٦) وغبرا به خطار و حفار

(۱) نجد بالفتح زمین بلند غور ، نام ملکی از عرب که زمین ان به نسبت یمامه وحجاز بلندست (۲) غور بالفتح زمین پست وزمین تهامه ـ مابین نجد وغور حجاز واقع است (۳) این معرکه در اشعار جاهلیت بحرب بسوس موسوم ست وسر گذشت آن بدینمنوال بوده که

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 175 of 596

شتر شخصی درزراعت زنی افتاد زنکه شتر را زده از زراعت بیرون کشید مالك شتر درخشم رفته پستان زنکه را ببرید .

برسراین ماجرا درمیان قبیله آن مرد و خویشان زنکه چنان جنك عظیم درپیوست که ازسنه ۴۹۳ ع تا سنه ۵۳۴ ع تخمیناً پنجاه سال بازار کارزار گرم بود ـ هفتاد هزار ازشجاعان عرب دران کشت و خون عرضه تیغ تلف کشتند ـ دراوایل حال بنی بکر و بنی تغلب درین فتنه باهم دست و گریبان بودند مگر آخرکار جمله قبایل عرب دران شرکت ورزیدند (٤) نسار بروزن کتاب نام آبی است مر بنی عامر را که دران مقام از یك سو بنی تمیم و بنی عامر واز جانب دیگر بنی اسد و بنی زباب مصروف جنك و پیکار بودند (٥) جفار ـ ایضاً بروزن کتاب نام آبی است مر بنی تمیم را به نجد در پنجا بعد از گذشتن یکسال بروقعهٔ نسار باز درمیان بنی عامر و بنی تمیم معرکه کارزار گرم شده بود (٦) قیس ابن زهیر وحذیفه بن بدر دراسپ دوانی باهم گرو بستند قیس وانس وغیراه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 176 of 596

نام دواسپ خودرا در میان انداخت حذیفه در برابر
انها خطار وحفار نام رهوار های خود را پیش کرد
بنو فراره از کروه حذیفه سرراه کمین کرده نشستند
و غبراه را سبقت نموده بود ترسانیده رم دادند ـ پس
درمیان ذبیان وعبس جنك برخاست واین حرب وضرب
ازسنه ۵۶۸ ع تاسنه ۶۳۶ ع درمیان عرب جاری بود
ا کثر از قبایل عرب دراین معرکه شربت موت احمر
چشیدند واین جدال وقتال ازمیان ایشان وقتی برطرف
شد که افتاب اسلام از مشرق کنتم اعداءً فالف بین
قلوبکم فاصبحتم بنعمت اخوانا بر سران پرخاش جویان
بشافت .

باقی دارد

تاریخ انبیاءع

همان بود که ابو سفیان گشته بمکه آمد ، ومردم را
ازچیزیکه دیده بود خبر کرد . مردم مکه حاضری جنك
دیده نتوانستند . هرکس بهرطرف کریخت . آنحضرت
علی الصباح بی جنك در آمده مکه را گرفتند اهل مکه را
بااینکه یك عالم ضرر و زحمت ها از آنها دیده بودند عفو

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 177 of 596

کردند . آنها هم گروه گروه آمده مسلمان میشدند باین صورت ازخانهٔ کعبه ومکهٔ شریفه بت ها وبت پرستی معدوم شده دین اسلام رواج یافت .

(غزای حنین) وقتیکه خبرفتح مکه بدیگر اطراف رسید بعض قبیله های عرب که هنوز مسلمان نشده بودند به غضب آمده در حنین نام یك موضع از اطراف مکه جمع شدند . خیال داشتند که بلشکر اسلام هجوم بیارند آنحضرت این خبر را شنیده با دوازده هزار کس بسر آنها رفتند . درموضع حنین جنك سخت کرده آنها را شکست دادند وملك شانرا گرفتند . بعدازین در تمام جزیرة العرب اسلام انتشار یافت . ومسلمانان در آنجا آباد شدند (حج وداع) درسال دهم هجرت ، جناب پیغمبر علیه السلام ارادهٔ حج نموده این نیت خود را به تمام مسلمانان اعلان کردند وباچهار هزار کس بجانب مکه روان شدند مسلمانان اطراف هم گروه گروه رسیده می آمدند تا که عدد مسلمانان آمده کی بصد هزار نفر رسید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 178 of 596

آنحضرت درمکه خطبه‌خوانده . بمردم فهمانیدند که من درین نزدیکی ازدنیا خواهم گذشت . مردم را نصیحت بسیار کردند . بعدازان بمدینه گشته آمدند . این حج : حج آخرین آنحضرت است ، بنابران در تاریخ اسلام آن را حج وداع می‌نامند .

درسال یازدهم هجرت بعدازسه ماه یکروز پیشتر از ربیع‌الاول ازدنیا گذشتند . جناب پیغمبر علیه السلام بیمار شدند ، اصحاب‌را جمع کرده باین طریقه آنحضرت نصیحت فرمودند که من ازدنیا میروم قرآن‌را درمیان شما میگذارم شما دائماً بقرآن عمل کنید یکدیگر خود را دوست داشته‌باشید بیکدیگر خودمدد برسانید اصلاً از کارهای نیك جدا نه شوید بآبادی واصلاح دنیا کوشش نمائید . بعد ازان بیماری آنحضرت سخت تر شد تا آنکه‌در دوازدهم ربیع‌الاول سال یازدهم هجرت درسن ٦٣ ازدنیا گذشتند .

شمائل آنحضرت صورت ظاهری بهترین مخلوقات ورحمت عالمیان حضرت پیغمبرما علیه‌السلام مانند سیرت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 179 of 596

شان معتدل بود . اعضاواندامهای شان دلالت براعتدال مزاج شان میکرد . قد مبارك شان میانه اندکی مائل بدرازی . سرشان بظاهر کلان ودر حقیقت میانه . موی شان سیاه وغیر ژولیده . گیسوی شان کاهی تانصف گوش وکاهی تانرمهٔ گوش ، وکاهی تاسر شانه میرسید . بعضی وقتها چهار گیسوش بافته میگذاشتند . جبین شان کشاده ابروهای شان بظاهر پیوسته می‌نمود ودر حقیقت پیوسته نبود چشم‌های شان بادامی وسیاهی آن ببسیار سیاه وسفیدی آن بسیار سفید ، ودر سیاهی وسفیدی آن رگهای سرخ بنظرمی آمد قوت دیدن‌شان بسیار تیز ، که درتاریکی ، مانند روشنی میدیدند . رخسار شان بااستخوان روی برابر . بینی شان اندکی دراز وبلند ، دهان شان کشاده وبسیار خوش نما ، دندان های شان سفید براق و اطراف آن باریك وتیز ومابین آنها قدری کشاده روی مبارك‌شان سفیدسرخی دار پرنور ومائل به گردی که‌چون ماه شب چهارده می‌درخشید . رنك بدن شان سفید نورانی که درنظر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 180 of 596

مثل یك مجسمهٔ نقرهٔ ریخته کی معلوم می‌شد . ریش مبارك شان پر . گردن شان بلند وبسیارصفا مانندنقره سینهٔ شان فراخ . شکم شان هموار وباسینه برابر که از سینه تاناف یك ردهٔ موی مثل خط سیاه داشت وباقی اجزای شکم بی‌موی مگرحصهٔ بالائی‌سینه وبازوها وشانه که‌موی داشت . گوشت بدن شان گرفته . نو کهای دست شان دراز ، کف‌های دست شان کشاده ونرم . ساق های شان مائل به باریکی . انگشتان دست وپای شان پروفربه . پاشنهٔ شان کوچك . گوشت زیرقدم‌شان برداشته اززمین . پشت پای شان صاف ونرم بود که هیچ کفیده‌کی نداشت . عرق شان بسیار خوشبوی بود اما شمائل معنوی آنحضرت چنان است که‌درباب رحم وشفقت ، کرم ، وسخاوت ، همت ، وتواضع ، عفو ومدارا ، عقل ودانش ، مشهور بودند . بیهوده به غضب‌نمی آمدند . غیرازکارهای دینی دیگردرهرخصوص هرکوتاهی را عفو می‌نمودند . از دائرهٔ انصاف اصلا یك قدم بیرون نمی گذاشتند . هرکس‌را ازروی دانش

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 181 of 596

و اقتدارش کار میفرمودند . برای کار واداى وظیفهٔ نبوت تادم مرگ آرام نگرفته کوشش کردند . ازهیچ کس چیزی طمع نداشتند ، صدقه نمی گرفتند ، بسیار شیرین سخن بودند . بزنان و خدمتکاران خود دائما بتواضع و گشاده روئی معامله میکردند ، دردل داری مردم کوشش زیاد می نمودند . کلانان واشراف هرقوم را عزت می کردند . وبه سرداری قبیلهٔ شان مامور میفرمودند . ازکسانیکه نزدشان حاضرمی شدند احوال کسانی را که غائب می بودند می پرسیدند . خلاصه دانایان عالم حق علمای فرنگ هم به دانائی و خوش اخلاقی آنحضرت قائل هستند .

زنان آنحضرت جناب پیغمبرما علیه السلام یازده زن گرفته اند . ازاین یازده زن دونفرشان دروقت زندگی آنحضرت ازدنیا گذشتند و ۹ نفر شان بعداز وفات آنحضرت باقی ماندند . مشهور ترین زنان آنحضرت خدیجه ، عایشه ، حفصه است :—

جناب خدیجه ، اول حرم آنحضرت است . واول

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 182 of 596

کسی است که نبوت آنحضرت را تصدیق نموده باسلام مشرف شد . تمام مال خودرا بر آنحضرت صرف کرد (۲۵) سال با آنحضرت گذرانیده به عمر ٦٥ سالگی درسنه (۱۰ ق هجری) وفات کردند . همه اولادهای آن حضرت غیر از ابراهیم نام یك پسر شان ازهمین جناب خدیجه است جناب عایشه دختر جناب ابوبکر صدیق است . بعداز وفات جناب خدیجه آنحضرت او را خواستگاری نموده نامزد شدند ، ودرسال دوم هجرت او را درمدینه عروسی کردند . جناب شان یك زن بسیار فاضله عالمه بودند احادیث بسیار از آنها روایت شده . حفصه ، دختر جناب عمر فاروق است بعداز غزای بدر آنحضرت اورا بهنکاح گرفت . جناب حفصه در سال چهل و پنجم هجرت وفات کرد

آنحضرت ، سه پسر وچهار دختر داشتند . پسران شان قاسم ، عبد الله ابراهیم است دختران شان : زینب رقیه ، ام کلثوم وفاطمه غیراز فاطمه دیگر همه اولاد های آنحضرت در زندگی شان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 183 of 596

وفات کردند ـ جناب فاطمه عیال جناب علی رضی‌الله عنه ووالدهٔ جناب حسن‌وحسین است. نسل پیغمبرعلیه السلام ازهمین دونواسهٔ دختریٔ شان باقی مانده خلفای آنحضرت بعد ازجناب پیغمبر علیه‌السلام چهار نفراز اصحاب او که میان مسلمانان بچهاریار وخلفاء راشدین مشهوراند، یکی بعد دیگری بجای‌شان خلیفه شدند،ودین اسلام‌را دردنیا رواج‌دادند.. جناب صدیق رض اول خلیفه ، جناب ابوبکر صدیق است که بعد از رحلت جناب پیغمبر علیه‌السلام مسلمانان‌او را بخلیفه‌ی آنحضرت انتخاب نمودند . جناب ابوبکرازخوردی‌رفیق آنحضرت بودند. وازجملهٔ مردان اول انها ایمان آوردند. معراج رفتن آنحضرت‌را اول آنها تصدیق کردند،وازین‌سبب به‌صدیق مشهور شدند . نام‌شان عبدالله است . چون خلیفه شدند مردمی‌را که‌بعد ازوفات آنحضرت‌پس کافر شده بودند . واپس مسلمان ساختند ، وقطعهٔ از ملك عراق را که بطرف مشرق عربستان است،وقطعهٔ ازولایت شام‌را فتح نمودند. ودرین دوقطعه ودر تمام

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 184 of 596

عربستان دین اسلام‌را رواج دادند. جناب ابوبکر صدیق دوسال ونه‌ماه خلافت نموده ، درسال سیزده‌هم هجرت بعمر ٦٣ سالگی وفات کردند

دوم خلیفه آنحضرت جناب عمر فاروق است ، که بعد ازوفات جناب‌ابوبکر صدیق مردم اورا خلیفه‌مقرر کردند . جناب عمر رضی‌الله عنه برای خود لقب امیرالمؤمنین اختیار کردند تمام ولایت شام‌ومصر وعراق عرب ومملکت ایران را از دولت روم و دولت ایران فتح نمودند. ودرهرجادین‌اسلام‌رارواج دادند. شهرهای نوآباد ساختند ومحکمه‌ها تشکیل دادند تاریخ هجری که میان مسلمانان مروج است ایشان‌مقرر کردند .

ناول بعد از شمارهٔ ۲

ودرحرمسرای‌او آداب‌اسلامی آموختم- چهارده سال‌پیش اوبودم‌اما چطور بودم ،مقید براحت‌وآسایش زنش چند سال میگذاشت که هرجا بکردم امانزد بلوغ ازین‌اندیشه کا گر میرپسندم نماید سفید بخت‌خواهم‌شد واوسیه روز مرا بروز روشن در کنج تاریکی انداخت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 185 of 596

و آگاهم ساخت که اگر کسی را ازین قید خبر کردی میکشمت ـ زندگی را غنیمت شمرده دم نمی زدم تایك خان کلان ترکمانها برای میرچند کنیز تحفه فرستاد ـ یکی از انها مقبولش افتاده آن زن را پس پرده انداخت حتی که ظالم من درچندماه ازمن بترشد ـ چون میر بعضی کنیز هارا برای خان مذکور روانه کرد درفهرست آنها مرا هم درج نمودند باین طریق یکسال میشود که درحرم سردار ترکمان میباشم ـ ازصورت وسیرت من چنانچه خودش میگوید رضامند شده بعد ازشش ماه اختیار کل خانه را بمن سپرد ـ حالا یك پسر هم دارم که بسیار خوب بچه است وخود خان هم بسیار خوب مرد است ـ ازملاقات شما خیلی خورسند خواهد شد ـ دوسه روز است که نمیدانم چرا طرف من رخ نکرده البته کدام کار ضروری پیش آمده !

ریحان که حالا نامش ریحان است اسم اسلامی پدر خود دریافت کرده کیفیت ملاقاتش را فی الفور بواسطهٔ قاصد بخان رسانید وخودش کنیزهارا امرداده اطعمهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 186 of 596

کونا کون برای او ودیگر قومهای خود که در خوردی همه را می‌شناخت طلبید ـ هنوز چای بعد از نان نخورده بودند (رواج چای آنوقت فقط بخانها محدود بود) که خان خسر خود را بعزت خواست . از خیمه‌های زیادی گذشته بمحرکاه خان نرسیده بودند که صدای بکوش پردل رسید :ـ

او کافر ! اینجا چطور میکردی؟ فقط خود را کرمی فتح خان ساختی !

پردل پس گشته می‌بیند که بچه کاکای ا کرم کاو تکیه زده نشسته است ـ زخم اکرم، قتل نومسلم ، ودعوئیکه پیش دختر خود کرده بود دریك آن تازه شد ـ خطاب کافر هنوز زورش داد ـ بیك لحظه تلوار کشیده برشانه‌اش زدو کله‌ئیکه وزیر اکبرخانش زده بودودرون مانده بود همراه نفسش برامد ـ از خیمهٔ متصل یك شخصی بیماری آواز چیخ را شنیده که ازمقتول برامده بود نمودار شد ـ پردل طرفش دیده بمدهوشی نعره زد:ـ

خدایا شکر ! ا کرم ـ خان ـ آیا شما زنده هستید ؟ راست بکوئید ـ دلم قبول نمیکند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 187 of 596

پردل این را گفته بسجده می‌افتدو چون برمی‌خیزد اکرم میگوید :ـ

خوشی ملاقات توازرنج این قتل ضائع شد ـ صلهٔ رحم اسلام هنوز دروجودت اینقدر سرایت نکرده بود که‌ازخطاهایش درمیگذشتی باوجود ضعف خوددر تیمار داری این شب بیدار می‌بودم وهمین سبب است که‌در بدنم توانائی نیست ودرزبانم طاقت گویائی .

سردار ترکمان برین حادثه مطلع گشته همه را نزد خود خواست و آن خونی که‌ریحان بیان میکردو مثل تبدیل شدن خوشی اکرم برنج، بزشتی مبدل گردید ـ بقهر گفت :ـ

اراده‌ام بود که ترا مانند خسر خوددانسته باحترام بدارم اما این‌حرکت وحشیانه که از توچنین بی‌محابا سرزده نه‌تنهاازتو بلکه‌ازدخترت نیزبزارم‌ساخته‌شخصی را که قتل کردی یکی‌مامور امیربخارابود واوبامن‌رابطه وداد می‌پرورانند دیگر درحالت مجروحیت بمن التجا آورده بود . کسیکه درپناه ما دراید ازشر دشمن ایمن

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 188 of 596

میباشدوا گر نزدما کشته شود قاتلش را اما بقصاص میرسانیم اما چونکه تو هم مهمان هستی خونبهایش دخترت اداخواهد گر داماداو ازکجا ادا خواهد کرد ! دختر چنین وحشی لائق حرم مانیست ـ کلیدهای نقدوجنس همه ازو گرفته شود ـ

خان هنوز کلام خشمناك خودرا تمام نکرده بود که خادمها دویده آن زنی را که ریحانش سیاه بخت ساخته بود مژده دادند که غاصب تواز مکروحیله‌ها برطرف نشد از کردار پدر خود برباد رفت .

اکرم بزبان لرزان التماس نمود :

اگرچه در بحر عنایات شما مستغرقم اما آن عزت افزائی این غریب که شما بیهم فرمودید جزأت این عرض میدهد که مقتول پسر عمویم بود وتاحال ازشما مخفی داشتم که زخمیکه مرا بدریا انداخت ازدست اوبود و محض بسبب قتلم که غیراز حسد دیگر وجهی نداشت تابخارا رفته تهمت هادر پایم است ـ باوجود این شرارتهایش بسی آخری بشری درمداوای زخمش کوشیدم تادلش ازطرف من

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 189 of 596

ورفقایم بی‌گدورت کردد اماچون مردنومسلم روبرویش
گذشت ناحق کافرش گفته‌صدا کرد ـ آن‌نومسلم یکی‌از
اقربای خود را شکار تفنك این شده دیده بود ـ بالای
همه‌عذرها آدمی‌است‌از کافرستان و بیخبرازروش انیولایت

سردار ترکمان اگرچه قدری ملائم شداما بآن‌از
یکها مناسبات‌داشت که رحم‌شان‌بقهر افغان مساوی‌قرار
داده شده است معلوم نیست که در فرط غیرت وغضب
بچهٔ خودرا و خویشتن رانیزمستوجب اعدام می‌پنداشت
کهتاثیر صحبت دختر وحشی دروهم نفوذ کرده است‌اما
بسفارش اکرم حکمداد که دخترمع پدر وپسر ازدریا
گذرانیده بملك‌خود فرستاده‌شوند اکرم بازمروضداشت
که‌هرچند دختروپدر سزاوار سرزنش باشند اما فرزند
شما قابل تربیت خانی است باید شهزاده وارش تعلیم‌داده
بصفات غیورانهٔ پدر نامدار موصوف شود . خان از
فرمان‌خود نگشته دیکر همین‌قدرترمی کرد که‌یك‌کنیز
ولاله بروپیهٔ کافی‌بخشیده خوداکرم رابسر پرستی بچه‌اش
مقرر نمود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 190 of 596

اکرم و پدر و دخترش ازین احکام اظهار ممنونیت
نموده برمفارقت خان رنج فراوان ظاهر کردند امابدل
همگی خوشحال بودند که ازچنین خود سری بی اصولی
جدا شدن بهر حال غنیمت بود ـ (لعل الله یحدث بعد
ذلك امرا) . ریحان فرحان بود که عجب وسیله مراجعت
بوطن دستداد ـ بسیار شکر این امر مینمود که لخت
جگرش راازو پاره نکردند ـ باین سبب میخواست که زود
از دریا تیر شود ـ بچهٔ خود را دربغلش بچق میکرد که
کسی ازو نستاند ـ چون ازدریا عبور کردند اکرم را
بعجز والحاح گفت که اگر بچهٔ مرا بطلبند برای خدا ندهید
زیرا میدانست که پدرهم مثل مادر یا کمتر ازان محبت داشته
زود یادراشتیاق دیدنش را خواهد نمود ـ همین شبهه
اکرم هم می پورانید وحیران بود که در آنصورت
چکند ؟ مادر جوان ازغم بسمل خواهد شد واحسانهای
خان ردحکمهایش رانمی بردارد ـ ازمرك نجاتش داد
بعزت معالجه اش نمود امافضل خدا شد که چون بسبب
غزا که در آن اثنا جاری بود براه کافرستان بمنزل مقصود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 191 of 596

رسیدند ریحان وطن آبائی خود را دیده بامادر ودیگر خویشهای خودملاقات کرد بعدازان حکم ترکستان وارد شدکه پسرش رامع والده‌اش ودیگر هرکسی را که بغیر پدرش باشد بزودی روانه دارید ـ اکرم بدرستی تعمیل آن نموده تحائف شایان نیز بخدمت او فرستاد .

اکرم ازوفاداری پردل نهایت مسرور ومتشکر بود حکایت زنده شدن خودرا باو بیان نمود : ـــ

کله خورده زمانی خودرا ثابت‌قدم ساختم اماخون اززخم بسیار رفته ضعف کردم ـ از اسب بدریا افتاده یك جانوریکه تاحال خبرندارم چه بود مرادردهن خود کرفته بسرعت تیر زیر آب برد

باقی دارد

(دین چیست)

دین یك قانون الهی است که برای اصلاح امور معاش ومعاد انسان بتوسط پیغمبران برای انسانها رسیده است ، و دین سبب وجود بشریت ومنتظم نظام سلسله اجتماعیت است بلکه اساس متین مدنیت شمرده میشود ، دین است که بدون آن قیام حیات انسانی مشکل بلکه ناممکن است ، دین است که انسانرا از درکات دنیه بدرجات

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 192 of 596

عالیه میرساند ، دین است که نوع بشررا ازفتنه وفساد باز داشته به صلاح وسداد رهنمون می‌سازد

اما غالب مردم خیال میکنند که دین چیزی دیگر ودنیا چیزی دیگرست بلکه هردو منافی همدیگرمی‌باشند ازسبب همین فکرباطل وخیال فاسد بسی‌ازملل واقوام دنیا خصوصاً مسلمانان قرون‌اخیره‌درپی اصلاح معاشرت دنیـوی خـود نگشته ، روز بروز ضعیف وناتوان ، مقهور ومغلوب دشمنان دین خود شدند و آن دین نیمهٔ که داشتند اختیار آنرا هم ازدست دادند .

اینچنین نیست ، دین هرقدر قوانین که برای امور معاد دارد ، همانقدرقواعد واصول‌برای انتظام زندگی وضروریات معاش مقرر داشته است ، بلکه همان اصول که برای اصلاح آن عالم است عینا مصلح زندگانی این جهان‌است چنانچه‌تشریح این ازبیان‌ذیل بخوبی‌میشود .

دین متضمن سه اعتقاداست که هرکدام آن همچنانکه مقوم دین اند مصلح دنیا نیز میباشند هیئت اجتماعی از برکت همین عقائد ثلثه به وجود رسیده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 193 of 596

(عقیدهٔ اول) ازعقائد سه گانه ، تصدیق این سخن است که : حضرت خلاق کائنات انسان را درمیان سا کنین کرهٔ ارض منزلت ملکی داده و او را بهترین واشرف ترین مخلوقات خود مقرر کرده

(عقیدهٔ دوم) اینست که : هرشخص که پابند دینی از دینها باشد ، باید یقین کند که ملت او بهترین ملتهای دنیا است ومخالف مذهب وکیش او مخالف راه حق و خداست

(سوم) براین معتقد باید بود که : پیدایش انسان درین عالم خاك برای حاصل نمودن اینچنین کمالی است که او را بعالم پاك رهبری کند وازین خاکدان هرکدورت که دران ازدم اولین تانفس آخرین بجز ازرنج وغم مصیبت والم چیزی دیگر نمی بیند اورا رهائی داده به وسعت آباد عالم عیش وسرور که راحت آن را فنائی ، وسعادت آنرا انتهائی نیست ، برساند

اکنون بنظر انصاف به بینید که این عقائد که هریکی رکن رکین ونقطه آخرین دین شمرده میشوند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 194 of 596

برای ترقی وتعالی انسانها در عالم دنیا تاچه اندازه کارآمد وسودمند میباشند چنانچه

(عقیده اول) اینکه [انسان اشرف وبهترین انواع حیوان است] هرانسان را وامیدارد براینکه از عادات سبعیت وحیوانیت روگردان شده به اعمال حسنه واخلاق مرضیه گراید تابه واسطه این اعمال وافعال نیك راهی به سوی دارالسعادت دانش یافته درکسب فلاح معاش ومعاد خود وبنی نوع خود به نیکوترین وجه بکوشد پس ازوجود سراسرمسعود اینچنین شخص ادارهٔ هیئت اجتماعیه نظم ونسق نیکویافته اسم مدنیه فاضله را برای خود حاصل میکنند ، رفته رفته غالب افرادآن ازحالت وحشیان درنده وچارپایان چرنده و حشرات گزنده برآمده به صفات محبت ، عدالت ، اخوت ، پیراسته میشوند وصورت انسانی را که حضرت آفریدکار جل شانه ازپیدایش ان اراده نموده بود اختیارمیکنند هرانسانیکه به این نقطه رسید البته به انتهای سعادت وکمال خود رسیده خواهد بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 195 of 596

به عکس این برحال کسانیکه این عقیده رادرخود ندارند وانسان را برسائر حیوان مزیتی نمیدهند اگر بغور دیده شود معلوم میشود که چه نوع اعمال قبیحه وافعال وحشیه اوضاع نامناسب ، اطوار ناملائم ازایشان سر برمیزند وازارتکاب هیچ قسم دنائت ورذالت اندیشه ننموده همچون گله های وحش زیست میکنند و انتظام مدنیه فاضله را ازهم گسسته بجای آن دارالشقاوت قائم میسازند وفرمودهٔ حکیم مطلق جلت کلمة را « افحسبتم انما خلقناکم عبثاً وانکم الینا لا ترجعون » پس گوش میکنند

(ربنالا تحسبنا من الجاهلین) !!

(عقیده دوم) که قوم وملت خود را بهترین ملل دنیا بشمارد ، فوائد بیشمار دارد ، چنانچه برای حصول فخر وشرف ملت خود لمحهٔ آرام نگرفته افراد واشخاص آن را برای کسب مجد بزرگی وتقدم برسائر اقوام تحریص وتشویق میدهند هیچ فضیلت و کمالی را نبیند که آن را برای قوم وملت خود آرزو نکنند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 196 of 596

وهرگاه درملتی از کدام قسمی ازاقسام عزت ورتبهٔ عالی مشاهده کندفی‌الحال درپی این می‌افتد که بکدام وسیلهٔ ازوسائل ملت‌اورا ازان خوب تروبهتر حاصل شود .

از اینجا دانسته می‌شود که این اعتقاد بهترین وسیله ایست برای‌حصول اسباب مدنیت ونیکوترین راهی ست بجهت‌طلب علوم‌و توسع‌فنون‌واختراعات‌جدیده‌وایجادات نفیسه . هیچ ملت به‌پایه عزت وشرف ، سعادت واقبال نخواهد رسید الابه داشتن همین اعتقاد وبس !

(عقیده سوم) اینکه [انسان ، باید یقین کند که پیدایش او درین عالم نیست الا اینکه کمالی حاصل کند تااورابه‌عالم بهتر ازین عالم‌برساند ، یعنی مقصود ومطلوب انسان‌چیزی دیگروجای‌دیگر است] پس هرکه دارای این اعتقاد باشد از خوف اینکه مبادا از سبب جهل و نادانی در همان کار ومقصد او کدام نقصی پیداشود از مقصود ومطلوبش او را بازدارد ، هیچ‌وقتی از او فات از طلب علوم‌حقیهٔ ومعارف دینیه نمی آساید تابذریعه آن علوم عقل خود را تنویر واضائت نموده برای وصوله

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 197 of 596

مطلوب خود ذرایع وسائل خوبی پیدا کندواز اشیائیکه مانع وسد راهش شود خودرا باز میدارد .

چون به این طریق عمل کرد عقل اورا نوری و صفای حاصل می‌شود درانصورت همه وقت در صفای باطن وتهذیب نفس از اخلاق نامرضیه و ملکات دنیه میکوشد ودر معاملات بابرادران نوعی خود به محبت و صداقت ، دیانت وامانت سلوك می‌ورزد ودر حصول وجه معاش خود از خیانت ، کذب ، حیله کاری رشوت‌ستانی پرهیز نموده حتی‌المقدوردر کسب حلال میکوشد وهمچنان آن را در وجوه مشروعه صرف میکنند .

بلی ! انسان تامقصد پیدایش خود را نداندواز حقوق خود بردیکران واز حقوق دیکران برخودواقف نباشد چه کونه سالهای دراز یك‌عدد کثیر از نفوس انسانی دریکجا جمع شده به‌اتفاق یکدیکر زندکی خواهند کرد ؟ وازروی همین‌احتیاج حضرت حکیم‌مطلق ازمرحمت ازلی خودکه‌برنوع انسان‌داشت ، این‌اعتقاد رالازم بل‌جزئی از اجزای دین ساخته تابذریعه‌ان انسان‌ها درمیان‌خود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 198 of 596

باخلاق حسنه وصفات پسندیده وصراط المستقیم عدالت سلوك کند واز شروفساد وکینه ونفاق به یکسو باشند

پس قومیکه ازین عطای بی انتهای خداوندی محروم و بی نصیب مانده اند تاچه اندازه گرفتار پنجهٔ شقاوت وفساد گشته شب وروز در کردار های ناشایسته وافعال وحشیانه متهمك می باشند و مثل مور و مار در بلعیدن یکدیگر خود میکوشند و از نتیجه اعمال بد خود که فردا برای شان رسید نیست هیچ اندیشه نمی نمایند . بلی ! از کجا باندیشند که بفرداهیچ اعتقادی ندارند!

اللهم استقم نا علی هذه العقیدة الثابتة دامت نا علیها ! اینست از بیان فوق بخوبی ثابت وظاهر شد که: برای تنظیم وسررشته زندگانی انسان در دنیا حضرت واهب العطایا به محض لطف و مرحمت خود از عقائد ثلثهٔ مذکوره چیزی ممزوج نموده اسم ان را دین گذاشت وبندگان خود را بقبول نمودن ان امر نمود تا بذریعه نور وضیای ان راه سعادت دنیا وبه واسطه سعادت دنیا فوز و فلاح عقبی را حاصل کنند انتهی —

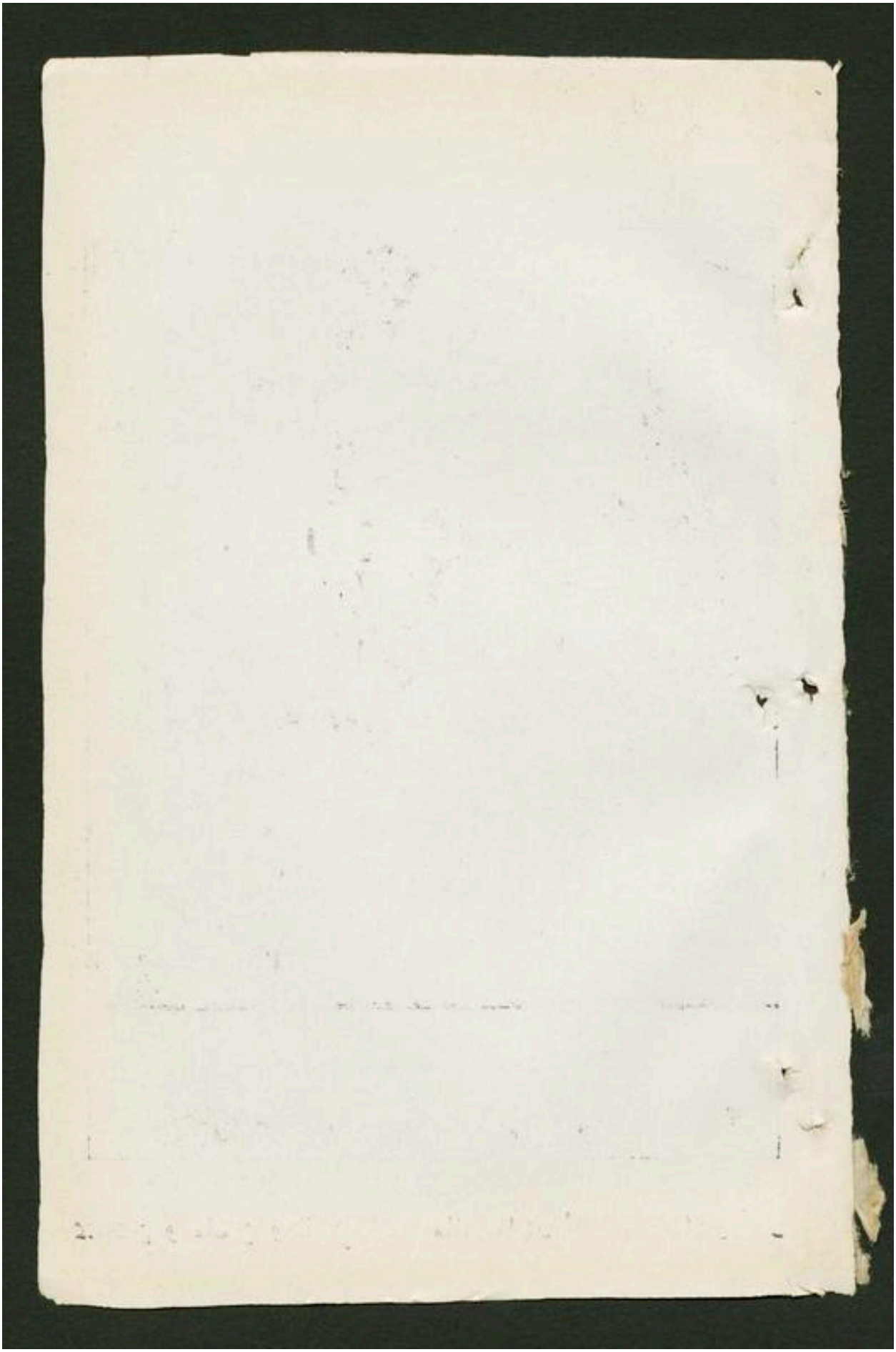

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 200 of 596

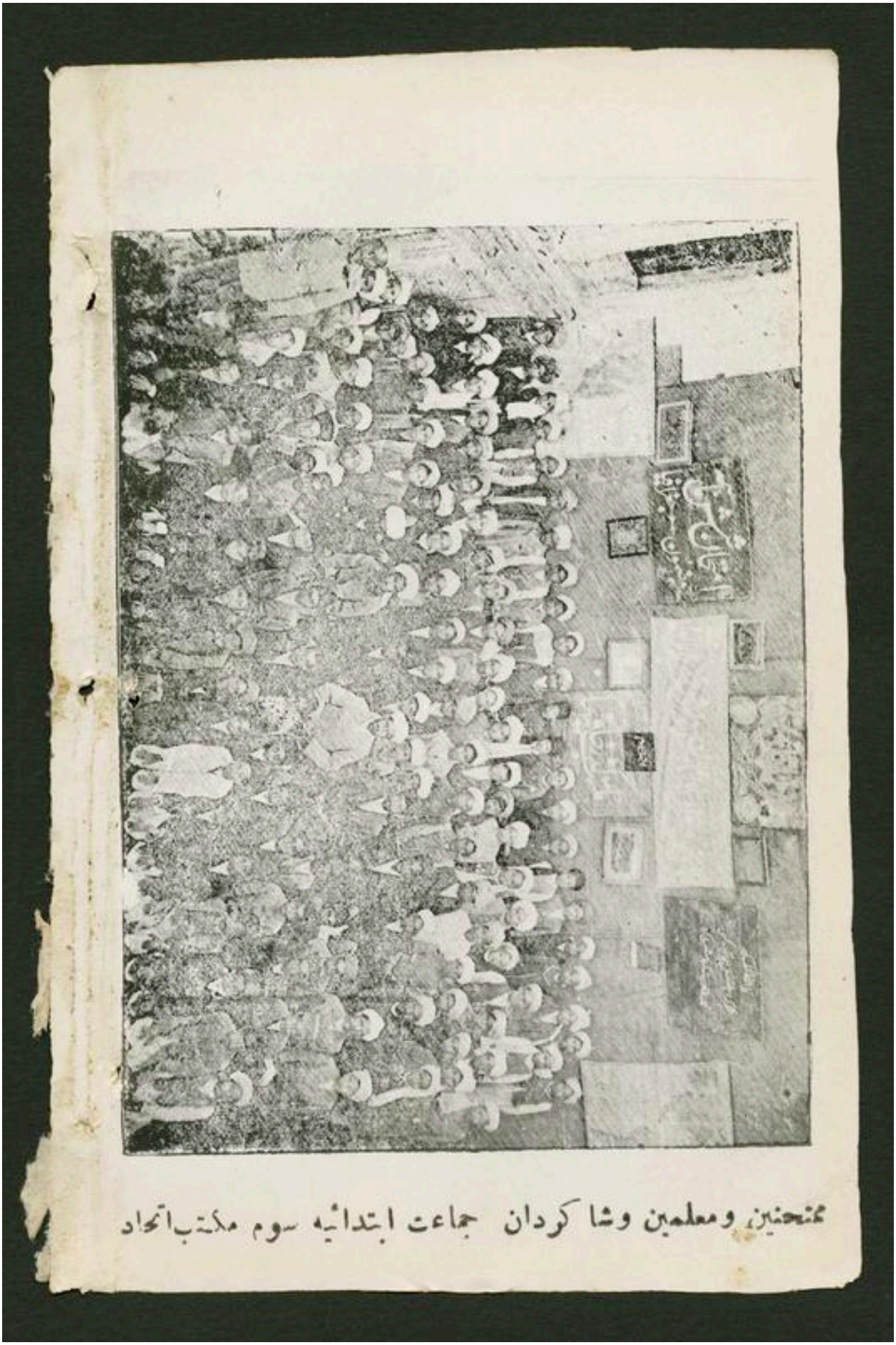

ممتحنین ومعلمین وشاگردان جماعت ابتدائیه سوم مکتب اتحاد

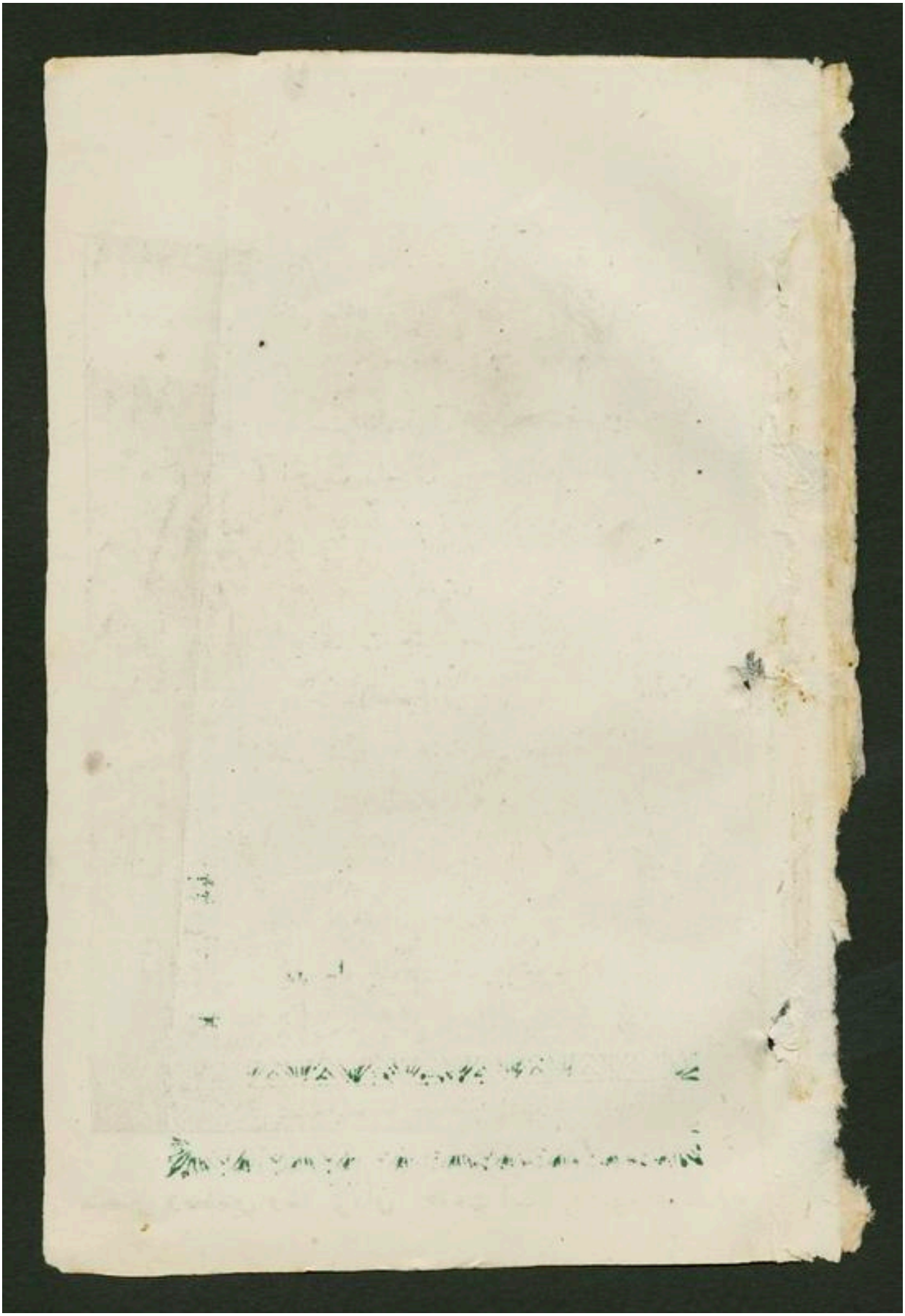

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 202 of 596

شرایط اشتراك

داخل شهر
- سالانه . . . . شش روپیه
- شش ماهه . . . . سه روپیه
- ماهانه . . . . قبول نمیشود

خارج شهر
- قیمت‌های فوق اجرت داك ضم میشود .
- اجرت داك فی نسخهٔ یك سنار است .

آدرس

نظارت جلیله معارف

(کابل)

قصر شهر آرا مکتب حبیبیهٔ

دار العلوم امانیه

اداره

معرف معارف

در ماه یك بار نشر میشود

بمطبعهٔ ماشین خانه جهاب شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 203 of 596

سال دوم شمارهٔ (چهارم)

معرف و معارف

۱۲۹۷

یکم قوس سنه ۱۲۹۹

از یمن توجه شهٔ با اقبال
آمد بکنار دولت و استقلال
اسباب تمدن بترقی باشد
آثار معارف همگی رو بکمال

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالِمِينَ

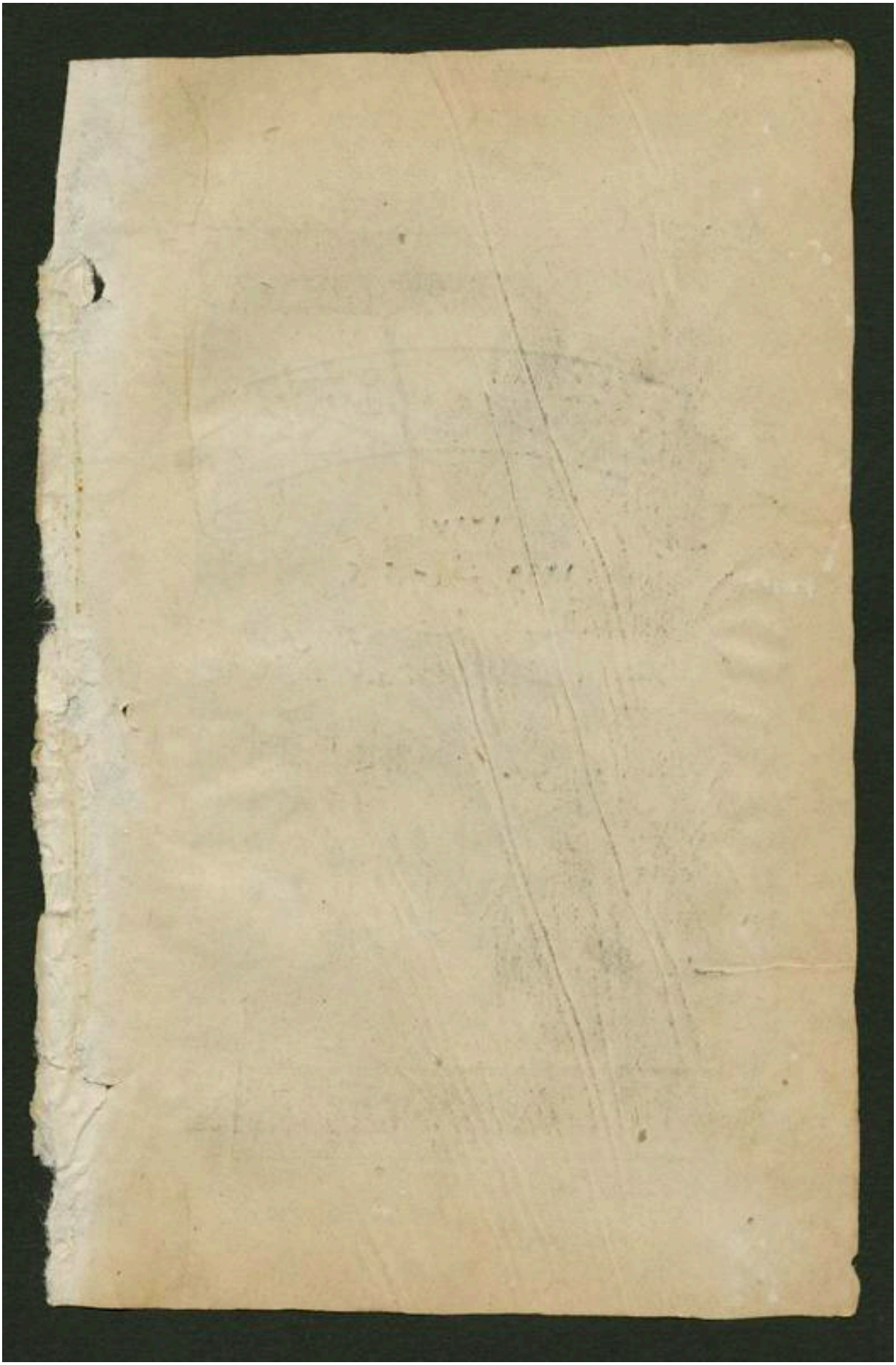

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 205 of 596

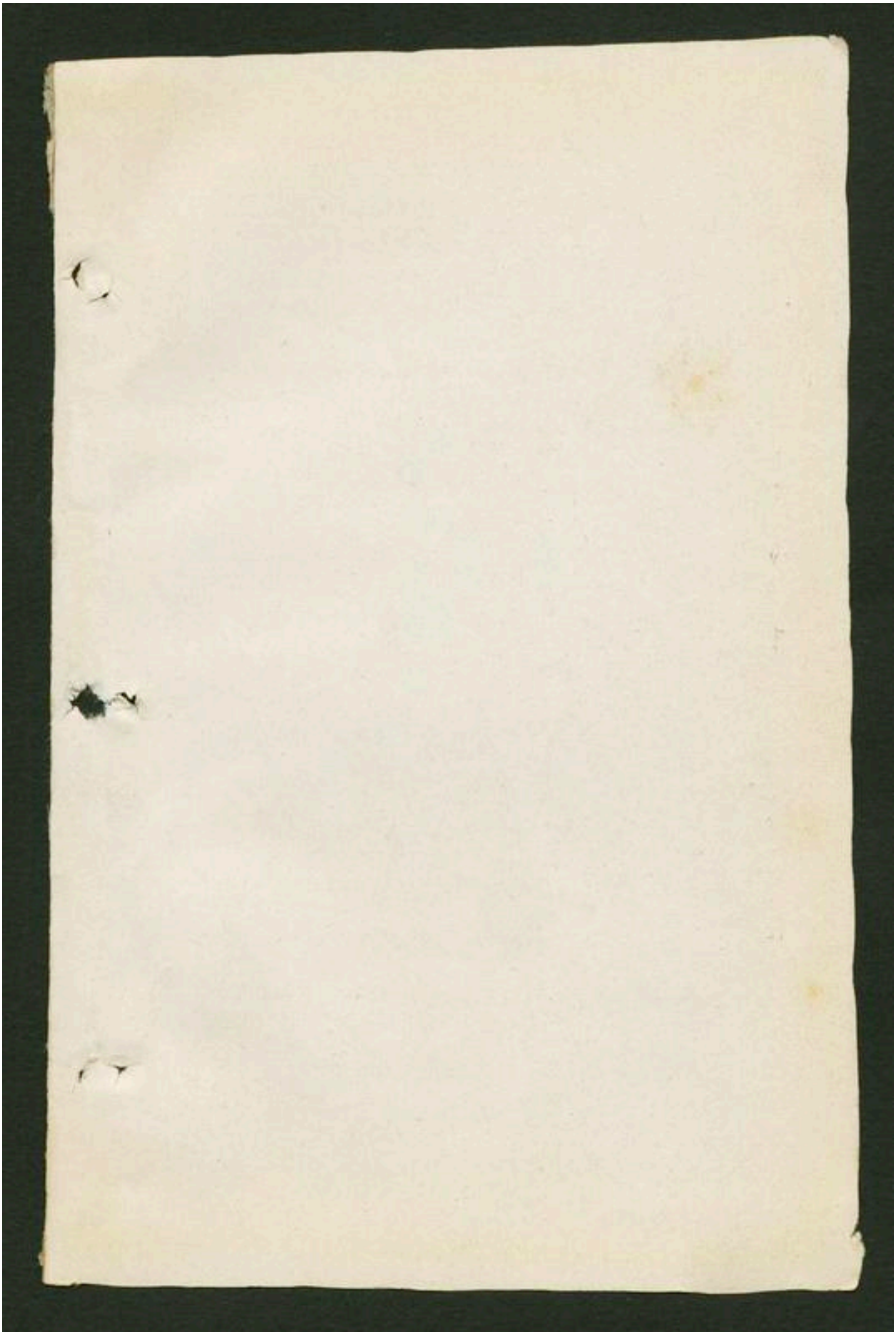

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 207 of 596

فهرست مندرجات

۱ تشریف آوری اعلیحضرت معارف پرور بمکتب

۲ قرائت قرآن شریف (عبدالغفور ابتدائیهٔ چهارم)

۳ ترجمهٔ آیات قرآن شریف (حافظ نور محمد رشدیه ۳)

٤ خیر مقدم (محمد حسین ابتدائیه) ٤

٥ تجربیات برقی و مقناطیسی (محمد نعیم رشدیه) ۳

٦ بیانات محمد عظیم رشدیه ۳

۷ تجربات حکمت و طبیعیات (دین محمد رشدیه) ۲

۸ مکالمهٔ افغانی محمد حسین، غلام حیدر، غلام قادر اصناف رشدیه ۲ و ۳.

۹ تجربات جر اثقال (محمد نبی صنف نهیه)

۱۰ تجربات حکمت و کیمیا (عبدالقادر رشدیه) ۳

۱۱ ابیات اردو (صفر علی رشدیه) ۲

(۱۲) راپورت سالانه نظارت معارف (علی محمد خان) نائب معاون نظارت معارف

۱۳ بقیهٔ تاریخ انبیا

۱٤ تاریخ پیدایش ریل بعد از شمارهٔ (۲)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 208 of 596

بسم الله الرحمن الرحیم

(تشریف آوری اعلیحضرت معارف پرور بمکتب)

از انجا که اعلیحضرت شهریار معارف پرور عدالت گستر توجهات جهان درجات شاهانهٔ خود را بر کافهٔ افغان و افغانیان عموماً و بر قاطبهٔ اهل معارف و عرفان خصوصاً مبذول داشته و میدارند بناءً علیه بتقریب جلسهٔ تقسیم انعامات سالانه دار الامان معارف بامر شاهانه اکثر از امناء را این دولت مقدسه از قبیل سرداران عظام و ناظرین ، افسران ملکی و نظامی و کلانتران شهر و ملکان شش کروهی بتوسط تکت های خبری منجانب جناب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 209 of 596

عالیقدر جلالت مآب ناظر صاحب معارف در جلسه موصوف شریك وسهیم بودند بعمل دوبجه همان روز نشاط اندوز خبرفرحت اثر ورود سعادت اندود ذات شاهانه بذریعهٔ آواز فرحت‌اهتزاز سلامی موزیکه طنین انداز کوش هوش منتظرین صفوت آئین کردید .

بعداز جلوس میمنت مانوس شان بر کرسی شاهانه هریك از اطفال نیکو فال مضامین وتجاریکه برای‌شان معین ومقرر شده بود هریك نوبت بنوبت قرائت نموده ومورد هزارها تحسین ذات شاهانه وباقی ناظرین کرام کردیدند که ماذیلاً مقالات وسائرتجربات مذکوره‌را محض آگاهی قارئین محترم تحریر میکنیم بعد از اختتام مضامین و تجارب بقرار پروغرام معینه نوبت به تقسیم انعامات اطفالیکه در امتحان سالانه بذل همت وصرف غیرت نموده بودندرسید . ذات اعلیحضرت همایونی هریك رانزد کرسی‌شاهانه طلب‌فرموده بیك‌حس‌رقیق پدرانه چهرهٔ‌اطفال‌را بوسه داده باعطای عطایای بیکران وشفقت ومرحمت بی‌پایان مفتخروممنون‌شان کردانیدند . چون

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 210 of 596

تقسیم انعامات صورت انجام پذیرفت . ساعت نیم بهاوتما شای کوناکون از قبیل ریسمان کشی ، مسابقه دویدن اطفال ، قواعد نظامی وغیره عرصه پیرای ظهور گردید ، ذات اعلیحضرت جوانبخت بکمال شوق وسرور این تماشا های ازمحنت ومشقت دوررا مشاهده فرمودند ، درین اثنا چون آمد آمد نماز شام بود واطفال سعادت مآل نیز ازوظایف وفرائض خود هافراغت حاصل نموده بودند ، ذات اعلیحضرت پدر غمخوار مهربان به نزد اطفال تقرب فرموده نطق بس مؤثر دلچسپ مبنی برامیدواری اطفال و بهجت و خور سندی حضور شاهانه از ایشان ایرادفرمودند ، بعدازاختتام نطق ذات شو کتسمات اعلیحضرت پادشاه غازی معارف پرور جلسهٔ تقسیم انعامات دارالامان معارف بانجام رسید ،

بعداز جابجا گردیدن اعضای محترم مدعوین اولین اواز یکشکنندهٔ خاموشی مجلس گردید اواز کلام قادر سبحان بود که از حنجرهٔ معصومانه عبدالغفور ابتدائی ٤ بروز کرد —

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 211 of 596

(ولقد آتينا لقمان الحكمة ان اشكر لله ۞ ومن يشكر
فانما يشكر لنفسه ومن كفر فان الله غنى حميد ۞ واذ قال
لقمان لابنه وهو يعظه يابنى لاتشرك بالله ان الشرك لظلم
عظيم ۞ ووصينا الانسان بوالديه حملته امه وهناً على
وهن وفصاله فى عامين ان اشكر لى ولوالديك الى المصير ۞
وان جاهداك على ان تشرك بى ما ليس لك به علم فلا تطعهما
وصاحبهما فى الدنيا معروفاً واتبع سبيل من اناب الى ثم
الى مرجعكم فانبئكم بما كنتم تعملون ۞ يابنى انها ان تك
مثقال حبة من خردل فتكن فى صخرة او فى السموات
او فى الارض يات بها الله ان الله لطيف خبير ۞ يابنى اقم
الصلوة وأمر بالمعروف وانه عن المنكر واصبر على ما اصابك
ان ذلك من عزم الامور ولاتصعر خدك للناس ولا تمش
فى الارض مرحا ۞ ان الله لايحب كل مختال فخور واقصد
فى مشيك واغضض من صوتك ان انكر الاصوات لصوت الحمير

حافظ نور محمد رشديه سوم بعد احترام لازمه بر
چوكى وسط مجلس تقاعد كرده بوضع نهايت شايسته

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 212 of 596

تفسیر کلام (جلیل حضرت واجب الوجود) را بقرار آتی
کرده مظهر تحسین شد :—

می خواهم که این چند آیهٔ مبارکه را که برادرم
عبدالغفور خان قرائت نموده قرار تفسیر مولانا (حسین)
واعظ هروی محض افادهٔ حضار محترم تفسیر و بیان کنم !

اولاً میگویم ! که حضرت خدای متعال جل ذکره
بواسطهٔ آیات شریفهٔ مذکوره نصائحی را که حضرت
لقمان به فرزند خود ارشاد فرموده برای (رسول مقبول)
اخبار میکنند :—

در اینجا اگر قبل از پرداختن بتفسیر آیات مقدسه —
بتذکار یک روایت مختصری که جناب مفسر موصوف
دربارهٔ حضرت لقمان فرموده اند پردازم هر آئینه خالی
از فائده نخواهد بود .:.

حضرت لقمان (که بعضی آنجناب را پیغمبر و برخی
حکیم و بزرگ میدانند) در اول حال غلام شخصی بود
شبانی میکرد — بعد از انکه خداوند کریم دولت حکمت
را بدیشان بخشیده بر تبه بلند دانائی ایشان را رسانید

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 213 of 596

اتفاقاً روزی یکی از بزرگان بنی اسرائیل بایشان تصادف کرده دید که جمع بسیاری از مردمان بدور ایشان نشسته وسخنان حکمت امیز ایشان را بکمال اخلاص می‌شنوند آنشخص نزدیك تر آمده گفت ـ ای لقمان ! آیاهمان غلام سیاه نیستی که شبانی رمهٔ فلان شخص میکردی ؟ حضرت لقمان فرمودند آری همانم ـ آنشخص گفت پس چه چیز ترا به‌این درجه بلند رسانید ـ حضرت لقمان فرمودند ـ سه چیز ، راست گفتن ، دیانت نگهداشتن ترك بیهوده کردن ازینجاست که خداوند کریم میفرماید (ولقد آتینا لقمان الحکمة ان اشکر لله ط ومن یشکر) (فانما یشکر لنفسه ط ومن کفر فان الله غنی حمید ٥)

یعنی ما لقمان را حکمت دادیم وگفتیم که شکر کوی خدا را ـ وهر کسیکه شکر کوید خدای را هر آئنه برای نفس خود میگوید . چرا که منفعت شکر که افزونی نعمت است برای خود او میرسد ـ وهر که ناشکری کند هر آئنه خدای تعالی بشکر کس احتیاجی ندارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 214 of 596

چه بذات خود محمود است ـ که همهٔ کائنات بزبان حال وقال شکر گوی حضرت اویند .

(واذ قال لقمان لابنه وهو یعظه یا بنی لا تشرك بالله)

(ان الشرك لظلم عظیم ٥)

یادکن ای (محمد) صلعم ! که چون لقمان برای پسر خود گفت و نصیحت میکرد اورا که ای پسرکم ، بخدای شریك میار ـ چه شرك آوردن بخدای یکتـای بی همتا ظلم بزرك است زیرا که شرك مخلوق را باخالق برابر می کند واین خود عین ظلم است

(ووصینا الانسـان بوالدیه حملة امه وهنـاً علی وهن)

(وفصاله فی عامین ان اشکرلی ولوالدیك الی المصیر ٥)

ووصیت کردیم انسانرا درخصوص پدر و مادر او چرا که برداشت مادرش اورا ومتحمل شد (یعنی برداشت تکلیف اورا نمود) وحال آنکه ازرهگذار حمل سستی بالای سستی کشیده وزحمت بالای زحمت دید (دیگر اینکه) جدا کردش ازشیربعد دوسال باین مضمون وصیت کردیم مرا وپدر ومادر خودرا شکر گوی (چرا که) بسوی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 215 of 596

من است باز گشت و رجوع مخلوق که بقرار - شکر
و ناشکری ایشان ثواب وجزا میدهم
(وان جاهداك على ان تشرك بي مالیس لك به علم)
(فلا تطعهما وصاحبهما في الدنيا معروفا)
وا گر پدر ومادرت دراین سخن کوشش کنند که
تو بمن شرك آری (یعنی کوشش کنند که نعوذ بالله
ترا مشرك سازند) پس ایشانرا فرمان مبرو گذران کن
بایدر ومادر ودر خصوص زندگانی دنیا بیك گذران نیکو
چنانچه بسندیدهٔ شرع باشد (واتبع سبیل من اناب الی ثم
الی مرجعکم فانبئکم بما کنتم تعملون)
درخصوص دین طریق کسی را پیروی کن که بتوحید
واخلاص بسوی من باز گشته وانابت جسته (که آن
حضرت پیغمبر صلعم است یاصدیق اکبر) رض (هرگاه که)
بسوی من است رجوع وباز گشت شما پس شمارا ازکار
هائیکه از خیر وشر میکنید باخبر ومتنبه میسازم (یابنی انها
ان تك مثقال حبة من خردل فتکن في صخرة اوفي السموات
اوفي الارض یات بها الله ان الله لطیف خبیر)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 216 of 596

ای پسرك من انسان هرفعلی که از خیروشر میکند اگرچه آن فعل بوزن سپندانه که خوردترین دانه‌هااست بود درمیان سنگی یاقعر آسمانها ودرجاهای مخفی زمین بوده باشد ـ هرآئنه خدای تعالی آن را حاضرسازد ـ وبران حساب کند بتحقیق خدای تعالی باریك بین وبهر چیز خفی وپنهان بینا وخبردار است ؟

(یابنی اقیم الصلوة وامر بالمعروف وانه عن المنکر والصبر علی ماصابك ان ذلك من عزم الامور ط)

ای پسرك من ! نماز را برپای دار ، امر معروف کن ونهی از منکر نمای ، برسختیها که به تو برسد (خصوص برسختیهائیکه ازرهگذار او امر ونواهی باشد) صبر وشکیبائی را پیشه کن ـ همین چیزها که وصیت کردم ازموجبات امور است [یعنی از کارهای لازمه است] (ولاتصعر خدك للناس ولاتمش فی الارض مرحا ان الله لایحب کل مختال فخور ٥) ومتکبرانه از مردم روی متاب بلکه ازروی تواضع بایشان پیش آی ودر راه مانند جاهلان ودنیا پرستان مخرام ، چرا که

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 217 of 596

خدای تعالی هر خواهندهٔ را که متکبرانه راه میرود دوست نمیدارد (واقصد فی مشیك وغضض من صوتك ان انکر الاصوات لصوت الحمیر) ودر رفتن میانه روی اختیار کن ، وبه نرمی و آهستگی سخن زن ، چراکه بدترین آوازها آواز خر است که بلند میباشد

این بود ترجمهٔ لفظی آیات هدایت سمات که محض استحضار واستفادهٔ حاضرین کرام تفسیر وبیان نمودم :

باقی از خدائیکه بر افروزندهٔ مطلع حال واستقبال اسلامیان است قلباً استدعا می نمایم که به یمن وبرکت همین کتاب مقدس شام تیره انجام نفاق ودو رنگی را بنور وضیای خورشید اتفاق وهمدردی تعدیل کند

ووجود سعادت نمود اعلیحضرت جوان جوان فکر غازی را که امروز باعث افتخار وسربلندی ماافغانیان گردیده ازواقعات تکدر آیات دهر مأمون ومحفوظ داراد بالنون والصاد آمین :—

محمد حسین ابتدائیه ٤ خیر مقدم ذیل را از طرف عموم طلبه بعرض حضور آورد :—

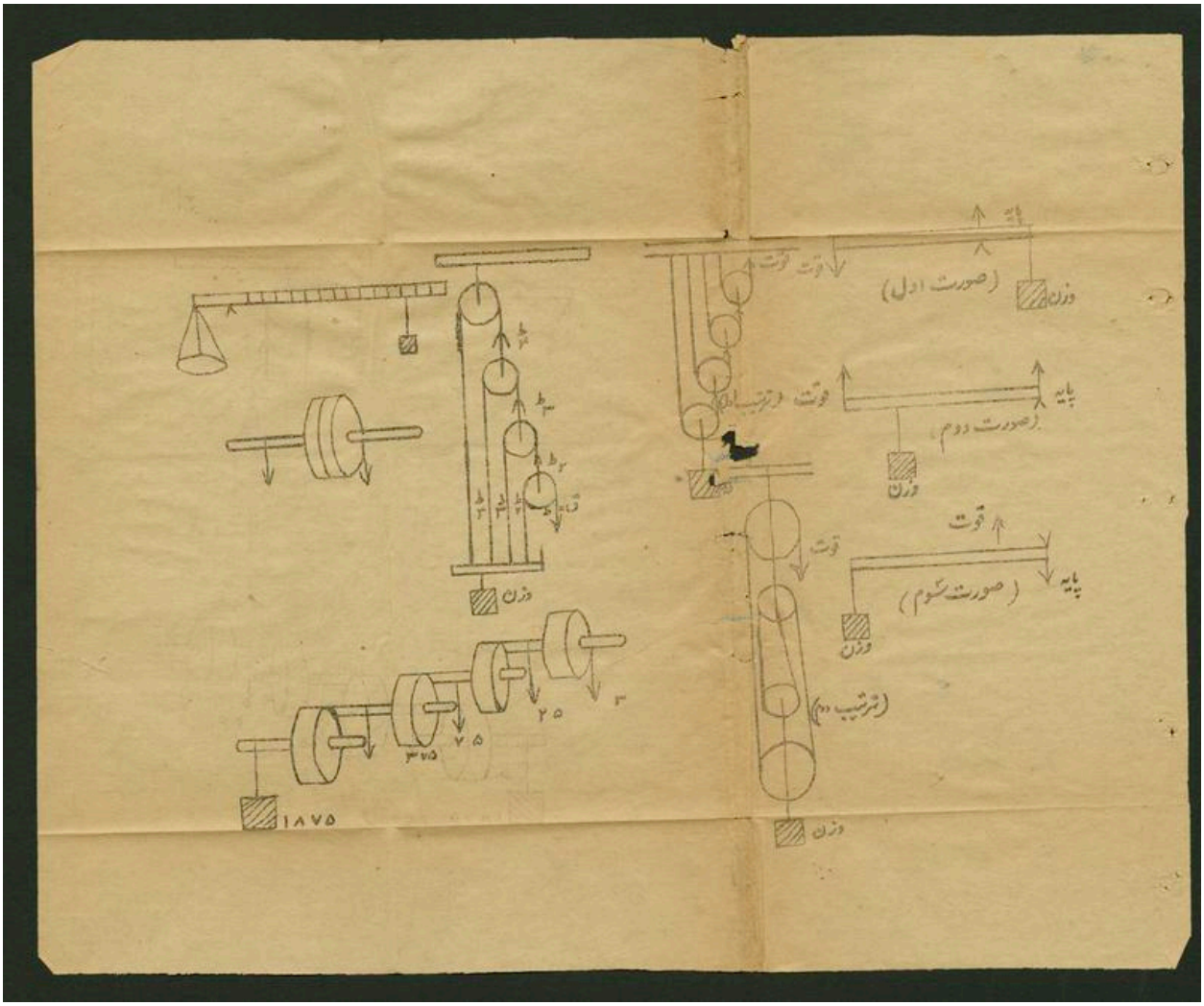
(صورت اول)
وزن
(صورت دوم)
پایه
(صورت سوم)
(ترتیب دوم)
۱۸۷۵
۳۷۵
۲۵
۳

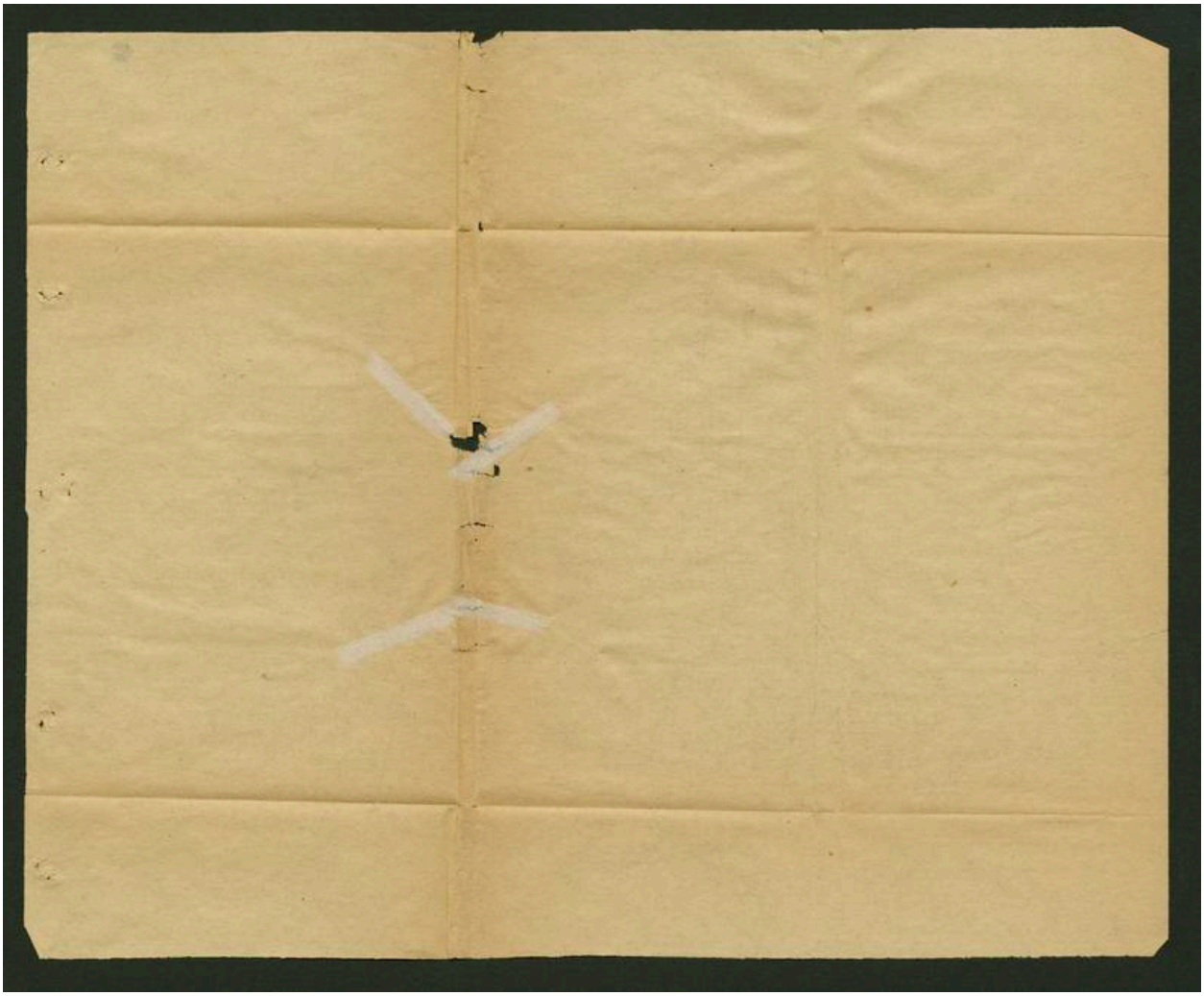

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 220 of 596

به تشریف قدوم شاه والا
تشکر کن دلا پنهان و پیدا
شه والا گهر فخرالسلاطین
که تابد نور عرفانش زسیما
نثار مقدم والای او باد
سر و جان هرچه باشد در کف ما
بمکتب مقدمش تشریف آورد
که پا انداز او گردد سرما
معارف را رسیده سرفرازی
بمکتب تا نهاده موکبش پا
زفیض شهریار ماست امروز
که گلشن گشته (باغ شهر آرا)
معارف پرور آن شاه جوانبخت
که دارد مرحمت بر پیر و برنا
بل میگردد از تعلیم حاصل
ترقی ها بکار دین و دنیا
مگر تا کار ملت رنگ گیرد
مدارس کرده و نگارنگ برپا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 221 of 596

بغیر از علم نبود انتخابش
بعالم هر که دارد چشم بینا
شه دین با کمالات رسالت
بود مأمور رب زد نی علما
سخن کوته همه از لطف شاه است
که با علم آشنا کشتیم ما ها
تحصیل رضای شاه غازی
دهد توفیق ما را حق تعالی

محمد نعیم خان رشدیه ۳ نیز وسط مجلس که حامل الات وماشین های برقی بود تقرب ورزیده به بیانات آتی لب کشوده مظهر آفرین گردید : —

چونکه درین ایام موجوده کار های زیادی از علم برق گرفته میشود بنا بران میخواهم که بحضور حضرت امیرالمومنین وامان المسلمین وباقی حضار کرام در خصوص این علم اندك بحث رانم مکرر بباعث عدم او قات نمونه از بسیار ومشتی از خروار معروض میدارم — اگر قبول افتد زهی عز وشرف اولاً تبیین وجه تسمیه وحقیقت این علم که دراین اوقات باعث ترقیات عالم گردیده واجزای

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 222 of 596

بسا کار های مشکل را نموده خالی ازفائده نیست : ـ

قریباً دو نیم هزار سال میشود که تیلس نام یك فلسفه دان یونانی معلوم کرده بود که کهربا که یکنوع مشهوریست اگر با پارچه پشم مالیده شود جذب اجسام خفیف را میکند مگر ۳۰۰ سال قبل ازین داکتر گلبرث معلوم کرده که ماسوای کهربا کدام شی دیگر مثل شیشه لاك ـ آبنوس نیز همراه اشیای دیگر مثل ابریشم یا فلانین مالیده شود همین خاصیت را میدارد و چونکه در یونان کهربارا الکتران میگویند بنابران (الکتریسٹی) یعنی خاصیت کهربائیت ازین مشتق گردیده ورفته رفته این علم چندان ترقی نمود که کمتر از یك ثانیه از یورپ بامریکه احوال میرساند واین خاصیت بچند نوع چنانچه بذریعه اثرمقناطیسی (آهن ربا) وعمل کیمیاوی وغیره پیدا میشود : ـ

ویك قسم این از عمل احتکاك یعنی مالش پیدا میشود اگر یك تکه کاغذ کرم خشك را گرفته بزانو بمالید بعد ازمالش اجسام خفیف را جذب میکند وا گردد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 223 of 596

شب تار برپشت کربه‌دست خود را بمالید بعد از مالش صدای شرشر وشرارهٔ خفیفی حادث میشود — وهمین ماشین مذکور اثبات این امر را مینماید مگر بباعث عدم اسباب برق کافی جمع کرده نمیشوایم وانشاءالله عنقریب ازتوجهات ذات‌شاهانه برق جبل‌السراج بمکتب رسیده وبرای ما فدائیان مکتب مفید کشته اجرای بسا کارهارا خواهیم نمود : —

بهترین و مفید ترین برقیکه مستعمل است همانا برق جاریست ـ موجد اولین این‌قسم برق حکیم گلوانی بود بعد ازان‌حکیم والتا بمختلف تجارب سهمت‌زیادی حاصل کرد و رفته رفته یوماً فیوماً این نوع برق ترقی کرد که مختلف اشخاص بمختلف آلات درپیدا کردن این کاهیا بی زیادی حاصل کردند : —

میخواهم که بحضور بادشاه معارف پرور خود آثار مختلف این نوع برق را تجربه‌نمایم :—

تجربهٔ اول ـ چون درین آهن نعل نما که قبل از الحاق سیم بطاریه هیچ اثر مقناطیسی دران نبود قطبین بطاریه را الحاق دادیم قوت مقناطیسی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 224 of 596

دران پیدا شده تکه آهن را اینه جذب می نماید

(۲) ونیز چون قطبین بطاریه را در چراغ برق الحاق دادیم چراغ مذکور مشتعل میشود

(۳) ودر زنگی که بذریعه اثر مقناطیسی زنگ میزند چون سیمهای بطاریه را بسته میکنیم این زنگ بزنگ زدن شروع میکند.

ازین تجارب ظاهر شد که از جریان برق تأثیرات ذیل حاصل می شود:

(۱) آثار نور (۲) آثار حرارت (۳) آثار میکانیکی (جر انتقال) (٤) آثار مقناطیسی (٥) آواز (٦) عمل افعال الاعضا از هر یك این فوائد زیادی حاصل کرده اند چنانچه از اثار حرارت برق برای در دادن نقب ها وعملیات جراحی ازین کار میگیرند و برای سوختاندن بعضی زخمها همچون چاقوی تیز کار میدهد و برای مشتعل ساختن چراغهای برق نیز همین تاثیر مستعمل است:

بزرگترین فوائدیکه از علم برق گرفته شده است همانا تیلیگراف است که در حقیقت بجهت انتقال خیالات مسافات را معدوم مینماید فوائد لاانتهائیکه از این علم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 225 of 596

گرفته شده است اگر به تشریح هریك بپردازیم باعث تصدیع میشود لهذا بهمین قدر اکتفاورزیدیم ا—

زیاده از خداوندیکه خواص مخلقه را در اشیا بودیعت گذاشته استرحام میکنیم که مارا آنطاقت وتوانائی عطا کند که در ترقی وتعالی وطن خویش مانند برق فعالیت کرائیده و بیك جدیت وقوت فوق العاده در ترقی وتنویر افکار هم وطنان خود کوشیم و درین صورت رضای پادشاه محبوب القلوب خودرا تحصیل نمائیم:—

بعد ازین محمدعظیم خان رشدیه ۳ مقاله آنی را با آن خوبی خواند که همه حضاررا رشك ریز حسرت نمود:—

ازسرور وافتخاریکه — تشریف آوری وجود فیض آمود شهریارغازی برای ما طلبهٔ مکتب عطافرموده است برطالع بلند خویش تبریك میگوئیم وازعرض تشکرات بی پایان که دلهای مارا ، مملو گردانیده است اظهار عجز می نمائیم ازخداوند رحیم مهربان توفیق میخواهیم تامارا آن قابلیت وهمت عطافرماید که همان مقاصد شاهانه را به احسن وجوه انجام دهیم که برای اجرای آن پرورش داده می شویم واز خدمات مقبول وروش

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 226 of 596

خودها زیاده برزیاده مظهر الطاف پدر تاجدار خودها
کردیم واز پابند بودن بهاوامر ونواهی دینی امورات
دنیوی وخدمات ملی خودمانزانظم ونسق دهیم ـ زیرا
که دین روابط منتظمه بشریه واساس اخلاقیه را
تشکیل میدهد ، راه ترقی وتعالی را روشن میسازد ،
شخص را ازمسالك نامشروع رو گردان وبیزار میکنند
بلی هرچند نفس سرکش انسان فطرتاً بهسیئات مایل
وازحسنات روگردانست مگر همانقوه قاهره دینیه است
که ازمسالك گمراهی بازش میدارد وبطریق مستقیم سراط
راستش میگرداند ـ خاصه دین صداقت آئین اسلام
که اصل واساس هرگونه ترقیات روحی وواسطه تنظیم
هرنوع امورات مشکلهٔ دنیویست ـ پیروان صادق خود
راباخلاق حسنه دعوت می نمایدو از ارتکاب چیزهای رذیل
وبدمنع میفرماید بهتحصیل علوم وعرفان که ذریعه حیات باشرف
انسانست مأمور میگرداند ، تانواند از انوارضیا نثار
آن راههای تاریك زندگی را بچشم بازطی کنند وازبادیه
گمراهی نجات یابد وبه بادشاه خود اطاعت را واجب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 227 of 596

نمارد و یک جدیت فوق العاده در بهبودی هموطنان خود ابراز همت وغیرت کنند .

اسلام همان دین محبت آئین عدالت قرینست که بمفاد [ان الدین عندالله الاسلام] همواره از تعصب بی جا وجهالت دور و بسوی صلح و انسانیت رهنمون بوده است اگر احوالات پیشوایان این دین برحق مقدس را مطالعه نمائیم و در عدالت گستری و حقانیت پروری شان غور نمائیم برای اثبات ادعای ما دلائل کافی می یابیم - بلی اگر برشفقت و مرحمت که شجاعان اسلام در وقت غالبیت بر دشمنان ظاهر میساختند و بر نصائح و اوامریکه خلفای راشدین (رضی الله تعالی عنهم اجمعین) برای عساکر اسلام میفرمودند غور نمائیم نه چنان حقانیت دین اسلام ظاهر میگردد که قلب هر شخص را به پیروی وستایش خود مایل نگرداند چنانچه اولین نصیحتی که حضرت ابوبکر صدیق (رضی الله تعالی عنه) در وقت فرستادن عساکر اسلام برای متصرف شدن مقامی ارشاد میفرمودند همین بود که هوش کنید احترام ریش سفیدان و کاهنان را نگهدارید بطفلان و زنان تعدی نه نمائید زمین های

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 228 of 596

سر سبز و نهالان بسر رسیده را خراب نکنید ، اهانت مقامات مقدسه وکلیساهارا روانه دارید. این بود تاوقتیکه مسلمانان پیرو دین برحق اسلام بودند از خواهشات واغراض نفسانی احتراز مینمودند اکثر قطعات دنیا را مسخر نموده بودند وبمجردیکه این خیالات مقدس دینداری به ارادات فاسدهٔ خود غرضی ونفس پرستی تبدل یافت آن همه سطوت وشوکت قاهره نیز روبزوال گذاشت [ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا مابانفسهم] یعنی الله تعالی هیچ قومی را تغیر نمیدهد تا که درنفس های خودشان تغیر واقع نشود بلی سبب اصلی تنزل شان همین خود غرضی ، بی پروائی، عدم توجه درمعارف گستری بود که درتاریکی جهل مانده شیرازهٔ اتحاد واتفاق اسلام را ازهم گسیختند وخاك برسر تمدن وبرتری خویش ریختند .

« آری » آبادی بتخانه ز ویرانی ماست

جمعیت کفر از پریشانی ماست

اسلام بذات خود ندارد عیبی

هرعیب که هست در مسلمانی ماست

خیر گذشت آنچه گذشت ! اینك بار بارشکر میگوئیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 229 of 596

وخدای را سپاس میفرستیم که برای ماملت افغان یك
بادشاه حقایق آگاه عطا کرده است که قوانین شرع
شریف را بالتمام پابند بوده همه امورات آن را درمملکت
خویش اجرا میدارد ـ وبیاری عقل خورده دان
شاهانه خویش کشتی استقلال افغان را از بحر
پرآشوب زمانهٔ موجوده بساحل نجات رسانیده‌اند ـ
مکاتب ومدارس علم وهنر برای اطفال وطن کشاده‌اند
که تاهمه کان بقوانین دین مقدسه خود پابند باشند
وشعار اسلام را مقتدای خویش گردانند وکوشش
کنند که بازبمدارج عالیه تمدن رسیده آوازهٔ همان
صولت وشوکت از دست رفته خودرا بلند سازند

باقی سلامتی وجود سعادت آمود شاهانه
را که وسیله اتحاد واتفاق عموم مسلمانان وباعث ترقی
ملت افغانست ازخدای متعال آرزو میفرمائیم وبرای
خودمان تزکیه نفس وصفوت قلب نیاز میکنیم که به
اطاعت اولوالامر مقدس خود بخدمات دین ودولت مشغول
ومصروف گردیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 230 of 596

دین محمدرشدیه دوم بیانات آتی را بچنان فطانت ومتانت بیان کرد که همه حضار لب بتحسین کشادند:ـ

هرقدر که انسان دراشیای کائنات وخواص آنها توجه وغور نماید همانا کوائف عجیب وحوادث غریب بنظر انسان بروز می نماید ـ

واگر انسان ازعلوم مختلفه باخبر نباشد باعث وهم شده از جمله سحر وساحری خیال میشود ـ چنانچه تجربهٔ ذیل اسباب این امررا می نماید ـ بنده میخواهد که اولاً تجربه نموده بعد ازان به برهان واضح سازد!! تجربه !! دلیلش ازحکمت طبعی ظاهرمیگردد چونکه درین علم بیان شده که درجهٔ جوش آب برمقدار فشار منحصر است ـ ونیز درجهٔ جوش آب مانند درجهٔ انجماد معین نیست بلکه برفشارهوا منحصر است! چنانچه اگر فشارهوا کم باشد عمل جوش زودی واگر فشار زیاد باشد عمل جوش بدیری واضح میشود چنانچه ! درین تجربه حصهٔ خالی صراحی بعد ازجوش پراز ابخرهٔ آبی شده بسبب فشار آن عمل جوش معطل گشته بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 231 of 596

ـ بمجرد مس نمودن بیرونی صراحی به آب سرد ابخرهٔ مذکور گردیده بصورت قطرهٔ آب تبدیل شده فشار ازسطح آب کم شد وعمل جوش خود نمود ـ زیرا که چون فشارهوا برسطح آب کم باشد بدرجهٔ اندك حرارت بجوش می آید ـ

برای سیاحان دانستن این امر ضروری است ـ چنانچه برفراز قله کوه عمل جوش بسبب کمی فشار زودی شروع میشود ـ اگر سیاحی بخواهد که درانجا تخم را بآب جوش بپزد ـ تاوقتیکه برسردیك سرپوش نگذارد سفیدی تخم بسته نمی‌شود ـ ودرعمق چاه آب ازدرجهٔ صد (۱۰۰) بالاجوش می‌خوردو برسطح بحر بدرجهٔ صد (۱۰۰) ـ بتجربه رسیده که برقله کوه بلانك واقع سود زرلیند آب بدرجهٔ هشتادو پنج (۸۵) جوش می‌خورد ـ چونکه تاحال بتجربه نرسیده اما برقلعه کوتل خوالك آب نیز بدرجهٔ هشتادو پنج جوش خواهد خورد وسفیدی تخم نیز بسته نخواهد شد ـ

اکنون ازشنیدن این سخن متحیر خواهید شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 232 of 596

که برماوشما فشار عظیم هوا چسان عمل می‌نماید ـ وما زیر ان فشار چرافشرده نمیشویم ـ وآن فشار چرا محسوس نمی‌شود ـ فشار هوامانند فشار آب بهرطرف عمل میکند ـ چنانچه اگرتخته کاغذیرادرهوابگذارید ـ فشار تحت وفوق آن یکسان اثر کرده کاغذ در هوا می‌برد ـ واز تجربهٔ ذیل اثر فشار بخوبی واضح می‌شود ـ

تجربه‌ا جسم کروی مجوفی که بقرار شکل دو نصف متساوی داشته باشد ودریك نصف ان سوراخی باشد که بسهولت بسته شود چون هردونصف را یکجا کرده سوراخ انرا ببندید ـ هردو نصف بهم متصل میشود چون خواهید که هردورا ازهم جدا کنید باسانی جدا میشود ـ باعثش اینست که هوای خارج بهرقدرقوتیکه آن دونیمه‌را بهم وصل میکند ـ هوای داخل نیز بهمان قوت انهارافصل می‌نماید ـ چون هردو نیمه‌را بهم پیوسته هوای داخل‌را بذریعه که انها مخراج الهوا می‌نامند ـ خارج نمودیم بعد ازان هردونیمه‌را بدست گرفته هرقدر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 233 of 596

کوشش نمائید جدا نمی‌شود زیرا که هوای خارج موجود
وهوای داخل معدوم وفشاران زائل گشته ـ

زیاده بقای دولت اعلیحضرت نازی معارف آگاه
ازدرگاه بینیاز استرحام می‌نمایم فقط

شاها عروس ملت ترا در کنار باد
یعنی که دشمنان تو پیوسته خوار باد

باشد همیشه خرم وخوش خیرخواه تو
بد خواه تو به‌تیر بلا سردو چار باد

از بهر بادشاه معارف پناه ما
گنج نهان علم بما آشکار باد

ازعدل خویش کرده گلستان زمانه را
یارب بکام عشرت او روز کار باد

ازهیبت سیاست محکم اساس او
اعدای ما همیشه پریشان و خوار باد

چون عهد جان‌نثاری ما بین شاه بسته‌ایم
یارب از کمال وفا استوار باد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 234 of 596

تا آن زمان که دور فلک کردون قرار نیست
یارب که تخت و بخت تو شه برقرار باد

گوید دعای شاه (فدائی) ز جان و دل
یارب که تخت سلطنتش برقرار باد

هوالعزیز

(مقاله در باب گفتگوی افغان)

اولاً غلام حیدر خان پیش شده این تقریر را شروع کرد !

ای زما مهربان معارف پرور پادشاه ، او ای د زما غازی شهریار په صداقت خدمت کو نکیو ! او خصوصا ای زماهم مکتبیانو هم صنفانو زه د تاسی په حضور لدی جهت را شکارا شوه یم ، چه تاسی لره یو حوضر رونه او نقصانونه د یوی روزی غیر حاضری له خپله فرض دروشیم ، ای د زما خواژه ورونو ظریف خان او شریف خان د لته راتلی او خپل کیفیت را معلوم کی .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 235 of 596

بعدازان ظریف خان وشریف خان به‌بسیار وضع درست بمجلس مبارکه یکجا حاضر شده سلام و تعظیمات لازمه خود را به‌پیش پادشاه‌غازی معارف پرور بجا آوردند و بعد ازان به گفتگوی خود مشغول شدند !

ظریف خان — شریف خان را ٔحه چه صبامدرسی ته‌نه ٔحو .

شریف خان — ولی‌مدرسی ته‌نه ٔحو .

ظریف خان — میلی نه‌به ولارسو چه خورا شه میله‌ده !

شریف‌خان — غیرحاضر به سو — سبقونه به ٔحه کوو؟

ظ — خیر دی یوه بهانه به‌وکو !

ش — شه‌له غیر حاضری به‌خلاص سووسبقونه به ٔحنکه کوو ؟

ظ — بیابه‌یه زده کو — امتحان لالیری دی !

ش — ٔحنکه ! اولیونیه یوسبق نه دی چه زده به‌یه کو — دینیات فارسی — عربی — حساب وغیره یوولس دوولس سبقه دی بیابه ٔحنکه زده کو ؟ اود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 236 of 596

بلی روڅه سبق پردی موقوف دی چه دا نکوز ده د
بل صبا په سبق به څنګه پوهیږو ؟

ظ ـ اوس په یوه روز هیچ نه کیږی ـ زه خو
ضرور صبا میلی ته څم نه پاتیږم ...

ش ـ اختیار لری زه نه سم تلای ـ

ظ ـ راڅه دیره شه میله ده ـ ساعت به موتیرسی

ش ـ څه میله څه ساعت تیری ؟ مدرسه پاته سبقونه
قضا غیر حاضر ستری ستوماند ـ څه به ووینی ؟ څه
به وار وی ؟ یو څو لوچکان سره یو ځای سوی دی ـ قمار
کوی ـ یا غزل وائی .

ظ ـ ته څه پوهیږی رنګارنګ خلق به تول سوی
وی ـ دپهلوانانو کشتی بوی سرود ونه به ویل کیږی

ش ـ سره لدی څه هر څه به ووینی ، ظریف خان
زما خبر قبوله کړه اوله خپل غلط خیاله تیرسه . چه
وجدان به د ملامت که ـ ستا عمر د میلی نه ده او که د ضرور
میلی ته مینه کیږی له مکتبه کومه شه میله ده چه پس
له مکتبه موږ بری رکازو ، بندی وهو ، او توپ بازی کوو

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 237 of 596

ظ ـ تەرشتیاوانی ، دمکتب میلەزە هرە روز کورم اودا میلە پس لە یوکاردە پردە سبب کە تەهر ٔحەووانی زە قبول کونکی نەیم .

ش ـ شە زما آخری یوخبر وار وە ، بیاد ستاخو شە چە ٔحی کە پاتیژی هفە دادی چە تەنور لەهر ٔحە تیر سوی ، آیا لە خپلی وعدینە هم تیریژی چە دخپل غازی پادشاه سرەدمکتب بعرق پور نە کولو پە روز دکری وە چەزە خپلی وینی دخپل پادشاه اوملت پرخدمت کشە توئی کم لا بەیە حق نسی رجای ما میلە لە تلل یەصرف تەدە غرضی دی چە تابەارویدی لی وی

ظ ـ هفە وعدە زما بە سر ستر کو منظور دە چە عاقلان لە ـ ادبو حکمت زدە کری ـ زە غوارم چە هرشە اوبد پەمیلی کشە ووینم بە شە یە عمـل وکم اولە بدیە ٔحان ساتم .

ش ـ سر اسر غلط بلکل بی بنیاد آیاتاداشعرنە دلوستی

حکمت کلە حاصلیژی بی مکتبە

جهل کلەلری کیژی بی مکتبە

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 238 of 596

ئه مکتب ته چه شریف سی ای ظریفه!

ظریف کله شریف کیژی بی مکتبه

ظ ـ ته مر ئحونه سر مغزه وخری زه به ستاخبرکی غوز نیا سم ؛

ش ـ زه هم نور هیچ نه وایم مکرداچه پر جاهل و هیچ ئاثر نصیحت نکی .

بعداز ان غلام حیدر خان بازپیش شده واز دست ظریف خان محکم گرفته بیان ذیل را تقریر مینماید .

صبا ظریف خان میلی ته ولار ـ مور وپلار ته یه ویل چه سبق نه خم کتابونه یه ، په یودکان نه کشیشوه ـ میله دوه گروه لری وه پلار یوازی وچه شه حدولار ـ دق سو ـ ملکری یه نه و ویده چه اوس می ئحوك ونه وهی ـ میلی ته ورسیده ـ ساعت یه نسوتیر ! پس له دوه ـ دری ساعت را رهیسو ـ پلار دیر متفکرو ـ چه مدرسه هم پاته سوه ـ سبقونه قضاسوه ـ ساعت می هم نسوتیر !..

شریف خان به سبق له تللی وی ماثحان غیر حاضر کی که می مورا وپلار خبرسو ـ آیا ئحه به رانه وایی ؟

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 239 of 596

وژی سو میوه والاته ودربده ـ لاس به جیب ته کی چه پیسی را و کاژی به جیب کی هیچ نه وو ! چه له کوره رانی خلور روپی ور شخه وی ـ هغه هم (کیسه بر) څنی کنبلووی ! حیران یاته سو ـ ستری ـ ستومانه ـ وژی ته ژی کورته را غی !... تمامه شپه دستریا اوله غمه خوب نه ورتی ـ صبا چه مدرسی ته ورغی هیچ بهانه نه وه ـ مدرس پخته سخت لرکی به وه واهه ؟

یو ساعت به جماعت کی ودراوه ـ دیر خجالت یه و کیش به کوی سبق نه پوهیده ـ ولی پرون غیر حاضر وواو نن به غم ! شریف خان آرام ناست وشکریه کیش چه میلی ته نه ولارم اوغیر حاضر نسوم ـ ظریف خان یوه هفته به سبق نه پوهیده .

حاصل مدعا هغه خوك چه له خپله فرض غیر حاضر یژی، یا ناوقت ورژی ـ ظریف خان غوندی ستری ستومان به بخت او کم طالع به وی ـ خصوصا مکتبیان ـ

بعد ازان پاینده محمد خان پیش شده واین تقریر را بحضور شهریار معارف پرور وبحضور حاضران

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 240 of 596

مجلس تقدیم نمودا کرچه پشتو زموژ مورنی اووطنی ژبه ده
لکن له خپله بدقسمتی یه له دیه خوراله دی رته یو پرده سبب
که څه غلطی له زماهم صنف نو سوی وی له حاضره
مجلسه امید دمعافی لرم

محمد نبی خان اعدادیه سوم بنزد میزیکه بروسط
مجلس گذاشته شده بود تقریب ورزیده بیانات آتی داد :-

چونکه یکی از انفع واهم علوم فنی انجنیری است که
ترقی یك دولت یاملت بدون آن ناممکن است ویکی از شعبهٔ
مهمه انجنیری جر اثقال است که جمیع حرکات وسکنات
نظام عالم منوط ومربوط برانست واصول ساخت ماشین
ها وجر اشیای وزنی نیز مبنی برهمین است بنا برین
بیان مختصری درخصوص ماشین های سادهٔ جر اثقال
بعبارت ساده وسلیس بیان می کنم .

ماشین های جر اثقال که به امداد آنها ازقوت کم ،
اثر زیاد گرفته میتوانیم عبارت از رافعهٔ ، نظام چرخ
ها ، ستیل ارد ، چرخ ومحور پیوسته ، سطح مایل
وغیره میباشند که اندك اندك از آنها بحضور شاهانه عرض
می نمایم :-

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 241 of 596

رافعه : عبارت از یك سیخ طویل مضبوط میباشد که یك موضع آنرا بریك جای قائم کرده و برموقع دیگر قوت صرف کرده بذریعهٔ آن وزن برداشته شود یافشار رسانده شود ـ آن میل را رافعه یاجیل میگویند واین سه صورت دارد :ـ

(صورت اول) پایه یعنی موقع قائم کردن رافعه درمیان و بر یك انجام وزن و بر انجام دگر قوت صرف کرده میشود

(صورت دوم) بوقت استعمال رافعه وزن درمیان ویك انجام آنرا بریك جای قائم کرده برانجام دگر قوت صرف میشود

(صورت سوم) قوت درمیان ویك انجام آن را بریك جا قائم کرده بذریعه انجام دگر وزن برداشته میشود

(در صورت سوم) یك نقص می باشد که قوت از وزن زیاد بکار می باشد لاکن اینقسم در آنصورت استعمال میشود که مابدیگر قسم قوت خود را صرف کرده نمی توانیم بغیر ازاینکه درمیان پایه ووزن استعمال

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 242 of 596

کنیم مثلاً دربازوی خود که آرنج را قائم کرده بذریعه دست وزن برداشته قوت را بواسطهٔ اعصاب درمیان آرنج ودست استعمال می کنیم ـ بواسطه رافعه ازقوت کم اثرزیاد وازحرکت قلیل حرکت کثیر کرفته می توانیم چنانچه اکرسیخ اینطور قائم کنیم که یك بازوی آن به نسبت بازوی دکر هزار چند باشد اکربر بازوی خورد یکپاو قوت برسد بر بازوی کلان هزار پاو وزن برای توازن آن در کار می باشد . بهمین سبب است که ارشمیدش حکیم کفته که اکریك نقطه درحصهٔ بیرون زمین اینقسم بیابیم که یك رافعه طویل مضبوطرا برآن نقطه قائم کنیم بذریعهٔ آن زمین را بآسانی برداشته می توانیم .

(۲) نظام چرخ ها :— که آنهارا بسه صورت ترتیب داده میتوانیم (ترتیب اول) مثل نقشه :— وزن برچرخ آخری اویزان است بواسطه چرخ بردو حصهٔ ریسمان تقسیم میشود یعنی نصف آن بریك ریسمان ونصف آن بردیکر ریسمان و چونکه ریسمان اول بریك چرخ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 243 of 596

دوم پیوسته است لهذا وزن آن بواسطهٔ چرخ دوم بر

۱

دو حصهٔ ریسمان ثانی تقسیم می‌شود یعنی — حصهٔ وزن

٤ ۱

اول بریك ریسمان و — حصهٔ آن بردیگر ریسمان و بهمین

۱ ٤ ۱

قسم — حصهٔ وزن اول بریك حصهٔ ریسمان سوم و —

۸ ۱ ۸

حصه آن برحصهٔ دیگر ، یعنی — حصه وزن اول بریك

۲ ۱

حصهٔ ریسمان اول و — حصهٔ آن بریك حصهٔ ریسمان

۲۲ ۱

دوم و — حصهٔ آن بر یك حصهٔ ریسمان سوم و علی

۳۲

۱

هذا القیاس اگر تعداد چرخها هفت باشد $\frac{۱}{۷۲}$ حصهٔ وزن

اول ۸ وزن بر ریسمان آخر می‌رسد لهذا اگر یك وزن

۱۲۸ سیررا برچرخ آخر اوزان کنیم و هفت چرخ

استعمال کنیم : —

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 244 of 596

قوت آخر = $\frac{۱}{۷۲}$ ÷ ۱۲۸ = $\frac{۱}{۱۲۸}$ ÷ $\frac{۱}{۱}$ = ۱۲۸

۱ سیر

یعنی وزن ۱۲۸ سیر را از استعمال ۷ چرخ بقوت ۱ سیر برداشته میتوانیم .

(ترتیب دوم) مثل شکل :ـ اگر تعداد چرخ‌های مجموعهٔ بالا و پایان مساوی باشد انجام ریسمان از حصهٔ زیرین مجموعه چرخ بالائی شروع شده کرد چرخ ها مسلسل گذرانیده میشود واگر تعداد چرخ‌های مجموعه بالائی یک عدد زیاده باشد انجام ریسمان از حصهٔ بالائی مجموعه زیرین شروع شده کرد چرخ هـا بالترتیب گذرانیده میشود چونکه صرف یک ریسمان کرد کل چرخ‌ها میگذرد وزن که به مجموعه زیرین اویزان است بر کل ریسمانها برابر تقسیم میشود مثلاً اگر وزن ۱۰۰ سیر باشد از استعمال پنج چرخ تعداد ریسمانها ۱۰ شده وزن ۱۰ سیر همراه آن موازنه کرده میتواند .

وزن بذریعهٔ ریسمانهای ط ، ط ، ط ، ط و غیره
۱ ۲ ۳ ٤

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 245 of 596

برداشته شده بر آنها تقسیم می‌شود

وزن = ط ۱ ط ۲ ط ۳ ط ٤

فرض کنید که قوت = ق

چونکه ریسمان ط ۱ بواسطه چرخ بر دو حصه تقسیم شده‌است وقوت بر حصه دکر آن صرف شده است

لهذا وزن ط ۱ = ق

وزن ط ۲ = ۲ ط ۱ = ۲ ق

وزن ط ۳ = ۲ ط ۲ = ٤ ط ۱ = ۲ ق ۲

وزن ط ٤ = ۲ ط ۳ = ٤ ط ۲ = ۸ ط ۱ = ۳ ق ۲

وزن = ق + ۲ ق + ۲ ق ۲ + ۳ ق ۲

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 246 of 596

ق $\left\{ \begin{matrix} ۱ & -\frac{۱}{۱} & -۲ & -\frac{۱}{۱} & -\frac{۲}{۲} & -\frac{۱}{۱} & -\frac{۳}{۲} \end{matrix} \right\}$ (بقرار سلسله مهندسی)

$$\left\{ ۱ - \frac{٤}{۲} \right\} = \text{ق} \quad \text{ق} \left| \begin{matrix} ٤ \\ ۱ - ۲ \\ \hline ۱ - ۲ \end{matrix} \right|$$

همین قسم اگر تعداد چرخ ها پنج باشد

$$\text{وزن ق} = \left\{ ۱ - \frac{•}{۲} \right\}$$

مثلاً اگر ۹۳ ق وزن را آویزان کنیم و پنج چرخ را استعمال کنیم

$$۹۳ = \text{ق} \quad \left\{ \begin{matrix} • \\ ۱ - ۲ \end{matrix} \right\} = ۳۱ \text{ ق}$$

ق یعنی قوت = ۳ سیر

از استعمال پنج چرخ وزن ۹۳ سیر را بقوت ۳ سیر برداشته میتوانیم ـ درین ترتیب یك خوبی دارد که هرقدر وزن چرخ ها زیاد شده برود قوت همان قدر کم صرف میشود حتی که باین حد میرسد که بعض اوقات

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 247 of 596

قوت صرف نمیشود (برخلاف دوصورت اول)

ستیل یارد :- یك قسم ترازو میباشد که بذریعهٔ آن اشیای ثقیل‌را بآسانی وزن کرده میتوانیم یك‌سیخ فولادی می‌باشد که‌یك موضع آنرا بریك‌پایه اینقسم کرده می‌شود که‌یك بازوی آن به‌نسبت بازوی دکر درطول بسیار زیاد باشد وهمراه بازوی خورد یك پلهٔ مضبوط پیوسته می‌باشد وبر بازوی دکر نشانات میباشند و یك وزن متحرك برطول بازوی کلان حرکت میکنند وزن حرکت کننده بر کدام نشان برسد و همراه وزن در پله موجود است حالت موازنه پیدا کنند تحریر آن نشان‌وزن آن‌شی‌را نشان میدهدچرخ ومحور پیوسته ، مشتمل بریك چرخ ومحور میباشد که گردچرخ نیزیك ریسمان دور خورده می‌باشد وکرد محور نیز بر ریسمان گردچرخ قوت صرف میشود وبر ریسمان کرد محور وزن اویزان میباشد چون که قوت ـ نصف قطر چرخ = وزن ـ نصف قطرمحور لهذا اگر نسبت نصف قطر چرخ ومحور ۵ : ۱ باشد اگر بر ریسمان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 248 of 596

محور ٥ سیر اوزان شود برریسمان چرخ یك سیر وزن آنرا توازن داشته میتواند همین قسم اگر نصف قطر چرخ زیاده کرده شود بالعداد چرخ ها ومحور ها را زیاده شود قوت هنوز کمتر صرف میشود :

چنانچه اگر ٤ چرخ و ٤ محور که نصف قطرهای آنها ١:٥ میباشند واین قسم ترتیب داده شود که محیط هر محور بمحیط چرخ پیوسته شود چقدر قوت برای برداشتن ١٨٧٥ سیر استعمال خواهد شد ؟

اگر وزن برمحور چارم استعمال شود برچرخ چارم چونکه نسبت نصف قطرهای آنها ١:٥ می باشد ٣٧٥ سیر میرسد که همین قوت برمحور سوم میرسد لهذا بقرار فوق برچرخ سوم ٧٥ سیر میرسد بهمین قسم بر چرخ دوم ١٥ وبرچرخ اول ٣ سیر قوت رسیده همراه وزن اول حالت موازنه قائم میکنند ـ لهذا از استعمال چرخ ومحور وزن ١٨٧٥ سیررا بقوت سه سیر برداشته میتوانیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 249 of 596

زیاده از خداوند کریم بقای شریعت نبوی و ترقی ملك وملت ودوام عمر پادشاه معارف اکتناه مجاهد غازی خودهارا خواهانیم و آرزومندیم که سایهٔ عطوفت وشفقت ذات شوکت سمات شان را ازسر ما خادمان وطن دور نداشته همیشه توجه شاهانه را زیاده برزیاده در توسیع وتعمیم علم وکمال مصروف دارند وماهمه را حق سبحانه تعالی توفیق عطا فرماید تاخود ها را در دول متمدنه خارجه مستعد خدمت دین وملت ساخته تمامی ملت خودرا ازثمرهای علم وعرفان بهره یاب گردانیم والتوفیق من الله تعالی ونستعین محمد نبی صنف انجنیری

عبدالقادر خان رشدیه سوم بقرار آتی تقریر ووسیله خور سندی حضار گردید :ـ

بنده میخواهد که نبذهٔ ازعلم حکمت و کیمیا عرضهٔ حضور اعلیحضرت پادشاه معارف پرور غازی خود وباقی حضار مجلس نماید ، هر قدر در بارهٔ علم حکمت وکیمیا کوشیم ، نسبت بفوائد آن کمتر خواهد بود ، مگر خاص آن اینکه ، علم حکمت وکیمیاست که پس از

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 250 of 596

اتحاد واتفاق ، باعث یگانه ترقیات اروپا گردیده ، سائر دا کتران وانجنیران و کاریگران وصنعت گران وغیره اهل حرفه و پیشه ازطفیل همین علم مقدس مستفید میباشند بنابران بسبب قلت وقت بعضی از نمونه های مختصر وسادهٔ آنرا برای حضار مجلس ظاهر میسازم :

حکمت درخود شعبه های مختلف چون برق، صوت، حرارت، روشنی ، کان شناسی انجنیری ، وغیره وغیره را شامل دارد ! بنابران اندکی درباب صوت که یکی ازشعبه های معتنای انسنت بیان می نمایم ، اولاً بدانیم که صوت چیست ؟ صوت که معنی آن آوازاست محض از اهتزاز یعنی حرکات سریع حلقوم وسینه ودوجسم پیدامیشود برای نقل شدن آواز ازیکجا بجای دگر واسطه ضروریست وواسطهٔ اعم آن عموماً هواست ، که اگر هوا نباشد آواز ازیکجا بجای دگر نقل کرده نمیتواند ، ومن این دعوی را بیکثبوت مختصری همین زنگی که فی الحال بروی میز موجود است نشان میدهم : زنگ مذکوررا گرفته بالای همین قرص مخراج الهوا که شما می بینید

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 251 of 596

میگذارم ، وبالای آن این فانوس شیشه‌ئی را میگذارم ، درین صورت شما آواز زنك را شنیده میتوانید مگر آواز آن بهنسبت اول کم ، زیرا که بیشتر ازین درمابین هوای گوش ، وهوای زنك هیچ چیز حائل نبود حالا چونکه در مابین هوای گوش ما وهوائی زنك بلیجار گذاشته شد بنابران آواز زنك نسبت بهاول پست شد حالا هوای داخلیٔ فانوس را خارج کرده می بینیم که چه می شود ، اکنون شما آواز زنك را شنیده نمیتوانید ، آیا سببش چیست ؟ سببش اینست که قبل برین واسطه درمابین گوش ما وزنك که عبارت ازهوای داخلیٔ همین فانوس باشد موجود بود وما آواز را شنیده میتوانستیم اکنون که هوای داخلیٔ فانوس خارج شده واسطه منقطع شد آوازرا شنیده نمیتوانیم بنابران ثابت شد که برای نقل آواز از یکجا بجای دگر واسطه ضروری است علاوه بران دانستن این امر برای نوبچیان از لوازمات است ، بتجربه ثابت نموده اند که اوسطاً رفتار آواز در هوا فی ثانیه ۱۱۰۰ فت میباشد بنابران وقتیکه یك توپ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 252 of 596

درداده میشود بمجردیکه شعلهٔ آن بنظر می خورد آواز
آن نیز خارج میشود، مگر دیده‌شده که بهمانوقت آواز
آن بگوش انسان نمیرسد بلکه بعداز چند ثانیه میرسد
سبب آن اینست که درین‌قدر ثانیه‌ها آواز فاصله راطی
کرده بمده بگوش‌ما رسیده ، بنا بران هرقدر ثانیه که
از ابتداء درکرفتن الی شنیدن آواز بگذرد همان تعداد
ثانیه‌هارا با ۱۱۰۰ فوت ضرب‌داده حاصل ضرب مسافهٔ
توپ را نشان میدهد ـ علاوه برین آواز انعکاس هم
دارد ، چنانچه اگر شخصی زیر گنبدی استاده سخن
بگوید اودوآواز خواهدشنید ، یکی آنکه اززبان میکشد
دکر اینکه همان آواز برسطح گنبدی خورده منعکس
شده‌شنیده میشود، که البته‌هرکسی ازحضار اینرامشاهده
نموده‌باشند ـ ازین خاصیت آواز علماء متقدمین اسلام
رحمة‌الله علیهم اجمعین که مؤسس وبانیٔ هرعلوم وفنون
بودندفائده کرفته درمساجد محراب‌ها بصورت گنبدی
بنا نموده‌اند ، تاامامیکه قرائت بخواند آوازآن بدیوار
های‌محراب خورده انعکاس‌یافته بلندتر بگوش مقتدیانیکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 253 of 596

درصف آخرین استاده‌اند برسد ـ سبحان‌الله : ازینجا دانائی وفراست متقدمین‌ما بخوبی مفهوم میکردد : ـ

ازین معلوم میشود که حکمت در کج وپیچی حصهٔ داخلیٔ کوش محض بلند ساختن اواز است ـ چنانچه شما می بینید در حصهٔ داخلیٔ کوش خورد خورد کج وپیچی بصورت کنبدیها موجود است ، چون آواز یکجا بخوردازان انعکاس یافته بلندتر بد کری میخورد وهمینقسم ازیکی بدکری خورده یك آواز خورد بصورت کلان بدماغ میرسد ـ

وهم درعصر حاضر درممالك متمدن جائیکه سررشتهٔ آب بواسطه نل‌ها میشود هرکاه کدام نلی بندشود درین صورت معلوم نخواهد شد که کدام حصهٔ نل ودر کجا بند شده ، وهرکاه نمایندهٔ نل را کنده معلوم کنند درینصورت صرف هزارها روپیه میشود بنا بران از خاصیت انعکاس آوازفائده ها برداشته‌اند اینکه : بدهن نل بند شده آمده یك آواز شدیدی دران میرسانند چون آواز به آن شی که نل را مسدود نموده بخودر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 254 of 596

انعکاس یافته پس بگوش آن شخص خواهد رسید ،
لهذا هرقدر وقتیکه ازابتدای آوازالا رسیدن انعکاس
آواز بگذرد همانوقت را سنجیده و آن را با ۱۱۰۰ فیت
ضرب داده حاصل ضرب را نصف نموده همان مسافة
حصة بند شدهٔ نل را نشان میدهد و همانجا را کنده
نل را درست میکنند ، هرچند که آواز فوائد کثیره
دگری را هم دارا است مگر بسبب عدم گنجائش وقت
بهمین قدر اکتفا ورزیده ختم کلام را بدعای پادشاه
معارف اکاه غازی عادل خود اختتام میدهم و توفیق
رفیق برای خدمت وجود ذیجود شاهانه شان استرجا
می نمایم ، آمین

اردو

سپس صفر علی رشدیه ۳ غزل آن را به لهجه
خیلی شیرین قرائت کرده مورد بخ بخ حضار گردید.
(ومن آیاته خلق السموات والارض واختلاف
السنتکم والوانکم ان فی ذلك لآیات للعلمین) تعلیم
زبان اردو جو که هماری اعلیحضرت پادشاه معظم غازی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 255 of 596

معارف پرور کی توجہ شاہانہ سی بلحاظ ایک عزیز ہمسایہ اور علمی زبان ہونیکی داخل نصاب تعلیم مکتب ہی اور ہم طالبان علم اسی بہرہ ور ہوتی رہتی ہیں ۔ چنانچہ بطور نمونہ ایک مختصر نظم اردو جو کہ ہم مسلمانون کی گذشتہ اور موجودہ حالات کے معلق ہی بحضور اقدس ہمایونی غازی ودیگر حاضرین کرام بصدادب وانکسار عرض کرتا ہون ۔

کہی ای نوجوان مسلم تدبر یہی کیا تونی
وہ کیا کردون تا تو جسکا ہی اک تو تا ہوا تارا
تجھی اس قوم نی پالا ہی اغوش محبت میں
کچل دالا تاجنی پاؤن میں تاج سردا را
تمدن آفرین خلاق آئین جہانداری
وہ صحرای عرب یعنی شتربانون کا گتھوارا
غرض میں کیا گتھون تجھی کہ صحرانشین کیا تہی
جہانگیر و جہان دار و جہان بان و جہان ارا
مگر چہور ای جب سی تونی آئین مسلمانی
ثریا سی زمین پر اسمان تجھکو دی مارا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 256 of 596

تجھی آباسی این کوئی نسبت ھو اھین سکتی
که تو گفتار ده کیردار تو ثابت وه سیارا
جھانگیری سلف کی کھوکی بس یه یادھی نجھکو
نھین دنیا کی آئین مسلم سی کوئی جارا
آھین ذاتون کی جکھر ھین کمین ھی فرقه بندی پر
تیری نزدیك ی دی کرایین اسلام ھی سارا
بکروه علم کی موتی کتابین تیری آبا کی
جو دیکھی انکو یوروپ مین تو دل ھو ھی تاسی پارا
غنی روز سیاه پیر کنعان را تماشا کن
که روشن کرد نور دیده اش چشم زلیخارا

آخر مین دعای که خداوند ملیك وقدیر به طفیل رسول بشیر صلعم ھماری ھردلعزیز بادشاه کو عمر دراز عنایت فرمائی اور ھم طلبای خاکسار حضور انور کی روز افزون توجه معارف پروری سی علوم وفنون حاصل کر کی به فحوای (ھل جزاء الاحسان الا الاحسان) این ناچیز جانون کا اعلیحضرت والا نصرت کا للفیومانه اور مجاھدانه را را دون کی راه مین فداکارانه ھدیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 257 of 596

پیش کرتی ہوئی اس قابل ہو جائیں کہ اپنی تاجدار جوان بخت معظم کو شہنشاہ زمان کہ سکیں اور دوسری مال دنیا کی ئی پر بمصداق —

یان اسی شاخ کہن پر پھر نہ بائیں اشیان
اہل گلشن کو شہید نغمہ مستانہ کر

باعث صدر شک و مایہ ہزار افتخار ہو سکیں (آمین)

بعد ازیں رپوٹ سالانہ نظارت از طرف علی محمد خان نائب معاون نظارت خوانده شد که ماحض تمہید آنرا درینجا تحریر داشته انتشار رپورٹ کامل انرا بعہدہ امان افغان میگذاریم :—

(الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی)

اما بعد برضمیر منیر حاضرین محترم پوشیده نیست که دراین آوان سعادت اقتران از همت جهان قیمت همایونی امور معارف بالعموم کسب بهبودی نموده واشعهٔ غیر مرئیهٔ الکتریك علم و عرفان زوایای مظلم خطهٔ مقدسه وطن را مستنیر وسد ها و خرستکهای راه ترقی و تمدن را بیك قوهٔ قاهرانهٔ غیر مغلوبه مندفع واعدام

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 258 of 596

کرده است . بذل همت والا نهمت شاهانه درسرسبزی وخرمی چمن طراوت معدن افغانستان کار بهارشکفته کی کردار را نموده باشیوه حیات بخشای آفتاب عالمتاب را پیشه فرموده که عیناً ازبد وجلوس میمنت مأنوس خسروانه قطعات برف دل سردی عموم وتخته های یخ پژمردکی هجوم هموم را که سالها از لکهٔ ابرهای کدورت احتوا تقاعد وجمودت باریدن کرفته مانع نشو ونمای هرکونه سبزه و کل عرفان شده بود آب کرده وکداخته صحن چمن نزاکت خیز را بازهار نورسته نشاط افزای معارف روشن ورشکر کلشن ساخته است .

محض تامین سعادت آتیه وابراز خدمت بعالم اسلامیه ، ذات شاهانه تمایلات شخصی ومقتضیات نفسی را بدرود کفته تعمیم معارف را تصمیم کرده ذرایعی را که تواند قوهٔ مکنونهٔ ملت نجیبهٔ شانرا درتحصیل علم وفن به تحریك آرد مهیا واماده نموده اند .

اری ، مدت کذائی نکذشته وزمان درازی سپری نکشته که اوازهٔ علم ومعرفت وطنطنهٔ اتحاد و اخوت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 259 of 596

بکوشهای دور ونزدیك کرسی سلطنت رسیده افراد
خامد وخامل را درمقام فعالیت و عرض همت براورد
افرادیکه چندی پیشتر بذل غیرت را در استحصال علم
و کمال محض ضیاع حیات میدانسته اکنون انرا ازاعظم
والزم مایحتاج زندکی حس می کنند ، وذواتیکه وجود
حکمت ومعرفت را برعدهٔ معدودی متوقف ومنوط
میشمردند اینك بتحصیل ان خود شانرا مجبور میدانند
مختصر اینکه اکنون دلها ازنور معرفت مشحون است
وخیالات بلند مودت واخوت در دماغها روز افزون
اما بررأی مهر انجلای همایونی وباقی حاضرین مبرهن
است که وظیفهٔ مقدسهٔ نظارت جلیلهٔ معارف از قبیل
انچنان وظایفی نیست که بعد ازانقضای مدت قلیل یکسال
یادوسال تواند نتائج اصلی خودرا بحضور عموم جلوه
ظهور دهدویادوسه نفر تعلیم یافته را اینه آقانمرهٔ معارف
گفته بهموطنان عزیز خود وانماید بل ادوار شهور
بسیار بکار است تانونهالان تازه رستهٔ سرابستان معارف
تنومند کمال وبرومند شاخ وپنجهٔ نتائج اقبال کشته

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 260 of 596

درعوض اینهمه مجهودات عالیه همایونی ثمر هنری تحفه
ارند وعرضه دهند .

بااینهم درین عرصهٔ دوسال ازتوجهات قدسیت ایات
همایونی مراحل اساسیه خودرا بکوشش بی نهایه طی
نموده ـ درنایل شدن بسر جاده مقصدحتی الوسع صرف
مساعی نموده اند ، اینست که محض استحضارذات شوکت
سمات شاهانه وباقی حاضرین محترم راپورت یکساله امور
مهمهٔ خودرا ایجازاً عرض وتقدیم میکنند :ـ

تزکیه اخلاق

اولین کاریکه دراجرای آن نظارت معارف ابراز
مجهودات کامله راحتمی شمرده ترتیبات و قوانین لازمی
در آنخصوص از همه بیشتر احراز کرده است همین در
بارهٔ حسن اخلاق وتامین نیکوئی اطوار اطفال است که
در خصوص دستور العمل ها وقانونچه های محتوی برشرایط
ولوازمات آداب چاپ نموده درهر صنف جداگانه تعلیق
کرده است وسائر اساتذه رامأمور داشته تاهفتهٔ دوروز
مضامین هدایت آئین مندرجهٔ آنرا بحضور اطفال باآواز

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 261 of 596

بلندقرائت نموده همگانرا درپیروی حسن اخلاق وآداب وشرائط انسانیت توصیه نمایند

علاوه برین درهفته دو روز برخی از اساتذه مامورند باینکه بعداز ادای صلوة ظهر مواعظ وسخنان حکمت توامانیکه ملایم ومساعد اموردینی ودنیوی باشد بحضور همه طلبه بنمایند ، محبت واطاعت پادشاه معارفرا کتناه شانرا در قلوب شان جادهند ، خیالات بلند وارادات ارجمندرا که باعث ایقاظ غیرت وسبب فزونی جدیت شان گردد درلوح سادهٔ دماغهای اطفال نقش کنند تاهمکان وسیلهٔ تامین اقبال گشته رجال باشرف وغیرت استقبال وطن عزیز گردند —

« انعقاد انجمن معارف ومجلس علمی درنفس نظارت »

معاین است که وجود انجمن معارف ومجالس علمی بجهة اصلاح تعلیم وترقی معارف از جملهٔ واجبات است .

بملاحظهٔ فوق ، حالاً نظارت معارف دارای دوانجمن است یکی انجمن معارف ودیگر انجمن علمی انجمن علمی عبارت از انجمنی است که هفته یکروز درخود نظارت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 262 of 596

معارف منعقد گردیده رسائل وامورات مهمه علمی از قبیل تعیین نصاب تعلیم ، تصویب یاتردید مؤلفات ادارهٔ ووقایه لواز مات تعلیمی وغیره وغیره بحث نموده نتیجهٔ فیصله شده را بانجمن معارف عرض وتقدیم میکنند . اعضای این انجمن اکثر ارباب علم وفن واساتذهٔ خود نظارت میباشند ـ انجمنی معارف مراداز انجمن است که از معدود ذوات محترم ناظرین وامناومامورین معظم سلطنت تشکیل یافته درماه یکبار درنفس نظارت معارف شرف انعقاد می یابد ، وظیفه مختصهٔ این انجمن همین معاینه وتصویب مهمات قوانینی است که درانجمن علمی موضوع ومعین گردیده است .

،، تشکیل نظارت معارف ،،

بدهیست که نظارت معارف در سایر ملل متمدنه یك هیئت جدا گانه وامتیاز علیحده را دارا بوده تنظیمات اساسیهٔ خودرا بیك صورت متین ورصین که مناسب میداند تشکیل میدهد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 263 of 596

ولی مع الاسف دیده میشود که در وطن عزیزمان ازبدو اساس مدرسه مبار که حبیبیه تاقریب این وقت ازین نقطه مهمه اغماض نظر شده نظارت معارف را درضمن مکاتب گرفته بودند ، حالانکه بایست درتحدید حدود اختیارات وقوهٔ اجرای امورات مردویك مبانیت وامتیازی احراز می کردند ، ازانجا که دربنوقت از مراحم ایزدی وصرف توجهات همایونی همه نظارت ها ودوائر حکومتی بالعموم ونظارت معارف بالخصوص یك اداره وانتظام فوق العادهٔ را مالك گردیده است بناءً علیه اولین قدمی که در راه وقایه و سررشته خود برادشته است همین تشکیل خود نظارت جلیلهٔ معارف است بدو دائره یکی هیئت نظارت که بر وجود جناب جلالت مآب ناظر صاحب ویك نفر مستشار شان ویك نفر معاون ویك نفر نائب معاون شامل است و دیکر دائره تنظیم مکاتب که تحت نظارت مدیر ، مفتش ، نائب مدیر ها اداره ووقایه می شود .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 264 of 596

بقیه تاریخ انبیا

جناب عمر فاروق (ر) در عالم اسلام یك خلیفهٔ عظیم الشان گذاشته جناب شان را بعداز ده سال وشش ماه خلافت درسال بیست وسوم هجرت بعمر ٦٣ سالگی یك نفر ازمردم مجوس بشهادت رسانید

خلیفه سوم آنحضرت جناب عثمان (ر) است که بعد از جناب عمر فاروق (ر) جناب عثمان (ر) بمشورت اصحاب خلیفه مقرر شد . در خلافت او مسلمانان بطرف شرق علاقهٔ هرات ، وبلخ ، وبخارا ، وسمرقند ، وکابل ، را فتح کردند ، بطرف غرب بارومی ها جنگهای دریائی کردند . جناب (عثمان رض) یك آدم بسیار حلیم بودند . وبا مردم به بسیار نرمی گذران میکردند . وچون که دراداره وسیاست قدری شدت هم لازم است ازین سبب بعض مردم مصر و کوفهٔ شورش وبغاوت کرده انجناب را بعداز دوازده سال خلافت ، درسال سی وپنجم هجرت بعمر ٧٢ سالگی در خانهٔ شان بشهادت رسانیدند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 265 of 596

خلیفهٔ چهارم آنحضرت جناب (علی) است ، که بعد از جناب (عثمان) خلیفه شدند درعهد خلافت‌شان میان مسلمانان تفرقه‌ها و جنگ‌ها واقع‌شده بسیار مسلمانان کشته شدند آخر خود شانرا نیز بعداز چهارسال خلافت ، درسال چهلم هجرت ، بعمر ٦٣ سالگی یك نفر از مردم خوارج در کوفه بشهادت رسانید .

تاریخ پیدایش ریل وتفصیل مدارج وترقی آن

بعداز شماره ٢

چگونگی مشتعل نمودن آتش درانجن مذکور برای تجربه کنند کان ومخترعین تکلیف ومشقت نهایت زیادی پیش کرده بود ـ مشهور جارج ستفس قبل ازینکه ماهرفن انجنیری گردد بهیئت یك انجنیر بسی کوشش‌ها وتجربه‌ها نمود بالآخر درسنه ١٨١٥ خیال کرد که بخاریکه ضائع می شود بتوسط آن باید که آتش روشن کرده شود پس باختراع ملتی بتولر بایلر (که مقصد وساخت آن درفصلیکه از انجن مذکور کار گرفته‌می‌شود بیان کرده خواهد شد) کامیاب گردیدو همین مسئله برای همه وقت قایم ودائم ماند ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 266 of 596

ستفنسن تجویز کرد که علاوه ازین چیزها باید که انجن مذکور یك مدك چوبی و یکدسته داشته باشد که هردوی این ها مستقیماً به عرادهٔ آن انجن الحاق یافته باشد —

بعدازان بساختن یك انجمن مانند انجنیکه در اضلاع متحدهٔ امریکه مابین ستاکتن ودارلنکتن که برای کار وبار مردمان ساخته شده بود کامیاب گردید وزن انجن مذبور هشت تن ورفتارش ۱۵ میل فی ساعت بود ـ ریل اولیکه مابین ستاکتن ودارلنکتن ایجاد شده بود در تاریخ عالم دارای اهمیت بزرگی است جارج ستفنسن ؛ برای اثبات اعتبار اختراع خود انجن مذکوررا بدست خود چالان کرد ، ریل مذکور دارای ۳٤ کادیهای خورد خورد دیگر نیز بود وزنش ۹۰ تن تخمین کرده شده بود ـ در آغاز چالان شدنش ۱۰ میل فی ساعت میرفت مگر رفته رفته تا ۱۵ میل فی ساعت نیز رفتارش میرسید در ریل مذکور زغال ، خوراك ومختلف اشیانیز برده میشد باوجود اینهمه مردمان خواهش کردند که اگر مسافرین کالاوخوراك داشته باشند باید که جای کنجایش

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 267 of 596

آنها در ریل مذکور موجود باشدو برهمین خواهشات خودها اصرار میکردند ـ چون از باز شدن خطراه آهن مدت یك ماه گذشت کامپنی ریل بساختن یك کوچ روزانه شروع نمودند این کوچ هامانند کوچهائیکه بذریعهٔ اسپ ها بروی زمین کش می شوند ساخته شده بود که هریك ازین کوچ هادارای ٦ نفر مسافر در داخل و ٢٠ نفر مسافر در خارج بود — برای آوردن مسافر در دو ساعت یك شلنك کرایه میکرفت .

عجیب دلچسپ امریکه در ابتدای ساخت ریل جلب نظر توجه میکنند اینست که درآن زمان ریل دارای بیرق و دیکر علامات نبود ـ جنك ها که فیمابین مردمان در راه خط آهن می شد برای ریل مذکور بمثابهٔ سد ها بودند ، یك آدم باسم بیرقچی بالای اسپ سوارشده پیش میرفت ومردم را خبر میکرد ومیفهمانید که باید در راه آهن کسی نباشد زیرا که عنقریب ریل میرسد . آیا کی فلسفهٔ ترقی ریل رابه نسبت جارج ستنفسن ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 268 of 596

بهتر توضیح کرده است ؟ سوال پیدا می‌شود که
اگر اتفاقاً کدام گاو برخط راه آهن پیدا می‌شد چه
می کردند ؟

ج در ممالك آباد که دران مردمان بکثرت میباشند
این یك امر مجبوریست که باید خط راه آهن قدری
کناره دار ساخته شود در جائیکه ساختن اینقسم
راه خط آهن امکان نداشته باشد مانند کنیدا ومیدان
های وسیع آسترلیا که خط راه اهن دران میدانها
عبور میکنند درانصورت مقابل انجن مذکور یك چیز
قفس مانند از اهن ساخته می‌شود که انرا کاد کیچر
(گیرندهٔ) گاو گفته می‌شود ساخته می‌شود که اگر
کدام حیوانی مقابل ریل بیاید حیوان مذکور را
بسیار دور می‌اندازد وخط راه اهن را صاف وپاك میکند
وباین قسم ریل مذکور را ازمصادمات ومقابلات محفوظ
ومصئون میدارد .

(باقی دارد)

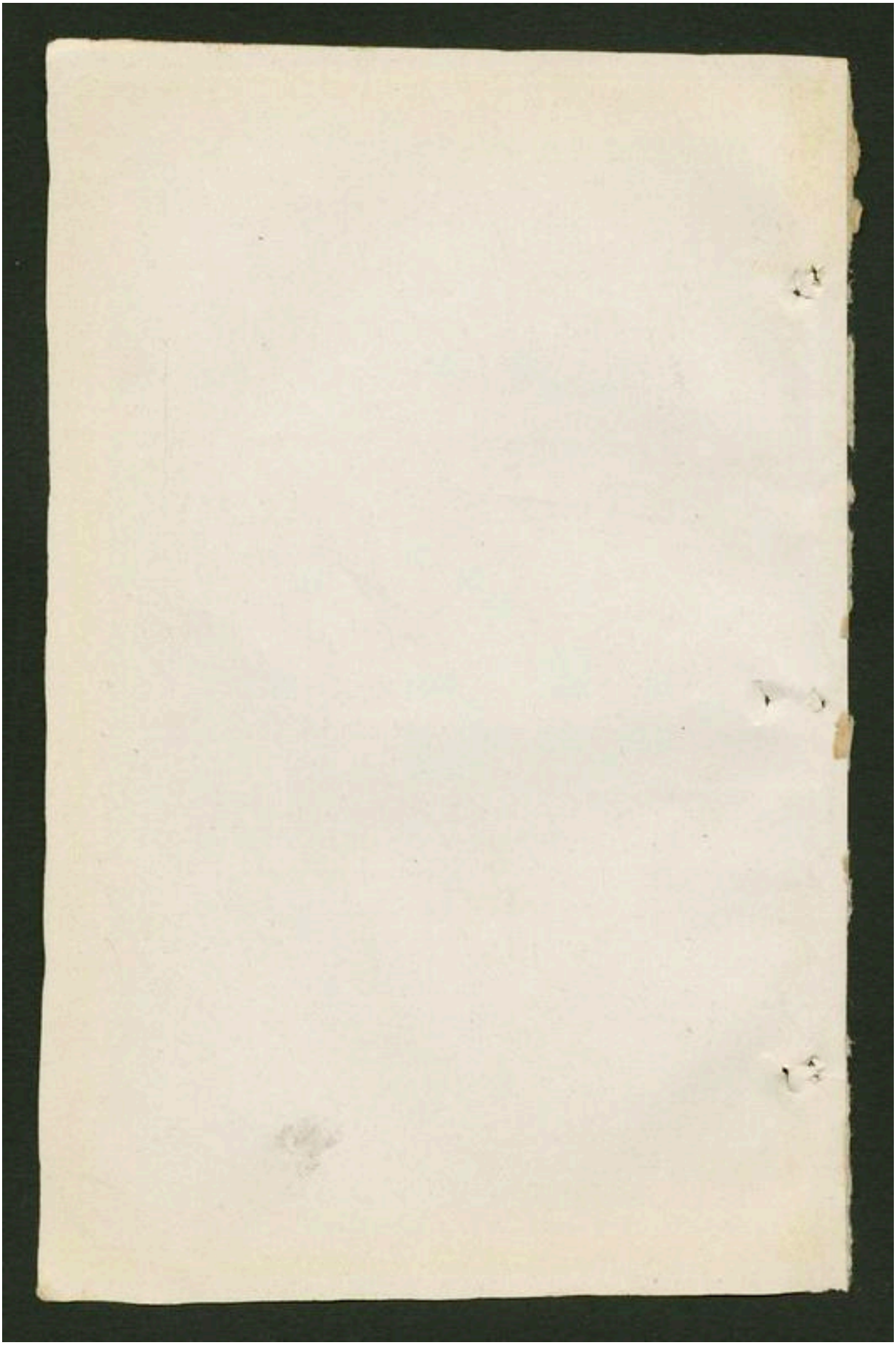

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 270 of 596

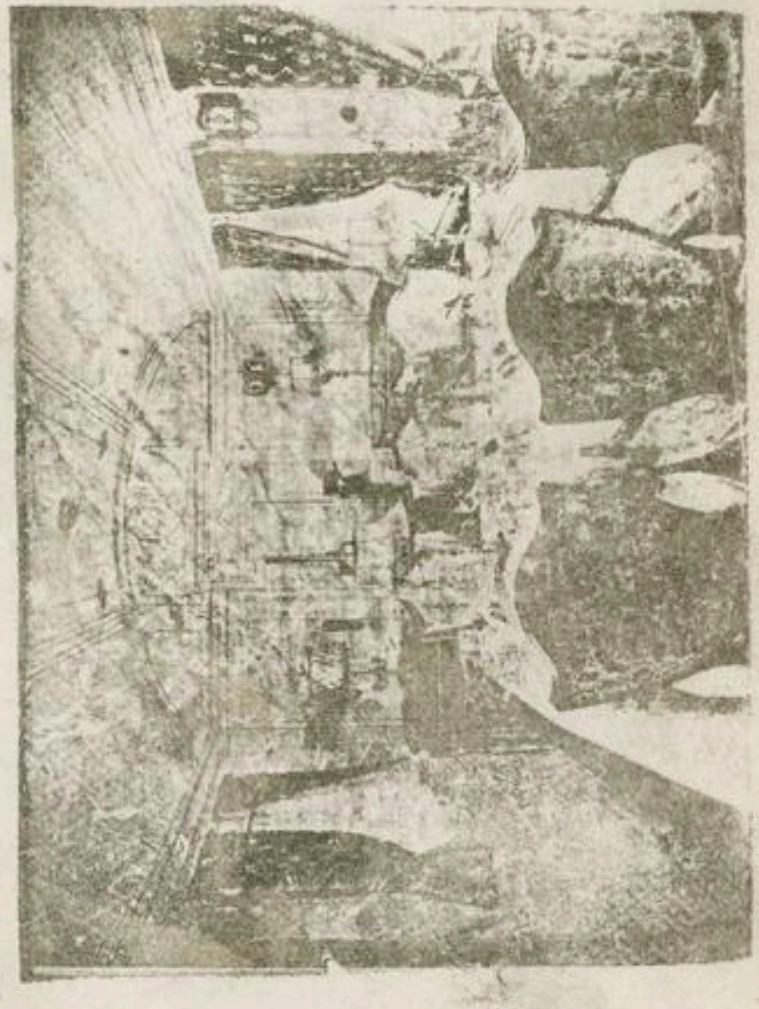

خانهٔ نان خوری ربل

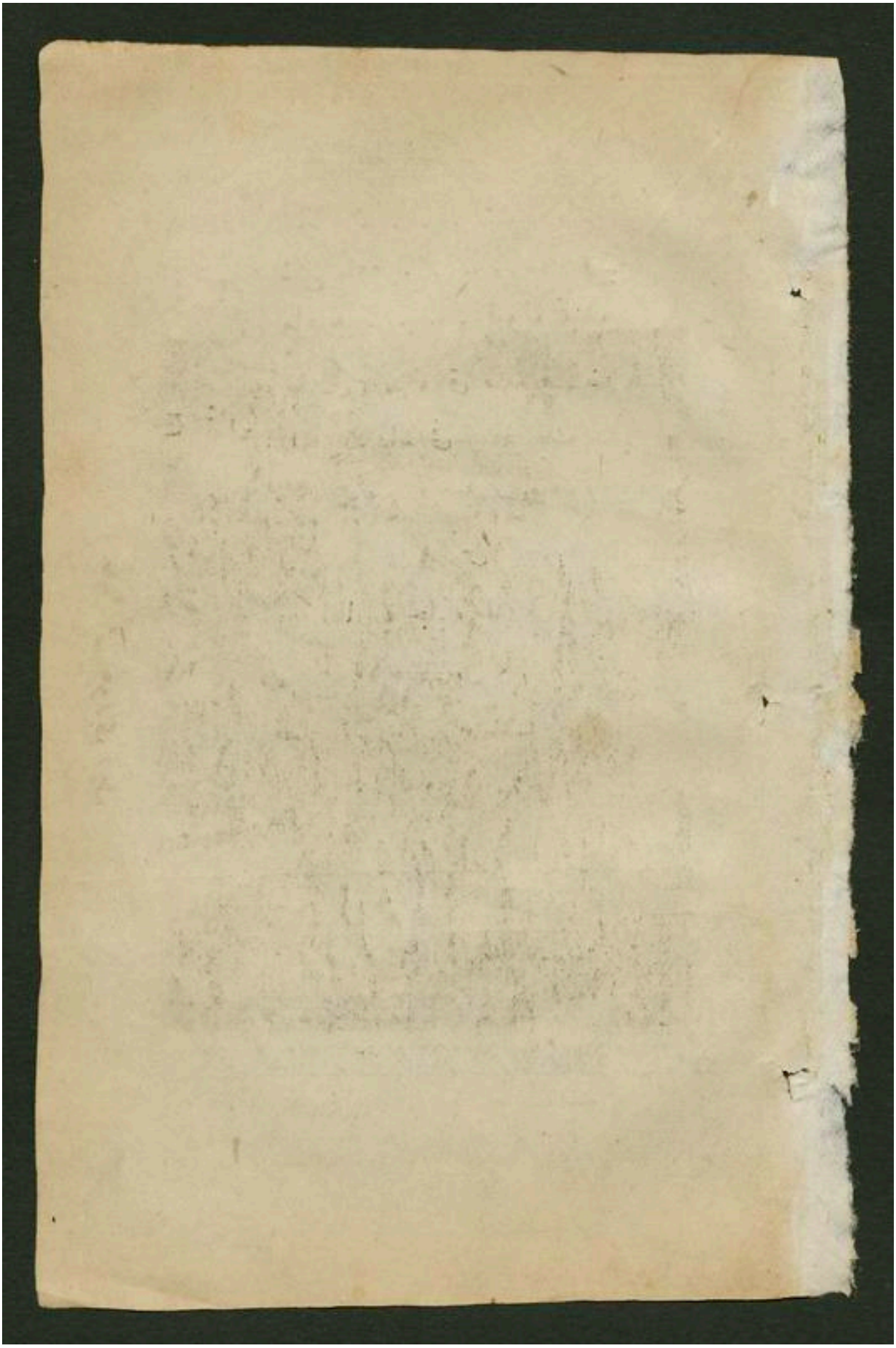

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 272 of 596

شرایط اشتراک

داخل شهر
- سالانه . . . . شش روپیه
- شش ماهه . . . . سه روپیه
- ماهانه . . . . قبول نمیشود

خارج شهر
- بقیمت های فوق جرمانه ضم میشود .
- اجرت داك فی نسخهٔ یك سنار است .

آدرس

نظارت جلیله معارف

(کابل)

قصر شهر آرا مکتب حبیبیه

دار العلوم امانیه

اداره

معرف معارف

در ماه یك بار نشر میشود

بمطبعه ماشین خانه چهاپ شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 273 of 596

سال دوم شمارهٔ (پنجم)



معرف معارف

۱۲۹۷

یکم جدی سنه ۱۲۹۹

از یمن توجه شهٔ با اقبال
آمد بکنار دولت و استقلال
اسباب تمدن بترقی باشد
آثار معارف همگی رو بکمال



إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ

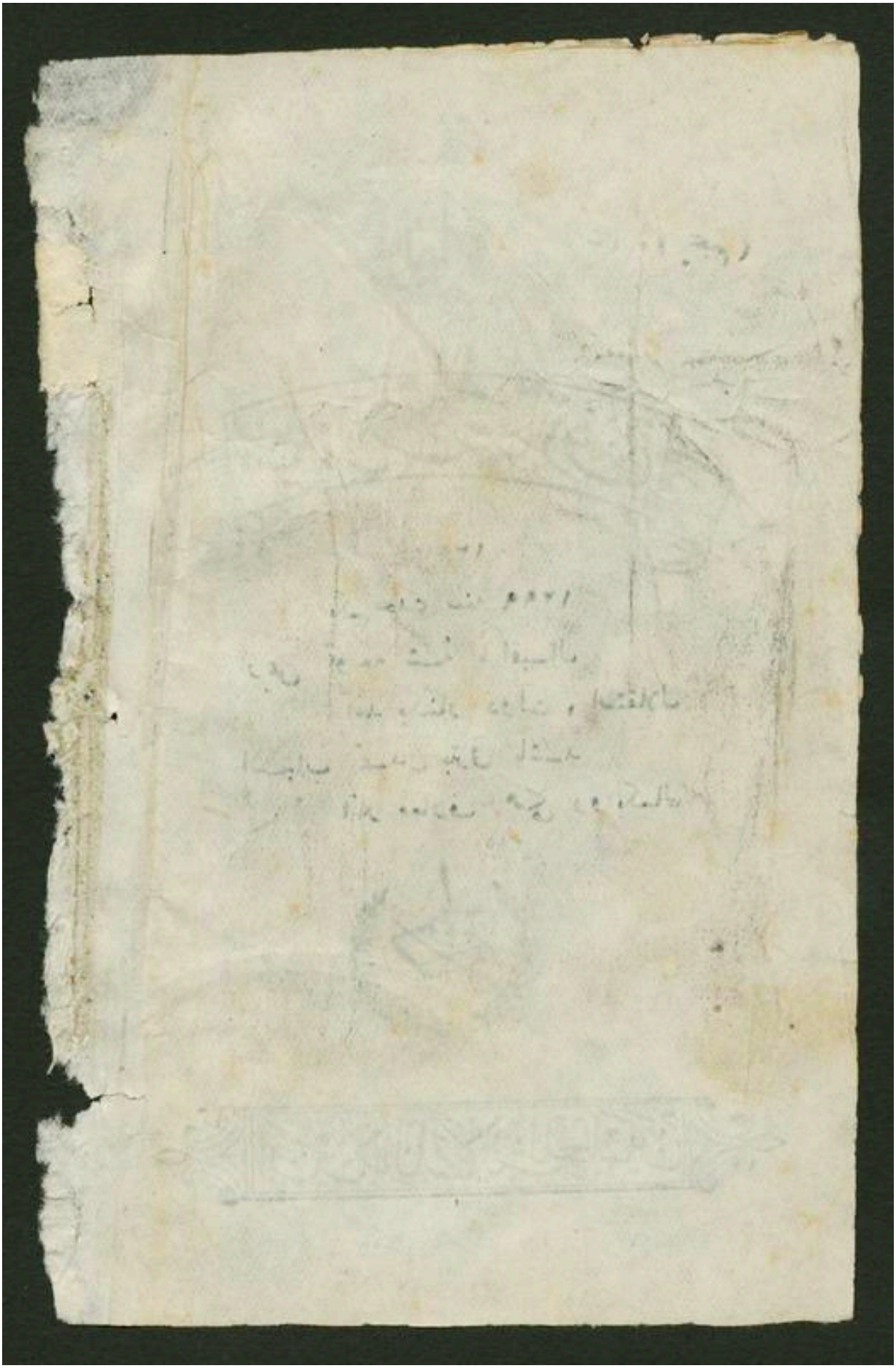



جناب صالح محمد خان نائب مدیر باسر معلمین و بعضی ازمعلمین
مکاتب شهر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 275 of 596

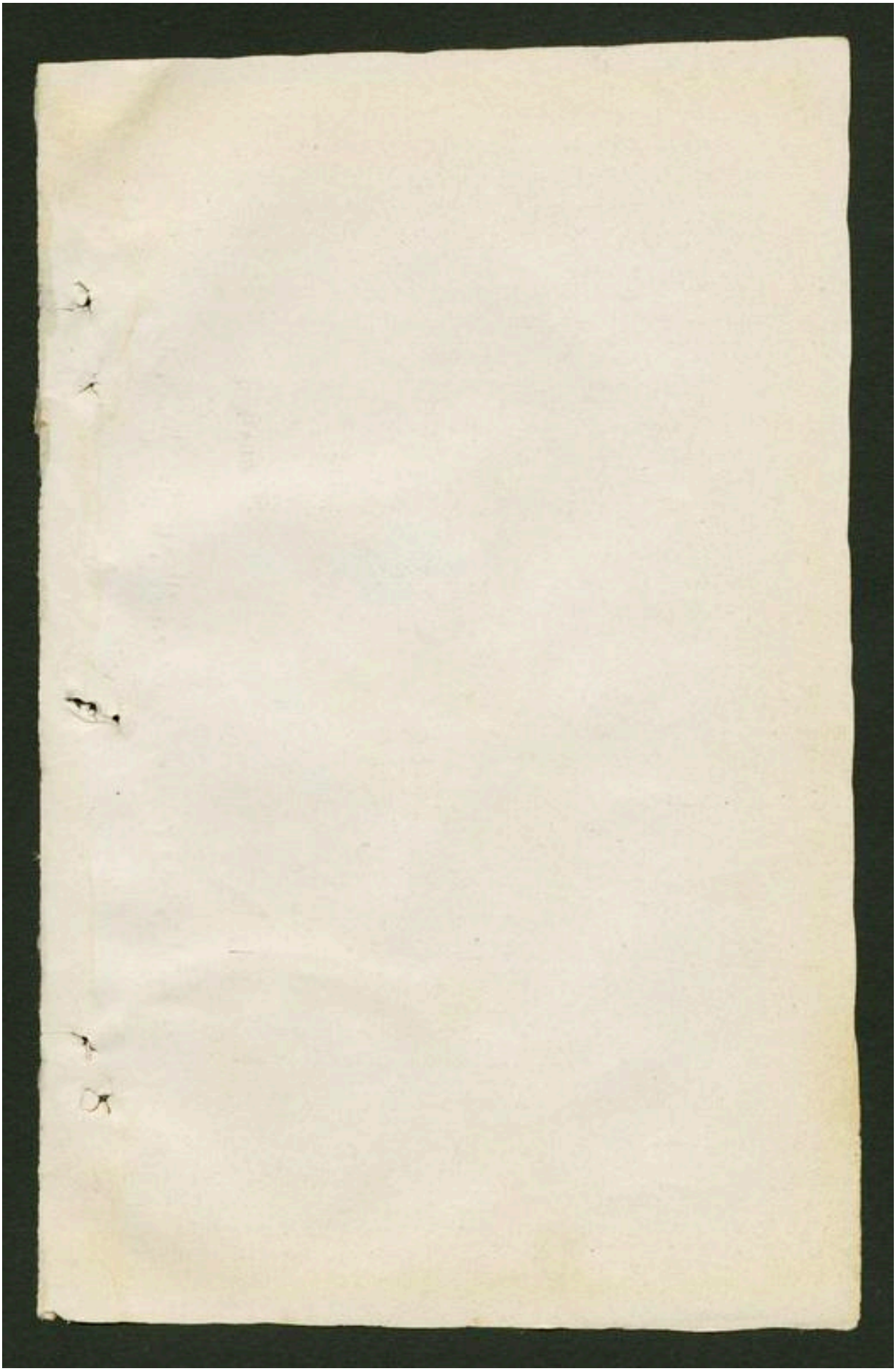

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 277 of 596

فهرست مندرجات

(۱) تذکره تاسیس مکاتب در لهو کرد وغیره

(از قلم مدیر صاحب محمد حسین خان)

(۲) بقیه مقالات جلسه تقسیم انعامات بحضور شاهانه

(۳) کاشف امریکا کرستاف کولمبس

(٤) بیداری . (از قلم سید داؤد خان)

(٥) تاسیس مکتب مستورات

(٦) مدو جزر اسلام (بعداز شماره ۳)

(۷) ناول (بعداز شماره ٤)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 278 of 596

بسم الله الرحمن الرحیم

(هو العلیم)

تذکرهٔ تاسیس مکاتب در لهوکرد وغزنی

چون مهر سپهر سلطنت شعشعه پاش معارف گردیده پایه تخت سنیه را لمعهٔ نور گردانید وروشنی آن از کوهستان وغچسیر گذشته ترکستان رسید وبلد های بعیدهٔ بدخشان درخشان شدن گرفت لهوکرد بمنزلهٔ تاریکی زیر مشعل، ظلمت جهالت را بانوار علم دور ننموده بود ـ محال مذکور مورد افتخار (بسطة فی العلم والجسم) بوده زیرا مولانا یعقوب چرخی رح وامام سجاوندی وار مفسر متبحر وقاریٔ بزرگوار یکطرف آنجا مسکن داشتند ومثل ابومسلم مرشدهای مدبر و قندر دیگر جانب درانولا بفتوحات می پرداختند ـ پرتو بساط مرمر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 279 of 596

در نواحیٔ برکی هنود این اشعار کنده دبدبهٔ ماضیش را یاد میدهد ـ

چهل سال ابو مسلم پهلوان
تبر کوفت برفرق مروانیان
زحد سمرقند تامصر و ری
برانداخت بیخ خوارج زپی

علاوه برین عظمت وسطوت تاریخیٔ لهو کرد چون نسبت عاجزانه‌ام بسبب وطن آبائی برکی بود باحساس و تحریک بی‌اختیارانهٔ خطوط تقاضای تاسیس مکاتب‌ار کابل ، جلال آباد ، وهندوستان بخدمت حاکم صاحب لهو کرد نگاشتم اما باوجود مساعی شان تهداب مکاتب زیر خاک ماند تاچند کلمهٔ ملوکانه که درباب حاکم موصوف متعلق معارف ارشاد فرموده بودند ابلاغ کردم واین بود تازیانهٔ که افکار حاکم ومحکوم را بجولان آورده درسه روز عریضهٔ استرحای بنای مکاتب را با مبلغ هفده هزار وچند صد روپیه بنظارت رفیعهٔ معارف رسانید ـ ازینجا اقتباس میشود که حکام ورعایای خودشان ازخیال عمل

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 280 of 596

اشغال معارف خواهی که یگانه ذریعه ترقی و تعالی است
جاری بوده تا حکم محکم شاهانه براه راست برسر شان
شرف نزول نیابد امر تعلیم در تعویق میافتد چنانچه جناب
حکمران غزنی اول از بنای مکتب اباورزیده چون تاکید
آن از زبان قدرت نشان ظل اللهی شنیدند بلا تاخیر سه هزار
روپیه را برای اجرای یك مکتب ادنی قبول کردند
ماسوای آن چون توجهات جهان درجات شاهانه را
درامور معارف بالمشافه بیان کردم در خاطر و مدارات
ماعنایات نموده نه صرف ذاتاً ممنون مان ساختند بلکه
زائد از مبلغ دوالك روپیه سالانه را وعده بعد از نوروز
فرمودند ، تحریر ذیل را بخدمت حاکم صاحب غزنی
گذاشتم وباتفاوت مقامی اهالی لهور کرد رابهمان مخاطب
کرده بودم :—

(اعلام تعلیم)

برای ملکان رئیسان کلانتران وریش سفیدان
وخوانین واعیان وجمله رعایای صادقهٔ شاهانه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 281 of 596

فضیلت بنی آدم بر اکثر مخلوقات حتی ملائك از روی علم است (وعلم آدم الاسماء کلها)- آدم(ع)را علم تمام نامها آموخته خالق متعال برتری، اوثابت نموده مسجود فرشتگانش ساخت - عزت ورفعت انسان هم بلحاظ علم است (ویرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات)- خدای تعالی آنانرا که ازشما ایمان آورده علم داده شدند برمرتبه‌های بلند سرفراز میفرماید - زهد وتقوی بشیر نیز باعتبار علم است (انما یخشی الله من عباده العلماء)- ازخداوند قهار فقط آن بندگانش میترسند که عالمند - بنابرین آیات شریفه (رسول اکرم) صلی الله علیه وآله وسلم طلب علم را برهرمسلمان فرض قرار دادند (طلب العلم فریضة علی مسلم ومسلمة) برای ترغیب وتشویق آن جناب رسالت مآب ص حصول علم وجهاد را وخرج کردن را برای این دوامر مساوی الثواب ارشاد فرمودند از عبادت جاهل خواب عالم را بهترنشان داده علم را برعبادت هفتاد درجه فوقیت عطا کردند - ازین احادیث استدلال نموده (سراج الامت امام) اعظم رح ایمان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 282 of 596

آن شخصی را که از دیروز زیاده‌تر امروز معلومات
خودرا اضافه نکرده است در معرض خلل میدانند ـ
اطلبوا العلم من المهد الی اللحد) ـ از گهواره تا بگور علم
حاصل کرده بروید ـ در تعمیل این تا که تسهیل شود
اعلیحضرت معرفت دستگاه پادشاه غازی ما علاوه بر مکاتبیکه
دران اطفال و نوجوانان از علوم و فنون فیض یاب میگردند
از مرحمت خسروانه برای شهریان دار الامارت شاهانه
دو باب مدرسه مفتوح فرموده‌اند که در یکی بوقت روز
و در دیگری بعد از شام مردمیکه در خوردی از نعمت
علم محروم ماندند بعد از فراغت کار و بار بسعی به سی، چهل
روز خواننده و نویسنده شده بتوانند ـ به پیری سعی
کن گر در جوانی کار رفت از دست ـ زر کم گشته در آتش
زخاکستر شود پیدا عدل و انصاف باالطاف ملوکانه همان
سهولت و آسانی را که در کابل میسر بود برای شما و پسران
شما ارزانی فرمودند ـ هدایت مقدس است (اطلبوا العلم
ولو کان بالصین) ـ بطلب علم بروید اگرچه در چین باشد ـ
چقدر جای شکر است که حاجت دور رفتن و زحمت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 283 of 596

سفر برداشتن نمانده درخانه‌های شما چشمهٔ علم و عرفان روان میشود .

ای مردمان عاقل ودور اندیش وای جوان مردان همت وغیرت کیش اولاد خودرا ازین منبع فیض سیراب سازید ونیك تامل کنید که چه برکت‌ها برای شما ازوسیله مکتب مقدر خواهد شد واگر ازین دوری جستید چه نکبت‌ها برای شما پیش خواهد شد درزمان موج دریا موافق بوده موقع گذشتن ازان ورسیدن بساحل سلامت بدست آمده میباشد ـ اگر انوقت رفت پشیمان ودست حسرت مالیدن نصیب میافتد ـ الآن ازمراحم واشفاق شاهانه اجازه افتتاح مکاتب عام شده اهتمام نخارج آن نمائید وتمام اولاد خودرا داخل سلسله مبارکه تعلیم بکنید تادرملك خود آرام وآسایش واحترام دیده درعالم نیز نیکنام ومعزز وغالب گردید ـ بتفصیل علم شما همه ضروریات ومایحتاج خودرا ازقبیل کالا وظرف وکاغذ وکتاب وتوپ وتفنك ومعدنیات وغیره از وطن عزیز خود مهیا کرده محتاج خارج نخواهید ماند انکاه شما

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 284 of 596

وشوکت واستغنا وحشمت شما نزد دیگر دول واقوام
مسلم شده در حالت امن وجنك سکه غلبه و منصوریت
خودرا بردلهای اغیار واعدا خواهید زد

دمبدم صیت کمال دولت خدام تو
عرصهٔ روی زمین راسر بسر خواهد گرفت
شاهباز همتت چون برکشاید بال قدر
از ثریا تا ثری درزیر پر خواهد گرفت

ای اهالی شهر شهیر وقدیم غزنی ! نه تنها چشم
افغانستان بلکه انظار کل جهان سوی شما بر خاسته
است چون دردیگر بلاد مدارس قائم شده بلده تاریخیهٔ
شما تاحال ازان خالی و بی زینت مانده است ـ شایان سلاطین
وحکمای عظام وسزاوار علما واولیا کرام خود تهیه
مکاتب نمائید تاخوشنودی ارواح مقدسهٔ شان کسب
کردیده ازدعای مستجاب آنها مستوجب انعام واکرام
الهی گردیدونعمت نخستین وکرامت اولین خود علم
است که بذریعهٔ آن نه تنها منزل دنیا بامنی طی میشود
بلکه طریق عقبی نیز بهمان واسطه بطمانیت بسر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 285 of 596

میرسد ـ حضرت(محی الدین غوث اعظم) میفرمایند ـ درست العلم حتی صرت قطبا ـ ونلت الفضل من مولی الموالی علم را درس کرده قطب شدم واز مالك مالکان بفضل نائل گشتم ـ شیخ سعدی رح ترجیح مکتب را بیان مینمایند ـ

صاحبدلی بمدرسه آمد زخانقاه
بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عابدو عالم چه فرق بود
تا کردی اختیار ازان این فریق را
گفت این کلیم خویش بدر میبرد ز موج
وان جهد میکند که بگیرد غریق را

درعهد سلطان محمود (رح) غزنی عروس المساجدی داشت ودر پهلوی آن کتبخانهٔ که در آنزمان کتابهای قلمی چند لك مجلدات را دارا بود وآنها بمطالعهٔ طلابی می آمد که بتعداد هزارها درحجره های مسجد مذکور روز وشب مصروف بتحصیل بودند ـ اینقسم مدرسه ها که درزمانهٔ عروج اسلامی رونق افروز جهان بود بسبب جهل ونادانیٔ خلف نااهل بی نام ونشان شد از

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 286 of 596

آن فروغ وتسلطیکه بوجه علم حصهٔ اسلامیان بود در
قبضهٔ آنان درامد که دارالعلوم هارا از مسلمانان نقل
کردند ـ اعلیحضرت غازی علم پرور ازفراست وتدبیر
نقص طرز تعلیم را که الحال دراطراف ودهات مروج
است دریافته ازلطف وعاطفت سررشتهٔ مدارس را شروع
فرمودند ـ پیشتر تحصیل علم بسالهای دراز میکشید بازهم
ملاها ومیرزاها خواندن ونوشتن صحیح وکامل رایاد نمیگرفتند
همان کلام خدا همان فقه معلی همان عربی وفارسی و حساب
وغیره که درسابق بکل عمرهم تکمیل نمیشد حالا درچند
سال حسب ضرورت تحصیل میشود ـ فرق مابین طرز
های قدیم وجدید مثل اسپ وموتر است که اسپ ازکابل
تاغزنی درشبانه روزرسیده نمیتواندوموتر دریکدوساعت
ازان بیشتر مسافه می پیماید لکن برای داخل شدن باین
منزل ضرور است که مکتب مکمل تیار شود تاطریقهٔ
تدریس راباسلوب نیکو جاری کرده بتواند ـ دیگر
تعلیم کهنه ونو بکالا بافتن ازدست وماشین میاند که از
دست آنقدر بیك ماه بافته نمیشود که ازماشین بیك روز

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 287 of 596

ای مسلمانان ذکی وهوشمند ، عقل وفهم خود را بکار
کرده عزم باز نمودن مکاتب بنمائید تاتمامی اولاد وطن
پاك افغانی بعرصهٔ قلیل ازفیوض علم حظ یافته هیچ بچه
افغانستان بی علم وناخوان نماند ـ بعداز تعلیم چار پنج سال
چون پسران تان درقرائت فرقان حمید و مسایل دینیه
وخط و حساب وغیره ماهر شدند بعد ازان اختیار
دارند خواه کسب وکار آبائی خود را بکنند یا دیگر
تعلیم اعلی حاصل کرده بحکومت یا دیگر منصب های
دول مامور گردند اعلیحضرت معدلت پناه پادشاه غازی
ما اعلان فرموده اندکه آینده هیچ کس بی تعلیم مکتب
بخدمات عالیه وسلطنت مقرر نخواهد شد وا گر کسی
خواهش نوکری وملازمت سرکاری ندارد ودرصورتیکه
تحصیل علم کرده است هر کاریکه اختیار نماید بخوبی
ودرستی سرانجام داده نزد بادشاه غازی علم دوست ونزد
حکام وعوام عزت و منزلت خواهد یافت چنانچه بطور
امثال یك فائده فوری مکتب اینست که معلمان ومتعلمان
ازپشك نفوس معاف اند زیرا اعلیحضرت غازی بر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 288 of 596

فرموده(نبی)صلعم عمل پیراشده قدر افزائی اهل علم می‌فرمایند (رجعنا من الجهاد الاصغر الی الجهاد الاکبر) جنك کفار را فتح کرده باصلاح نفس پرداختن ازان برتر است واصلاح نفس ازعلم ونیز تیاری جنك ازعلم خوبتر صورت می‌بندد ـ لهذا آنرا بجهاد اکبر تعبیر فرموده‌اند ملاهائیکه پیشتر درمساجد سبق میدادند باید حزم و همت نموده ازین احکام مراحم فرجام شاهانه استفاده کنند ومع طالبان سابق درمکاتب جدید حاضر شده طرز وطریقه تعلیم را بیاموزند سپس کتابها و سامان تعلیم همراه خود برده در مساجد شان درس بدهند تا کفایت اوقات او داده همه اولاد وطن شریف درانندك مدت صاحب فضل و کمال گردند ـ اتفاق حسن است که حکم(خدا ورسول)واولی الامر شما برای خیر وبهبود تان متفق گشته تا ازعهده تشکر آن بدر آئید درتعمیل آن سستی وغفلت نورزیده بسعی و سخاوت پیش آئید وهمت وفعالیت نمائید والله الموفق والمستعان

چونکه دربرکی راجان و غزنی پنجاه وشصت خانه اهل هنود بهم بسته واقع بود واعلیحضرت غازی تعلیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 289 of 596

ابتدائی را بسبب تالیف قلوب اطفال شان اجباری نکرده اند لهذا لازم دانستم که بعضی هندوان را خواسته فوائدعلم وفن را پیش شان واضح ساخته ادخال پسران شانرا برضای شان بگذارم چنانچه یك رقیمه برای آنها تحریر کرده دادم که مضمون آن بدینمنوال است

اطلاع مکتب برای اهل هنود

ازجمله رعایای صادق وباوفای شاهانه

چون اعلیحضرت غازی معارف پرور از مراحم والطاف خسروانه که بالای عموم رعایای خود دارند سررشتهٔ تاسیس مکاتب فرموده اندوهمراه مسلمانان درپایهٔ تخت سنیهٔ کابل طلبای هنود نیز درس میخوانند اگر شما هم خواهش و آرزو دارید که مثل مکتب مسلمانان هموطنان شما یك مکتب برای پسران شما هم قائم شود نیك غور وفکر کرده اطلاع بدهید تااهتمام قیام آن نموده آید وبرای بچه های شما معلم مع کتابها وغیره سامان تعلیم فرستاده شود اگر درین امر غفلت وبی پروائی کردید نقص وضرر باولاد خود شما عاید

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 290 of 596

خواهـد شد ـ بعد از تعلیم چند سـال چون اطفال مسلمانان صاحب کمال شده نزد پادشاه حقائق آگاه و ملت افغـانیه معزز وممتـاز گردیدند انگاه برای شما پشیمانی وحسرت وشکایت دست ندهـد که کاش ما هم تعلیم پسران خودرا جاری کرده مانند هموطنان اسلامی خـود صـاحب مال و کمال شـان میسـاختیم ع

بهر پچهتای هوت کیاجب چریا چك کئ کهیت

کهیتون کودی لوبانی اب به دهنی هی کنکا ـ کچهه لرلو نو جـوانو آتی جوانیان هین ـ حالا خوب دور اندیشی ورزیده کهٔ گاه مان سـازید که آیا این فرصت زرین را غنیمت شمرده اطفـال خودرا تعلیم یافته وعزتمند و آسوده حال میسازید یا همچنان مثل سابق جاهل وبی بهره شان میگذارید ـ ازیك واقـعهٔ مهمه استفاده کنید که اعلیحضرت غازی والا نصرت یکی از طلبای هنود را که درمیان جمیع طلبای مکاتب ابتدائیه اول برامده بود نشـان امتیازی بدست سخـاوت پیوست خود عطا فرموده بروی طالبعلم مذکور بوسه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 291 of 596

دادند این عنایت بغایت شاهانه را مدنظر داشته بحزم وهوشمندی جواب باصواب این اطلاع بدهید . باقی لطف ومرحمت پادشاه معدلت پناه وطاعت وخدمت جمیع رعایا بیش ازپیش باد فقط ـ

چون اکثر هندوان برکی راجان برای شمولیت یك عروسی بغزنی رفته بودندپسماند کان جواب خطاب مذکور را ملتوی بمراجعت شان نمودند ـ درغزنی چونکه تعداد طلبابه پنجاه محدود شده بود فی الحال برای هندوان کنجایش شرکت لازم دیده نشد بلکه محض یك ترغیب شان برای آینده درعمل آمد تعیین تعداد طلبا چنانکه درمکاتب شش گروهی کابل به تجربه رسید منجر بشکایت وفسادمیشود ـ موسس مکاتب که از کابل میرود درچند روز از احوال استطاعت یابی بضاعتی اطفال کماحقه باخبر نمیشود و اگر امر انتخاب بملکان مفوض شود رعایت بعضی وتعدی بردیگران متوقع است بلکه پاره خوری هم دربین احتمال دارد(ان هؤلاء یحبون العاجلة ویذرون ورائهم یوما ثقیلاً) این مردم فائدهٔ فوری را دوست داشته .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 292 of 596

روز گران را پس پشت می اندازند ـ گاو چرانی سر کین چینی خر کاری دهقانی وغیره را نقد پنداشته بر منفعت نسیه، تعلیم مرجح می شمارند ـ یکی عذر می آورد که غیر از یك بچه دیگر دستیار ندارم و خودم بی ملك و جایداد پیر وضعیف هم هستم معقول، دیگری مینالد که از برای خدا یك پسر دارم وصد جریب زمین ـ پرداخت آنرا که بکند ؟ جواب ـ مزدور بگیر میگوید مزدورم را شما ترغیب داده درمکتب داخل کردید. حالانکه ما مزدور هارا فقط برای زمستان داخل کردیم که آن وقت همه شان فارغ وبیکار میباشند ودرتابستان فقط آنقدر سبق خواهند گرفت که خواند گیهای سرما یاد شان نرود درغزنی یکی میگفت که سه جریب زمینم را میفروشم وبچه خودرا از مکتب خلاص میکنم ـ ازینجا قیاس میشود که در منتخب کردن پنجاه نفر طلبا ازمیان سه چهار صد بچه های غزنی چقدر احتمال رشوت ستانی است چونکه مبلغ سه هزار روپیه شان همین تعداد را می کنجانیدو برای رئیسان وکلانتران این اندازه پیش نشان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 293 of 596

داده شده بود لهذا بعد ازمذاکرات بسیار فیصله برین
شد که پنجاه نفر طلبا ازنفس شهر غزنی داخل مکتب
کردند ودو دو نفر ملاهای مساجد ازاندر وتاجیك
وهزاره درزمستان آمده درمکتب طرز تعلیم رابیاموزند
وبعد ازواقف کار شدن پس درعلاقه های خود رفته
بطریق جدید درس بدهند وتا آن وقت مبلغ دولك
موعود هم وصول شده کفیل مکاتب متعدد خواهد
گشت ازنقشه های غزنی ولهو کرد وردك که بتخمین
کشیده شده است معلوم میشود که درمحالات مذکوره
بده یابیست وچهل مکتب ابتدائی ولی بلکه بصد
یك ونیمصد اجرای تعلیم بدرستی خواهدشد مثلا مشق
نمونه از خروار درمکتب چرخ بچه های (خروار) که حد
آخریش پنج شش کروه دور است رسیده نمیتوانند
بلکه خود چرخ وخود خروار که هردو بکروه ها
امتداد یافته اند چند درچند مکتب ها میخواهند .
درمکتب محمد آقا بچه های زرغون شهر وسرخاب وغیره
که رسیدن شان بفاصلهٔ شش هفت کروه محال است کتی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 294 of 596

خیل ازبعد یم گروه هم منضم شده نمیتواند زیرا مابین
هردو دریاحائل درزمستان یخ بندی ودرزمستان طغیانی
مانع عبور است اگر پلی بسته شود علاوه بر کفایت
درخرج معارف سهولت برای اهالی خورد و کلان
متصور است .

محمد آغا موضع کوچکی است اما بسبب نشیمن مدیر
مالیه که مثل دیگر همسران خود معارف را ازوظیفهٔ خود
کمتر نمی انگارد یك مکتب آنجا تاسیس یافت ازجهالت
وبد اندیشی مردم فقط سی نفر طالبعلم داخل مکتب گردید
هفتاد نفر دیگر در کتی خیل سیاه شده یك مکتب در آن
سمت بنا کردیم وچونکه سامان تعلیم برای یك صد
نفر برده بودیم وزائد موجود نبود هشتاد بچه دیگر
را نام نویس گرفته بعد ازان کتابها فرستادیم امید
است که اینها هم داخل مکتب شده مانند مردم مغل
خیل وده نوباغ سلطان هم جمع آوری بچه هانمودند
مامعلم طرز جدید ابتدائی وسامان تعلیم نداشته تعلیم
آنهارا در تعویق انداختیم — برای ملکان آب بازك

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 295 of 596

زید آباد کمران کاریزقلی دشتك آب پران قنات عینك
من گین سرخاب زرغون شهر وغیره اطلاع دادیم که
سیاههٔ بچه‌هارا ساخته ملاهای مساجد را در محمد آغا
وکنی خیل ارسال نمایند تادر چند مدت طریقهٔ تعلیم
را یاد کرفته باسامان تعلیم پس بقریه های خود رفته
تدریس کنند همین قاعده در دیکر مقامات لهو کرد
اختیار نمودیم امابان سبب که مشاهرهٔ معارف برای ملاها
ازپنج الی بیست روپیه است قاعدهٔ مذکوره مؤثر نخواهد
شد مادامیکه ملاها ازصحبت طالبان قدیم شریك کدائی
میباشند واهل ده برای شان صرف بوجه امامت نه بلحاظ
تعلیم اطفال غله وغیره بهم میرسانند — ملامحمد شاه نامی
ازمحمد آغا اینقدر کرویدهٔ طالبان کدا کر خود بود که
هیچ مشارکیت بامعلمان ما نه پسندیده حالانکه دراثنای
مذاکرهٔ اصطلاحات صرف ونحورا صحیح تلفظ کرده
نمیتوانست برطریقهٔ جدید تعلیم استهزا نمود و درباب
تدریس خود کفت که همین قاعده اززمان رسول الله (ص تا)
اینوقت زیاده ازسیزده صدسال جاری بوده اکر در ماضی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 296 of 596

غلط جلیده است درمستقبل هم همین طور خواهد جلید
اگر ملاهای مساجد بترغیب وتحریص ما بمعاونت مکاتب
آماده شدند فواید متعددی ازین مرتب میشود : —

یکی تضییع عمرها که در درس های بیقاعدهٔ قدیم
درنیم ملائی میانجامد و آنرا خطرهٔ ایمان ضرب المثل
کرده‌اند بصرف منضبط اوقات مبدل شده همه‌ملاهای
مساجد معلمان مکاتب میکردند . دویم بسبب رسوخ
وواقفیت خودملاها درجمع آوری بچه‌ها بموفقیت ساعی
شده طالبان سابق را نیز همراه خود در مکاتب داخل
میکنند و آنها بتعداد صدها بوده کمبودی معلمان
ابتدائی را اکمال نموده آنانکه من زمرهٔ شان فاضلتراند
بعد از تعلیم مستقیم دینی بخدمت قضا و افتا مفید شده
میتوانند ـ ضبط وربط طالبان صحبت یکی برای عزت
خود شان دیگر جهت حفاظت دیکران لازم میباید ـ
دربدر کشتن اهل علم ذلت آن طائفه بوده که خدای تعالی
ترفیعش میخواهد همین بیعزتی وپست همتی از گدائی
واحتیاج در طبائع شان سرایت کرده آخرا حرص و

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 297 of 596

دنایت طبیعت ثانی شان میگردد آنگاه اگر بر مسند
شریعت نشینند یا بر کرسی طریقت متمکن گردند از عادت
استغنا وغیرت عاری بوده بطمع و از نظر برمال مردم
داشته از آن لحاظ پیش شان خم و در چشم انها کم می آیند
چونکه تربیت اخلاق این طالبان باصول مناسب نمیشود
وکسی برای عادات زشت شان مسئول نیست در بعضی
علاقه ها دزدان و رهزنان فخر اتعلق باین گروه رفیعه
داشته میباشند ـ ازین سمت امنیت خواهد شد اگر
فرقه های طالبان همه بمکاتب ملحق شده نان با آب یافته
مشغول دروس مکتب گشتند .

ازروی دانسته‌گی وقدردانی علمی مردم گلنگار
را درمحاورهٔ عوام گلنگی یافتیم زیرا بلاشائبه جبروا کراه
بمحض اطلاع ملکان وخواجه خیلان پسران شانرا که
بعضی پیشترهم خوانده ونویسنده بودند برضا ورغبت
حاضر مکتب ساختند ـ چونکه سرای‌های سرکاری در
محالات نیست واگر درلهو کرد بود مسکن مهاجرین
مسکین گشته بنابرین مکتب ماخود مسجد است که از

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 298 of 596

صبح تا پیشین خالی مانده بمصرف افضل تعلیم رسیده است
صفائی و نظافت مساجد خصوصاً در علاقهٔ غزنی بصورت
پسندیده بوده تا بخانه های مروجهٔ شان برای تعلیم زمستان
بسیار راحت بخشی ثابت خواهد شد زیرا برعکس شهر
بچه های دهات درموسم سرما ازکاروبار فراغت داشته
بتوجه تام سبق خواهند خواند چونکه سابقاً اطفال
درزمستان درس میگرفتند ودرتابستان فراموشش میکردند
وغریبی ناچار برانشان میداشت چنان وعده برای دلجوئی
شان دادیم که روز تعلیم عمومی درزمستان نموده درگرما
برای اطفال نادار همانقدر سبق خواهیم داد که فرصت
برای کشت وکارشان هم برایدالبته برای پسران مستطیع
وشایق علم درهرروز موسم اسباق مکمل مهیا خواهد شد
(وذلك فضل الله یؤتیه من یشاء) تاوه خانه های مساجد برای
خدمت مکاتب دو نقص دارد یك یادو اطاق فراغ آن
جماعت های جدا گانه مکتب را گنجانیده نتوان شد
ترمیم آن از پرده های لك بوریائی وغیره میتواند شد
که حسب ضرورت بالا وپایان کرده شود دیگر عیب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 299 of 596

تیرگی و تاریکی است که ضعف بصارت خواهد آورد چشم‌هارا رسول الله (ص) حبیبتان فرموده الحق برای طلبه ازان عزیزتر عضوی نیست هم‌امسال اصلاح ناوه خانه ها بروشن دانهای آئینه‌دار درلهو کرد وچاردهی کابل نیز واجب است .

رجوع بکلنکار ـ در مسجد ملکان و ریش سفیدان مع پسران شان جمع‌شده فرمان سراسر عرفان شاهانه بنام اهالی لهو کردرا درحالت سکون همه تن گوش شنیدند ـ یکی از ملکان چیزی برتخته سنگی که همراه دیگر سامان تعلیم بطلبا تقسیم میشد نوشته برپا ایستاده مودبانه خواند ـ چونکه از ساختگی وتصنع معرا بودو ازصدق‌واخلاق مشحون بعینه نقل‌میشود :ـ

الهی سایه‌همایونی‌را ازسر این عاجزان کم وکوتاه نکرداند که از حسن مهربانی شاهانهٔ خود و مهربانی پدرانه خود که‌پدر کل اسلام است این مکتب دین‌ملت مارا برای‌ما مقرر کرده که‌پلتهٔ چراغ دین مارا روشن بدارد ـ از خداوند تبارک وتعالی میخواهیم که مایانرا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 300 of 596

بعلم دینی خود ودوم اطاعت شاهانهٔ غازی پدرخود بلند
همت بدارد که خود سندی پادشاه غازی ما برای ما حاصل
شود ـ بعداز آمین حضاریکی ازاولاد عزیزوطن شریف
ما که درجمع دیگر بچه ها ایستاده بود بجدت و جدیت
کلمهٔ چند گفت که آنراهم عیناً درج میکنم : ـ امروز
مابسیار خوش هستیم که مکتب برای ما ساخته میشود
وهمهٔ ما که برای داخل شدن بمکتب حاضر شده ایم برضا
ورغبت مادروپدر خود آمده ایم ـ باین طریق اطفال
نیلو سیوت بتعداد تقریباً یك و نیمصد داخل مکتب
گردیدند اما چونکه معلمان و سامان تعلیم قلت بود
بسعی ازدیاد طلبانیز پرداختیم ورنه دربابوس که دو گروه
قریب کلنکار واقع است هشتاد نفر طالبعلم دیگر درمسجد
آنجا جمع شده بودند ـ برای اینها واهالی پیارو خیل
میروان شلك دهنو امین الملك قلعهٔ سرسنك اولی تنور
پای خیل حصارك وغیره پیغام فرستادیم که ملایان خودرا
در کلنکار برای یاد گرفتن طرز تعلیم ار سال نمایند
تامشاهده وتجربهٔ آن حاصل کرده بعد از چندی پس

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 301 of 596

در مساجد خود رفته بقرار قاعدهٔ مکتب سبق بدهند
علی هذاالقیاس در برك کنند ودو بندی وغیره که شش
هفت گروه مسافه دارد فقط سیاههٔ بچه ها و ملاهای
سابق شان تیار کردیم تاوقتیکه در (خوشی) مکتب تاسیس
یافت وآن قلعه‌ها بسته وپیوسته داشته مقتضی یك مکتب
علیحده است معلم خوشی نگرانی مساجد دهات آنسو
را بنماید ـ علی ذلك النهج بادخواب شاهانه چار نجمد
خانه‌را مالك بوده وبرفاصلهٔ چهار گروه ازکلنگار دور
افتاده مکتب جدا گانه میخواهد ورنه غیرازین حسرتیکه
درحال جاهل ماندن اطفال آنجا بدل اهل معارف راخواهد
یافت موقع شکایت برای سکنهٔ مالیه ده پیدا خواهد
شد چنانچه بعضی اظهار آن هم کرده اند که افزونی
روپیه برکل باشدواستفاده یك جزو مانبود در برگی راجان
باوجود حاکم نشینی ازامید هائیکه می پرورانیدیم خیلی
کم آمدیم (عسی آن تحبوا شیئاًوهو شر لکم) بعداز نصائح
ومواعظ وکشش وکوشش بسیار از نفس شهریکه پایه تخت
لهو کرده است فقط شصت وهشت نفر طالب العلم داخل

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 302 of 596

مکتب گردید ازین زیاد ترهم تشبث میکردیم اما اینجا
نیز مسئلهٔ دهات بمسافات بعیده حائل است برکی برك
اگرچه یکنیم گروه فاصله دارد امادریا وجویهای بسیار
در میان جاری مرور وعبور را برای طفلان دشوار
میسازد ـ فی الحال برای ملاهای آنجا وچلوزی شاه مزار
آبجوش بادخواب روغنی اونی سیدان ده مغلان باری
وغیره اطلاع دادیم که در برکی راجان آمده طریقهٔ درس
جدیدرا بیاموزند سپس درقریه های خود رفته تعلیم
نمایند (فلولانفر من کل فرقه منهم طائفة لیتفقهوا فی الدین
ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون) چرا
ازهر فرقهٔ شان یك طایفه نمی رایدتادرامور دینی دانستگی
حاصل کرده پس بقوم خود رجوع نماید تاآگاه شان
سازد و آنها حذر کنند ـ همان امر خداوندی که
آنحضرت (ص) درعرب نافذ کرده بودند درافغانستان
لازم شده همان ثمرات علم و تمدن که مسلمانان قرون
اولی چیده بودند حالا هم بعدازسعی وهمت متیقن است.
التمور آبچکان سپیج اشنا پور وغیره ازده گروه
هم بیشتر بعدداشته برای نظم ونسق مساجد آنجا ودیگر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 303 of 596

قریه جات بعیده کردش دایمی چنین معلمان مطلوبست که
در ادارهٔ مکاتب مهارت داشته در طرز جدید ابتدائی
و دیگر علوم هم قابلیت را دارا باشند ـ دورهٔ سی کروه
طول و اوسطاً پانزده کروه عرض را طی کردن برای
مدیر و نگران مکاتب لهو کرد ضرور است تادر هر قریه
گشته اول احضار بچه‌ها نمایند وچند روز آنجا قیام
کرده ملاها را بقواعد و دروس مکتب مستحضر سازند .

صعوبت و تکلیفیکه در تاسیس مکاتب محمد آغا وکی را
جان روداه بتائیدان (مع العسر یسرا) در کلنکار وچرخ
بسهولت وتخفیف زحمت تبدیل یافت امادرین دو مواضع
اخیرهم تباین بود ومعما توافق یوم اول افتتاح مکتب
کلنکار دوطالبعلم مثل اعراب جاهلیت بسبب بالاتر نشستن
ازهمدیگر مجادله کردند. بعد از تفتیش معلوم شد که در
میان شان پدر کشی بود مصرع پدر کشته را کی بود آشتی
درثانی مقتول میخواستند که مکتب شان علیحده باشد
اما برفهمایشی که تعلیم برای وصل است نه برای فصل
طرفین بتراضا در یك مکتب سبق میخوانند ـ درچرخ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 304 of 596

کلان خیلها ومعززین بتکبر کراشیده اولاد خودرا در
مسجد باین سبب نفرستادند که چگونه خان زاده های
ماهمراه غربا یکجا نشسته درس بگیرند ـ هارون رشید
باهمه عظمت و حشمت عباسیه چون در مدینهٔ منوره
ازامام مالک رح در خواست تعلیم فقه نمود جواب یافت
که (العلم یوتی ولا یوتی) ـ پیش علم مردم میایند آن نزدشان
نمیرود خلیفهٔ علم دوست بخدمت امام صاحب حاضر شد
امنا همرکابش خدمهٔ لازمه بود ـ استاد فرمود گدا گر
عزم استفاده دارید بدیگر تلامذه مساوی نشسته تحصیل
نمائید چنانچه درجمع هزاران طالبان برابر جای گرفته
امیرالمؤمنین عرصهٔ دوماه لوازم علم فقه اموخت و ازین
معاملت هیبتش هیچ نکاسته بلکه شمع شریعت رابتنویر
مزید بر افروخت اعلیحضرت معرفت منزلت ما نیز
شهزادگان عظام را همراه دیگر بچه های وطن در یک
جماعت نشانیده بالتسویه امر سبق دادن فرموده اند از تقرب
شاهانه مستفیض شده پیشخدمت حضور ملک عبدالله جان
علاوه بر مهربانی مهمانی ما بشیرین کلامی خود واطعمهٔ لذیذه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 305 of 596

بمساعی جمله پسران خاندان خود و بسیاری از تعلق ملکی
خودرا داخل مکتب نمود ـ باوجود این مثال یکی از
اعزهٔ خود بعض پسران شان تنزل بشمولیت مکتب نمودند
در حقیقت عزت ورفعت بفحوای او تو العلم درجات
حق اهل علم است وحسب حدیث نبوی (ص) اگر کسی
متمول را بمقابلهٔ عالم اکرام کند در ایمانش شبه است
الغرض روستازا دکان دانشمند تا از کدائی بقرب پادشاهی
رسند در جمعیت طلبا افزوده تعداد کل را در چرخ
بیك صد و شصت ودو رسانیدند ـ چون نامهای
اطفال نوشته میشد یك بچه پیشدستی کرده گفت که اول
نام من بنویسید ـ بعدازان مادرش رسیده بنای فریادرا
گذاشت که اگر بچه مرا ببرید زهره ترق میشوم ـ این
اندیشه در دل عوام عام بود که بهانهٔ مکتب پسران
شان را در عسکری اندازیم واگر بعداز انکار باصرار
وپندهای باتکرار مردها اصل مدعای تعلیم را فهمیده
مکتب را حیله وتزویر نمی دانستند زنها همین عقیده محکم
بودند که لخت های جگرشانرا بکابل میبریم ـ چونکه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 306 of 596

کارداران سابق وعده های دروغ داده تکالیف سرکاری را برسر مردم می برداشتند به هیچ صورت باور شان نمی آید که پادشاه عادل باذل خالص لوجه الله و محض برای خلق سررشتهٔ مکاتب فرموده اند ـ اگر مردان دانستند زنان جاهل فهمیده نمیتوانستند چنانچه زن مذکوره آمی گفتید تا بچه خودش بکام مار سیدو گفت ـ مادر جان توچرا زهره ترق میشوی مگر این دیگر بچه ها که داخل مکتب شده اند مادر ندارند ۰

خود چرخ غیراز دبر وغیره که بفاصلهٔ دوسه گروه واقعست بدرازی ممتد افتاده مشتمل است برقلعهٔ نوکر مابه و بنکرام وغیره که بچه های اینمقامات مثل دیگر قرای لهو کرد درزمستان بیك مسجد رسیده نخواهند توانست لهذا در مساجد متعدد مکاتب میباید وچون معلمها وسامان تعلیم کافی میباشد دیگر اطفال کثیر نیز داخل خواهندشد چونکه حاکم لهو کرد بعداز رسیدن مادر لهو کرد ملزم کردیز شد در غیابش خاص ملك خان کوتوال بفعالیت و دانشوری در ترغیب دادن مردم بجمع

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 307 of 596

آوری بچه‌ها کوشیده حق معارف پروری را بوجه نیکو ادا
کرد نیز فوجدار کلنکار محمد عزیز خان بسیار سعی نموده
وعدهٔ کمك دائمی را در خبر گیری مکتب وجمع نمودن
طلبا نمود اما اعانت وامداد یکه مدیران مالیه فقیر محمد خان
وعبدالوهاب خان وخصوصاً عبدالله خان همت واستقامت
نمودند بسی قابل آفرین وتحسین است حاجت امتنان و
شکران باین سبب همینست که انها از افکار روشن خود
خودهارا ازاهل معارف جدانمی دانند ـ زهدوتقوی
شان حیرت انگیز است ازهرقدر بسیار گرفته تابگدانه
میوه از باغ رعیت ویك لقمهٔ نان از خانهٔ شان خصوصا
از خوان ملکان مطلق نمی بردارند ـ فخرو جوداین
قسم جوانان بخود ذات صلاحیت سمات شاهانه مایداست
که میرزا مجتبی خان کار گذار مالیات شخص فعال و
صادق وحامی ملت را برای تعلیم میرزایان اصول دفتر مقرر
فرموده اودر عرصهٔ شش ماهه صرف آنهار اماهرفن جدید
دفاتر ساخت بلکه چنین سخنان مفید وتقریرهای موثر
در باب امانت وخدمت بغرضیانه ملت وطاعت مخلصانهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 308 of 596

پادشاه بتواتر گوشزد آنها کرد که حالا عملاً بثبوت آنها میدهند ـ مثال فعلی این نوجوانان عالی خیال تجلی نورانی بدلهای مردم انداخته است که از اقوال مختصر شان متاثر شده برخوبی و منفعت تعلیم قائل میگشتند و پسران خودرا بطمانیت داخل مکتب کرده دیگران را هم از قریه های دور دراز آماده بتاسیس مکاتب می نمودند اگرچه وردك تاحال روپیه معارف نیفزوده در برو کرام ماداخلی نبود اماچونکه براه غزنین می افتاد بهاوالدین خان مدیر مالیه نیز باین مهربان ما گشته ملکان را که اتفاقاً موجود بودند بعدازا سنجش مصارف معارف پنج پیسه فی روپیه افزونی مالیه بسر شان قبول کرد بلکه خود انهاهم اشتیاق تعلیم ظاهر کرده بحضور سندی زیادی منتظر تاسیس مکاتب میباشند . دیگر مدیر مالیهٔ وردك نیز همین مبلغ را اضافه تجویز کرده کل روپیه برای اساس مدارس تقریباً دوازده هزار خواهد شد ـ تجاویز بنای مکاتب در مساجد و تعلیم ملاها چنانکه از نقشه های لهو کرد و غزنین و وردك آشکار میشود در محالات مذکوره یکسانست بلکه در اروغنده هم که هنگام معاودت از غزنین قیامگاه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 309 of 596

یکشبه ما کشت اطلاق همان منصوبه ضروری معلوم شد ـ
اهالی ارغنده حصهٔ سه پیسه فی روپیه در مالیه ادا کرده
مکتب یقان مدد نموده اند که بسبب بعد پنج شش کروه
اطفال صغیر انجا رفته نتوانسته فائدهٔ عایده ندیده رجای
یك مکتب مستقل را می پرورانند و برای اخراجات مزید
آن علاوه بر پیشی سابقهٔ مالیه بردادن یك روپیه فی نفر
هم آماده اند ـ اندازهٔ دو لك روپیه در غزنین هم از
همین شرح فی نفر یك روپیه کرده شده است اما درین
خصوص اولی اینست که یکربیه مقدارا قل لازم بوده
از اشخاص دارنده بنسبت استطاعت شان بیشتر وصول
شود تا احمال معارف بردوش همکنان منصفانه توزیع کردد ـ
امید است که حکمران غزنی باینطرف عنان توجه و همت
منعطف خواهند کرد

اخیرا باز اعاده میکنم که افراد ملت حاکم و محکوم
اکثر با معارف معرفت ندارند البته فرمانهای واجب
الاذعان شاهانه را اکر در الفاظ سلیس و عام فهم تحریر
شوند بسر و چشم قبول داشته بدل و جان تعمیل مینمایند
دولت خداداد ما از بخت حسن شرف و افتخار تا بحیث

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 310 of 596

پادشاهی را دارد که سلیم الفکر عالی همت واز صمیم قلب
خیر خواه ملت است احکام ناطق واوامر قطعی بنام قاطبهٔ
مامورین و کافهٔ رعایا در باب تاسیس مکاتب واهتمام مصارف
آن میتواند افغانستان را در دو سال چنستان علم وعرفان
گردانیده ونسیم ترقی وتعالی را در کل سرزمین وزا
نیده انکاه اعلام امنیت انجام خواهد شد ـ (قل سیروا فی
الارض فانظروا کیف بدء الخلق ثم الله ینشئ النشاءة
الاخره ـ ان الله علی کل شیء قدیر) در زمین سیاحت
کرده بنکرید که چکونه خدای تعالی بار اول مردم را
آباد نمود وباز کرت دوم نشو ونمای شان خواهد فرمود
درین زمان همه علائم تهذیب وتمدن مقدس اسلام معدوم است
وآثار علم وعرفان قدیم مسلمانان در حالت پژمرد کی
واضمحلال سیحانفسی ظل اللهی روح معارف دمیده بس
آن رفعت ورفاهیت رونق ودرخشانی شوکت واحتشام
وجمله نشانهای حیوة باصلاح وآرام را جلوه کر
خواهد ساخت (وماذلك علی الله بعزیز)

(محمد حسین مدیر)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 311 of 596

بعداز ختم مکالمه افغان (در شمارهٔ گذشته تفصیل وار تحریر شده بود) محمد طاهر و عبدالحمید طالب العلمان رشدیه سوم بوسط مجلس آمده بعدادای مراسم اداب لازمهٔ ماحصل مکالمه افغان را بهکمی تفریق بزبان انگریزی تبئین داشتند که ما در اینجا به ترجمهٔ ان بهر افاده قارئین میپردازیم :—

حمید : اولاً طاهر را مخاطب نموده میگوید :

طاهر ! می بینید چه روز طرب فزائیست بجای انکه رهسپار مدرسه گردیم بهتر انست که به گشت زارها به تفنن خاطر و تفریح طبیعت کوشیم .

طاهر : نی حمید انچه میگوئی سراسر بی معنی و خالی از فائده است :

حمید : چه عجیب شخص ! واه آیا بازی را نمی پسندی ؟!

طاهر : بازی را دوست دارم امانه در وقت کار . اکنون وظیفه ما است که بمکتب شتافته به تحصیل علوم مصروف گردیم .

حمید : مجبور نیستیم که الان برویم ، بیایکد وساعت بازی کرده سپس اگر خواهی برو . چه خود نمی پسندم که سائر اوقاتم را وقف تحصیل نمایم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 312 of 596

طاهر : منهم میدانم که تعلیم رادوست نداری چه منزلتی که درمیان هم صنفان خاتزداشتهٔ مظهر این امر است نمی شرمی حتی غلام جان که ازتو چندین سال خوردتر واز سه ماه باینطرف داخل مکتب شده برتو تفوق دارد ، حس نمیکنی که درجماعت از همه پست تری درین وقت غلام جان هم آمده برابرش ایستاده . حقیقةً ازحمید خیلی خوردتر می نمود .

حمید : نمی خوام که تحصیل کنم . از مطالعات متنفر واز مشاهده کتب متجنب وبیزارم چه پروا چندی بعدسنم بکمال رسیده بزرك می شوم .

طاهر : لاریب کلان می شوی ، جوان میکردی ، اما چسان جوان که برخواندن ونوشتن هم قدرت نداشته مورد تمسخر وخنده هم صنفان وهم سنان خواهی بود .

حمید : خوبست بخندند چه باك دارم . هرقدر توانم اینك بازی میکنم .

طاهر : اگر اینکه کردی رامی پسندی بروهرجا که خواهی مکرمن مطالعه کتابم را کمال ارزوی قلبی دانسته

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 313 of 596

پیوسته در صدد استرضا و خوشنودی ذات اعلیحضرت
پادشاه جلیل القدر خودم و میخواهم که به سایه کسب و کمال
عارج و مدارج عالیه کردم . سائر افکارم متمایل به تر کیه
نفسیه بوده خدمت پادشاه و ملت را منتهای آمال خویش میدانم
آیا بخاطر نداری که سال گذشته با پادشاه معظم مراحم خصال
خود عهد بستیم که اوقات عزیزرا به لهو و لعب، کسالت
و غفلت نگذرانیده تا زمانیکه افغانستان را از نتائج سعی
و غیرت یک گلستان با آب و رنگ نکردانیم از فعالیت باز
نمانیم ، حمید بلی بلی یادم آمد بمقابل این رویهٔ پسندیدهٔ
شما اظهار تشکر نموده ؛ رمطاوعت احکام اولی الامر
خویش از مغز دل مایل گردیده به پابندی مکتب که وسیله
حصول خوشنودی ذات شاهانه شان است مداومت نموده
عمر عزیزم را وقف تحصیل میکنم .

سپس بهمدیگر دست وداد داده بسوی مکتب روانه
شدند بخ بخ عموم حضار هم در قفای شان رهسپار گردید .
بعد از ان غلام محی الدین رشدیهٔ ۳ بلهجهٔ خیلی شیرین
نطق آنی را تقریر کرد چنانچه همه حضار تحسین فرمودند.

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 314 of 596

آرقداشلر ، رفیقلر ، معروضاتم حضاره قارشو فقط سزه خطاباً در :—

بوکون حضور شاهانه‌ده اجتماع ایدن هیئتك نواز شکارانه، احوال روحیه‌مزه تعلق ایدن تربیه و تحصیلمزه، نظر امعان ایله باقمقده اولان او هیئت محترمه‌نك نظر حمیت لرینه صمیمتله تشکرلر ایدرز — بزه اولان نظر لری کندی اولادلری مقامنده مشفقانه در — شو برسنه ظرفنده که تحصیلمز، کچن زمانلره نسبةً فوق العاده درجه ده‌در — او زمان اصول تدریسه، تعلیم و تربیه‌یه اعتنا ایدلموا کندن ثمره تحصیل کما ینبغی اقتطاف ایلمه‌یله مدی :—

بوکون پادشاه معارف پرور ولی نعمت پدر مشفق مزافندمزك علو همتلوی سایه سنده مکاتبك تعمیمینه غیرت واوالصورتله وطنك هرجهتی نشر انوار معارفلر منور اولمقده‌در : — مادر وطن، اولادلرینك تحصیل معارفلر تأمین استقبالر چالشان ارباب حمیة هروقت منتدار در علی الخصوص معارفك انتشارینه کیجه، کوندز صرف مساعی ایدن عالیقدر ناظر مزك، دیده ابتهاج ایله کور لمکده اولان هممات متوالیه لرینه عن صمیم القلب تشکر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 315 of 596

لرایدرز مکاتبك تصمیمیله علوم ومعارفك تحصیلنه
خواهشکر اولان اصحاب حمیتك افکار عالیه لری سزاوار
تبریك در مکاتبك نظام وانتظامنك محور لایقنده جریانه
بادی اولان مدیر درایت سمیر مزه تشکر . وبالخاصه
تعلیم وتربیه مزه صرف مساعی معلمان حمیت شعارك
سایه سنده کودنلن لونه مفتخر ومباهی ز

معارف برضمیمی دوست در انسانه هر برده
معارف راه حقی کوسترر دنیا ده هر مرده
جهانده بهره مند اولمق دیلرسك معرفت اوکرن
معارف کوسترر ا ثارنی خورشید انور ده
حصول مقصده نائل اولورمی جهل ایله انسان ؟
علوم معرفت روحنی اینمز سه پرور ده

پادشاه معارف پرور له ولی نعمتمزی خداوند کریم
سریر سلطنت لرنده برقرار بیورسون . عمر واقبال
عز وجلال همایون لرنی مزداد بیورسون امال خیریه
لرنی توفیقات الهیه مظهر بیورسون : ــــ
سایهٔ شاهانه لرینی بالخاصه بزم اهل معارف اوزر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 316 of 596

ندن وبالعموم رعایا و برایا اوزر لرندن دوردو مهجور
بیوله مسون . امین

کاشف امریکا

کرستاف کولمبس

ازجمله مشاهیر عالم که در دورهٔ حیات محض ایفای وظیفهٔ انسانیت متحمل مشاق متکاثره گردیده بعد از وفات خودها صفحات تاریخ رابنام سامی خودهامزین وصیت شهرت ودبدبه رابلسان مردمان دنیا انداخته اند، یکی ازانها کاشف امریکا کرستاف کولمبس است .

هرچندکه در تاریخ تولدش روایات مختلفه ایراد شده اما کثرت آرا تولدش را به سنه ١٤٣٦ میلادی درشهر جنوای ایتالیا قبول کرده اند .

پدرش دامینی کولمبو هوسکار تعلیم وتربیه پسر خود گردیده به (پاویا) که درآنوقت مرکز معارف ایتالیا بود روانه اش داشت کولمبس درانجا تاسن چهارده مداومت کرده چون میلان طبیعتش بسوی جهازرانی وسفرهای بحری راغب بود ازاندو خستم برتعلیم داد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 317 of 596

باانکه درین مدت قلیل دارای علوم متکاثره گردیده ازهم مسلکان خود درهندسه ، هیئت ، کاس موکربی سبقت برده بود .

ازانجا که بهدریا نوردی تمام افکارش مستغرق لجه شوق وهوس گردیده بود آنچه درجغرافیه میخواند عملاً اشتیاق سیر وسیاحتش را آرزو میکرد ازان بود که درسنه ١٤٥٩ میلادی درسلك ملاحانیکه ازطرف (جان ان جو) دیوك سیبریا درجنوا برخلاف حکومت پیلز اماده میگردید داخل شد .

پس ازان بهلزبن بهنزد برادرخود بارطولومو که بهتهیه نقشههای بحری مصروف بود عزیمت نمود ـ

چون دولت پرتکال درانوقت به کشفیات ممالك نامعلوم مساعی کثیره اظهار میداشت وبسا اشخاص کاردان ماهر را بهر طرف سوق وکسیل می کرد کولمبس که شیفته هیجو سفرها بود در انجمله خود را داخل کرده عجالةً بطرف شمال متوجه گردید وتابه ٧٣ درجه عرض بلد شمالی رسید وبقرار

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 318 of 596

اظهار خودش بدیدن صددرجه بالاتر از تهیول تولی بی (منتها نقطهٔ شمالی دنیا که حکیم بطلیموس مقرر کرده بود) موفق شده بود . علاوه بران سیاحت های عدیده به انگلستان و جزائر ویسترن اوشن که بتحت دول هسپانیه و پرتگال بود اجرا داشته بس تجارب ماهرانه اخذ نمود واز همه اشیائیکه بنظرش می آمد نوت های مدققانه برداشته به شیای موجودهٔ عالم تطبیق می نمود وازان همه چیزها معلومات کافیه میبرداشت . خیالات خودرا به ترتیب وتکوین نقشه وکره ها منصوب ومربوط داشته بالاخره ازمساعی جمیله یك انقلاب شایان تمجید درعالم برپا نموده یك قطعه عظیمه مثل امریکا بمیدان ظهور آورد .

درانثنائیکه در (لزبن) متوقف بود با (دونا فیلیپا) نام دختر (بارتو لومیوفی دو پیرس تریلو) یك شوالیه اطالوی که یکی از بحر پیمایان مشهور پرنس هنری پرتگال بود ازدواج نمود ـ مشار الیه کاشف جزیره پورتو سینتو است که درانوقت ازطرف دولت متبوعه خودش بران جزیره حکمرانی هم داشت .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 319 of 596

این تاهل وازدواج موجب ترقیات علمی کولمبس گردید چه بعضی ازاقارب عیالش بحر پیمایان مشهور بوده نقشه‌های بس مکمل ازخود بیادکار گذاشته بودند.

کولمبس پیوسته باجغرافیه‌دانان وملاحان لزبن طرح مصاحبه انداخته مذاکرات جغرافی درمیان می آورد وامکان اکتشاف یك راه جدید ازغرب اوروپا به ممالك چین وهندوستان که از طرف (مارکو پولو) اشاره بآن شده بود تبئین میداشت واین خیالات ازمدتها دردماغش جاگیر گردیده بود وبنابرظهور چندواقعات که تجدداً سرزده ظهور گردید صورت تیقن را پیدا کرده عزمش را زیاده تر را سخ گردانید. چه دران حین پیدر وتوری) یکی از اقارب عیالش برساحل پورتو سینتو چند تکه های چوب منقش مشاهده کرد — وچند ملاحان دیگرهم در بحرالکاهل چند تکه چوب وکیاه را دیدند که باکیاه های ممالك دنیای قدیمه مشابهتی بهم نمیرسانید . جسد های چند اشخاصی که بااهل افریقه وبورپ تشابه نداشت ومعلوم می‌شد که بذریعه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 320 of 596

امواج غربی بانعقام سوق شده بود نیز نظر مراقبت
شانرا جلب نمود . بقیه اش درآینده

بیداری

سپاس بیحد وثنای بیعدد نثار بار گاه حضرت
پادشاه حقیقی که ملت برگزیدهٔ افغانرا به سبب نعمت
وجودسعادت آمود اعلیحضرت والائی که بنقطهٔ نخستین
ادعا ندای غضنفری را بچرخ نیلوفری رسانیده علم عالی
افغانرا بعالم اعلانمود ومضمون صدق مشحون (لا تهنوا ولا
تحزنو اوانتم الاعلون) را برملافرمود وطن عزیزرا ممتاز
عالم انسانیت گردانیده پس برای ادای تشکرات نعمت عظمی
وموهبت کبرای موصوف الزم که پنبهٔ غفلت را از گوش
هوش خودها برانداخته درمعالجهٔ همین یك مرض عارضی
کمالات و کسالت که دروجود ا کثرمان عارض شده
است پردازیم چنانچه علمای اسلاف اسلامی (رح) فرمو
ده اند — رنج اندك را بکن غمخوار کی — تانه بینی عجز
در بیمار کی — ازاروبرای تداوی مرض عارضی مذکور

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 321 of 596

یك نسخهٔ پرمنفعهٔ بکار است که اجزای آن خیلی پرمنفعت باشد ـ همین نسخهٔ مبارکهٔ که درذیل مذکور می‌شود شافی وکافی است

هوالشافی

غیرت شجاعت همت صداقت امانت

دیانت معرفت متانت استقامت

اجزای مذکورات فوق درنزد حکیم که موسوم بجناب عقل است موجوداست ـ لازم که ازنزد حکیم موصوف دستیاب نموده اجزای مذکوررا درهاون تدبیرسحق نموده بعسل مصفای اتحاد آمیخته حبوبات ترکیب کرده شود بعداز حبوبات موصوف بقدر ضرورت تناول فرمائیم واز اشیای مضر مثل جهالت ، رشوه ، نفاق ، حسد ، خیانت ، عداوت ، پرهیزنمائیم علی الخصوص عمل شنیعهٔ رشوه خواری که باعث تباهی ملت است و بدنامی دولت چنانچه درحرمت فعل ذمیمهٔ مذکور حدیث شریف وارد شده است (قال علیه السلام لعنت الله علی الراشی والمرتشی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 322 of 596

والرائش) پس اگر از اشیای مضرین فوق اجتناب
نموده شود البته دوا دافع و رافع داء گردیده ازشفاخانهٔ
حضرت حکیم علی الاطلاق جل عن شانه بحکم آیهٔ کریمه
(وننزل من القرآن ماهو شفاء و رحمة للمؤمنین) شفایابیده
کامیاب مقاصد دارین خود هامی شویم انشاء الله تعالی
نسخهٔ مبارکهٔ فوق تجدیدا بدست نیامده واختراع
نشده بلکه در کتب معتبرهٔ حکمی اسلامی ثبت است
لیکن ازجهة مرض ضعف بصر که بمارو داده بود دیده
نمی توانستیم اکنون که بکل الجواهر عرفان شاهانه بچشم
ملت رسید لله الحمد روشنی بصر حاصل گردید دیده شد که
ثبت صحائف است نسخهٔ متبرکه راهواره اجدادذی وجد
وغیرت مایان بنابر متابعت حضرت رسالت پناهی (ص)
واماماں دین متین خود استعمال نموده اند تانام نیکوی
شان که مراد ازغیرت وشجاعت است در کتب تواریخ ثبت
شده است بعالم نمونهٔ حیرت مانده ای برادران غیورا گر
بنظر غور دقت نموده کتاب منتخاب نثرالدرر و بعضی کتاب
های سیررا مطالعه نمائیم احوالات ووقائع فدا کاری های

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 323 of 596

اصحاب حضرت رسول مقبول (ص) مثل شجاعت و جان نثاری
(حضرت امیرالمؤمنین صدیق اکبر و حضرت امیرالمؤمنین
عمر و حضرت امیر المؤمنین عثمان و حضرت امیرالمؤمنین
علی و حضرت امیرالمؤمنین حمزه و حضرت امیرالمؤمنین
خالد و باقی اصحاب کبار از فرق مهاجر و انصار رضی الله
عنهم اجمعین دانسته می شویم که محض برای رضای
حضرت یکتای برحق جل جلاله و رضای حضرت
اشرف رسل علیهم السلام چه جان نثاریها و چه فداکاریها
نموده اند نه اینکه اغراض شخصی و مدعای نفسی خودها
منظور داشتند ـ همان است که تا مان حال شعشعهٔ انوار
دین متین مبین حضرت سیدالمرسلین (ص) در اطراف
واکناف عالم تابان و درخشان است پس برای ما ملت الزم است
که علی سبیل الاقتدا تابع ائمهٔ اسلامی خود بر حدیث شریف
(قال علیه الصلوة والسلام اصحابی کالنجوم بایکم اقتدیتم
اهتدیتم) باشیم تا راه ظلمانی کهالت و نفاق را رها نموده
بشهراه نورانی غیرت و اتحاد اسلامی رهنمون گردیم
علی الخصوص امروز که حضرت حق و مالک الملک برحق

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 324 of 596

جل وعلی بذریعهٔ نعمت وجود مسعود اعلیحضرت جوان بخت غیور غازی ما ملت نجیبهٔ افغان را نیك بختیها وخوبیها زیاد نصیب گردانیده ـ بلی ـ چونیکی بقومی پسندد خدای دهد حاکمی عادلی نیك رای ـ این امر معلوم است که توفیق ونصرة ما ملت درتحت حفاظت وحراست شاه جاهد غازی خود کامیاب جمیع مقاصد خود می شویم ـ خدایا پاینده دار ذاتی که باعث حیات ملت افغان است ـ باقی دار وجودی را که موجب بقای ملت اسلام است

آمین ـــ سید محمد داؤد معلم مکتب مبارك اتحاد

تاسیس مکتب مستورات

(یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات)

مرور دهور و تداول شهور محل شبهه وتردیدی نگذاشته که امرار حیات باشرف وافتخار بر تحصیل علم وعرفان متوقف بوده زبونی وما دونی را فقدان ان ارائه نموده است ـ ضرور نیست کوشیم تعمیم علم وفن وسیلهٔ فوز ونجاح وذریعه اقبال و فلاح انسان است چه نتائج عملی وفعلی آن مرکونه اشتباه را دراین ادعا از اله فرموده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 325 of 596

دین شرافت تضمین اسلام همین از لمحهٔ ظهور سعادت نشورش تحصیل معرفت را از مقتضیات خود وانمود کرده صفت مختصه اتباعش التزام فرمود ـ دول قاهرهٔ اسلامیه که وقتی بر اکثر قطعات عالم ابواز داد اری وحکمفرمائی میکردند تعمیم علم ودانش را وجیبه مختصه خود قرار داده خود شانرا درتعلیم عمومیه مرد وزن مکلف میدانستند چه متیقن بودندکه ترقی وتعالی بدون آن محال است ورسیدن بمنزل مقصود بغیر هدایات آن سراسر وهم وخیال .

ملل متمدنه خارجه که امروزه روز اینهمه طمطراق وهمهمه را دارا گشته مدارج عالیه ترقی ومدنیت را نایل گردیده اند بباعث آنست که تحصیل علم وفن را بر ذکور واناث علی السویه حتمی شمرده مرد وزن را در استحصال آن کوهر مدنیت یکسان مجبور ومکلف دانسته اند —

درزمان سعادت اقتران حضرت (رسول) مقبول علیه افضل الصلواه واکمل التحیات عدهٔ کثیری از فرقه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 326 of 596

آنیه معارج علیای تعلیم را فایز بوده حسین خروج جیوش میمنت خروش اسلام جهة قتال با کفار و بعضاً در خود معترك ومیدان رزم نیز مواعظ موثرهمت خیز (محض تحریص وتشویق شان بجنك) میفرمودند و کلام معجز نظام حضرت نبوی صلعم را جهة ایقاظ وتحریك قوای مکنونه شان تذکار وتبیین می نمودند ،

حضرت (عایشه صدیقه) رضی الله عنها ملکهٔ را در علم حدیث دارا بودند که اکثر (صحبه کرام) رضوان الله علیهم اجمعین بحضور مقدسه شان مشرف گردیده بهره اندوز علم وعرفان میگردیدند وازان سرچشمه تقدس آیه خورشید کمال ضیای سعادت انتمای علم ودانش حاصل کرده تاریکیها وتیرگیهای جهل و نادانی را مستنیر می نمودند .

ازین گذشته اگر لحظه درامور معاش ومعاد انسان امعان نظر رود معاین میگردد که اداره لوازمات حیات وتنظیم وتنسیق دوایر تمدن برمرد وزن علی السویه متوقف بوده هردو مجبور اند در تهیه اسباب رفاه وراحت همدیگر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 327 of 596

یکسان اجرای فعالیت نمایند و برای نیل مرام خود ها
یك بدیگر سهیم وعدیل برایند ـ اگر مرد در اجرای
امور خارج پردازد زن باید امور خانگی را منتظم دارد

در عوالم متمدن خارج اطفال مراحل تعلیم ابتدائیه
خود شانرا همین درخانه طی نموده برفتن مکتب مجبور
نمی شوند چه مادرها و خواهرهای شان همه تعلیم یافته،
ودانشور بوده فریضه یك معلمه را باحسن وجوه ایفا
می نماید ، اکثراً همچو نیز می شود که طلبه صنوف
عالیه هم از فزونی علم وفن مادرهای خود استفاده
نموده درجه مطلوبه را بدون صرف گرانی دارا میگردند
ازاینجا است که درامور داخل وخارج دول متمدنه یك
نظم ونسق ویك اتحاد ویگانگیت ودر دماغ های مرد وزن
شان یك حسن وطن پروری وجدیت مشاهده میرود
چه به همین تعمیم علم ، زن برحقوق شوهرو بزرگان
وفریضه مختصه نسوان دانسته بدون اینکه انقراضی بسبب
جهل ونادانی درامور خانگی پیدا کند ادای وجیبه
ذمه خود می نماید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 328 of 596

ذات قدسی ایات پادشاه معظم ومتبوع مفخم مان اعلیحضرت امیرامان‌الله خان ایده‌الله الرحمن که ازبدو جلوس میمنت مانوس شاهانه بکرسی سلطنت همین درتهیه وفراهم نمودن وسایط ترقی واقبال تبعهٔ صادقه‌شان حصر قوی نموده درتوسیع وتوزیع معارف که‌اهم‌واعظم وسایل ترقی‌وتعالی یك ملت است کما یلیق صرف مساعی جمیله فرموده اند اهمیت این امررانخوبی سنجیده‌جهل‌وعدم دانش‌را برحال‌صداقت مآل‌رعایای‌شاهانه‌خودنپسندیدند کذانخواستند فرقه عاجزه نسوان‌نیزازحلیهٔ علم‌وعرفان عاری‌بوده دربرده جهالت ونادانی‌متواری‌باشند وبادای تکالیف وفرایضیکه شرعاً وعقلاً بآن مکلف اند پرداخته نتوانند .

بناءً علیه تاسس یکباب مکتب مستورات را احکام فرموده لوازم وضرور یات آنرا از هرحیث فراهم آوردند چنانچه یکباب خانه مناسبی که سزاوار مکتب ومحل‌تدریس‌اناثیه می‌باشد مهیانموده ترتیبات‌واحتیاطات در بارهٔ ستر آن هااز قبیل جای وپهره وقابوچی وغیره بدرجهٔ حضور شاهانه ملحوظ داشته اند که مافوق آن

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 329 of 596

متصور نیست وهیچیك از سر پرستان اوشان مقتدر نیستند در خانه های خود شان مرعیدارند علیا جناب مفخمهٔ شهزاده خانم صاحبه (حرم محترم اعلیحضرت والا) بعهدهٔ مفتشی وزوجه محترمه جناب عالیقدر جلالت مآب ناظر صاحب خارجیه را برتبه مدیری مکتب مشارالیها معین ومنصوب کردند ومعلمه های نبیله ازخاندان شاهی وقوم نجیبهٔ محمد زائی وباقی اکابر وفضلای وطن عزیزمان جهت تعلیم شان مقررفرموده اندودر ترتیب یك نظام نامه مختصری هم فرمان سعادت عنوانمان مبارك اسمی نظارت معارف عزاصدار یافته که اینوقت مرتب ومکمل گردیده است وعنقریب نشرمیشود معرف معارف این مرحمت وشفقت همایونی را که دربارهٔ عموم افراد ملت نجیبه خود مرعیداشته اند افتخاراً جهت هموطنان عزیز خود اشتهار می کنند ونتایج مرغوب آنرا که بعد از چندی عرض وجود نموده همه کانرا سرمست بادهٔ سرور وحبور میگرداند اخبار نموده اعلان می نماید که ارادهٔ سنیه شاهانه درتاسیس این مکتب نه تنها برتعلیم عدهٔ مخصوص ازدختران اعزه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 330 of 596

ومعتبر بوده بواقی را ازان مستثنی دانسته اند بل ابذال
این لطف ملوکانه برعموم یکسان اثرانداز بوده قاطبه
افراد ملت خود شان را غریق لجهٔ شفقت ومرحمت
فرموده اند هرکه خواهد بهره اندوز این سعادت گردد
بلاتردد واندیشه دختران خودرا شامل این مکتب خیر
مکسب کرده میتواند — اما بنوعیکه قبل از شمولیت
اسم وسن دختر های خود را تحریر داشته بنظارت
معارف تقدیم کنندو حسب مرر شته وانتظامی که نظارت
موصوف تصویب نمایند بعمل آرند امامستحضر باید بود
که داخل نمودن دختر ها بمکتب اجباری نبوده محض
بخوشی وذوق خود سرپرستان آنها است .

اهل معارف این مراحم والطافی را که ذات شوکت
سمات همایونی جهت خیر دولت وملت بل عموم اسلام
مبذول داشته اند ازصمیم قلب تشکر نموده دعای ازدیاد
عمر والا وبقای دولت افغانیه را بسایه هیچه یك شاه
غازی رعیت دوست معارف اکتناه ازدرگاه حضرت
واهب العطایا استرجا میکنند .

انتها

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 331 of 596

مدوحجزر اسلام

(بعد از شمارهٔ ۳)

ازسیاست کاخ و کوخ سر کشان برباد کرد
وز محبت خانمان بیوکان آباد کرد
هم یتیمان رازلطف طبع خوددل شاد کرد
هم غلامان را زقید بندگی آزاد کرد
یك جهان سر کشته را آورد سوی راه راست
وزبرای ره نمائی از کسی اجرت نخواست
سر غیب الغیب را آرایش اظهار داد
گوهر توحیدرا خوش گرمی بازار داد
امیان را درس حکمت دادوبالتکرار داد
تازیان راانجام وحدت دادو بس سرشار داد
پایهٔ پیغمبری را برد براوج بلند
تابه حشرآوازهٔ از (۱) لانبی بعدی فگند

(۱) قال صلی الله علیه وسلم الاانه لانبی بعدی
به تحقیق پس از من نبی نخواهد بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 332 of 596

کاروبار معرفت چون یافت حسن انصرام
حجت ایزد تعالا کشت بر مردم تمام

چون بحکمت کشت قانون شریعت با نظام
کرد آن جان جهان رحلت سوی دار السلام

رشتهٔ دین هدی در دست قومی وا گذاشت
کز بزرگی در جهان با خویشتن همتا نداشت

تاجداران سعادت صوفیان با صفا
خازنان گنج حکمت خالی از حرص و هوا

سیر چشمان قناعت فارغ از کبر و ریا
جان نثاران شریعت خاصگان کبریا

از درون جان هواخواهان دین احمدی
وز ته دل طالبان فیض سر سر مدی

داشت بر سر تاج دانش هریك از برنا و پیر
گشته از سر مایهٔ علم و عمل هریك امیر

مراد از قوم صحابه کرام و خلفای عظام است
رضوان الله علیهم اجمعین ۱۲

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 333 of 596

در سخن سحبان(۱) وائل هر صغیر و هر کبیر
در فصاحت(۲) بهدیل و در بلاغت بینظیر

کر سخن راندند عالم را تحریر دست داد
خطبه خواندند کر ـ غوغا به عالم اوفتاد

(۱) سحبان نام فصیح است که بفصاحت و بلاغت در عرب ضرب المثل است از قبیلهٔ بنی وایل ۱۲

(۲) فصاحت و بلاغت جوهر ذاتی عرب بود که در معرکه های جدال وقتال از رجز خوانی شان مبازران را خون در بدن جوش می زد و جلادت و تهور در طبیعت می افزود ـ گویا زبانهای آن آتشین بیانان در میدان کارزار کار سیف وسنان می نمود ـ جان دیوان پورت می نگارد که علم ادب تازیان در قالب علم ادب یونانیان ورومیان جان تازه دمیده بود ـ ومجلس مینتل طرنیلیشن اعتراف کرده است که عرب در فن ادب سر آمد همکنان بوداست واهل یورپ که درین جزو زمان در مواقع رزم وبزم وسور ومأتم تقریر های می نمایند و آنرا بلغت خود سپیچ نام می نهند ـ غالباً خطبه خوانیهای خطیبان اندلس را تقلید کرده اند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 334 of 596

روی کیتی بازبان تیغ و باتیغ زبان
ساخته زیر نگین از باختر تاخاوران
داده هنگام حوادث بهر حفظ جسم و جان
عالمی را نیزهٔ خطیٔ شان خط امان
گربه دنیا از جلادت شورشی انگیختند
لیك از حسن ادا طرح نو آئین ریختند
کاروانی ما گذشت امابصد مشعل گذشت
کزفروغ روی ایشان چشم عالم خیره گشت
این زمان تاریکی ست وظلمت است و پهن دشت
لیك مارا همچنین این راه می باید نوشت
درخلاب افتد نه پائی ما چواین ره سر کنیم
آن چراغ مرده را باید که دیگر بر کنیم
(باقی دارد)

(ناول)

(مابعد از شمارهٔ گذشته)

بردل ـ نهنك بود مادو تارا نزد اسپ تان دیدیم ـ
اکرم ـ شد ـ یك مسافتی مرا برده بود که دیگر بروحله

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 335 of 596

آور شد ـ درین کیر ودار از دهانش وارسته هردو
تفنك باهم چسپیدند ویکی بعداز کشمکش بسیار غالب آمده
دیکری تیله کردن کرفت ومن هم باو برخور ده بنای تیله
شدن را ماندم تابزمین رسیدم وآنها پس چنکو شده بر
کشتند ـ سردار ترکمان که بانفرتی خود در کوچ بود صدای
تفنك هارا شنیده چند نوکر خود را برای تحقیق حال
روانه کرد ـ چون آنها رسیدند جنك تمام شده بود ـ
بخاریان پسر عمم را مرده انکاشته یاعمدا درمیدان کذاشته
رفته بوند ـ ترکمانها اورا ومرا نیز در ریکهای دریا
بیهوش دیده برداشتند ـ شب بهوش آمدم وعلی الصباح
بچهٔ کاکای خودرا ازخود زهیر تردیده علاجش رابذمهٔ
خود کرفتم تاملاکش کردی والخیر فیما وقع ـ اکر باین
حال نمیرسیدم دختر خودرانمی یافتید ـ اکر پسر عمویم را
نمی کشتید دختر شماوطن وعزیزان خودرادیده نمیتوانست
ضمنا بك خدمتی که وظیفهٔ من بود در حق خان ترکمان
بجا آوردم زیرا او نوشته است که فرزند وعیالم را بطریق
مروت بردن وبهمان طرز فتوت پس فرستادن عنایتی است
که شکریه اش ادا کرده نمیتوانم ـ درجواب تحریر نمودم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 336 of 596

که اجرای خدمتی چه باشد که بجا نیاورده ام البته از شفقت شما امیدوارم که بافرزند خود و مادرش حسن سلوك از پیش پیش بفرمائید ـ پردل ازین حرف دل پری یافت

مجلس استالف

آتشیکه از تفنك های غازیها وتوپهای انگریزها می بارید حالا گل است : از درخت های انار زمین زینه بزینه زینت یافته از نزدیك (من الشجر الاخضر نار) وازدور قالین های سبز را نشان میدهد که در میان نقش های سرخ داشته باشد . این تماشای آتشبازی واین فرشهای زمردین یادخون شهیدان را تازه میکنند که درین مقام ریخته در جنت برفرش (بطائنها من الستبرق) شان نشانیده است لاله های خود رو درمیان سنگها سر کشیده مالد اران را و ازمیان کشت ها روئیده ملکداران را بهزبان لال میگوید که تاج لعل و یاقوت بسر دارم تاشما هردو معشر حشر کرده سردار خود را قابل تاج پوشانی نمائید وداغیکه دردلم است ازحسرت وفراق دوست (محمد) در سینهٔ پر کینهٔ شما هم ست

باقی دارد

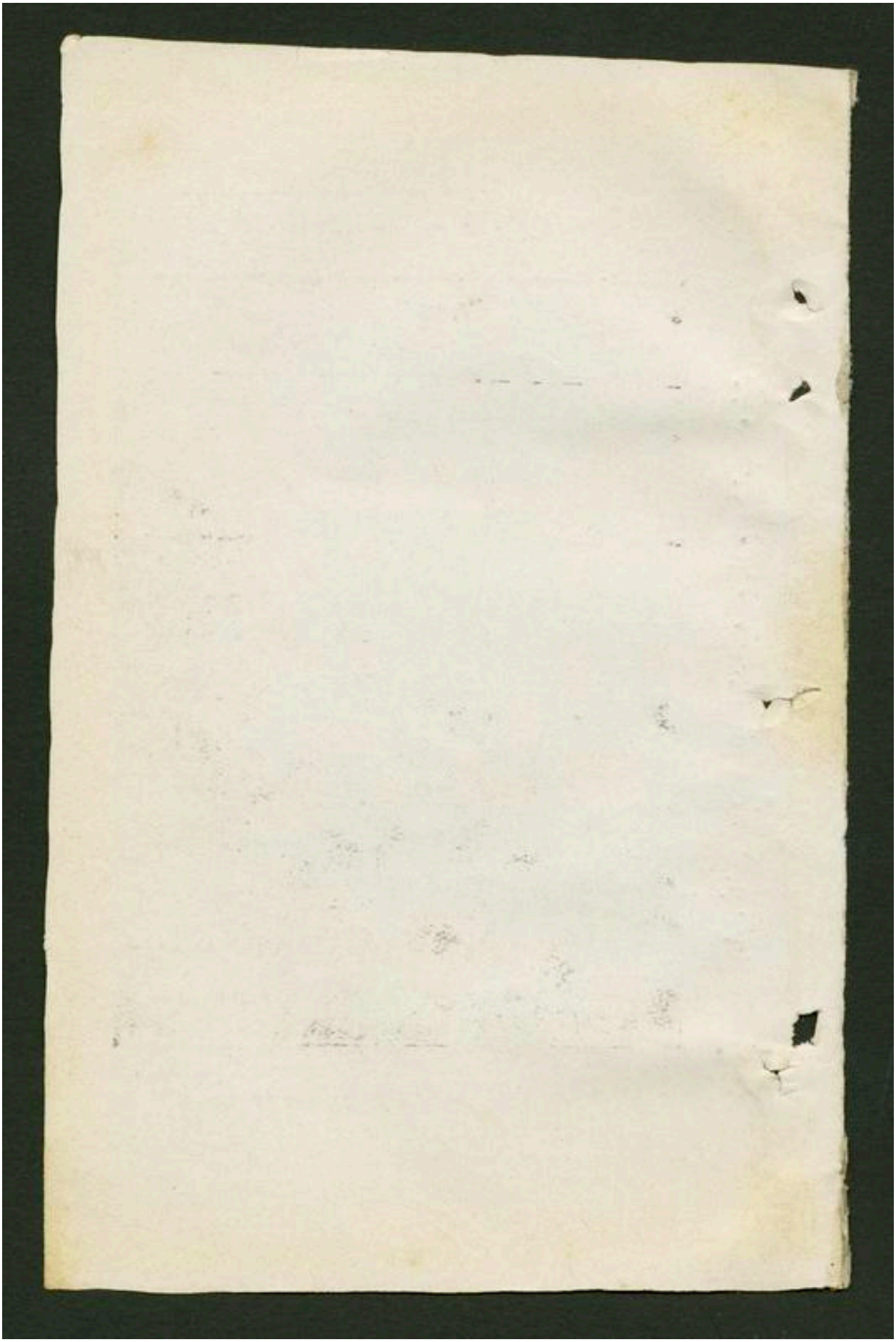

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 338 of 596

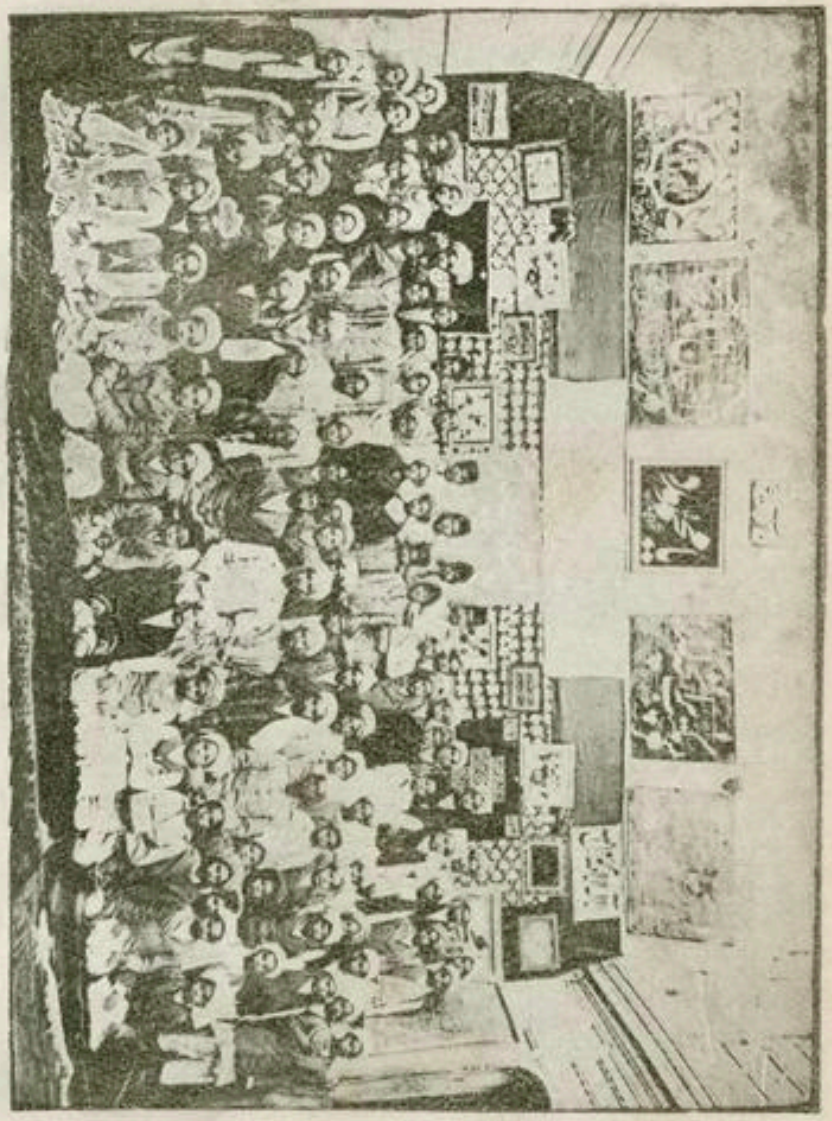

جناب نائب مدیر باطلبه ابتدائیه جهارم مکتب کوشش

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 339 of 596

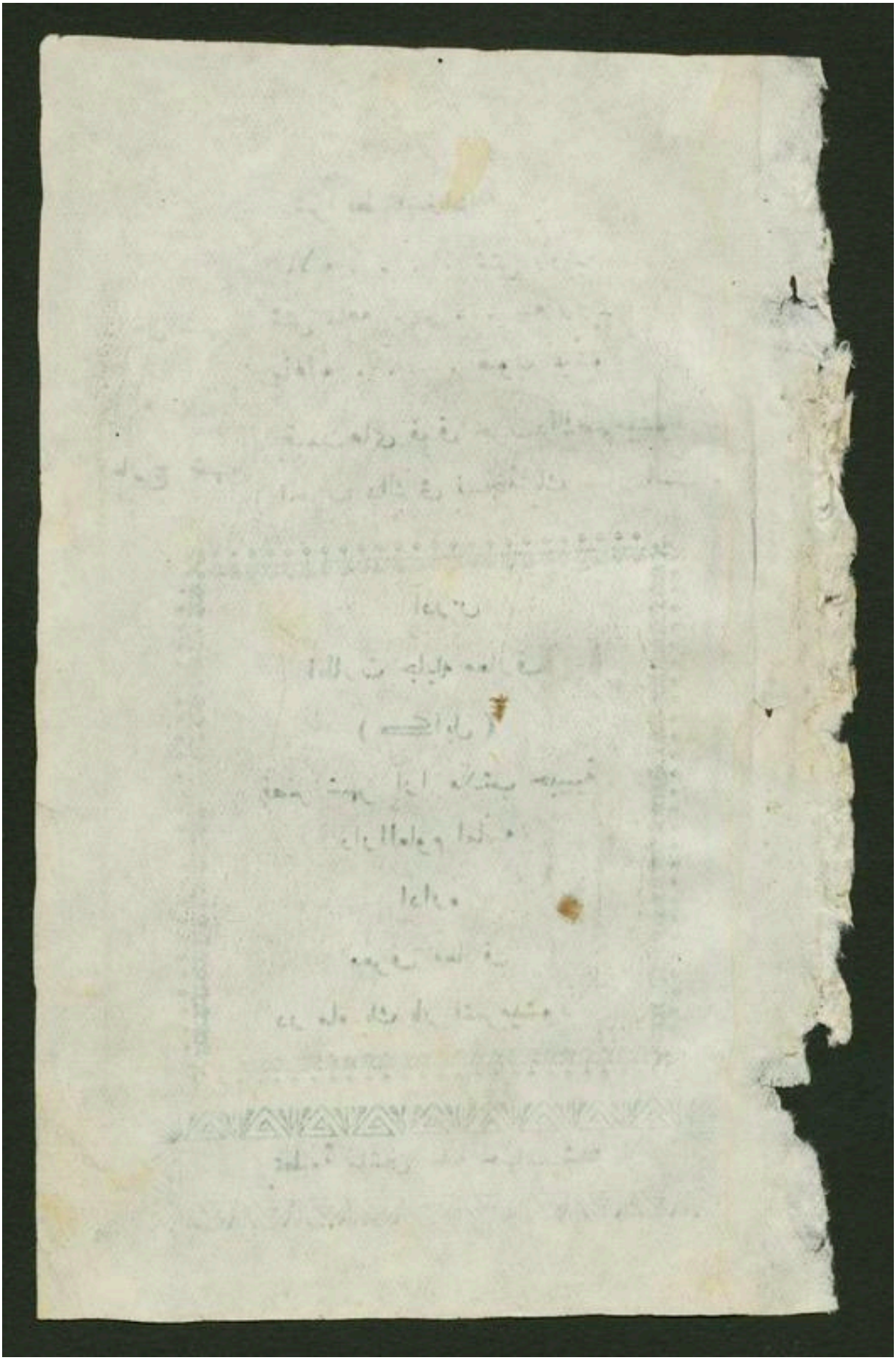

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 340 of 596

شرایط اشتراك

داخل شهر
سالانه . . . . شش روپیه
شش ماهه . . . . سه روپیه
ماهانه . . . . قبول نمیشود

خارج شهر
بقیمت های فوق اجرت داك ضم میشود .
اجرت داك فی نسخهٔ یك سنار است .

آدرس

نظارت جلیله معارف

(کابل)

قصر شهر آرا مکتب حبیبیهٔ

دار العلوم امانیه

اداره

معرف معارف

در ماه یك بار نشر میشود

بمطبعهٔ ماشین خانه چهاب شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 341 of 596

الذین آتینهم الکتاب
یعرفونه کما یعرفون ابناءهم



اول قوس
سنه ۱۳۰۰



معرف معارف

۱۲۹۸

سال سوم شماره ۲

ما ان مدحت مقالتی بامیرنا لکن مدحت مقالتی بامیرنا
اگر چه شبیه شاهانه آرایش بخشای این
صفحه نیست اما سیرت پادشاه دلربای ما با همه اراده
های مصلحانه و اعمال الوالعزمانه پیش نظر است
و در تصویر نمیباشد .

گر مصور صورت آن دلستان خواهد کشید
حیرتی دارم که نازش را چسان خواهد کشید

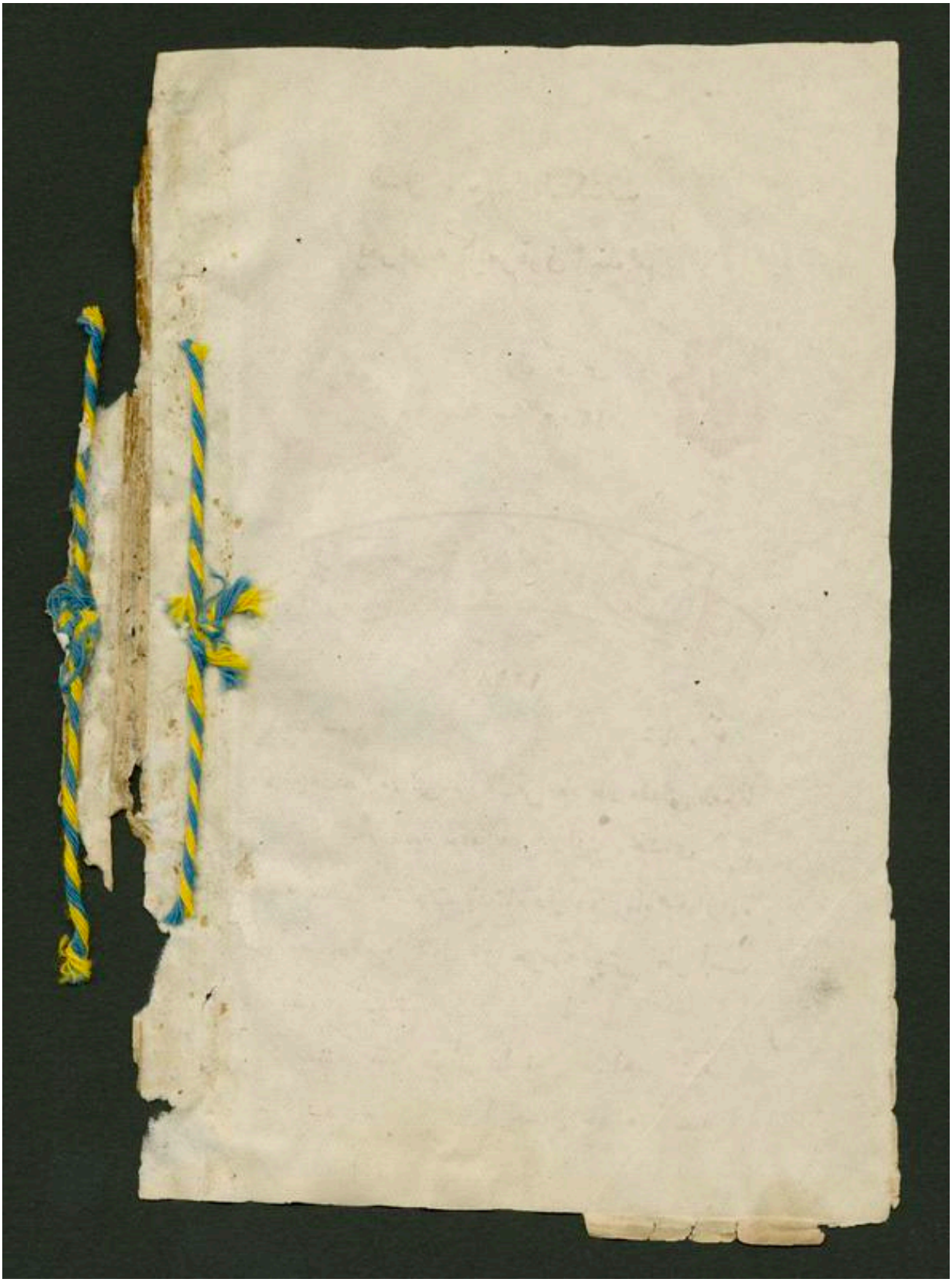

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 343 of 596

فهرست مندرجات

	مضمون	صفحه
(۱)	وسعت زبان	(۲)
(۲)	چای	(۱۵)
(۳)	یك مکتوب طالب علمی از فرانس	(۱۹)
(٤)	خبر مختصر دیکر از پیرس	(۳۰)
(٥)	مجلس بحث واتحاد	(۳۱)
(٦)	معارف ومنبع آن از قلم میرزا عبدالرؤف خان محرر مدرسه حبیبیه	(۵۳)
(۷)	ناول مابعد از شمارهٔ کذشته	(۵۸)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 344 of 596

بسم الله الرحمن الرحیم

وسعت زبان

طفلی نامهای اشیای خانه را یاد گرفته بتدریج چون جوان و پیر میشود حسب حیثیت خود اسمای چیز هائی را که درشهر و ملکش موجود است درمعلومات خود جمع میکند — وعلم ادم الاسماء کلها — البته انسان کامل نمیکرددتانمام اسمارا نیاموزد طوائف متفرقهٔ افغانستان درعلاقه‌ها ودره های خود زبانهای مختلفه دارند مثلاً ار مری ، پراچی ، پشئی ، شغنی جدیدی وغیره — بعد ازمخالطه ومراوده بدیگر قبائل کلماتی که درین زبانهامعدوم است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 345 of 596

افزوده میرود - علی هذا القیاس پشتو بسبب آمدورفت افاغنه بدیگر ممالک نسبت بزبانهای متذکره بالا وسعت بس زیادتر را دار ا شده است وفارسی که آنهم صورت لسان دربار وبازار را اختیار کرده فی زما ننا در افغا نستان از پشتو بیشتر مروج است یك فسحتی را مالك گردیده است که باین اعتبار از فارسی ایرانی وسیع ترگشته است — یك فیروز کوهی را که در مملکت ایران سیاحت کرده باشد بکابل آورده در مجلسی بنشانید تا مکالمهٔ ذیل را بشنود :-

نتو — چجو آغا جور هستی ؟

چجو — نتو آغا طبع تو کوك است دمت چاغ

(مسافر حیران مینماید و لغاتی را که او نفهمیده ما بیان می کنیم — نتو چجو نامهای هندیست ازنت وچج مشتق که هردو لفظ نتهه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 346 of 596

وچهچ وفهو وچهچو بوده بمعنیٔ کسیکه بینی
اش سوراخ شده باشدودیگر اینکه بقرار نذر
جاهلانه درشیر خورکی بالای چچ کشتانده شده
باشد ـ جور از جور برامده که در هندی
درست را میگویند وکوك صدای موزون است
وچاق درترکی فربه را گویند)

نتو ـ بیا که امروز میله کنیم ـ متیائی
میطلبیم ـ کرمساله دار درتو کری است .

شیرپیره ـ حلوای سوهن ـ جلیبی ـ پکوره
باپر لچی حلوا ـ حلوای سوجی ـ ازسائین قنات
میخواهیم ـ شلغم بته و کچری خودم می پزم .

چچو قرم ساق! میله بی سازبسیار پکی
دارد ـ بیرمی وپهاری ـ آسا بهاك ـ شام کلیان
نت کلیان ـ جوك ـ دیس ـ پیلو همه را
خوانده میتوانم همراه حجازی افشاری وغیره .

(بازفیروز کوهی را فهماندیم که شیرینی ها

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 347 of 596

ومقامات موسیقی همه هندی بودبان یکدو لفظ ترکی)

نتو — هاندی وال — قوغ بیار که بلکه کنیم — سوته ودنده و دانك را می‌سوزانیم — صدقهٔ سر امیر غازی حالا حاجت این چیزها نمـاندہ — امن وامان قائم است . لرائی — جگـره — چل وقند — جرکی وجلـکی — تیله وتمبـه — انك بتك — دکه و چپه — جنجال درپچال — تکی‌مکی همه فساد ها کمشد

چجو — یك گری می شینیم هرکاه فلانی فـلانی تیلی دوبی بنیه گربدگر رسیدند بیرون می‌برائیم تاهری ری جـواری وسیل دیکر بته ها بکنیم. ناچار ازچقریها وکندو کپوتیر شده میرویم چرا که کادی کرائی ما چتی شده — تتو پچاری خود را کنده بوده بالای بکی‌لفت انداخت جوت شکست‌دره شکست — ازدیودی برامد پایش در موری افتاد — الهیته شدیم —

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 348 of 596

اوکار شدم بهمین سبب پی بسته کرده ام —
ماؤله واری میدیدم هرچیز گدود شد .

فیروز کوهی گفت که بظاهر در فارسی حرف
میزنند ومنکه کتابهای فارسی را خوانده
در ملك ایران هم گشته ام غیر از چند کلمهٔ اول
وآخر دیگر هیچ پی نمی برم که چه میگویند
گفتم که کابل شهر ایران نیست ورنه زبان اهالی
آن ایرانی ـ فاتحین افغانی ممالك ترکستان و
هندوستان را چون در تصرف خود آوردند
بر اکثر الفاظ زبانهای شان هم قبضه نمودند و
این تنوع لسانی از فائده خالی نیست مثلاً در
فارسی کلمهٔ درخت عام است و در کابل درخت
آرا میگویند که چوب داشته باشدو بته آنست
که تنه اش بچوب است ـ این را ازهندی گرفتند
از بوته اگر تفصیل میخواهید چندی بعد از
کتابی خواهید یافت که زیر تالیف ماست ودر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 349 of 596

آن همه کلمات هندی که بتعداد صدها درفارسی کابل داخل شده است با معنی درج خواهد شد

نتو ـ الوخو شدحالی پلو وچلو هم بیارید که رفیقها همکی رسیدند ـ میانه کال شان چند نفر بچهٔ مکتب هم است

چچو ـ درقات آنها یکی برادر ـ کهٔ ماست که از جماعت بدعتیه حالی بالارفته است نمیدانم در کدام جماعت ـ ماخو نامهای جماعت های شان را نمی فهمیم ـ گفته بود که آنا لاله من غایت که میله کردید مرا هم خبر کنید تایك مقاله بخوانم ـ

نتو ـ مقاله چه غال مغال خواهد بود خیر کوش میکنیم

بچهٔ مکتب ـ حضار کبار اگر چه ما اهل معارف بعلم و عرفان اشتغال ورزیده از ارتباط جهال اجتناب مینمائیم اماچونکه ذاتاً

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 350 of 596

من خویشتن رااز شمااهالی وطن عزیزم بیشادم
بمعیت من دیگر برادران کرامم هم تنزل فرمودند
که با المشافه بعضی نصائح ارائه کنیم تا شما را
از حضیض نکبت بر اورده باوج رفعت برسانیم
اولا نیك تفکر کنید که درین قرن حاضر هیچ
ملت ارتقا نجسته تا ز شعشه بانی علوم وفنون
منور نکشته ـ شما چونکه بلحاظ سنین بدرجهٔ
من الـکبر عتیا بالغ شده اید فلذا موفقیت برای
تان فقط درهمین صورت است که بجرائد اشتراك
نمائید ـ صرف نظرازانواع خبرهابمی مقالات
فنیه در آن قرائت میکنید ـ بادیگر قارئین کرام
تصادف کرده در معلومات خود توسع راتولید
مینائید ـ ازاثرهای علمااقتباس کرده درنشر
صحیفه های مجلات مجهودات ابراز کنید ـ حضار
کرام ! بانظار دقت منظور سازید که فرانس
ها روس هـا وغـیره از انشا آت و حفریات

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 351 of 596

خزائن مضبوط را از بطن ارض کشیده بید
اقتدار خود آوردند - بفعالیت فدا کارانهٔ
خود ها اولاد های اوطان بلکه انسانهای
جهان را تبشیر کردند - ممنون شدند وعالم
تبریك شان میکوید - پادشاه مراحم اکتناه
غازی شان مکاتب فیوض مکاسب تاسیس فرموده
استقلال واز آن بس بتعال ترقوانین نافعه جهت
شما ارزانی نموده تقدیر آن نمائید - از الطاف
رایکانش مستفیض شده اکمال نواقص خود بکنید
بتشبثات عالیه او معاونت ناموسکارانه ورزیده
تشکر نمائید - افکار خودرا تنویر داده در
مخابرات ومذاکرات ملیه و دولیه مبادرت
وادامه را شعار خود سازید تادر تجارت وثروت
شان عمران و آبادان رخ نماید - از دسیسه ها
وانتریکه های اعدای ملت هشدار بوده برعایه
شان آمادکی ندافعی نی بلکه تعرضی وظیفهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 352 of 596

مقدسه ماست ـ درملل این کره رفتار عادی
واسبق نمانده بلکه کشفیات جدیده تشکیلات فوق
العاده را ممکن گردانیده است ـ سجیه های
اعضای کابینه های اوروپا را مطالعه نموده
مفکوره های خودرا تطبیق بدهید واز حرث
مغرب کسب انوار نمائید ـ ازارادهٔ های میامن
وسادهٔ شاهانه ابواب حکمت بروی تان مفتوح
شده است ـ شرف مزیت تامین حیات از
تجهیزات ملوکانه انبیات وجود نموده ـ میکروبهای
مضره بلکه مهلکهٔ ارتشا وفیشن های مسرفانه
را قلع وقمع شده جاء الحق وزهق الباطل ـ ای
ملت اشرف افغان ! ازین طنطنه های اصلاحات
استفاده کنید ـ تجاهل تا کی تغافل تاچند !
« کوی توفیق و کرامت درمیان افکنده اند »
« کس بمیدان رو نمی آرد سواران را چه شد »
پیشتر فیروز کوهی سوی ما می نگریست حالا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 353 of 596

همه اهل مجلس دنك مانده ششدر طرف ما
دیدند البته اینقدر فهمیدند که کلام بچهٔ دکتب
بسیار بلند بود مثل بیدل کوه و کتل داشت
بران بالا شدن فقط کار تعلیم یافتگانست و همین
بود مدعای طالبعلم مذکور که مردم عالم فاضلش
بخوانند و همین است غرض اکثر اشخاص که
از استعمال محاورات بدیعه و کلمات غریبه مابین
مردم بعلم وفضل نامزد کردند ع مطلب ارباب
علم از قیل وقال اینست وبس کلم الناس علی قدر
عقولهم « حدیث نبویست در تائید این آیهٔ شریفه
وعظهم بالحکمة والموعظة الحسنة » مقصد از
فهمایش وتأثیر وتبلیغ است که بواسطهٔ آن در
اعمال افراد ملت رشد وهدایت بروی کار آید
چنانچه یکی از طلبای مذکوررا گفتیم که مقالهٔ
مزبوره را بفارسی آسان ترجمه کرده بحاضرین
واضح سازد ـ درانثنای توضیح بعضی ازایشان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 354 of 596

که چیزی خوانده بودند چند ایراد آوردند
مثلاً اولادها انسانها جمع است خلاف قاعده
فرانس‌ها روس‌ها اگر صحیح باشد بجای افغانها
ترکها هندوستانیها آیا افغانستانها ترکستانها
هندوستانها آیا گفته میتوانید منظور ما مقبول
را میگوئیم شما دیده شده را گفتید علی ذالك
القیاس مضبوط ما محکم را میگوئیم شما ضبطی
را گفتید جوابدادیم که مفعول نظر و ضبط همین
است و محکم هم کاهی مقفل را میگویند البته در
بعضی الفاظ اختلاف معانی است مثل عادی که
پیشتر عادت کرده یا کرفته را میگفتند و حالا
چیز معمولی را میگویند ـ باقی همه وسعت زبان
است که اگر یکجای غیر معمولی بگوئیم دیگر جای
از اجتناب تکرار فوق العاده فصیح است اما
از محاورهٔ سابقهٔ زبان خود قطع تعلق کرده بلا
لحاظ مخاطب فقط الفاظ جدید بیان نموده و

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 355 of 596

سقامت فکر وکم ظرفی دال است شخصی را که
قرائت وتقدیر بنظرش مخصوص بتلاوت قرآن
وقسمت ازلی باشد چرا بالفاظ روزمره خواندن
وقدر کردن همکلام نسازید ؟ اگر آدم خارج
اتفاق را صرف بمعنی اتحاد دانسته باشد استعمال
تصادف بجاست ورنه ملاهای ما اشتقاق اهل
را بصدف یا هم بصدفون برده مغزهای خود
خواهند خورد افشای کلام بالفاظ کلان وغیر
مانوس درعوام وخواص قابل استهزا آمده
است در بازار کابل همین قسم کلاوه گفتار
لغزیده وافتاده گفت :—
وای ..... دکاندار شنیده وفهمیده جوابداد :—
بخ بخ ..... گفته راه برو .

حکایت شخصی معروف است که ازرفیق خود
کاه برای اسپ خواسته بود — نوکر تهیدست
آمدو گفت که بعوض دادن کاه رفیق شما قرآن

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 356 of 596

میخواند زیرا او جوابداده بود که در اصطبل
ماحشیشی نیست که عصفور در منقار خود تخطف
کرده طیران نماید —

هرسخن موقع و هر نکته مقامی دارد

. .
.

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 357 of 596

(چای)

در جداول محصولات چای از آنجمله اشیاست که در دخل دول در جهٔ اول رادار است در اوائل استعمالش گمان رفته بود که این مدر حرارت غریزی است اما بعد از تجارب محقق شد که این از آن محرکاتست که در بدن حرارت غریزی تولید کرده من بعد مورد هانقدر رودت میگردد - از آنجهت خواهش دیگر چای واقع میشود وپس از تحریك مکرر باز یك قسم خمار رو مینهد وبدین نهج دور تسلسل صورت بسته کثرت عادتش منتج شده است این نقص را مشاهده کرده اول از کان حرب آلمان چای وقهوه را بعوض بخنی گوشت از سپاه موقوف نمودند - اعلیحضرت غازی همراه دیگر اشیاء مضره ومسرفانه برچای هم افزونی محصول وارد کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 358 of 596

ورودش را در وطن عزیز کم فلذا استعمالش
را باعالی تقلیل فرمودند اگرچه از اهل تجارت
شکایات برخاست و بعضی مدبران معموری بیت المال
را در تهدید قرار دادند اما نظر وسیع شاهانه
که بترفیه ملت میافتد فائدهٔ کل را مرجح دانست
حالا چای نوشی جاریست اما بسبب کرانی لاعالة
باعتدال و همین بود مدعای بلند شاهانه که حاصل
شد ـ اگرچه ترک مباحیکه در آن مضرت
جسمانی و مالی مضمر باشد مستحسن است اما
چونکه نسبت بخمر و دیگر نشه های مهلکه عادت
معتدلش بوجه رواج عمومی قبیح نیست لهذا
اشعار طرزی مغفور را بلاخیال تشویق بلکه
بلحاظ تقدیر و تادیب درج مینمائیم

(بیت)

بادهنوشان کرنان هست بدل میل شراب
ساغر چای بنوشید بجای می ناب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 359 of 596

جرعهٔ چای بدل زند کهٔ خضر دهد
خورده از آب بقا سبزهٔ آن کوی آب

تا که چای ختنی دیده شراب عنبی
بسته از جام زجاجی برخ خویش نقاب
کو بیا وقدح چای خطائی بنگر
ایکه کوئی نشود جمع بهم آتش و آب
سبب گرمی هنگامه بود هر روزی
خاصه آن روز که خورشید بود زیر سحاب
پیررا جرعهٔ آن بهتر ازایام صبا
شیخرا شمهٔ آن خوشتر ازایام شباب
چشم ازباده بپوش وقدح چای بنوش
که بهر حال به ازکار خطا فعل ثواب

باوجود مناظرات اقتصادیه که تجارت آزاد بهر حال اولی است فریق مخالف مثلاً سیاسیون امریکه وجرمنی حمایت اشیای وطنی رابافزونی محصول برهمان چیزهائیکه بالمقابل ازخارج وارد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 360 of 596

ملك میشوند شعار خود داشته اند اعلیحضرت
حقایق آگاه نیز برای ترغیب ازیاد مواد ملی
همین وتیره اختیارفرموده اندنظم ذیل چونکه
اطعمهٔ وطنی را از طبع یك شاعر ملی بیان
میکنند بنابرین نقلش را بطور نقل میشماریم -

میان ماو پلو سخت محبت ازلی است
گواه شربت قندو چکاوهٔ عسلی است
اگر توقورمه بینی شهید کن خود را
که مرکبهای چنین خوش نشان زنده دلی است
چو چشم خویش کشودم بروی زرده پلو
زرنك وچهرهٔ زردش یقین شدم که ولی است
بیا و عزت و تعظیم بته شلغم کن
چرا که نعمت پروردکار لم یزلی است
نبود عالم عاصی که این سخن میگفت
قروت بی کچری هم کمال بی ادبی است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 361 of 596

یك مکتوب طالبعلمی ازفرانس

چون مکتب محمدیهٔ علیگره سالها بعداز تعلیم دینی ودنیاوی چند نفر چنین طلبا پیدا کرد که تاسیس یك انجمنی بنام الفرض جهت فراهم آوردن روپیه برای طلبای محتاج نمودند بانی آن مکتب اسلامی بطمانیت صمیمی گفت که ثمرهٔ اول این شجرهٔ علم حاصل شد یعنی غرض نمائی مکتب که برآوردن تعلیم یافتگان همدرد وخیرخواه اهل وطن است چهره نمائی کرد بحقانیت گفته میتوانیم که علت انتهای فرستادن طلبای افغان بیورپ شعاع انداخت که منوریت مابعدش را ازین مقایسه کرده میتوانیم سالی که نکوست ازبهارش پیداست اعلیحضرت غازی مربیٔ علم را که تشبث زبردست اعزام طلبا بخارج فرمودند تهنیت گفتن را جرات

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 362 of 596

میباشم برین مکتوبیکه محمد عظیم خان طالبعلم
رشدیه سوم ازمیان مشاغل علمیهٔ مکتب بسی
مشلیٔ پیرس برای برادران مکتب وطنی خود
مرقوم نموده است چون او در مکتب حبیبیه
مهتمم محفل ائلاف بود که بواسطهٔ آن روابط
طلبای موجوده وسابقه ادامه کرده میشود لهذا
وظیفهٔ لطیفهٔ خود را بوجه احسن ادا نمود
ونخواست که برادران خود را فراموش کرده
بنصائح مخلصانه ازحسیات بدیعیکه بمشاهدهٔ پیرس
وار عروس البلاد عالم محرك دل میشود محروم
شان گذارد چنانکه ازرقیمه‌اش معلوم میشود
تقدیر وقت عزیز خود بسیار میکنند باوصف
آن مصرف نیکوی وقت خودرا درین ملاحظه
کرد که اخوان مکتب را بتصویر مقبرهٔ یکی از
اعظم فاتحین جهان وبسخنان غیرت آور یاد نماید
ازینجا موقع پروانیدن این امید بدست میاید

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 363 of 596

که طلبای افغان باوجود نواحی اجنبی تصرف تدین وافغانیت خود را راسخ ومحکم خواهند داشت باـکه آن نتیجهٔ مدرسه را که حضرت سعدی رح مختص بطلبه فرموده است بدیگران افاده خواهند کرد

صاحبدلی بمدرسه آمـد زخانقاه
بگسسته عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عابدوعالم چه فرق بود
تاکردی اختیار ازین آن طریق را
گفت آن کلیم خویش بدریا میبردزموج
وین جهد میکنند که بگیرد غریق را

درتائیداین امداد واصلاح دیگران حدیث نبوی را ایراد میکـنم (من کان لاخیه کان الله له) کسیکه درخیر وبهبود برادران خود میکوشد خدای تعالی خود ترفیه وترفیع اومیفرماید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 364 of 596

مکتوب موصوف

هم‌صنفان عزیز ، وباقی برادران هم‌مکتب خودرا تعظیات میرسانم ! برادران من اول ازحضورتان معافی میخواهم که اگر اسم مبارك هرکدام را تحریر کنم ضیاع وقت میشود ، وچونکه همهٔ شما طالب العلمید وقیمت وقت را میدانید خصوصاً قیمت وقت مارا ، لهذا ازین رهگذر عذر طلبیده بعضی معلومات خود را مختصراً تقدیم حضورتان میکنم .

برادران من بعداز مرخص شدن حضور اعلیحضرت همین است که اول طعام چاشت‌را در بکرامی تناول نمودیم بعده یك‌شب درباریك آب ویك شب بسرخ پل وسه شب بجلال آباد ویك‌شب به پشاور ودو شب‌را به‌ریل گذشتانده به بمبئی رسیدیم بعداز توقف دوشب در بمبئی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 365 of 596

بجهاز سوار گردیده بعداز (۱٤) شب بمارسیلز
رسیدیم وقدم بخاك گذاشته یك شب را درهمانجا
بسر برده فردای آن بساعت (٥) عصر بطرف
پاریس بتوسط ریل روانه گردیدیم ساعت (۷)
صبح بود که درپاریس رسیدیم بعده دریکجااز
مدرسه ها داخل گردیده مشغول تعلیم زبان
فرانس هستیم اینست کوائف مختصری که براه
واقع شده

عزیزان من! یوم یکشنبه که جمعهٔ این مردم
است مدرسه ها مرخص بود ومایان نیز جهة
سیر ازمدرسه برآمدیم اول جائیکه دیدیم مقبرهٔ
نپولین بوناپارت بود که همه شما نام آن راشنیده
باشید . (طرزساخت گنبد وباغ مرقد مذکور)
یکباغ بسیار وسیع است وپیش از دفن نپولین
کلیسا بود مگر (٤۱) سال شده که نعش نپولین
را ازجزیرهٔ سنت هنیا آورده اینجا گذاشته اند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 366 of 596

درین این باغ یك کنبد عالیشان بنا کرده شده
چون در کنبد داخل شده دیدم که در وسط
آن یك چقری مدور که قریبا $\frac{1}{2}$ کز نصف
قطر آن میشو دو عمق آن نیز تقریباً $1\frac{1}{2}$ کز
همه سان کنبد از سنك مرمر سفید فرش کرده
شده ودر وسط آن چقوری یك مرقد بسیار
عالی مقش از سنك مرمر نصواری شکل ساخته
شده بود ، ونشان نپولین را از طلا ردو طرف
آن نصب کرده بودند ودورا دور آن مجسمه
ها گذاشته بود وبیر قهانیکه بجنك های
متعدده حاصل کرده وفتح نموده آنجا نهاده
بودند ودر دالان دیکر مرقد برادر نپولین که
بعد ازفتح سپین پادشاه آنجا بود وبدالان دیکر
مرقد برادر دیکرش وبدیکر اطراف مرقد جنرال

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 367 of 596

های مشهور فرانس ودوست های نپولیون
بودند ازانجا گذشته بطرف دیگر گنبد آمدم
که دروازهٔ داخل شدن بمرقد نپولیون بود وبالای
آن دروازه باب ازوصیت آخری نپولیون را
تحریر کرده بود که دروقت مرگ گفته بود :—
(من میخواهم که اول درفرانسه بخاک خویش
مدفون شوم مرقد من باید که بجوار دریای
سین باشد هرکسی دوست من درفرانسه باشد
اجرای وصیتم را خواهد کرد) ازانجا نیز
عبور نموده دریك دالان کلان داخل شدم این
دالان برای عبادت شان مخصوص است مگر
بعداز دفن نپولیون محض زیارت گاه مردم فرانسه
شده بطرف چپ یك دالان دیگر بود بانجا داخل
شدم اول مجسمهٔ سر نپولیون بعد ازموت ساخته
شده بود دریك قطی بلورین بهیك دستمال مخملی
پیچانیده گذاشته شده بود ودرسان دالان تابوت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 368 of 596

نپولین که از جزیرهٔ سنت لنیا آورده بودند نهاده
شده بود وازان بعد یك چندتکه سنك های
بسیار درزمین که قریباً ۵ فوت عرض ودو
فوت ضخامت و۶ فوت طول بودنهاده بودند
واین سنگی است که بعد ازموت نپولین بجزیرهٔ
مذکور انگلستان بالای نعشش گذاشته بود
که مبادا واپس زنده شده از جا برخاسته موجب
قتل ما گردد ودر دالان کلانی که پیش ذکر
شده دو قطار بیرقهای فتح نپولین نهاده شده
بود ، وبالای دالان رخ بطرف بیرون مجسمهٔ
نپولین ساخته شده بود ، ازین دالان خارج
شده دریك حویلی کلان داخل شدم که هرچهار
طرف آن عمارات بلند بلندی ساخته بودند
ودرین حویلی جهاز های جرمنی وتوپ های
جرمنی وغیره آلات مدهشانه خونریزانه که جرمنی
ها نو اختراع کرده بودند ، ودرجنك موجوده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 369 of 596

بداست فرانسه ها آمده بودمحض یادکار گذاشته بودند

کسانیکه جهت خدمت مقرر اند آنکسانند که درجنك موجوده زخم دارشده بودند و حالا صحت یافته اند (چیزیکه من دربارهٔ این کتیبه تحریر کردم یکی ازهزار خوبی اش را بیان کرده نتوانسته ام) به بینید حسیات وطن پروری ایشان را — آیا نیپولین چه کرده بود بدون اینکه جان خودرا بمخاطره زیاد انداخته نگذاشت که خاك وطنش پامال اجانب گردد تا وقتیکه جان خود را فدای وطن خود نکرد لحظهٔ آرام نگرفت ودقیقه عشرت را بر خود حرام دانست وازخیالات بلندش خبر خواهید داشت که گفته بود (که اگر لطاقت می بود لفظ ناممکن را ازلغات همه عالم محو می ساختم) امروزه روز مظهر فخر فرانسویان گشته که

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 370 of 596

اسمش را بچه تعظیم یاد میکنند وبچه حسرت بزیارتش میروند . بلی درست است که هرکسی جان خود را فدای دین وملت کند وتا دم حیات به نگهداشتن خاک وطن محبوب القلوب خود بکوشد ، باعث فخر هموطنان خود خواهد گشت مدعایم ازتحریر کردن مرقد نپولین چه بود همه شما خواهید دانست علاوه ازان این یك امر را گاهی فراموش نکنید که امروزه روز قدر وقیمت انسان بعلم است نه به نسب وجاه ، بکوشید بکوشید تا کوه مقصود را بدست آرید .

ودرهرکار خود متوجه بوده کار یکروز را بدیگر روز نگذارید که باعث نقصان زیاد میشود قدر وقیمت وقت را بدانید که بواسطهٔ همین بدرجات عالی میرسید ضیاع وقت را ناروا میپندارید که خدا نا کرده موجب خسارت نگردد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 371 of 596

وحتی‌الوسع صفائی را ملحوظ داشته باشید تا
بتوانید الفاظ های شیرین را استعمال کنید
که موجب جلب قلب هموطنان تان گردد ، به
بینید و برحال اسف اجتماع خود گریه ها کنید
که همه اوضاع واطوار اسلامی را از دست
دادید ، وهمه را ازنزد شما گرفتند ، وعلم که
باعث حیات ابدی انسان است ازدست تان رفت
همت کنید ، کوشش کنید ، سعی کنید ، غیرت
کنید ، وآن رفیقان گم شده را پیدا کنید ،
زیاده امید میکنم که اینقدر تحریر من موجب
نا راضی تان نگردد واینحقیران ازیادتان نرود
وبدعاهای خود بیاد مان کنید که در بین آتشیم
وخداوند بمقاصد مان کامیاب گرداند کهواپس
بوطن خود مراجعت کنیم

محمد عظیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 372 of 596

خبر مختصر دیگر از پیرس

همه طلبای افغان بنهایت اعزاز و اکرام
در پای تخت فرانس وارد شده در مکتب معروف
لیسی مشلی داخل تعلیم گردیدند حسب القواعد
آن درسگاه بضبط و ربط تمام مشغول تحصیل
اند یك اطاق کلان جهت ادای صلواة علیحده
کرده شده که دران نماز بجماعانه بدرستی میخوانند
ارکان حکومت باحترام و محبتی معاملت مینمایند
که باعث ممنونیت است غلام محمد خان رسام
نامدار افغان را بدارالصنعتی باریاب نمودند که
شاذونادر بکسی اجازهٔ سیر آن داده میشود یك
یك تصویر بمبالغ خطیره خریده شده بود از
انجمله مصور موقرما ادعا مینماید که مساوی
بنجاه هزار روپیه آن را یك رسم کرده میتوانم
توفیق از باری تعالی برای مصور میخواهیم .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 373 of 596

هو العزیز العلیم

مجلس بحث واتحاد —

یوم پنجشنبه ۱ برج قوس که روز انعقاد مجلس بود بوقت معین بعد ازان که اساتذه و طلبای مکتب بجا های مقررهٔ خـود سکونت پذیر گردیدند محمدامیر (صنف رشدیه چهارم) منشی مجلس برای آگاهی حضار محترم چنین بیان نمود !

در ثبوت این امر که آیا برای نفی نوع بشر راست گفتن سبب فائده ومنفعت میگردد یادروغ مصلحت آمیز ، هرکسیکه مقالهٔ تحریر داشته یاشفا هاً چیزی میگوید آزادانه تقریر کرده میتواند :—

ازان رو محمد امیر صنف مذکور بنزدمیز سرمحفل تقرب ورزیده بعد از خطاب حضار

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 374 of 596

مقالهٔ هذا را درفضیلت راستی قرائت نمود :

این یك امر ظاهر وهویداست که راستی سبب ایمنی و رستگاریست ، که عزت و وقار آدمی بواسطهٔ راست گفتاری وراست کرداریست چه راست گو بنظر جمیع خلائق باشرف وباتمکین میباشد ، انسان رالازم است که گاهی زبان خود را بدروغ گفتن مایل نسازد ، زیرا که اگر زبان انسان بدروغ گفتن مایل گردد بالاخر بدرجه میرسد که کاذب بزرك درمردم مشهور میشود وهیچکس برقول وفعل او اعتبار نمی کنند ـ چنانچه رسول اکرم (ص) فرموده است که (الصدق ینجی والکذب یهلك) یعنی راستگوئی انسان را نجات میدهد و دروغ گفتن آدمی را بهلاکت وذلت مبتلا میسازد، و یکی از مشهور ترین علامات منافق دروغ گفتن است :ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 375 of 596

چنانچه یك حکایتیست که روزی یك شبان رمهٔ خودرا بصحرا بیرون کشید ، در بین راه بدل او خیال گشت که امروز اندکی دروغ گوئی کنم که نتیجه آن چه خواهد شد — شبان موصوف دفعتاً در بین صحرا باآواز بلند صدا کشید که ای مردم بزودی بیائید که گرگ رمهٔ من آمده است مردم رهرو و غیره آواز آنرا شنیده بهمراه خودها بعضی آلات جارحه را گرفته برای مدافعهٔ شبان رفتند . دید که هیچ درمیدان نبود ، چوبان را بسیار لت و کوب کرده واپس بجاهای خود عودت کردند — شبان دو سه روز همینطور صدا ها میکشید — آخر کار روزی یك گرگ برمهٔ او آمد هرقدر برای مردم صدا کرد هیچکس برای حفاظت و مدافعهٔ او نیامد ، شبان مذکور بهمراه رمهٔ خود تباه و هلاك گردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 376 of 596

حکایت دیگر اینکه روزی یك شخص بربام
خانه بالا شده باآواز بلند فریاد کرد که بخانه
من دزدها آمده اند وقتیکه این آواز بگوش
اهالی قریه رسید ، تمامی آنها برای محافظت
او حاضر شدند ، وقتیکه دیدند که هیچکس
نبود واپس گشتند ، بعد از چند روز بخانهٔ
مذکور دزدها آمدند هرچند که اوصدا ها
کشید که بخانه من دزد ها آمده اند هیچکس
بقول وفعل او اعتبار نکردند چرا که شخص
مذکور بدروغ گفتن شهرت یافته بود : —

چنانچه ازین بیت اثبات این امر بخوبی
کرده میشود —

اگر مشتهر شد بقول دروغ
وا گر راست گوید تو گوئی خطااست

ازان سبب همسه مال واسباب او تاراج
گردید ، ازین مثال ظاهر و مبرهن گردید که

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 377 of 596

دروغ گوئی سبب هلاك وخرابی انسان میگردد
وراستی انسان را از ورطهٔ عذاب رهائی
داده بسر منزل فلاح میرساند —

اگرچه درسیاسیات بعض اوقات دروغ
مصلحت آمیز فائدهٔ برای ملت وسلطنت می بخشد
چنانچه ازین مثال ظاهر میگردد —

در زمانی دو پادشاهان بودند که همیشه
آنها یکی ردیگری لشکر کشی ها می کردند
آخر کار یکی از یشان مغلوب شده از دولتی
دیگر برای معاونت و امداد خواست وقتیکه
پادشاه دیگر ازین واقعه آگاهی یافت که او برای
خود از دولت دیگر امداد فوجی طلبیده است
او فورا یك نامهٔ برای شهنشاه دولت مذبور
تحریر نمود — بدین مضمونکه شما بهراه من
درایام سابق وعده داده بودید که هرگاه جنگی
دربین شما واقع شد من اورا بیك فریبی بدست

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 378 of 596

شما خواهم داد حالا اگر بوعده خود وفا کنید
که اورا محبوس کرده بدست جلادانم بدهید
بسیار ممنون احسان شما خواهم شد ، نامه را
دربین فرقان حمید نهاده و بر آن امضاء خود را
کرده نامه رابدست قاصد داد که این را برای
بادشاه ببرید ودر اثنائیکه شمابافواج مغلوب مقابل
شدید بگوئید که من مخبرهستم قاصد همانطور
کرد — وقتیکه قاصد نزدیك لشکر رسید مردم
آنجا او را مخبرخیال کرده از نزدش تلاشی
کرفتند بوقت تلاشی کرفتن از زیر بغل او
قرآن شریف را یافته دربین آن یك قطعه کاغذ
را دیدند وفورا کاغذ را بنزد بادشاده مغلوب
بردند — چون کاغذ را خواند خیال کرد —
شهنشاهیکه برای من امداد فوجی داده محض باین
لحاظ است که مرادست کیر کرده برای آن
بادشاه بدهد — باین خیال از قصر رامده خود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 379 of 596

را از شهر فرار نمود — ملك وسلطنت را
برای او گذاشت — پادشاهیکه نامه را برای
شهنشاه تحریر کرده بود کامل غلط بود یعنی
شهنشاه بهمراه او آن عهد را نکرده بود بنا
برسبب این دروغ مصلحت آمیز پادشاه دیگر
را مغلوب ساخت . هرگاه پادشاهی دولتی را
بواسطهٔ دروغ فتح کند امابار دیگر در بین
دول بدروغگوئی مشهور شده باردیگر اگر
راست هم گوید هیچ دول برقول او اعتبار
نمیکنند .

هرگاه شخصی برای چند نفری بگوید که
من برای شما مبلغ کثیر خواهم داد بشرطیکه
فلانه شخص را بواسطهٔ شهادت دروغ بقتل
یاتوقیف رسانید یا کدام شخص که ردیگری
حکمران باشد وبرای زیردست خود بگوید که
بر فلان شخص دروغبگو یاترا از تو کری

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 380 of 596

معزول میکنم درین دوصورت اگر اشخاص
مذکور نوکری ومبلغرا قبول کرده بیك برادر
مسلمان خود شهادت دروغ بدهد که از سبب
آن بقتل یا خراب کردد اگرچه درظاهر برای
آنها نفع حاصل شدزیرا که اگر برآنها کسی
واقفیت یافت اولاً بدنیا جزای خود راخواهد
یافت و هرگاه کسی بران واقف نشد بالضرور
روز قیامت از ایشان جزای شدید کرفته خواهد
شدو بدوزخ سرنکون خواهد رفت — باوجود
این هم اگر در دروغگوئی برای انسان نفع
کثیر برسد که بواسطهٔ آن غنی کردد، اما ازان
سخت اجتناب ورزند عموماً برای کافهٔ اهل
اسلام و خصوصاً برای طلبای مکتب بسیار لازم
است که ازدروغگفتن وباقی افعال شنیعه اجتناب
وپرهیز کرده تارضا مندی الله تعالی (وپادشاه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 381 of 596

غیور غازی) ترقی خواه معارف پرور خودهارا
حاصل نمائیم فقط .

بعد ازان عبدالشکور خان صنف
ابتدائیهٔ پنجم الف در فوائد دروغ
مصلحت آمیز چنین بیانات داد .

جناب سر محفل و برادرانم این امر روشن
و مبرهن است که راستی بکانه ذریعهٔ عزت و وقار
و واسطهٔ نایل شدن بشرافت اعتبار است فحوای
حدیث منیف حضرت رسول فی الصدق نجات
انسان را از ورطهٔ هلاکت بساحل فلاح میرساند
پس باید که دائما در گفتن راستی ساعی و کوشان
بوده آنرا عادت خود سازیم ودروغ اگرچه
اندك باشد خجالت وشرمساری زیادی میآورد
و همچنین در خبر آمده است که لا کبر الکبائر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 382 of 596

قول الزور و شهادت الزور یعنی کلانترین گناهان
کبیره دروغ گفتن و شهادت دروغ است پس
از آن اجتناب لازم است لا کن در خصوص
اینکه آیا دروغ مصلحت آمیز خوبتر است یا
راستی محض بهتر بخیال بنده دروغ مصلحت آمیز
براستی بهتر بوده دلائل خود را برای حضار
کرام بیان می نمایم :-

اکثر امور سیاسی مرکب است از حیل مکر
فریب که او دروغ مصلحت آمیز است و
بمقتضای حدیث شریف که « الحرب خدعه »
یعنی جنگ مکر است فوائد آن اکثر ظاهر گردیده
است چنانچه بعد از فوت اعلیحضرت تیمورشاه
که یکی از بادشاهان افغانستان بودشاه زمان
پسرش بر تخت کابل جلوس کرد ، شهزاده محمود
که ازطرف پدر خود حاکم هرات بود از متابعت
آن ابا نموده بمقام حرب بر آمد اعلیحضرت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 383 of 596

شاه زمان نیز باو مقابله نموده شهزاده را شکست
داده هرات را متصرف شدو پسر خود شهزاده
قیصر را بحکومت هرات مأمور نمود شهزاده محمود
در طهران نزد فتح علیشاه قاجار پناه برد از جانب
شاه ایران احترام زیاد دید حتی که شاه مذکور
بعد از مدتی چند نفر از امرای خود و یك
عسکر باو نموده بجانب هرات فرستاد که حکومت
خود را از شاه زمان مسترد سازد شهزاده محمود
با امرا وعسا کر ایرانی اول بغراه آمده بران
قابض گردید و ازانجا متوجه گرفتن هرات شد ـ
شهزاده قیصر با محمد زمانخان که یکی از اعیان او
بود بعزم محاربهٔ شهزاده محمود استیصال نمود بعد
از وقوع محاربه شهزاده قیصر هزیمت یافته وارد
هرات گردید و شهزاده محمود آمده هرات را
محاصره کرد درین وقت محمد زمانخان یك دسیسه
بعمل آورد که مکتوبی بامرای ایرانی که با شهزاده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 384 of 596

محمود آمده بودند بدین مضمون نوشت دوعهد
نامهٔ که ازشهزاده قیصر درباب دستگیر نمودن
شهزاده محمود خواسته بودید اینك در حاشیه قرآن
مجید بخط ومهر شهزاده قیصر فرستاده شد
تامطابق التماس او شهزاده محمودرا مقید نزدما
بفرستید بواسطه این خدمت حکومت خراسان
بشماداده خواهد شد ، این قرآن شریف را
بدست یك آدم معتمد داده اورا تعلیم نمود که
بوقت شب بجانب اردوی شهزاده محمود رفته
وضعی کنید که بدست پهره داران شهزاده محمود
گرفتار شوید قاصد مذکور همچنان عمل نموده
گرفتار ملازمین شهزاده محمود گردید اورا
بحضور شهزاده حاضر کردند شهزاده چون خط
مذکور وقرآن مجیدرا ملاحظه نمود برامرای ایرانی
بدگمان شده خوف زیادی باوعارض گردید وباپرادر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 385 of 596

وپسر خود در تاریکی شب ازهرات گریخت برادر
وپسراو بطهران نزد فتح علیشاه قاجار رفتند
و خود او نزد شاه مراد بیك حکمران بخارا
پناه برد - ازواقعهٔ تاریخی شاه وشهزادهٔ مذکور
فائدهٔ دروغ مصلحت آمیز ظاهرشد دیگر اینکه
اگر در کتب تواریخ غور وفکر کرده شود منفعت
دروغ مصلحت آمیز ازا کثر واقعات ظاهر میشود
چنانچه یك واقعهٔ مشهور تاریخی رانیز بطریق
مثال ذکر می نمایم :—

در سنه ٦٥٠ ع درزمان خلافت مستعصم
باالله که آخرین خلفای عباسیه بود میان سنیان
و شیعهٔ کرخی نزاع واقع شد امیر ابوبکر ابن
مستعصم را بافوجی بحمایت سنت جماعت شتافته
شیعهٔ کرخی را غارت نمود و بسیاری را اسیر
ومحبوس گردانیدووزیر مستعصم که ابن علقمی
نام ملت شیعه داشت بنا بران خاطر بر مخالفت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 386 of 596

خلیفه قرار داده منتظر انتقام می بود درین وقت
هلا کو جهت تسخیر مملکت ایران بالشکر وافر
روانه گردید درسنه ٦٥٤ درملك فارس رسیده
حکومت ملاحده اسما عیلیه را تباه نمود - ابن
علقمی بواسطهٔ تعصب مذهب درصدد استیصال
آن عبامی برآمده بمکرو تزویر یعنی « دروغ
مصلحت آمیز » خلیفه را فریفته اکثر لشکر
را بطریقی کسیل ساخته بهلا کو پیغام داد که
قصد تسخیر بغداد نمائی هلا کو بصوب بغداد
کوچ نمود هرچند مقربان بارگاه خلافت خواستند
که خلیفه را از خواب غفلت هوشیار سازند
میسر نشد زیرا که وزیر تزویر بعرض رسانید
که لشکر مغول را چه یارا که بر بغداد آسیب
رساند اگر عورات وطفلان از بامها سنك باران
کرده همه را ناچیز گردانند خلیفه از کلمات
واهیهٔ او غافل ماند - تا گاه منهیان خبر آوردند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 387 of 596

که سپاه هلا کو از راه بادیه متوجه بغداد اند
خلیفه ده هزار سوار را بمقابلهٔ آن فرستاد
آنها با سپاه مغول به محاربه و مقاتله پرداختند
چون آنروز غالب از مغلوب متمیز نشد هردو
سپاه برا ربکدیگر فرود آمدند و بغدادیان بخواب
غفلت فرو رفتند ـ لشکر تا تار در شب تار نهر
فرات را بر سپاه خلیفه کشادند احمال و اثقال
غافلان بباد فنا رفت آخر الامر هلا کو باسپاه
ظاهرا به بغداد رفت خلیفه طاقت مقابلهٔ اورا
نداشته بشهر متحصن گردید و هر روز خلق
کثیر طعمهٔ شمشیر میگردیدند وچون کار خلیفه
بجان رسید باستصواب وزیر نزد هلا کو رفته
بقتل رسید و این واقعه در سنه ٦٥٦ ﻫ بود
همین دروغ مصلحت آمیز بود که محمد ابن علقمی
یك سلطنت عظیم الشان را تباه کرد ـ دیگر اینکه
چون مابین دو نفر عداوت و نفاق باشد و شخص

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 388 of 596

دیگری بواسطهٔ دروغ مصلحت آمیز نیکی و دوستی
هریك از آنها را در حق دیگر اثبات نماید
عداوت ونفاق از میان برخاسته باهم دوست می
شوند گویا که دروغ مصلحت آمیز مایهٔ اتفاق
و خیرهٔ اتحاد است و در حدیث شریف وارد
شده است « ادر الحدود بالشبهات ما استعطم »
پیوسته حدهارا بشبهه‌ها تامیتواند - یعنی اگر
شخصی مال کسی را دزدید وشخصی دیگر در
وقت دزدی کردن وی رادیددر وقت شهادت
به نزد قاضی نگوید که من دیدم که فلان مال فلان
را دزدید چرا که دست دزد بقرار شرع شریف
بریده می‌شود بلکه گوید مال فلان را گرفت
این هم یکدروغ مصلحت آمیز است :—

خلاصه اینکه دروغ مصلحت آمیز بوقت
مناسب وحسب ضرورت ومصلحت گفته شود
نه اینکه بیموقع وبیضرورت انسان خود رابآن

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 389 of 596

عادی سازد ـ دروغ وراست را هر شخص عاقل وجاهل گفته می تواند لا کن دروغ مصلحت آمیز رابغیر صاحب علم و دانش و تدبیر وفکر هر کس و ناکس گفته نمی تواند این هم اثبات بزرگی و بهبودی دروغ مصلحت آمیز رامیکند ازین ظاهر گردید که فوائد دروغ مصلحت آمیز بر راستی بسیار است فقط

بعدازان یکی ازطلبای ابتدائیه مقاله محمد رحیم جانرا بسبب لکنت زبان مذکور بقرار آتی قرائت نمود

حضرت صدر صاحب محفل وباقی حضار

کر ازراستی دم زنی صبح وار

ز تاریکی جهل گیری کنار

ترقی و تعالی هر ملت برجال کافی انقوم وابسته است ـ امروز عالم اسلام اندك حفظ ترکیب خودرا که میتوانند محض بیمن همت اشخاصی است که امروز به علی علین رحل اقامت افکنده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 390 of 596

نام نامی خودرا زیب صحایف انسانیت گذاشته
اند الیوم این مجلس که اعضاء آن دست محبت
همدیگر فشار میدهند صرف ازاین است که همه
افراد برشته افغانیت وحنفیت بسته می باشد واین
یکی از جزئی خدمات یکی ازعلمای حقه این ملت
حضرت امام اعظم ابوحنیفة النعمان رحمة الله علیه
میباشد که اگر ذات خداوند جل جلاله ماملت
را از پرستیدن غیر خود منع نمی فرموده امروز
خودم انذات بابرکات را پرستش می نمودم -
همچنین حضرت محی الاسلام والملة والدین جناب
غوث اعظم صاحب مولانا عبدالقادر جیلانی
رحمت الله علیه که زبان خامه از توصیف شان
عاجز است درزمانیکه اشعه ضیاء های اسلام همه
ارجاء عالم را فرا گرفته بود ازین جمعیت ها وسیاست های
این اقطاب عالم انسانیت بود ورنه ما مسلمانان
بودیم که هستیم - اینقدر از منعنش صورت آدم
شدند ورنه پس وپیش خلق داشت قرون وذناب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 391 of 596

ذات ستوده صفات‌شان بعدازفوت پدر درحین
که بسن دوازده سالگی بودندچون اموال وامتعه
پدرشانرا ترکه نمودند هشتاد طلا حق حضرت
غوث صاحب رسید والده مقدسهٔ شان هشتادطلا
را برقیص مبارك‌شان دوخته فرمودند که ای
فرزند عزیزم به بغداد رفته علم بیاموز چون از
حضور والدهٔ خود وداع میکردند روی مبارك
حضرت غوث صاحب‌را بوسه داده فرمودند
ارجمندم زینهار دروغ مگوئی اگر گفته شوی
ذات محترم باقافله کلانی یکجا شده بسوی بغداد
مراجعت فرمودند دربین راه راهزنان کاروان
را چپاول نموده بغارت بردند یکنفر دزد از
حضرت موصوف پرسید که ای طفل توهم چیزی
دادی فرمودند آری هشتاد طلا دارم آن دزد
خجالت کشیده رفت چون درنزددزدها رسید
همان کوائف را بیان کردند گفت که آن طفل

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 392 of 596

مرا بازی داد رئیس رهزنان او را اهانت
کرد و گفت شاید راست گفته باشد خودت
دزد و ازدزدی عار داری سردار قطاع الطریق
معهٔ دیگر نفری خود نزد حضرت غوث صاحب
رفتند و گفتند ای طفل چیزی داری گفت
بلی هشتاد طلا دارم چون دیدند که حقیقتاً
در بغل مبارك هشتاد طلا موجود است برای
حضرت موصوف گفتند که ای طفل دیوانه نیستی
گفت من ازهمه شما هشیارتر هستم مگر نشنیدهٔ
الکاذب عدو الله والدهٔ مقدسه‌ام ـ هم فرموده که
دروغ نگوئی ـ پس هشتاد طلا چیست که انسان
بواسطه آن دروغ بگوید همه دزدان بحضور
جناب موصوف توبه نمودند ورفتند وهر کدام
آنها بدرجه ولایت رسیدند امروز که عالم اسلام
تمجید آن ذات مبارك را مینمایند ازین سبب است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 393 of 596

که درحیات خود دروغ نفرمودند و برای ما هم
لازم است که بقرار آیهٔ کریمه (یشهدان
المنافقین لکاذبون و دروغ گفتن را همسنگ
همدیگر قرار دادند بهیچ کدام مبادرت نورزیم
پس منافق را که پسند دارد که دروغ گو را
پسند کند بعد برای هرشخص ذی وجدان وتعلیم
یافته ضرور است که از آن تجنب ورزد خواهید
گفت که دربعضی آیات ازسخن راست ضرری
عاید شود اهم مضرت ها از هاق روح انسان
است باوجودیکه اگر شخصی مهذب زند گانی
خودرا بدروغ وابسته بیند از آن زنده گانی چشم
پوشیده بآن رذالت نخواهد نمود باوجودیکه از
راست هیچ ضرری تولید نمیشود

راستی موجب رضای خداست

کس ندیدم که کم شدازره راست

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 394 of 596

(بوقت رأی گرفتن حامیان راستی بر دروغ
مصلحت آمیز غالب شده صرف دوازده نفر
بجانب دروغ مصلحت آمیز وباقی عموم نفری
که از دوصد زیاد بودند بجانب راستی استاده
شدند) انتها

∴

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 395 of 596

معارف ومنبع آن

لقد کومنا بنی آدم:۰ —

چون حضرت حق جل سبحانه بنی نوع انسان را که افضل ترین اکثر موجودات است خلق کرده بزیور عقل وهنر جلوه گرش نموده بافحوای (فضلنا بعضهم علی بعض) متمکن ونایلش گردانید چنانچه بعضی را افزونی عقل وعلم وقسمی را شرافت وشجاعت فطری صوری ومعنوی وچندی را نقیت جاودانی وبسیاری را ثروت وبرخورداری ومتاع دنیوی وچه وچه برتری عنایت فرمود ازان پس عقلای عالم یعنی انسان های کامل بترقیات وترفیعات هر کونه مرام واحتیاجات خودها مساعی جمیله بکار برده تا بیک حدی بی بمنزل مطلوب ومقصود رسانیده اند همان کاملان فن وفیلسوفان اعظم وسیله و

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 396 of 596

طریقهٔ برای ترقی وافزون عقل ودانش بشری
زیر نظر دقت گرفته اصولی را که تنصیص فواید
دینی ودینوی نیراز اعضای عمده آن مضمر ومشتق
است بروی کار آورده اسباب وادویهٔ که بالزوم
ترکیب یك امزجه است تحت معاینه کرده فراهم
آورد اند « سبحان الله » چه انسان های اکمل
اعمل اعلم اسرار است واموزات مادی ومعنوی
خلق کرده که لسان اوصافشان را مقصر نی نی
زبان ناطقه لال که دارای حرکت نیست گویا
نسخهٔ کیمیای عقلی را بکار انداخته کبریت احمر
را ترکیب دادن در مدنظر گرفته اند چنانچه
جزو اعظم نسخهٔ مطلوب که « سیون سلفر »
است درعوض آن مرکبه رفیعه « دینیات » ودر
بدل « شنگرف اصفر » آن مضمون شریفه
« عربی » وبجای « توتیاء » اجسام مرغوب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 397 of 596

« ریاضی » و در تبدیل « زرنیخ » آن مجلهٔ « تاریخ »
و مبدل « زیبق » آن عمل مکمل « طبیعات » و
برای آلات و ادوات آن شعبه « جغرافی » و جهة صفا
و جلاء و مصقل آن مفردهٔ ادبیه « فارسی » وغیره
وغیره چنانچه از اجزای مزبور عمدهٔ حاصل
کردن کبریت احمر واز مضامین موصوف که هر
کدام وسیله رفیعه فلاح عقبا و دنیای مامسلمانان
است انسان عاقل فاضل بادانش و تمیز اخیار
حریص است چنانچه امروز همه دول عالم خصوصاً
اروپا بهمین اصول آدمان کامل برفن بدست آورده
همه مایحتاج خود را باحسن وجه بهم رسانیده
و میرسانند اگرچه نتیجه حقیقی که مقصد از
عقباست برای شان مابد نیست مگر فواید دنیوی
یقینی خودها را بهمین عنوان پیشبرد کرده اند
چه اگر بنظر دقت معاینه و ملاحظه کنیم در

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 398 of 596

ملل موجوده اشخاص قابل فاضل لایق بیشتر
در دولی دیده میشود که توجهات فوق العاده
صرف معارف شده جدیت و تعدد و وسعت مکاتب
را فقط نظر داشته اند باوجود آن ما مسلمان ها
عقلای کفار را اگر که میکادوی اعظم هم باشد
عاقل چه که انسان نیز گفته نمیتوانیم مگر بکیش
خود حقیقتاً یك شخص کامل و یگانه روز کار
گذشته است ازان روست که امروز لقبان ثانی
شهنشاه غیور غازی افغانستان اعلیحضرت عرفان
پروردمان توجه خاصه صمیمانه مبذول وسعت
معارف قطعه خاك پاك افغانستان فرموده پول
کثیری برای مخارج آن واشخاص فاضل عامل
کامل همچون جناب عالیقدر جلالتمآب سردار
«محمد سلیمان خان» را وزیر معارف وزارت بافضل
وعلم روشن ضمیر آن را مامور ادارهٔ آن مقرر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 399 of 596

و گماشته اند چون برای بهبودی دین وملت و
ملك خود ازین وقت روشن وزمان امال استفاده
نکرده شب وروز در پی تحصیل عرفان ومزید
علم وهنر نکوشیم پس در کدام حین تهیه خواهیم
توانست وشکرانه وجود مسعود چنین غمخوار
غمخوار تراز پدر حقیقی را اداء خواهم ساخت

امضاء

عبدالرؤف محرر مدرسه حبیبیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 400 of 596

(ناول)

(مابعد از شمارهٔ گذشته)

کاجان — خانهسامان لات مسلمان است و سچه مسلمان است — بودنه ها ئیکه برای خوراك فرنگی می آرند جنگیٔ شان را که داغی نباشد ومی‌شورد از چونی کشیده برای مه میآرد —

سردارکا که — هرسخن موقع وهر نکته مقامی دارد —

کاجان — مرابوردی گفتن خوبمان — خانهسامان لات چاندی‌مسلمان است وازشناخت بودنه‌تحقیق میشود که‌خوب فکر باریك‌داردیك بودنه کلو آورد وگفت که مدعا ازین‌نبود بلکه یك حرف ضروری آورده ام ـ دیشب فرنگی ها همه در خانهٔ ماجمع بودند و گپ های خفیه میزدند ـ پس دروازه ایستاده خلاصهٔ سخنان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 401 of 596

شان راچیدم ـ میگفتند که افغانان قابل اعتبار
نیستند در پردهٔ دوستی عذر خواهد کردند و
حق هم بجانب شانست زیرا در ملك آنها در آمده
آزادی شان کم کردیم ـ هرچند تهذیب وتمدن
را از حاکمیت شان بهتر میدانیم اما آنها نمی
فهمند ودر کشتن ما و کشیدن ما از وطن خود
دریغ نخواهـد کردند ـ باید بمکر و حیله سر
کرده های شان را سر یکدیگر بکشیم تا استخوان
بی درمیان شان قائم شده از نزاع خانگی ما
فائده برداریم — پس بامتیازات خصوصی مابین
یوپلزائی ها وبارکزائی ها ونیز درمیان درانی
ها وغلزائی ها افغانها وتاجك ها سنی وشیعه ها
مناقشه ومجادله انداخته بهانهٔ قیام امن بتدریج
اسلحه از نزد شان سلب کنیم ازسر کوشهای
شان مـترشح میشد که اول خان برکی را قتیل
یاسیر میسازند خان برکی کاشکه شهید شوم اما

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 402 of 596

تابسیاری را مردار نکنم شهادت هم من،
نمیدهد میره هفه دی چه دبل مور بوره کره
اول درملك ما در آمدن پس سرش را جدا
کرده تن وجانش را بحس ساختن ازین زیادتر
ظلم وتعدی چه خواهد بود ـ وقتلو هم حیث
ثقفتموهم واخر جوهم من حیث اخرجوا کم
بکشید وبکشید شان اما همت ومردانکی مقتضی
اینست که بتدبیر وبهادری معامله کنیم ـ وزیر
صاحب شما بروید وبافرنکی مصلحت کنید که
جمله قومها والو سها یك فیصله میخواهند ـ
والده ماجدشمارا روانهٔ کابل نمایند وهمراهشان
یك سفیر انکریز باشد ـ این را برای دلاسای
فرنکی بکوئید ورنه هیچ کافر را در ملك خود
نمیگذاریم ـ غرض اینست که بهرقسم سخن بازی
داده لات را باچند نفر افسرانش بیرون بکشید
تاجای بجایش بکشیم . باقی دارد

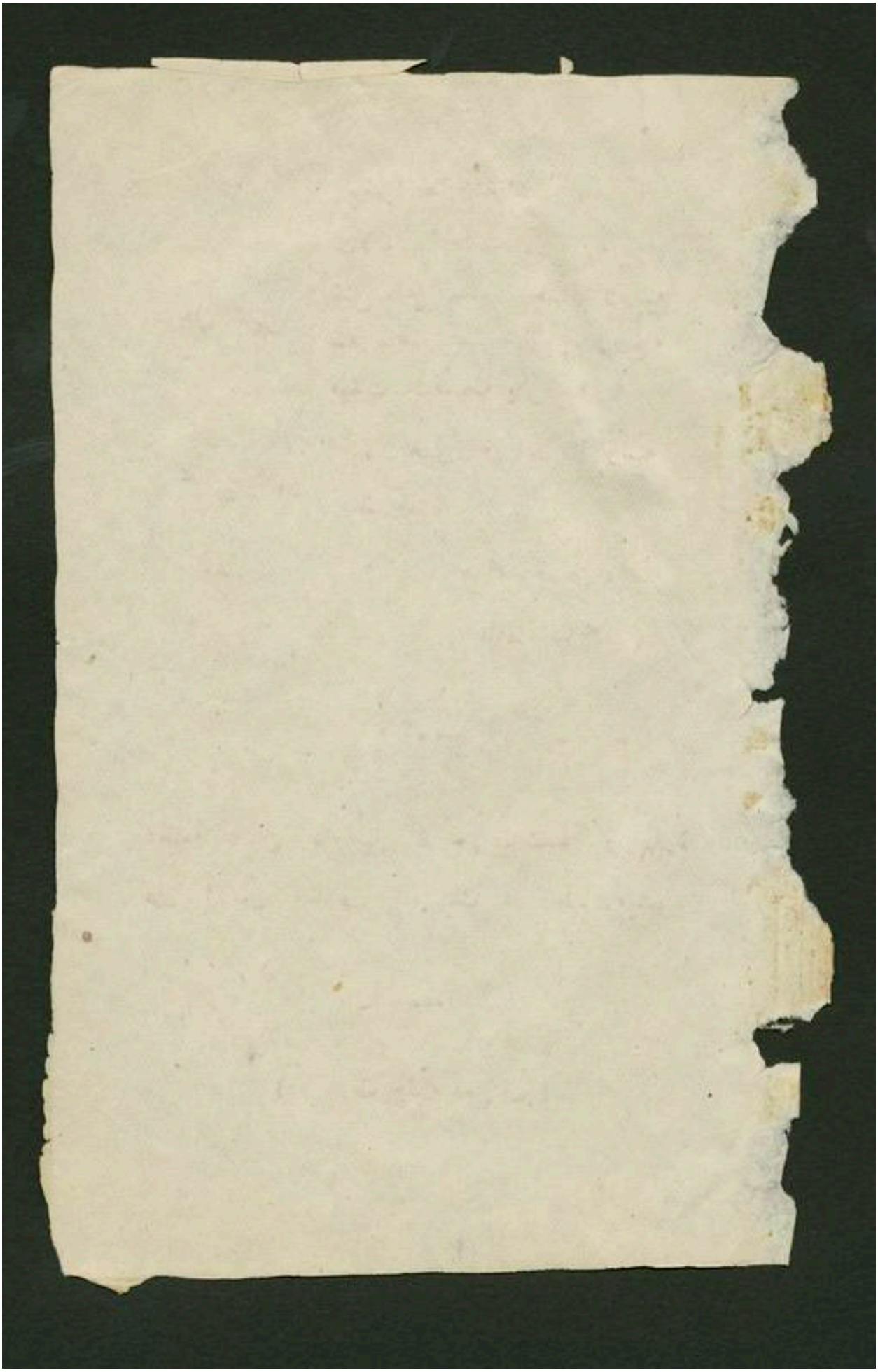

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 404 of 596

شرایط اشتراك

داخل شهر

سالانه — شش روپیه
شش ماهه — چهار روپیه
سه ماهه — دو نیم روپیه
قیمت یك نسخه یکروپیه

بخارج شهر

بقیمت های فوق اجرت پوسته منضم میشود .

مدیر — « محمد حسین »

محرر — (حافظ امیر محمد)

بمطبعهٔ ماشین خانه مبارکه چاپ شده از ادارهٔ دار الامان معارف ماه یك بار نشر میشود

(وزارت جلیله معارف)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 405 of 596

الذین آتیهم الکتاب
یعرفونه کما یعرفون ابناءهم



اول جدی
سنه ۱۳۰۰



معرف معارف

۱۲۹۸

سال سوم شماره ۳

ما ان مدحت مقالتی یا میرنا لکن مدحت مقالتی یا میرنا
اگر چه شبیه شاهانه آرایش بخشای این
صفحه نیست اما سیرت پادشاه دلربای ما با همه اراده
های مصلحانه و اعمال الوالعزمانه پیش نظر است
و در تصویر نمیباشد .

گر بصور صورت آن دلستان خواهد کشید
حیرتی دارم که نازش را چسان خواهد کشید

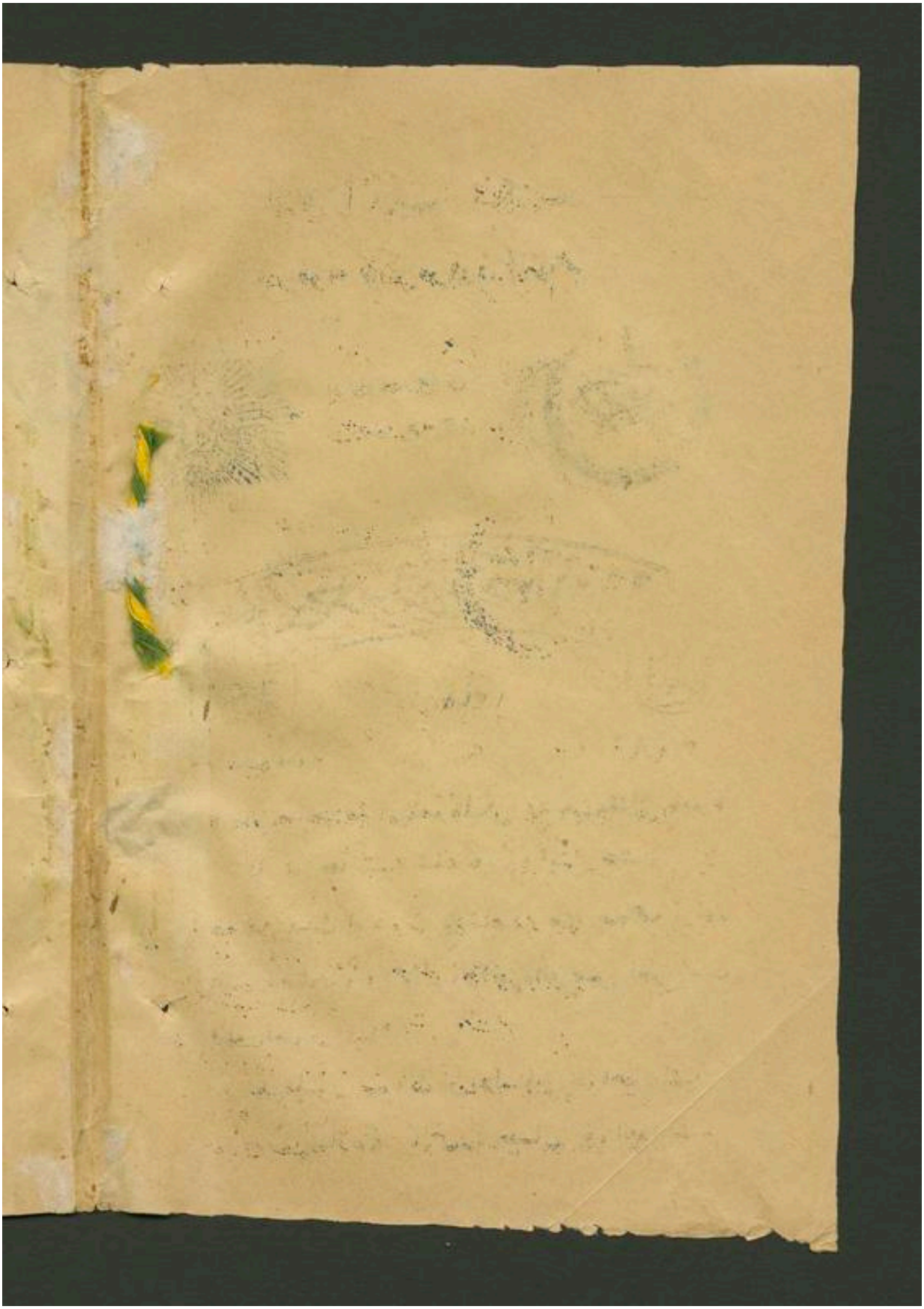

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 407 of 596

فهرست مندرجات

نمبر	مضمون	صفحه
(۱)	تذکرهٔ طلبای افغان از فرانس	(۲)
(۲)	تذکرهٔ دوم	(۸)
(۳)	افتتاح مکتب در چخانسور	(۱۹)
(٤)	نظامنامهٔ جلیله وزارت معارف	(۲۷)
(٥)	ناول	(۳۲)
(٦)	قصیدهٔ مسدس ترجیعی	(٥٠)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 408 of 596

طلبای افغان در فرانس

تذکره اول

از طرف دولت علیهٔ فرانسه طلبای افغان احترامات واستقبالات شاندار دیده رساً ازطرف وزارت جلیله معارف دولت مشار الیها بمکتب (لیس میشلی) برده شدند ، مکتب مذکور بهترین مکاتب شهر پاریس شمرده میشود بسیاری از اشخاص لائق ومشهور فرانسه از همین مکتب برآمده اند ، چنانچه رئیس جمهوری حاضر فرانسه یکی از فارغ التحصیلان مکتب مذکوراست سررشته وانتظام خوراك وپوشاك وتعلیم شان بقرار ذیلست (خانه درس) یك خانه بسیار خوب کلان مصفا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 409 of 596

که چهار طرف آن الماری‌ها برای کتاب ماندن شان میباشد ـ چرا که کتابهای خودرا بخانهٔ خواب وغیره نمیبرند برای نشستن شان « نیچ‌ها یعنی دراز چوکی » مانده کیست دروقت مطالعه شان بوقت شام هفت چراغ برقی خانه را مثل روز روشن میسازد

خانه نماز :— یك خانه رسماً بجهة نماز خواندن باجماعت وتلاوت قرآن شریف وایفای دیگر مراسم دینیه اسلامیه شان مخصوص وتهیه شده که برتخته سیاه سردروازه آن آیات وعبارات ذیل نوشته شده است :—

وما خلقت الجن والانس الاليعبدون

الله اكبر

بسم الله الرحمن الرحيم

لااله الاالله محمد رسول الله

فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره ومن يعمل مثقال ذرة شرا يره

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 410 of 596

بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله
حسنت جمیع خصاله صلو علیه و آله

« خانه نان خوری » یك خانه بسیار فراخ وتنها برای نان خوری شان میباشد که دران برای نان خوردن میروند —

نان از قرار ذیل میخورند

صبح — چای وشیر ونان دبل

چاشت — قورمه ، سالن ، کاه‌کاهی ماهی بریان وتخم خاکینه

دیگر چای شیرونان

سرشام — شوربا وغیره

بعدازشام‌قورمه ، نان ، سالن ، بعدازان شیرینی بسکت ، سیب وغیره

خانه خواب یك خانه بسیار کلان خوب‌اعلا برای خواب‌شان مخصوص‌شده که در آن‌چهرکت های آهنی اعلا ورخت خواب های خوشنما

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 411 of 596

برای هر بچه علیحده علیحده نمبر دار مانده شده ونلهای بخار جهة گرمی خانه وپنج چراغ برق برای روشنی مهیاست ، روبروی چپر کت هر نفر دو چوکی برای اسباب ضروری هر کدام مانده شده «خانه وضو وغسل» وقتیکه ازخواب بیدار شدند بخانه وضو میروند وبرای هر نفر بجهة وضو جای علیحده مقرر است ، ودرهر هفته یکبار درحمام خودرا شست وشو میکنند صابون وقطیفه ازطرف مکتب مقرر است

لباس هرهفته کالای خودرا تبدیل میکنند کالای هرکدام را شسته وتیار کرده بخریطه نمبرزده کی می آورند ، چون کالای شسته را پوشیدند ، رخت های چرك خود را بخریطه می گذارند آدم آمده میبردو برای شستن بدوبی میدهد :—

دریشی علاوه ردریشی هائیکه داشتند ذکر دریشی نیز برای شان فرمایش داده شده وقتیکه تیار شد عکس گرفته شده روان میکنند —

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 412 of 596

[تقسیم اوقات شباروزی شان]

از ۱۵ - ٦ تا ٤٥ .:. ۷ بیدارشدن وضو نماز فجر ، تلاوت قرآن شریف بقدریکه هر طالب العلم می تواند

٤٥ - ۷ تا ۱۰ - ۸ چای صبح وتفریح

۱۰ - ۸ ، ۰ - ۹ مطالعه

۰ - ۹ ، ۱۰ درس

۰ - ۱۰ ، ۳۰ - ۱۰ تفریح ومطالعه

۳۰ - ۱۰ ، ۳۰ - ۱۱ درس

۳۰ - ۱۱ ، $\frac{1}{2}$ - ۲ تفریح بازی نماز ظهر

$\frac{1}{2}$ ۲ ، $\frac{1}{2}$ ۳ درس

$\frac{1}{2}$ ۳ ، $\frac{1}{2}$ ٤ چای ونماز عصر وتفریح

$\frac{1}{2}$ ٤ ، $\frac{1}{2}$ ٥ درس

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 413 of 596

۵ ½ ، ۱۵ - ۶ نماز مغرب وتفریح

۱۵ ۶ ، ۷ ½ مطالعه

۷ ½ ، ۰ - ۸ طعام شب ونماز خفتن

۰ - ۸ - ۱۵ - ۶ خواب

همه شاگردان درشهر پاریس پای تخت فرانسه بجهة تحصیل مانده بدیکر جا نمیروند وبسیار خوش میباشند و تعلیم شان بدرستی جاریست وچهار نفر معلم برای شان مقرراست همه شان یکسبق میخوانند جناب محمد عزیزخان صاحب سید هاشم خان ذوالفقار خان اسائذه وطنی شان وباقی جنابانیکه از انجارفته اند شبودوز متوجه احوال شان میباشند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 414 of 596

تذکره دوم

از رپورت موجوده نمبر ۲ صرف همین قدر مینویسم که طلبای مایان الحمدلله مثلیکه مشغول درمن و تعلیم خود بودند مصروف میباشند و طلبای خورد که از الف بای فرانسوی بنا برندانستن الف‌بای انگریزی ناواقف بودند در عرصهٔ این یك ماه و بیست روز تعلیم واقفیت تمام حاصل نموده وعلاوه ازان فقرات بسیار آسان وچند الفاظ فرانسوی را آموختند چنانچه چند روز پیشتر چون تعداد الفاظ را شمار کردیم تخمیناً از ۳۰۰ سه ونیم صد $\frac{1}{2}$ الفاظ چیزی زیاد بود وچند کردانهای بعض فعلهارا نیز مشق نموده اند ـ باهم بودن تمام

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 415 of 596

طلبا دریکجا وارتباط شان بایکدیگر از نقطهٔ
محسوس نکردن غربت بسیار مفید افتاده چنانچه
همشان هاقدر خوش ومسرور می نمایند مثلیکه
درکابل بودند مگر ازپهلوی زبان دانی چندان
مفید معلوم نمی شود اگر می نشینند یامی خیزند یا
بازی میکنند یانان میخورند یاچیزی میخواهند یا
چیزی میدهند همه بزبان شیرین فارسی ادامیشود
بصورتیکه اگر جدا جدا می بودند بهتر تصور
می شود چنانچه بعضی اوقات حس کرده ایم ـ
مگر جدا جدا داشتن این جمعیت ۳٤ نفر ناممکن
است بالخصوص بصورتیکه تمام امورات علمی
این نفری را خود وزیرمعارف فرانسه انتظام
وترتیب میدهد چنانچه مکتب لیس مثلی هم تجویز
خود وزیر معارف دولت فرانس میباشد ـ
ووقتاً فوقتاً ازطرف وزیرمعارف ووزیرخارجیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 416 of 596

اینجا نیابت هریك آنها خبر کبرای جمعیت طلبا میباشند ومخوش داشتن طلبا مثلیکه چند بار گفته اند کوششهای زیاد مینمایند - نه صرف ازطرف حکومت فرانسه اظهار کرم‌جوشی‌ها بظهور رسیده ومیرسد بلکه ملت فرانسه نیز بطرف این نو جوانان مشرق یك گونه سلوك بسیار محبت آمیزانه اختیار نموده اند چنانچه بشب نو روز عیسویها که مراد از ۳۱ دسمبر باشدیك‌سوسائتی (بزم) فرانسه که‌بنام دوستان شرق‌مشهوراست‌درخودمکتب جمعیت ادبی‌ما را دعوت‌جای‌دادند - وازین‌جهت که‌طلبای‌افغانیه درفرانس دق نشوند یك مسخره را نیز طلب نموده بودند که قبل از چای بعضی بازیهای قطعه و دگر جالا گیهای دست که به اصطلاح ماچشم بندی یانظر بندی می گویند به اجرا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 417 of 596

رسانید وچند ریکارد فونو گراف نیز نواخته
شد بعد ازان چای بدادند و برای مایان نیز بون
ایی گفتند بون اینی عید مبارکی شان است —
ماهم تشکر ادا کردیم و بون اینی گفتیم ورفتیم
چون صبح شد دیدیم که داخل سنه ۱۹۲۲ ع
بشده ایم علاوه ازین که سال نوشده بود ماه هم
نو بود به نوشتن ریورت هذا اقدام نمودم تا
امروز به بجز ازین چه می توانم شدکه مانا به
الحال بکجا بکجا رفتیم و کدام مردم مارا دعوت
داده اند — اگرچه به ریورت آوردن این
دعوتها را ضروری میدانم مکرر از تفصیل ازین
جهت احتراز می نمایم که تفصیل ان بر ریورت
به چندان ضروریت و نیچندان تعلق دارد —

اول دسمبر سنه ۱۹۲۱ ع از طرف
وزارت خارجیه یك موترکلان که برای چهل نفر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 418 of 596

باشد به اسکول آمد — و دونفر فرانسوی
که از طرف وزارت موصوف مامور بودند
همه مایان را باخود گرفته به دار سیز برای
تماشای قصر لوی چهار دهم برد — دار
سیزهمان جاست که عهد نامه اتحادیان وائتلافیان
بوقوع آمد وجنك اروپا به اختتام رسید —
آن کمرهٔ خاص که در انجا وکلائی تمامی دول
اروپا بوقت دستخط عهد نامه جمع شده بودند
دیدیم آن میزرا بمانمودند که بران عهد نامه را
موسیو کلیمنشیو به رئیس وفد المان رانتزد
بداد ودستخط کرد — میزرا بسیار محفاظت
نکهداشته وقدری خوردتر ازان میزاست که
پیشروی عالیقدر جلالتمآب وزیرصاحب معارف
درایامیکه درانجا بودیم افتاده امید همان میز
حالا هم خواهد بود — (کمره ومیز مذکور

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 419 of 596

هردو تاریخی چیزها بودند ودیدیم) بعد ازان دکر کمره های مخصوص قصر را بخواند مثلاً جای خواب وجای شورای — جای دربارلوی نمبر ۱٤ ونیز کلیسارا که درقصر ساخته شده — بعد از تماشای قصر به هوتل رفته چای عصر را نوشیدیم ومراجعت مکتب خود بنمودیم — تابه قصر دار سیز در راه بعضی عجائب خانها را نیز دیدیم —

۱۵ دسمبر سنه ۱۹۲۱ ع یك بسیار کلان دکان پاریس که به نون « مارشی » (سودای خوب) مشهوز است طلبا را دعوت داد — چنانچه رفتیم وتابسه ساعت در دکان خوب کشتیم واکر وقت طعام مکتب تعجیل نمی نمود دیرتر می ماندیم — درانثنای جنك ازنفری این دکان پنجهزار آدم داده شده وحالا تقریباً ازیك هزار

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 420 of 596

بیشتر اشخاص در دکان کار می کنند و مختلف
حصه‌های دکان را نگرانی می کنند — ازطرف
دکان مذکور ازین جهت مدعو شدیم که رختهای
تمامی طلبای ما از همین دکان خریده میشود —
برفتن ما خوش شدند تشکر گفتند و تشکر گفتیم —

۱۸ دسمبر سنه ۱۹۲۱ ع از طرف « بزم
درشان شرق دعوت داده شد که به‌قصر بزرك
پیرس — حالا یك عجائب خانه بسیار کلان است —
به‌طرف صبح بریم درسمهای مشهور رسامهای
فرانس ودیگر اروپایان را نشان بدادند — درقصر
بی‌فیس کسی داخل شده نمیتواند مگر مابی‌فیس
رفتیم و همین بی‌فیس رفتن ما دعوت بود برای احتراز
جمعیت افغان دگر شرقیان را نیز دعوت داده
بودند چنانچه بعضی طلبای ایرانی و مصری و شام
نیز بودند یك وجوان فرانسیسوی به اظهار
تشکر رفتن ما بزبان فرانسیسوی گفت جوانان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 421 of 596

افغان شما خود در بجا از وطن خویش بسیار دور می پندارید مگر خود را تنها ندانید ما یان برادران شما هستیم و هرچه که کرده بتوانیم دریغ نخواهیم داشت تشکر اذا نموده برای نان چاشت به مکتب رفتیم —

شام همین روز از طرف مکتب السنه شرقی مدعو بودیم و در نجا نیز بعضی مصریان ـ شامیان و چند نفری ایران بودند ـ این چای پارتی بود و اعزاز طلبای افغانی منعقد شده بود ـ جناب مستطاب فیض محمد خان آقا مستشار سفارت فوق العاده نیز تشریف داشتند ـ عالیقدر جلالتماب مفتش صاحب ناخوش بودند لهذا نرفتند — الحال الحمدلله به نعمت صحت واصل استند — خاطر مبارك آسوده باشد

ودر آخر روز سی و یکم چای پارتی بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 422 of 596

که تذکره یافت اینست چند سطور درباب طلبا
که بعرض رسانیدم ـ

غالباً بجای نخواهد بود اگر درباب نشانهای
معارف فرانسه بنویسیم نائب وزیر معارف فرانسه
ونائب وزیر خارجیه بطرف صبح با چند نشانها و چند
سندات به سفارت خانه آمدند وبعد از اظهار
خوشنودی از طلبا ودیگر هیئت افغانی در اینجا
نشانها را بحضور عالیقدر مستطاب جرنیل محمد
ولی خان سفیر فوق العاده افغانیه پیش کردند
اولترین نشان برای اعلیحضرت شهریار غازی
روحی فداه تقدیم نمودند وبعد ازان برای عالیقدر
جلالتمآب وزیر صاحب معارف افغانیه وعالیقدر
جلالتمآب سفیر صاحب فوق العاده افغانیه وعالی
قدر جلالتمآب سردار شیراحمد خان صاحب سفیر
کبیر دراطالیه وعالیقدر مستطاب جناب منشی
صاحب وجناب عالیقدر محترم فیض محمد خان آقا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 423 of 596

مستشار سفارت فوق العاده وجناب غلام صدیق
خان صاحب واسلام بیك خان ترجمان سفارت هم
یك یك نشان بایك یك سند علمی بدادند علاوه
ازان بخود این نویسنده نیز یك نشان ویك سند
علمی بداده‌اند فرق همینقدر است که از نویسنده نقره
واز ذوات محترم موصوف از طلاء ـ

من از طرف خود تا حائیکه بصورت نگرانی
نیابت طلبارا می‌توانم نمود از طرف تمامی طلبا
بداشتن نشانها تبریك صمیمی می‌رسانم چرا که
ازاین نشانها یك فال نیك است برای کامیابیهای
آن مقاصد که پدر تاج دار محبوب القلوب مایان
اعلیحضرت شهریار غازی روحنا فداه این مشت
عاجزان برای چنان خدمت اسلامی وانسانی
انتخاب نموده روانهٔ اوروپا گردانیده اند ـ از
حضرت بار گاه ایزدی جل شانه رجا داریم که
همه مایان را توفیق عطا فرمایند تا به سرخ روئی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 424 of 596

وکامیابی باز بخاك پاك اسلامی وطن مقدس خود
رسیده برهنمونی عالیقدر بسیار مهربان وزیر
صاحب معارف بقد مبوسی آن ذات ملکوتی
صفات شاهانه مشرف گردیم که اگر حالا سلام
وعرض تسلیمات عاجزانه مایان بحضور ملاطفت
ظهور اعلیحضرت پادشاه ترقی خواه اسلام پناه
خلدالله ملکه برسد از مراحمات شاهانه وملاطفات
خسروانه چنان امید داریم که قبول فرموده
باعث سرافرازی وافتخار این فدائیان وطن
وعاجزان هیچ میرز بشوند زیاده بجز استقامت
سلامتی ذات حمیده صفات پدر تاجدار اعلیحضرت
پادشاه معارف پناه غازی خود چه عرض کنم
عمر وعزت در تزاید باد —

عریضه حقیر — م . ذوالفقار

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 425 of 596

افتتاح مکتب مطلع ترقی در چخانسور

بقرار اطلاع تازهٔ که از چخانسور بادارهٔ عاجزانه مارسیده اینکه بنابتوجهات جهان در جات اعلیحضرت شهریار غازی حسن کفایت ومعارف خواهی جناب جلالت مآب عالیقدر محترم وزیر صاحب معارف ومساعی جمیلهٔ جناب رفعت وشجاعت نشان محمد انور خان غندمشر نظامی انولا مکتب مبارك مسمی به (مطلع ترقی) در دالحکومه چخانسور بتاریخ ۱۵ برج قوس افتتاح یافته است — تفصیلش اینکه یکروز قبل از افتتاح مکتب موصوف از طرف جناب محمد انور خان غندمشر مذکور بجمیع خوانین ملکی ومنصبداران نظامی وجمله ملکان وریش سفیدان محال چخانسور خبر داده شده بود که بتقریب روز افتتاح مکتب در محل

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 426 of 596

که برای آن تعیین شده حاضر شوند همان بود
که در یوم مذکور از هشت بجه روز الی ده
بجه روز همگی نفری مدعوین فوق الذکر در
یکطرف بنائی که برای تاسیس مکتب مشوره شده
بود مجتمع گردیده بسمت مقابل یك غند عسا کر
بلباس نظامی ملبس بموزیکه های خوش الحان
حاضر ومنتظر بودند تا جناب غند مشر صاحب
وارد شدند پس ازادای مراسم سلامی وایفای
مراتب احترامات عسکری جناب ممدوحی بامعیت
حاضرین خصوصاً جناب عرفان مآب اقای
عبدالواحد خان مدیر صاحب وقاری شیر احمد
خان نکران ومهر علیخان معلم اول بریکی از
کوتی های خوشنمای که بتازگی از جانب غند
مشر صاحب تعمیر وتزئین یافته داخل بر چوکی
های مرتب جلوس نمودند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 427 of 596

سپس جناب عزت همراه محترم محمد موسی خان محمد زائی حکمران چخانسور دارای رتبهٔ (٤) و اهالی محکمه شرعیه و میرزا غلام حسین خان مامور مالیه نیز وارد، و منتظماً برچوکی های معینه قرار گرفتند

درین بین رمضان خان مکتبی برچوکی که مقابل صدر مجلس مانده شده بود — رفته و افتتاح مکتب را بقرائت یکرکوع از کلام الله شریف زبانی بالهجه بسیار مطبوع ادا نمود پس ازان دونفر مکتبیان یکی بعددیگری هر کدام یکیک رکوع از قران مجید یتمناً وتبریکاً قرائت نمودند وبعد پسر غلام محمد خان وکیل که نیز ازمکتبیان است یکرکوع از فرقان حمید را تلاوت وچند فردا بیانی که مبنی برتحریص وترغیب علم بود ایراد نمودوبجای خود شتافت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 428 of 596

پس ازان عزتمند محترم مهر علیخان پسر جناب محترم شیرعلیخان بارگاهی فراهی که بکهترین فرصتی از لیاقت وجوهر ذاتی خویش بدرجهٔ معلمی اول مکتب مطلع ترقی مفتخر وممتاز گردیده مقابل صدر مجلس برپای ایستاده وبه آواز فصیح اهل مجلس را مخاطب نموده نطق مؤثری را ایراد نمود

ای پدران وای برادران عزیزمن شکرانه این نعمت حاضره غیرمترقبه را مطلقاً ادا وبجا آورده نمیتوانیم که درین سالهای دراز هر کدام ما وشما بیکزاویه ظلمت ووحشت جهل و در عین ذلت وفلاکت خمول مانده از ترقیات و تمدن دول عالم بیخبر وبدریای غفلت وجهل غوطه زده از اصول جدیده علوم بی نصیب واز فوائد کثیره آن بی بهره و محروم بودیم اینست که

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 429 of 596

از توجهات جهاندرجات اعلیحضرت اولی‌الامر
غازی معارف پرور خویش در بنوقت حاضر
بوطن عزیز خود دارای مکاتب جدیده بیشوبم
چنانچه می بینیم که الیوم بسی واهتمام ترقی خواهان
ملت و خدمکذاران صادقه دولت جنابان محترمان
محمد انور خان غندمشر غازی و محمد موسی خان
حکمران چخانسور اولین دفعه مکتب مبارك
مطلع ترقی افتتاح یافت ونخستین اطفالیکه داخل
مکتب شدند همانا اولادهای صنف نظام ودونفر
پسران خود جناب غندمشر صاحب است

پس ماو شمارا لازم که این روز افتتاح را
بسیار مبارك و فیروز شمرده سعی و کوشش
ورزیم تاجمله اولادان وطن عزیز مان بمکتب
جدید که عنقریب شعب آن بباقی محالات مانند
(نادعلی)(قلعه فتح)(چهار برجك) وغیره تاسیس

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 430 of 596

می‌نماید داخل بتدریس طرز جدید علوم عالیه
دینیه ودنیویه که باسرع اوقات و اقرب آوان
محصل میشود کامیاب واز معلمین اجنبی مستغنی
گشته فواید خود واولاد خویش راوطن وملت
خویش خود برسانیم پس درین ساعت برهر کدام
مایان فرض است که شکرانه نعم الهی را بجا
آورده ودعای عاجزانه خودرا بسلامتی وجود
مسعود مبارك اعلیحضرت پادشای غازی درهر
دم وهر لحظه ورد زبان ساخته و بگوئیم که
زنده بادپادشاه غازی افغان وپاینده بادد ولت مستقله
افغانستان وملت نجیبه افغانیان

درینوقت جناب قاری شیر احمد خان
نکران افتتاح را بتلاوت یکی ازسوره مبارکه
کلام الهی ختم نمود هنگام دعا جناب غندمشر
صاحب روی به قبله برپا واز درگاه حضرت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 431 of 596

مجیب الدعوات ترقی و تعالی دولت قوی شوکت
افغانستان وسلامتی وجود مسعود اعلیحضرت
شهنشاه ترقی خواه معارف پرور خویش را
مسئلت ورزیده واهالی را بتعلیم علوم ومعارف
که یگانه افتتاح ابواب سعادت وترقی و بیداری
ملت است دعوت وباتحاد واتفاق که جزو اعظم
قوت و سرمایه سعادت است تحریص و ترغیب
فرموده از جناب مدبر صاحب و نکران ومعلم
اول خوشنوی و خورسندی خود را اظهار
وابراز داشتند بعدازان جناب حکمران صاحب
نیز بنوبت خود بر خاسته و یك نطق بلیغی
درخصوص فوایداتحاد و اتفاق ایراد وبیان
داشته وبجای خود عودت فرمودند

اخرالامر پس از صرف چای وتقسیم شیرینی
وافر ومیوه جات متکاثری که تقریباً یکنیم خروار

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 432 of 596

کابل وزن آن و بقیمت یك هزار روپیه کابلی خاص
از جیب و کیسه بافتوت یکجوان باهمت مانند
غندمشر صاحب شخصی بذل وانعام (۳۵۰)
روپیه کابلی ازطرف حکمران صاحب چغانسور
خرج شده بود مراسم افتتاح مکتب مطلع ترقی
به بسیار بسیار مسرت اختتام پذیرفت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 433 of 596

نظامنامهٔ وزارت جلیلهٔ معارف

مابعد از شمارهٔ اول

٤ مصارف هرروزهٔ کیمیا وطبیعات را در کتاب جمع وخرج درج کرده ازمعلم طبیعات دستخط بگیرد وهفته وار سیاهه جمع وخرج خودرا بتصدیق مدیر مدرسه رسانیده بدفتر محاسبات حاضر کند .

٥ اسباب و ادواتیکه بوقت کار میشکنند تصدیق آنرا بدستخط معلم ومدیر حاصل داشته بدفتر محاسبات حاضر کند برایش مجرا داده میشود وا گرخود تحویلدار شکستانند یا خراب کرد ازخوداو تاوان گرفته میشود .

٦ تحویلدار سامان طبیعات باید کتابهای ذیل را داشته باشد :—

۱ کتاب درج سامان طبیعات که جدول آن بقرار ذیل باشد :—

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 434 of 596

۱ شمار ۲ نام اشیا ۳ تعداد اشیا ٤ قیمت ٥ کیفیت .

(ب) کتاب جمع وخرج .

قاعدهٔ ۲۲ :- وظایف کتابدار

۱ کتابدار مامور است باینکه در صفائی کتب محویلی خود کمایلیق ساعی بوده همه را بیک ترتیب وزینت درست در الماریها وضع کند — کتاب فهرست آنهارانیز باسلوبی معقول تحریر داشته جداول ذیل را در آن مرعیدارد :-

۱ شماره ۲ نام کتاب ۳ علم ٤ زبان ٥ قیمت ٦ نمبر الماری

۲ کتابدار هیچیک کتاب را بدون اجازهٔ مدیر مدرسه بکسی ندهد. درصورت گرفتن معلمین یاغیر آنها کدام کتاب را باید نام اورا در کتاب ثبت نموده از او دستخط بگیرد کتابی که بآن دستخط میگیرد بر جداول ذیل محتوی باشد —

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 435 of 596

تاریخ گرفتن کتاب‌وواپس آوردن ، نام کتاب ، دستخط گیرنده ، رسید .

۳ هرکس خواهد کتاب را از کتابخانه تا ۱۵ روز برده میتواند و اگرعلاوه برمدت مذکور بکاراو شود تجدید تاریخ نماید .

٤ اگر کتابدار خود کتابی را خراب یاضائع کرد تاوان بدهد واگر کسی دیگر که کتاب را از کتاب خانه میبرد آن را خراب یاضائع نمود ازهمان‌شخص تاوان گرفته میشود.

قاعدهٔ ۲۳ :— وظائف کاردارکار خانهٔ طباخی

(۱) درباب اصل طبخ برنج وسالان ونان خشك از مدیر مدرسه سند حاصل دارد که از چه‌قرار برنج ونان خشك یاسالان ونان خشك برای هرشخص روزانه مقرر میدارد مطابق آن معمول دارد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 436 of 596

(۲) برای نفری معلمین وغیره اهالی معارف که پنج یاسالان داده میشود سند مقرری جیره همانقدر نفری را از مدیر حاصل داشته بدون آنها بکس دیگر ندهد .

(۳) درباب خرج اضافه کی که حسب ضروت طبخ شده برای نفری داده میشود (مانندروز های مجلس وغیره) رقعهٔ علیحده از مدیر در دست داشته باشد .

(٤) تعداد حاضری یومیه طلبه وغیره نفری را که طعام وسالان برایشان مقرر است هرروز از میرزای حاضری جویا شده مطابق آن بوقت چاشت برای همانقدر نفری طبخ کندوازان بیش یا کم نشود .

(٥) اجناسیکه جهة مصارف طبخ خورا که نفری خریداری میشود باید مطابق نرخ نامهٔ حاکمی باشد وازان تفاوتی نداشته محل ایراد نکردد .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 437 of 596

(٦) هفته‌وار صورت حساب جمع و خرج کار خانهٔ طباخی‌را باداره محاسبه‌حاضر کنند .

(۷) ظروف‌وغیره اسباب کار آمد کار خانه را که ازتحویلخانهٔ وزارت‌یاز کدام تحویلخانه دیگر تحویل میشود‌یااز بازار خریداری‌مینماید باید اطلاع آنرا بادارهٔ محاسبه بفرستند تادر کتاب جمع کار دار کار خانه درج شود .

(۸) در اخیرسال سیاهه جمع‌وخرج مفصل سال تمام خودرا باداره محاسبه حاضر کنند .

(۹) طباخ را بفهمانند که کمال احتیاط و صفائی را در طبخ مرعیدارد وخودش وقتاً فوقتاً نگرانی کند .

(۱۰) باید که طعام عین بروقت معینه برای نفری برسد تادر تقسیم اوقات مدرسه تغیری روندهد .

« باقی دارد »

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 438 of 596

ناول

مابعد از شمارهٔ گذشته

خان جبار خیل ـ باین تدبیرهای شما متفق
بشوم نه باین سبب که رای من این است بلکه
از جماعت علیحده شدن عیب دانسته تقلید
کاکری را میکنم که از بام افتاده بود ـ
عزیزانش گرد آمده پرسیدند که کدام جایت
افکار شده ! گفت هر جائیکه رای عزیزان
باشد خان کوهستان صلاح من اینست که بوقت
بر آمدن فرنگی برای مجلس مردم کابل و اطراف
بسیار جمع باشند گویا سیر و تماشا میکنند یا منتظر
فیصلهٔ کلانهای خود میکردند و ازین گروه ها
دو سه فرقه مخصوص در میان شان اما نزدیک
ما متعین باشند و رمزی برای شان مقرر شود
تا بوقت ضرورت فوراً بکمک رسیده بتوانند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 439 of 596

اکبرخان ـ حرف شما معقول ومدبرانه است ـ شما فوری خود را در اطراف بفرستید تا جمع آوری نمایند اما ما گفته ایم که اشخاص معتمد باشند تا فرنگی که جاسوسهای بسیار از خود ما مردم دارد آگاه نشود ـ پیشتر در کابل از دحام غازیها مطلوبست تا از مظاهرشان ترسانیده بی خونریزی کفار را از ملک بدر نمائیم ـ

خان وردک ـ سردار صاحب مهربانی می کنید اما از خون ریزی پرهیز هم نشود ـ کسانیکه بر قتل ما و شما کمر بسته اند سرک آنها واجب بلکه ثواب است و این کافرها اگر برادر و رفیق واری هم روش کنند چه حق دارند که در زمین ما تملک بجا نمایند ـ نی ماها را مرد ندانستند بادشاه مارا بندی کرده بردند و حالا رعایا را هم میخواهند که در وطن خودما اسیر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 440 of 596

سازند ـ ازین زندگی صد مرتبه عزت بهتراست

بعدازین محاوره مجلس برخاسته خان وردك وخان قزلباش آمادهٔ سفرغزنی وهزاره شدند تا مردم شلگر و اندر وبر بررا بخیزانند واز هرسو بالای فرنگی هجوم آرند اکرم ایراد کرد که عازم شدن شما باطراف دردل انگریز شبهه وارد خواهد کرد بهتر اینست که شما این جا باشید وملازمین آزموده کاررا از طرف خود بگمارید

خان وردك ما ساده پتان هستیم ـ پت کار کردن یاد نداریم .

اکرم ـ خطای بزرگان گرفتن خطاست اما پیشتر دیگر بزرگها همین تصفیه کردند که وضع مادرین مرحله بحیله وتزویر پوشیده باشد قتال را (خدعه) فرموده اند جلهای پهلوانی وفن های سپهگری همین است که فرصت وموقع

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 441 of 596

یافته مقابل دشمن خـوانده و رانده شود اما
نخا فن من قـوم خیانة فانبـذالیهم علی سواء
از انکریز سرا پا خیانت بظهور آمـده است
بجواب او جائز و ضروراست که بمکرو فریب
کار کنیم ـ درمقابله زور برواحتمال مقابله مساویست
واز تدبیر میتوانیم خود را کاملاً محفوظ داشته
بیخ مدعی را بکشیم امرالهم این است که اول
لات ودیگر افسرانش را بقتل رسانیم فقاتلوا
ئمة الـکفر پیشوایان کفررا که کشتیم واین
بفکر وهنر میسر خواهد آمد پس دیگر فوجش
بیسر مانده خود بخـود راه فرار را اختیـار
خواهد کرد ـ فشردبهم من خلفهم لعلهم یذکرون
ا گر در مقتول ساختن سر کردکان شان موفق
آمدم نه صرف عسکر شان که مقیم کابل است
ول شکسته خواهدشد بلکه دیگر لشکرش که در
جلال آباد است هم بدلاوری در میدان آمده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 442 of 596

نخواهد توانست ـ بنابراین لازم است که حرکات
و سکنات ما بضبط و ربط باشد بشمشیری یکتا
صد توان کشت ـ رأی لشکری را بشکنی پشت
خان کوهستان بر پیشانی اکرم بوسه داده
گفت که بزرگی بعقل است نه بسال ـ
پس همگی یکی بعد دیگری از راه های متفرق
رخصت شدند اکرم بمعیت خان موصوف روان
گردید مقصدش این بود که نفری تیز وهوشیار
را ازو گرفته بکاریکه مدنظر بود مامور نماید
در نواحی کابل اگرچه مردم همه ذکی وذهین اند
در چالاکی وشطارت از اکثر اهالی کوهستان
پست میمانند اکرم ازین علاقه پیشتر چند نفر
را چیده بود که در شرارت استاد ملانک را
بازی میدادند امادر صحبت اکرم چندی بوده آله
مفید ثابت شدند برای پیغام بری که در آن
زباندازی قاصد هم بکار بود و برای خبر آوردن

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 443 of 596

وبردن وراز را کاهی فاش نکردن تجویز اکرم
بود که چون امیر دوست محمد خان بخیر بادشاه
شوند اول کاریکه اجرا پذیرد اصلاح سپاه باشد
دران مردم کوهستان کرفته شوند اما وظیفهٔ
شان ازدیکران مختلف باشد دوهر تولی پنج نفر
ازینها نشانچی درمقدمه فقط منصبداران مدعی
را بچینند زیرا تفنك بخطا زدن را از شکار
طیور ونیز شکار بی نوع خود آموخته همان
قسم یاددارند مثل توت تکاندن خان امسال از
دست فرنکی ملعون اینقدرهم فارغ نبودیم که
ازجملهٔ صیدهائیکه درملك ماست قو — قطان
دغدور جبنی رو لك لك کلنك چیلان کلیه
وقار واق مفشور کوشنده قاز سونه الما باش
سقسور یکه الپکاکلی کرکی جرکه چکرك
پتول چپه نول — توتوی کزلنك وحقینك —
سیاه بال — کرك — جوجلی — قشقل —

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 444 of 596

طلاچشمك — لدوی ـ شیخ دو ـ قره قش
قزلاق — تورغی — یار مخشی — یشقی —
سبزه خورك سمسك — دنكك — یارك باشه —
لك رونی — توت خورك — ججل داغ —
چری — زریج — داغسر — چمچق —
سیاه چشمك — زرد قرچه — موشك —
باباغچ — قرقات — مورچه خورك ـ زردك
خال مچقق ـ زرینق ـ حتك زیرو ـ قرقره
وتكه ـ وغیسی ـ كزیای — بقه كردن —
ماه چاتی ـ چقر بغدادی ـ رنجك نول دوغ داغ
چرتق ـ قرچه ـ مسكك ـ یوكك ـ كك
ساج ـ سیسی ـ كبك ـ بودنه ـ وكبوتر وخر
كفتر وغیره یكی را شكار كرده باشم

اكرم — شاهبازی بشكار مكسی میآید
خانصاحب در لشكر دشمنان قازهای سفید
وبزكهای سیاه بسیار است شوق شكار آنها

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 445 of 596

بپرورانید قومهای شمارا بهمین مطلب درفوج میگیریم ودیگر کار شان دلیلی وباوری کشف وانتظام کدامها خواهد بود —

خان — بلی معلمهای نظامی ومنتظمهای کدامی خوب میشوند استاد ملائك بسازیدشان آخر شیطان میگردید .

اکرم — ازصیغه های جمع غائب گوهستانی که مانند جمع مخاطب میخوانندهانفهم باخبر بود که ازبعضی تلفظات دیگر ورنه خواه مخواه سخن خان بدش میآمد یك هزاره بیش کسی عذر میکرد بدگردی برپدر خود لعنت گردی مخاطب را بجای متکلم استعمال کردن بدتر از گناه بودیك هراتی که برادرش را کشته بودند نزد حاکم فریاد میکرد برادرم را کشتم متکلم را بعوض جمع غائب خواندن اعتراف جرم بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 446 of 596

اما رواج لهجه بهمین طور افتاده خان بجا میکوشید اما این کالاهای کرماس که زیب تن کرده اید از شلوار و پیراهن گرفته تا لنگی سر لوکرهای تان خواهد بافتند ؟

اکرم ـ عیب نیست اگر درین پیشه بافند زیرا حضرت ابوایوب انصاری میزبان فخر عالم صلی الله علیه وسلم که سلاطین ترکی رمقبرهٔ شان ناچیوشی را متبرك میدانند همین کسب داشتند امارای ناقص من اینست که بافندگی را بعضی مردم غوربند بپارید ع هرکسی را بهر کاری ساختن خان (بخنده) آفرین خوب مردم شناس هستید بوقت آن دیده خواهد شد حالا بغرض حاضر متوجه شویم

صوفی ابن الوقت باشد ای رفیق
نیست فردا گفتنت شرط طریق

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 447 of 596

فردا اختیار بدست که خواهد بود
حالا وقت کشیدن و کشتن کفار است بعدازان
جولائی کنیم یاسپاهگری اختیارازماست .

اکرم ـ ضروریات موجوده همه سنجیده
شده فقط تعمیل آنها باقیست حال باستقبال
چنین وابسته وپیوسته است که یکی را ازدیگری
گسستن وشکستن دروهم وگمان هم نمیکند حد تخمیکه
دهقان می باشد آبیاری و خیساوه و نگرانی
ودرو واز خرمن گذشته تاتنور و شکم همه
توقعات دردلش میباشد واگر تخم پنبه دانه است
ازچیدن غوزه تاریشیدن وتانستن وبافتن وپوشیدن
همه دراهتمام میآید علی هذا لقیاس مالدار بره
را بهمین خیال آینده پرورش میکند ـ

هفته‌ها باید که تایك مشت پشم ازپشت میش
زاهدی را خرقه گردد یاحماری را رسن

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 448 of 596

ماهها باید که تایك بنبه دانه زاب و کل
شاهدی را حله کردد یاشهیدی را کفن
دنیاوا که مزرعهٔ آخری کفتند طریقهٔ کشت
آن ظلام انجامدهانقسم درکتب فقه وصدور
عالمان مضمر است که فلاحت در کتاب های
فن آن و دماغهای بذر کران — علی ذلك
النهج علم سیاست و مدنیت قواعدی را بیان
میکنند که اکر بران حکومت رانده شود حال
کم واستقبال بیشتر رفاهیت اشتمال میکردد — اکر
کسی سودای نقد بخواهد شاید نفع بیند اما
در امور سلطنت نسیه و صبر و انتظار فوائد
بسیار میآرد وبه نسبت تعطیل وتاخیر انجام
کار پایدار وخوبتر میکردد (والآخرة خیرلك
من الاولی) — مرغك ازبیضه آمده چندی
بعد درشکم آدمی زاده میرود واوچندین مرغ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 449 of 596

هارا هضم کرده بعد از سالها بهوش میآید و
فرق است مابین مردو ـ یک عمر صرف میشود
که مؤمنی درجنان یا کافری در جهنم میرود و
عمرها میگذرد که ملکتی باوج غالبیت یا بحضیض
اسارت میرسد ـ جناب سرور کائنات علیه
الصلواة والتحیات بنای حکومت اسلامی را
گذاشتند وخلفای راشدین بتعمیر آن پرداختند
روزی بشدت تموز حضرت فاروق (رض)
شتری گم شدهٔ را جسته از کوچه مدینه گذشتند
که دران حضرت عثمان (رض) سکونت داشتند
از نه خانه برامده گفتند که ساعتی استراحت
کنید ـ جواب دادند که ازما بهتر و برتر ارام
نکردند ـ ایا ما اسایش گزیده میتوانیم که
اسلام درمرحلهٔ اولی است و کفار بمنزله رسیده
رمازحمت ومشقت است و برای نسلهای آئنده
راحت و عافیت ـ خلافت های امیه و

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 450 of 596

عباسیه ثمرهٔ محنت اصحاب کبار بودند حتی که
ملک ما ازهمان زمان به نتیجهٔ مساعی شان بارور
عزت وایمان شد خرمائیکه آنها نشانیدند بصد
انعام شاهی نشو و نمایافته بامیوهٔ شیرین تا ما رسیده
اگر خلف الرشید باشیم این را باولاد خود
اگر بهتر نباشد بهمان حال ترکه گذاریم —
قاعدهٔ نوشیروان بود که اگر بسخن کسی آفرین
میکفت هزار طلا انعام میداد ـ دهقانی پیری
درخت خرما می نشانید کفتش که عمرت باخر
رسیده ثمرش بتوکی خواهد رسید — جواب
داد که دیکران کشتند وما خوردیم ما میکاریم
تادیکران بخورند — نوشیروان آفرین خواند
وهزار طلا رایش بخشید ـ دهقان کفت که
نیت خیر برای دیکران خرمای من چقدر زود
ثمر آورد ـ پادشاه باز تحسین کرد وهزار طلای

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 451 of 596

دیگر انعام شد دهقان عرض نمود که خرمای مردم سالی یك بار بار میدهد ازمن در ساعتی دو کرت میوه داد ـ نوشیروان باز زهی گفته وا کرام موعود نموده از اندیشهٔ بذل زاید زود دهقان را بامان خدا گفت —

اکرم برای طی کردن راه بسی قصه ها بخان گفته میرفت اما چونکه دیگرد استانی بدست داریم قطع کلامش نموده عذرش میخواهیم

مصالحت خوئین

گر بروم میکشدم ور نروم می میرم
مصلحت چیست عزیزان بروم یا نروم

همین مضمون را سرولیم میکناتن پیش مشیران خود بیان کرد که اگر اقدام برمصالحت نمایم خوف دارم وا گر قرار بنشینم خدشه میپورانم از غزنی خبر آمده که اندر وترك و تاجیك و

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 452 of 596

هزاره دست بك كرده نمونه برق ورعد را در زمین
هوا ساخته اند — از كته وار وزرمت اطلاع
رسیده كه دولهازده جوانهای افغان باصدای
آن سیلاوه ها را بالای سرهای خود دور میدهند
از لو كر وردك همین آوازه ها بگوش می آید
از كوهستان ونجراب و تكاب غریدن ابر های
غرا خون باری را نزدیك نشان میدهد وانكریزها
بچشم خود می بینند كه در كابل كوهها كه از
درخت وسبزه عاری بود كویا بسرو های جاری
و كلهای كویا پر كشت دربازارهایش مردكان
دو سه نفر ایستاده اختلاط میكنند و اتحاد
عجیبی از آنها ظاهر میشود :—

افغانی باشلوار بیست كزه و پیراهنیكه
در مقدار تكه بان همسری كرده جولای پیروان
را آباد ساخته است همراه پارسی واینكه لنكی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 453 of 596

حاشیهٔ سرخ ابریشم بطرزی برشانه انداخته که
جنس حریرش همه نمایانست حرف میزند : —
افغان — دی وروره جوری بخیری
تکمتره ی —
پارسی‌وان‌ور وره‌جانه — ته‌جولی بخیری
تکله‌ی —
افغان بلب وندایکه خلاف اخوت
است بلکه ازایما وسیما معلوم میشود که برتلفظ
غلط افغانی خنده‌میکنند بدل خودمیگوید که کابلی
ما چقدر مردم ساده اند که حرفهای پشتورا
صحیح گفته نمی‌توانند اما عاقل‌یابیوقوف برادر
های ما هستند کاسی اگرتلخ‌است ازبوستانست
واگر دیکان کم فهم است ازدوستانست —
درین حین نافروشی بینی بچیقی‌نانهای گرم
را که بوی سیاهدانه ازآنها میخیزد پیش‌افغان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 454 of 596

تقدیم نموده میگوید :— خانه خوری دودی
نرود، سورنده .:. باز از نادان افغان هزاره
نه مذکر ومؤنث را هم تمیز کرده نمی‌تواند
احمقش دانسته تبسم میکند ویك تکه از نان
شکستانده میگوید بس — هزاره نان باقیمانده را
بدستش داده پیسه میطلبد افغان برین بی برکتی
رزق که فروختن نان کاردودی مار نیست حیران
شده سوی بار سی‌وان مینگرد واو پیسه از جیب
زری خود کشیده بهزاره میدهد .:.

طوافی سبد انگورها را تهکرده پهلوی
افغان نشست انگور صاحب کلکهای عروس
ها را میشرماند وحسینی انگشتهای نازنینان
را غیرت داده که درتنم از این میوه هم خوبتر
نشده بر استعمال اسلحه‌می‌انگیزاند — انگور
غوله دهن در تعجب میاندازد که موسم
آلوچهٔ کوك سلطانی گذشت این غوره اش از

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 455 of 596

بکجا رسیده ـ کشمش افغان صحرائی را حیرت میدهد که شمار یك خوشه چقدر دشوار خواهد بود اما حاجت شمردن چیست درست یك شنکله هم‌در دهن جای میشود ازاینجاخیال بدلش خطور کرد که‌اینقسم انگورهای خوب خوب مانده این آدم چرا دهن دوخته نشسته است مگر کور است برای آزمایش دو کلك خود را سوی چشمهایش دراز میکنند و طواف پس‌می افتد ـ افغان می‌گوید :ـ

که‌روندنه‌ی ولی نخوری .

(باقی دارد)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 456 of 596

(مسدس ترجیعی)

این خوش لقا سفیر ز ایران رسیده است
از بهر درد تفرقه درمان رسیده است
از جوش اتفاق با فغان رسیده است
از عین اتحاد بیاران رسیده است
ایدل تهیه ساز که مهمان رسیده است
مهمان یکی عزیز تر از جان رسیده است
گفتن توان بحضرت مهمان خوش آمدی
گوید چنانچه یار بیاران خوش آمدی
ای میهمان ملت افغان خوش آمدی
خوش آمدی ز کشور ایران خوش آمدی
خوش آمدی که غصه بپایان رسیده است
وقت نشاط و عیش عزیزان رسیده است
آمد یکی سفیر و از و شاد مان همه
چون گل شکفته است دل دوستان همه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 457 of 596

در خون نشسته اند ز غم دشمنان همه
اهل وطن نشاط کنند این زمان همه

بلبل بباغ مست و غزلخوان رسیده است
باز این چه نوبهار بسامان رسیده است

آمد یکی بهار و همه گلستان شکفت
از دیدنش چو گل دل افغانیان شکفت

دلهای بسته غنچه صفت درزمان شکفت
مانند گلشنی که ز آب روان شکفت

موج گل ازچمن بکریبان رسیده است
کوش بهار سنبل و ریحان رسیده است

مسرور گشته اند بجان این و آن ازو
شادند سر بسر همه مرد مان از و

اهل وطن تمام بود شاد مان از و
چون گل شکفت خاطر پیر و جوان ازو

خوش طبع و خوش محاوره خندان رسیده است
این گل ندانم از چه گلستان رسیده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 458 of 596

در ملك ما رسید كه تا اعتلای ملك
جان‌بخش و جانفزا بود آب وهوای ملك
تنگی نموده است جهان بر فضای ملك
خلد آمده است باج گذار صفای ملك
این مملكت بپایهٔ عمران رسیده است
كونی بملك چشمهٔ حیوان رسیده است
آمد بهار و موسم گل شد خزان گذشت
ایام سرد مهری ما این زمان گذشت
غفلت كه بود شیوهٔ همسایگان گذشت
صد شكر وقت كلفت اسلامیان گذشت
آن شام تار غم بچراغان رسیده است
شب رفت ووقت مهر درخشان رسیده است
چون رسم اتحاد ز اسلامیان خوشست
ما وشما و فاق كنیم این زمان خوشست

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 459 of 596

از جان و دل شویم هم مهربان خوشست
باهم ز روی لطف شدن هم‌زبان خوشست

فرصت کنون بدست مسلمانان رسیده است
کار این زمان بدست و گریبان رسیده است

تا کی ز غفلت این همه بی پاو سر شدن
باید کنون ز حال جهان با خبر شدن

زیبد با تفاق ز هم بهره ور شدن
شاید شریك رنج و غم یکدگر شدن

خصم اینچنین زبون چو بمیدان رسیده است
هنگام یاری از شه مردان رسیده است

خوش دست اتفاق ندادن بهم چرا
بر نامهٔ وفا ننوشتن رقم چرا

بیگانه و داد شدن یك قلم چرا
بد خواه دین خود ننشاندن بغم چرا

امروز وقت الفت اخوان رسیده است
اکنون زمان مهر عجبان رسیده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 460 of 596

غافل اگردو روز شدیم از خیال هم
واقف نگشته ایم دمی کز زحال هم
نشنیده ایم یکنفسی کز مقال هم
چندی اگر شدیم جدا از وصال هم
جانان کنون بعاشق حیران رسیده است
وصل این زمان بچارهٔ هجران رسیده است

ما وشما نه ایم کنون زان همدگر
اکنون نه ایم بسته پیمان همدگر
بودیم از نخست دلو جان همدگر
یعنی که بوده ایم مسلمان همدگر
اکنون نه این وداد بسامان رسیده است
این قطره عمرهاست بعمان رسیده است

مابوده ایم روز نخست آشنای هم
ثابت قدم بجان و بدل در وفای هم
جان میکنیم وقف و نثار از برای هم
دانسته ایم روز ازل مدعای هم
وقت وزمان قربت دوران رسیده است
ایران در اتفاق بافغان رسیده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 461 of 596

ایرانیان تمام بود همچو جان ما
چشم و چراغ ماهمه روح و روان ما
همدین ماست جمله کی و همزبان ما
یك موی نیست فرق دوئی در میان ما
تادست اتفاق بدامان رسیده است
سرها ازین کلاه بسامان رسیده است

ایدل دگر زشکوهٔ دوری سخن مکو
غیراز حدیث قرب مکو پیش من مکو
تامرگ حرف رفتن جان از بدن مکو
رفتن زیاد رفته بجز آمدن مکو
جانان کنون که بر سر پیمان رسیده است
روز سیاه هجر بپایان رسیده است

اینها بود نتیجهٔ آزادی وطن
ازادی وطن بود آبادی وطن
شد رفع ازین و داد چو ناشادی وطن
شد شاه ملك موجب دلشادی وطن
دانا سفیر کز شه ایران رسیده است
از لطف شاه غازی افغان رسیده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 462 of 596

ملت کجا ودولت آزادی از کجا
ویران کجا و مایهٔ آبادی از کجا
غمگین کجاو خنده‌زن ازشادی ازکجا
رستن زقیدو زحمت ناشادی از کجا
اینها تمام ازشه دوران رسیده است
زوخاك پست برسر کیوان رسیده‌است
شاهی که راست کشت ازوکاردین همه
زوشادمان شدند بجان مسلمین همه
برفکر او کنند روان آفرین همه
نامش زمین گرفت چوروی نگین همه
الطاف او بصفحهٔ دوران رسیده‌است
انعام او بکبرو مسلمان رسیده است
شاه که امن دولت ازوسر گرفته‌است
زوکار ملك رونق دیگر گرفته‌است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 463 of 596

آوازه‌اش جهان همه یکسر گرفته‌است
خورشید زیر سایهٔ افسر گرفته است
تا دست او بخنجر بران رسیده است
خصمش بپای بوس شتابان رسیده‌است
شاهی که هرچه کرده همه عدل و داد کرد
در ملک رسم علم و معارف زیاد کرد
با خصم دین بروز نخستین جهاد کرد
بس رسمهای نیک ز خویش اجتهاد کرد
ازوی بملک خیر فراوان رسیده است
صد لطف ازو بملت افغان رسیده است
چون عام کرد شیوه خلق کریم را
از پا فکند بدعت عهد قدیم را
خورسند ساخت صاحب طبع سلیم را
از ملک دور کرد بلای عظیم را

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 464 of 596

زو مملکت باینهمه سامان رسیده است
ازوی بقوم لطف نمایان رسیده است
تا برنهاد برسر پر مفخر تاج را
تا داد زینت از قدمش تخت عاج را
بخشیده است در کف سخی خراج را
یکتن ندیده است غم خرج وباج را
ازوی بملت این همه احسان رسیده است
این کشت ازو برشحهٔ باران رسیده است
هرگاه جابکوههٔ یکران گرفته است
کوی سپهر در خم چوگان گرفته است
ملک ازعدو بخنجر بران گرفته است
در دست تیغ تیز چو عریان گرفته است
زو چون سمند عزم بجولان رسیده است
انگشتهای خلق بدندان رسیده است
نگذاشت هیچ کار ولایت باین وآن
ننشست فارغ ازغم ملت بیک زمان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 465 of 596

تدبیر اوشده است بتقدیر تو امان
پیر فلک ندید چنین شاه نوجوان
فکرش بمشکلات باسان رسیده است
این نوجوان زعقل به پیران رسیده است
مستغنی این حدیث رها کن رها کنون
خاموش لب ببند زمدح و ثنا کنون
حق وفاو مهر نمودی ادا کنون
درباب اتفاق دعا کن دعا کنون
نظمت چو حال خویش بریشان رسیده است
گوشی بگوش طرهٔ جانان رسیده است
بس کن دگر خموش حکایت دراز شد
بر بند لب که مستمعت بی نیاز شد
بازت زبان چو شمع خموشی گداز شد
بازت بیان بساز دگر پرده ساز شد
بهر تو امر خسرو دوران رسیده است
یا از سخن بنام تو فرمان رسیده است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 466 of 596

خاموش کن ازین همه گفتار بعد ازین
بگذر ازین حدیث کهربار بعد ازین
سر کن دعای حضرت سرکار بعد ازین
در اتفاق کن سخن اظهار بعد ازین
یك بیت هم اگر بسخن دان رسیده است
از یك کتاب به که بنادان رسیده است
این اتفاق تا بابد برقرار باد
وین اتحاد تا که بود روزگار باد
اسلام و اتفاق بهم پایدار باد
در اتحاد پیرو دین استوار باد
بر لب دعای حضرت سلطان رسیده است
دیگر زبان حرف بدندان رسیده است

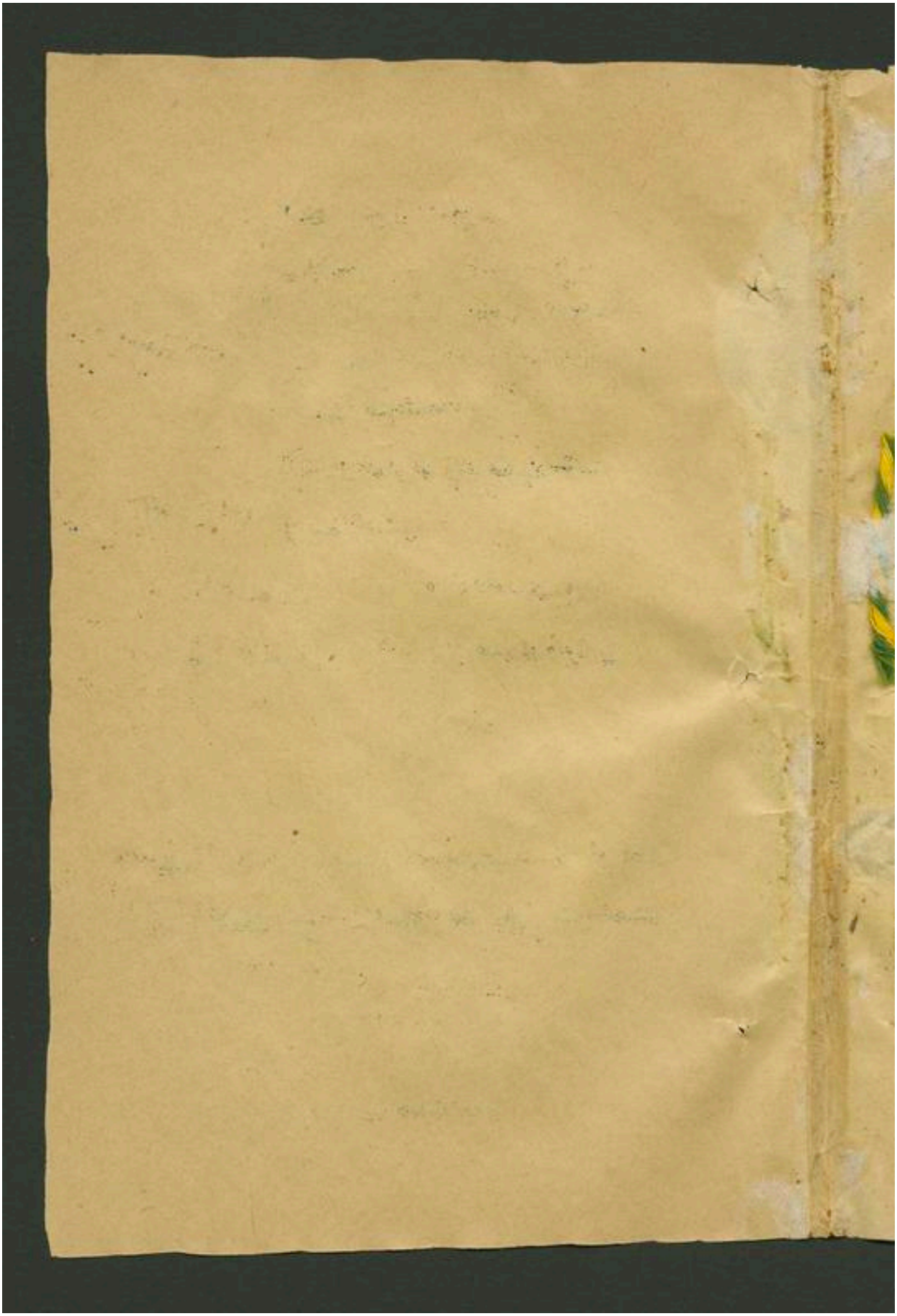

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 468 of 596

شرایط اشتراک المعرف

داخل شهر
- سالانه — شش روپیه
- شش ماهه — چهار روپیه
- سه ماهه — دو نیم روپیه

قیمت یک نسخه یکروپیه

بخارج شهر
- بقیمت های فوق اجرت پوسته منضم میشود .

مدیر المعرف « محمد حسین »

محرر المعرف « میرزا عبد الرؤف »

مطبعهٔ ماشین خانه میار که چهاپ شده از ادارهٔ دار الامان معارف ماه یک بار نشر میشود

(وزارت جلیله معارف)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 469 of 596

الذين آتيناهم الكتاب
يعرفونه كما يعرفون ابناءهم



اول حمل
سنه ۱۳۰۱



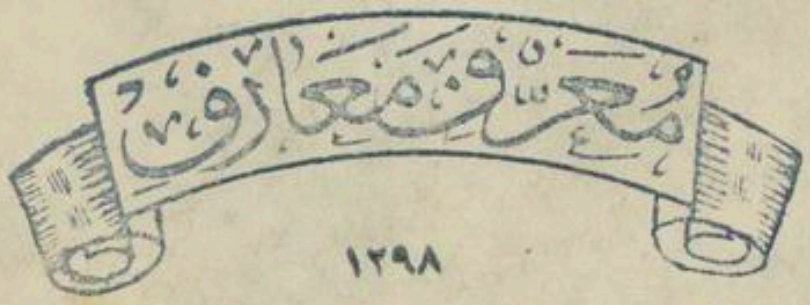

۱۲۹۸

سال سوم

نمره ۶۰

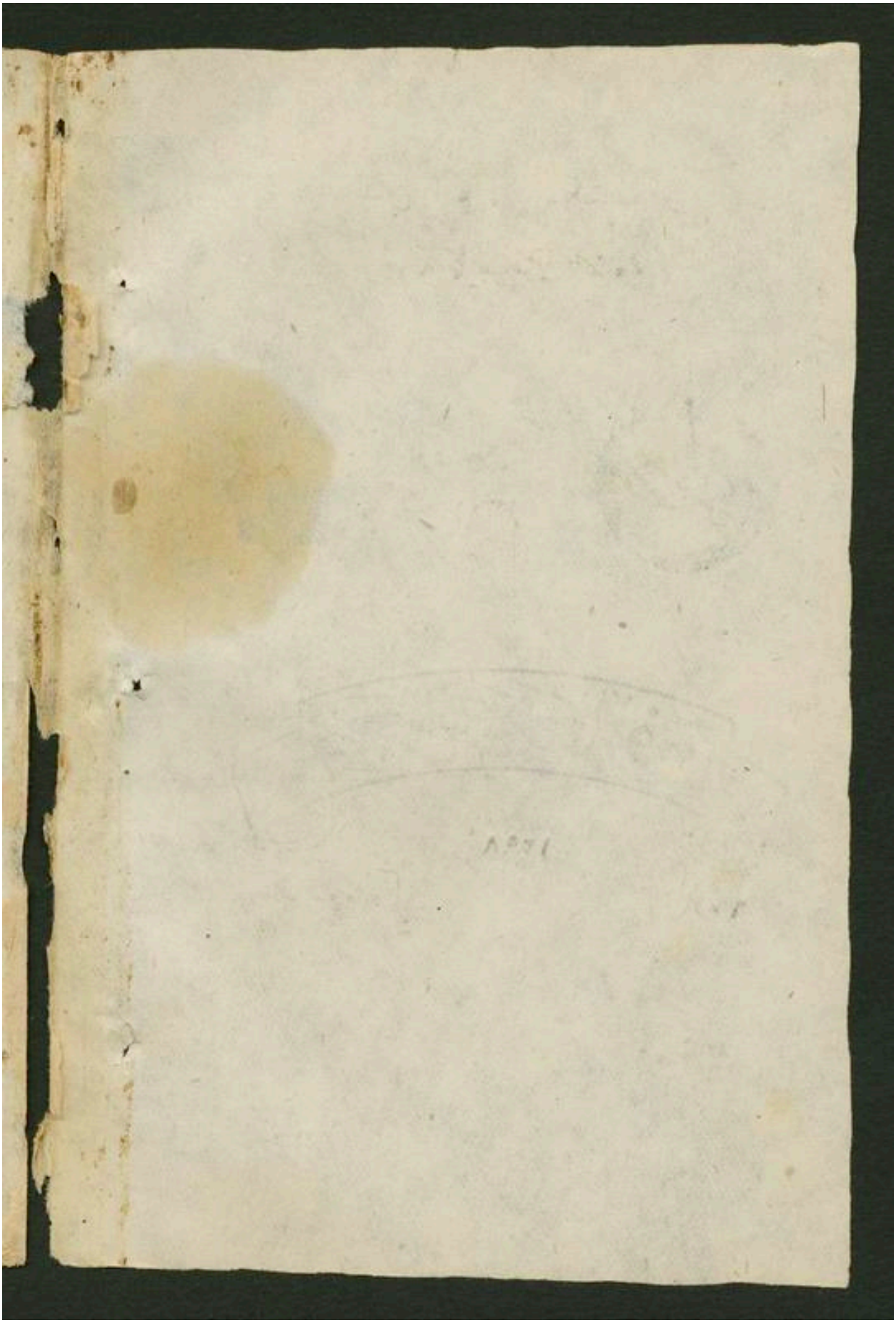

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 471 of 596

فهرست مندرجات

١ باب العلم

٢ مقاله مجلس بحث

٣ بدل زر

٤ بك مقاله

٥ ناول



http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 472 of 596

بسم الله الرحمن الرحیم

(باب العلم)

(انا مدینة العلم وعلی بابها) حدیث معروف است و این هم کمتر مشهور تر که مقبرهٔ آن باب العلم در افغانستان است مولنا جامی (رح) دار الشرفش خوانده رعایت دیگر مقامات را هم ملحوظ داشته است

گویند که مرقد علی در نجف است
در بلخ بیا ببین چه دار الشرف است
جامی نه عدن گو ونه بین الجبلین
خورشید یکجا و نورش هر طرف است

درین امر اظهر من الشمس که شپوك چشم شدن را ذلت گوارا کرده میتواند امااز براهین

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 473 of 596

عقلی ونقلی اینقدر جرات ادعا مینمائیم که آن
یکجائیکه خورشید در آنجا غروب شده واشعهٔ
روحانی از آن مغرب طلوع کرده مشرقش
میباشد فقط بلخ است ومتصلش مزار شریف
آوان شهادت شیرخدا از اعدای خوارج چنان
مملو بود که تدفین شان در قرب وجوار مقتل
نزد معتقدان خالص خطرهٔ وخیمه داشت ارشاد
نبوی (ص) در حق حضرت علی (رض) چنان
رفته بود که مخالفان شان در بغض وعداوت
همانقدر ، اشد خواهند بود که موافقان شان در
حب وارادت لازم شد که از اندیشهٔ دشمنان
جانی که از هیچ جنایت دریغ نمیکردند جسم
مبارک شان اینقدر دور برده میشد که احتمال
دست تطاول تا آنجا نمیرسید واینقسم موضع بلخ
بود ـ سلطان حسین میرزا که یکی از شاهان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 474 of 596

الوالعزم افغانستان و وزیرش علی شیر که یکی از وزرای
مدبرترین جهانست و همراه تدبیر وزارت فضیلت
در بحر علوم داشت که واقعهٔ نادره است . این
شاه و وزیر از تحقیقات ظاهری و باطنی مزار شریف
را در بلخ کشف نمودند بناءً علیهما هیچ شك
نیاورده و گنجائش شبهه ندیده فخر میکنیم که
در وطن مقدس ما شخصی مدفونست که تنها از
وجود مسعودش وطن ما مقدس میشود دیگر
اشخاص نیرو و اشیای عزیز علاوه بران ـ جهت
تحفیظ این تقدیس هرچه لزوم دارد بعمل باید
آورد انشاء غور بفرمائید

چسان یك شاه مادر هجده نهر انداخت آب و تاب
پدید آورد سر هجده آیت در تشکل ها
کشوده درد بارما زبحر ارض باب العلم
شروط دخل آن لیك از اهالی شد تعقل ها

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 475 of 596

فتـادام البلاد بلخ در پیری بویرانی
زفرزندان نااهلش چوصادر شد تکاهل‌ها

سلف ازفن عمران ساختندش قبت‌الاسلام
خلف بنیاد آن کندند از راه تکاسل ها

بر آن پرواز هـای عالی ما عالمی حیران
چنین برجهل ونوم حاضر ماوتنزل ها

زفعالیتش مغرب برآورد آفتاب علم
بمشرق ساختیمش غرب از فرط توکل‌ها

چنین اعمال پامال توهم شد که باقی ماند
عظـام عالمان منذر کتب بهر تفاءل هـا

کرخطو دهان نقطه بشکل یار آوردیم
زاقلیدس سبق بردیم در فن تخیلها

همیدانید اسباب ترقی و تدنی را
بس ای خیرالملل تاکی نمائید این تجاهل‌ها

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 476 of 596

بگیر از پیش فرصت را زپس ناید بدست تو
که باشد این پری سر کل جبینش پرز کاکل ها
پی امداد ما آمد بجنبش لشکر علوی —
ز ترکستان همی شنوم صدای پای دلدلها

از جمله مکاتب جدیدیکه در افغانستان تو
تاسیس یافته حضرت وزیر صاحب معارف سردار
محمد سلیمانخان بمزار شریف کمتر توجه نداشتند
بلکه باعتبار و قار آن شهر شهیر التفات زیاد
فرموده یکی از تعلیم یافتگان مکتب حبیبیه راکه
تجربهٔ سر معلمی نیکو داشت معه سررشتهٔ لازمه
با نولا کسیل نمودند — نورعلی نور این امر
شد که حضرت وزیر صاحب عدلیه جناب
محمد ابراهیم خان در آنولایت رسیده روشنی
سابقه را چنان منور تر ساختند که درخشانیٔ
آن برفقدار سریعیکه قاعده اش است متواتراً

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 477 of 596

بمارسیده بصفحات المعرف پرتوافکن گردید —
اول از عرض راه خبرهائیکه مترشح میشد
سراپا بشارت بود — اسیم بوسنه چنان
خوشبوبها میاورد که احوال آب وتاب ورنگ
گلهای را پوست کنده بیان میکرد که در
ترکستان بورود وزیر ورئیس ممدوح درگلشن
معارف می شگفت — مابیشتر حظی از علم
دوستی شان برده ایم وبتشکرات ماضی ومستقبل
متوقع بودیم که در مزار شریف چنان باب العلم
افتتاح خواهند کرد که سزاوار وشایان صاحب
آن خطاب باشد — حسن ظن ما بدرجهٔ یقین
رسید وعنقریب از توجهات صمیمانه ومستقیمانه
شان مکاتب ابتدائیه ودارالمعلمین جنان رونق
وشهرت را حائز خواهند گردید که ممالک
اسلامیهٔ مجاور نیز آزان متاثر و مستفیض
شوند .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 478 of 596

حصهٔ که معارف مزار در جشن جلوس امساله
گرفت بیان میکنیم : — بعداز نطق حضرت
وزیر صاحب عدلیه در سلامخانه یك طالبعلم
صنف سوم رکوعی باواز دلنشین قرائت کرد
سپس طالبعلمی از جماعت چهارم تقریر ذیل
نمود : —

بحضور جناب عالیقدر محترم وزیر صاحب
عدلیه وباقی حضار کرام سال سوم جلوس
مسعادت مانوس اعلیحضرت غازی که امروز
اختتام پذیرفته درحقیقت سال سوم یك عصر
ترقی حصریست که هرگاه بدیدهٔ تدقیق بسوی
ماضی و حال خودمان نظر کنیم چنان ترقی‌های
عیان در حال خود ودر ملك خود می بینیم که
بی‌اختیار بدعای سلامتی ذات اقدس مقدس
پادشاه حقائق آگاه خود ترزبان گردیده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 479 of 596

ازدرگاه خداوند جل‌علی مسئلت مینمائیم که بسایه
ترقی گستری ومعارف پروری این ظل الله
تاسالهای فراوان ازتحصیل منوع علوم وفنون
بهره‌مند وکامیاب گردیم

مایان طلبای مکتب شرافت مکسب هزار
فیض آثار شاه اولیا کرم‌الله وجهه ازصمیم دل
به ترانهٔ تشکرات ذره نوازی ورعیت پروری
شهریار غمخوار خود که این قسم اهمیت بی
بهای معارف را برای مایان ارزانی داشته درهای
ترقی دینی ودنیوی بروجوه مایان گشوده اند متزنم
گردیده رجا میداریم که موافق رضای خداوند
ورضای پادشاه هوشمند خود رفتار نمائیم
ودرسبیل تحصیل علوم وفنون جد وجهد بلیغ
بکار برده نگذاریم که دقیقهٔ ازدقائق عمر مایهوده
بگذرد —

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 480 of 596

این همه مراحم ومکارم ورعیت نوازی را از
کال شفقت ومهربانی های اعلیحضرت پدر تاجدار
خود میدانیم — که اولاً از ابتدای سلطنت
خود معاملت غیور افغانستان را ازبالین اسارت
رداشته بشرف حصول استقلال یك تاج افتخاری
بخشید — دوم شیوهٔ معارف را که فی الحقیقت
دربدن مملکت مانند روح است دربین ما مردم
یك اصول بسیار درستی رواج دادند — سوم
جناب شما را که یك ذات خیر خواه وصداقت
آگاهی میباشید بجهت غمخواری ما اهالی
ترکستان فرستادند که دریك مدت قلیل ازورود
خویش بسی امورهارا بجا آورده شعبهٔ معارف
را بذریعهٔ توجهات زیادی بدین مکتب سعادت
مکسب مزار شریف ترقی داده اید چون وظایف
شکریهٔ این همه عواطف شاهانه را بهیچ گونه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 481 of 596

بجا آورده نمیتوانیم دعای ازدیاد عمر و اقبال
شان را ازدرگاه پروردگار بی نیاز مینمائیم

تا در جهان بقاست بقای تو مستدام
باد آنقدر که کام تو باشد جهان بکام

قطعهٔ عریضهٔ جدا گانه که طلبهای مکتب
صداقت مکسب از کمال خلوصیت و صمیمیت
بحضور لامع النور اعلیحضرت غازی نوشته اند
بذریعهٔ یك نفر برادر کوچك من علیحده قرائت
میشود ، از مراحم جناب جلالتمآب مفخم توقع
میداریم که عرضداشت این فدائیان دین و دولت
را بحضور معدلت موفور تقدیم نمایند

بعد او یك بچهٔ شش سالهٔ ازجماعت اول بر
چوکی ایستاده با آواز بلند گفت :—

(زبانی) : حضرت رئیس محترم مجلس
و حاضرین معززین ! ازطرف جمیع طلباء مکتب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 482 of 596

عریضهٔ هذارا بحضور تان قرائت مینمائیم ؛ :-

فدایت شویم - مانند برادران بزرگ خویش اعنی طلباء دارالعلوم امانیهٔ کابل که بوقت اعتلای بیرق بارونق معارف با پادشاه معارف پرور خود عهد بسته بودند ، مایان طلبای مکتب مزار شریف نیز سر وجان خودرا درهرگونه رضا جوئی اعلیحضرت وخدمت ملت فدا ساخته ، باین جشن مبارک نخستین موقع اجتماع رسمی ماست بحضور عالیقدر جلالتمآب وزیر صاحب عدلیه وباقی حضار کرام همانطور عهد واثق باپادشاه غمخوار خود می بندیم که درراه صیانت شرف وناموس و استقلال ملک وملت خویش تاسرزمین گلشن قرین وطن عزیز را از خون خود رنگین نسازیم دست توسل از دامن سعی و کوشش باز نخواهیم گرفت انشاءالله تعالی .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 483 of 596

باقی تشریف آوری جناب محترم را از صمیم
دل تشکر نموده از برکات و توجهات صادقانهٔ
آن عموم افراد و اهالی ترکستان را مستفید و
مستفیض خواهانم !

« زنده باد پادشاه غازی معارف پرور ما »

اینست پیش خیمه از عساکر روحانیت
علوی که جهت اعانت ملت افغان بحمیت آمده
و ان جند نا لهم الغالبون

• •
•

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 484 of 596

مقاله مخالف

(کابل بی زر باشد بی برف نمی)

بلی بلی ما میگوئیم درحالت که رزاق مطلق خداوند است — (وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها) مارا باین اعتراضات چه بلکه همه اعتراضات را که در خصوص اهمیت برف ویاغیر ان گفته اند لاطائل وبی فائده میشماریم مارا چه که از برف حرف زنیم ویاباری غم باران را برخاطر یاران نهیم ویاازژاله گله کنیم ویاغم شب نم خوریم ! اصل معیشت ازدو وجه است یکی قدرتی دیگر اکتسابی در خصوص اکتسابیست که حضرت الهی جل و علی فرموده (لیس للانسان الا ماسعی) باید قدرت وقوت خود را حتی الامکان دریغ نه نمائیم ودر طلب رزق وسائر حقوق ظاهری وباطنی خود وتمام برادران خود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 485 of 596

ساعی ومتوجه باشیم تاحق خود واخوان خود
را در طلب حق اضاعه نکرده باشیم وماند قدرتی
مثل برف و باران وآفتاب وسائر اجرام که
بقدرت در گردش اند وهرکدام از خط محور
خود واز فرمان صاحب خود یك موی ویك
دقیقه تجاوز وتهاون را روا نمیدارند اگر مادر
خواب باشیم ویا بیدار ویاطالب ویاغیر طالب امور
قدرتی خود بحق خود قیام مینمایند و حقوق
مارا بمامیرسانند بهر واسطه که باشد چه برف
شمارید وچه باران انکارید !

چو نتوان بر افلاك دست اختن
ضروریست با گردشش ساختن

و مارا ازین معلوم شد که کسب وسعی ما
در امور قدرتی راه نیست ودر آن خصوص
هرچه کوشیم وکنیم وقت خود را ضایع نموده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 486 of 596

باشیم وحقوق قدرتی وسطوت فطرتی اضاعه
رعایی ماطالب رضای وئیم اندرین قرار
مارا بهرف و ژاله وباران او چه کار
ماخیرخود همیشه طلب میکنیم ازو
باشد که خیر ما نبود وقت برف باز

پس فرض عهدهٔما این است که همیشه رضای حضرت الهی جل و علی را طالب باشیم وانچه ازطرف حضرت او برای ما واقع شود باید که درکمال متانت بآن راضی ومتشکر باشیم (لئن شکرتم لأزیدنکم ولئن کفرتم ان عذابی لشدید) (ولقد اتینا لقمن الحکمة ان اشکر لله و من یشکر فانما یشکر لنفسه)

غلام دستگیر صنف مساحت
انعام ماهانه شش روپیه که محمد اقبال خان
مهاجر عطا میفرمایند برای طالب علم
مذکور داده شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 487 of 596

بذل زر

الحمد لله که درین عصر سعادت حصر امانیه
وجود مسعود موفور معارف افغانستان نیز
بزیر سایهٔ عاطفهٔ اعلیحضرت همایون پرور از
چنان ظلمت و کساف محیرالعقول نجات و یوماً
فیوماً ضیاءشماری و شعله فشانی را کسب نموده
که در قلوب همه افراد نجیبه افغان یک محبوبیت
خاصه را دارا گشته چه همه تن در راه خدمتش
بسر وزر آماده اند چنانچه خلف ارشد آقای
معظم سید عطا محمد شاه خان آقا جناب سید
محمد عثمانخان مبلغ یکصد روپیه پختهٔ کابلی از کیسهٔ
بر میسهٔ خویش بجهت مخارج افتتاحی بکتاب
مکتب فیض مکسب قلمهٔ قاضی که در آنجا یک
خصوصیتی دارند و بهمین چند روز بنیاد و افتتاح
گشته اعطا و بحضور حضرت وزیر معارف

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 488 of 596

ع ج سردار محمد سلیمانخان تقدیم والتماس قبولی را
نمودند حضرت وزیر صاحب روشن ضمیر از
ره مرحمت اعانهٔ کریمانهٔ آقای موصوف را
منظور و آنچه مصارف افتتاحی مکتب مزبور
و مابقی آنرا بمصرف کتب خانهٔ وزارت جلیلهٔ
معارف امر فرمودند ـ مجله المعرف همت اینچنین
معارف خواهان را تحسین وتقدیر کرده ازهمه
ذوات معارف پرور جلب حسنات و توجهات
را نیاز مند است

محرر المعرف

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 489 of 596

حضرت مدیر باتدبیر جریدهٔ عرفان پسند معارف پیوند (معرف معارف) را مخلص دیرینه ام! حرفی چند ریختهٔ قلم اخلاص رقم (شایق) هیچمدان کردیده اکر بیکی از صفحات جریدهٔ پسندیدهٔ خود جایش دهید باعث ازدیاد عقیدتم خواهد بود :

نگویند از سر بازیچه حرفی
کزان پندی نکیرد صاحب هوش

—:(گنجشك):—

عزیز جان! میکویند گنجشککت را گربه خورد

ع — بلی آقا اکر بی ادبی نشود میکویم تاوانش را از جناب شما بالضرور خواهم کرفت چه میکوئی بی انصاف ! کربه را مکر من آموخته بودم !

ع اکر بنده بخدمت شما مصروف نمی بودم کربهٔ فلاکت را کجا میکذاشتم سرك شیرین اورا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 490 of 596

دندانهای منحوس خودش خورد نماید!
وای مکر مرا ملامت کردی !

ع نه نه ملامت کفته نمی توانم لیکن ناوان
کرفتم بدیهی است - خیر یك جوره کلك جانور
دیکررا نشانت میدهم اکر میتوانی بدست آر
که هیچ کربه آنهارا خورده نمیتواند ، . وباز
که خود شان رام شوند چوچه ککهای شان
که : غیرت ، همت ، دولت ، عزت ، شجاعت ،
سعادت ، اتحاد ، اتفاق نامدارند هم بپدرومادر
خود بخانهٔ آدم آشیانه میکیرند :

ع - آقاجان : چه خوب سخنهای شیرین
شیرین میزنید ! لیکن کربه هارا باز آنوقت عدف
کله ساخته نمیکذارم بخانهٔ مابیایند !

خیرجان اکر بیایندهم روا ندارد کفتم که
آنهارا بشلك خورده نمیتواند سلك برده نمیتواند !

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 491 of 596

بلکه سك وپشك را خودشان بانوالکهای خود زده نمیگذارند بخانهٔ آدم ادخال نمایند ! ازتفنك هم نمی ترسند ، بخنك نیز نمی میرند !

ع - خیلی خوب ! خیلی خوب ! امابرای دانهٔ شان هرروزچند پیسه خواهید داد ؟ هان راستی دانه هم نمیخورند !

ع وای دانه هیچ نمیخورند ؟

- نی چوچه های شان خو هرگز دانه نمیخورند ،لیکن یك قسم دانهٔ دیکر بدنیاوجود دارد که آن را « مطالعه » مینامند ! ! اکر بوالدین شان کاه کاهی ازان داده شود خوب چاق چلق وفربه فربه شده چوچه کـکهای خودشان راهم بمنقارهای خودسیرمیکنند ! مخم بسیارمیدهند وتخمهای شان هم طلائیست!

آقا جان قربانت شوم ! نامهای شان چیست

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 492 of 596

و جای آنها کدام ؟ زود بگوئید که رفته آنها را بدست آرم ـ نامهای شان « علم ، ادب »

ع در کجا میباشد ؟

ـ به مکتب !

ع اهو ! . . فهمیدم ! فهمیدم که شما چه میگوئید ؟

انثا شایق

• •
•

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 493 of 596

ناول

مابعد از شمارهٔ گذشته

حضرت عمر [رض] خودرا یك چاکر رسول اکرم [ص] میگفت و ابو عبیده [رض] یك نوکر عمر [رض] بود و خالد [رض] ما تحت ابو عبیده [رض] در حق ابو عبیده [رض] که مؤرخان محقق اسلامی رتبهٔ شان رابحیثیت سپه سالار در میان افسران مسلمان بسیار بلندقرار نداده‌اند نپولین اعظم اعتراف کرده که اگر عکس عسکریتش بر سپاهیان فرانسوی می افتاد هریکی مثل من فاتح میشد اگر فضائل شخصی خالد [رض] را ما آن جرنیل کار سیکائی مقابله کنید شرمنده شده درسینت مهلینیا رو پوش خواهد شد زیرا خالد [رض] مظفر و منصور تا آخر ماند و

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 494 of 596

نیپولین منهزم در انجام محبوس شد ـ اگر فتوحات
ابن ولید را بمیدان آرید از تدبیر وشجاعت
و وسعت ممالک مفتوحه اش پست همت شده و
حب جاه را ترک داده در لندن بناه خواهد گرفت
تا انگریز ها از غدر و خیانت اسیرش سازند ـ
سلاطین مثل سلیمان الپ ارسلان و صلاح الدین
شاهان نصرانی مقید را بعزت و آبرو رها
میکردند تا پس بمقابله برایند وشما یونا پارت
را بفریب و حین گرفتار کرده تا مرگ بندی
میدارید ع بین تفاوت راه از کجاست تا بکجا ا

حاجی میر ویس خان پادشاه افغان که نام و
نوبت شاهی را بخود نگرفت و نخواست تا از
قوم خود ممتاز شده جذبهٔ حریت شان را پامال
نکنند بجاه هزار کرجی نیم نصرانی را قتیل
و اسیر نمود وسپاهش یک پری قاف را کوفتن

کرجی‌هاست ویك تو جوان جارجیارا هتك و
اهانت نکرد کرنیل یوسف ! تو از پطرس
حواری مسیح هم عبرت نگرفتی که شاگرد نبی
هم خطا و خیانت میتواند کرد برقوم و ملت ما
ایراد میگیری از چند نفر قصوری دیده برهمه
اعتراض میکنی و از رعیت شدن خود زیرشاهان
اسلامی و افغانی اعراض مینمائی .. در بازار
و کوچه مردمانیکه از نظرت گذشتند از عوام
کالانعام لندن و پیرس بدرجها بهتر اند از فحش
نظری تا عملی ع تفاوت از زمین تا آسمان است ..
افسر نظامی بوده ازین شمار خبر ندارید که در شهر
های مشهور شما چقدر ثالث‌های باخیر روزانه
تولد میشوند ـ این اولاد حرام را در فوج داخل
میکنید اگر ازین نیت باشد که اعدامشان بهمین
طریق شود خوبست اما کجا !

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 496 of 596

شما پرشاهان وفاتحان تان که بعضی بلاشائبهٔ ازدواج پیدا شده بودند فخر میکنید ـ پادشاه آسقوبادرسال فرار هم ازین افعال دست بردار نمیشود ـ ازدهی کوچ کرده چندماه بعد دختر دهقان هیادی ناسی میزاید که درتاریخ بلقان نزد اهل یورپ شهرهٔ آسمانی دارد ـ شاعر ادیب شما لارد بایرن درسیاحت اطالیه چه زنا کاریهای بود که نکرد ـ این خصائل خوشت می آید ؟ علی‌الخصوص که برحکومت ومملکت او مینازید وفی‌الواقع برعادات عصمت وعفات او فخر باید کرد پادشاه ترکی را سیال خود ندانسته جرأت خطاب بلاواسطه باو نداشت بلکه وزیرش را درمراسلات خطاب مساوات میکرد ـ

این رفیق‌های من که نشانهٔ ملامت تو گشتند بعضی ناخوان اند بازهم غسل ووضوی پنجگانه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 497 of 596

جان‌شان واز نمازهای خمسه روح‌شان پاك‌وصاف
گشته ازشرفای شما نظیف‌تر اند واکر ظریف
بیحل میشوند ازبیعلمی شانست چنانچه‌سردار
کا که مراهم گفته بود

ستاد مخ مکر لمرنه دی نا جوره
چه‌مسیحی و آسمان‌نه‌سفری ولاد

چه‌تالی دستاسره دیوسف حسن
ترازو پسی آسمان‌نه‌مشتری ولاد

چقدر مضمون لطیف است !! اکر کسی
بکویدت « تودرخوبی ملك کریمی » آیا بدت
خواهد آمد ؟ خوبی ظاهری هم است باطنی
نیز وهردو صفت‌است کسی‌را که‌این‌عطیه بیابد.
ماهردم حنفی‌استیم واقتدا بامام‌اعظم مینمائیم
تلمیذ رشید شان امام محمد که نهایت حسین بود
از خوردی نزدشان سبق‌میخواند ـ روزی‌از

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 498 of 596

اختلاف سائلان استفتا کرد که در وضو شستن
ریش باعض خلال از کشتان کافیست حیران شده
گفتند ه محمد نه که ریش کشیدی ! ه آنوقت
بالا نظر کردند یعنی از طفولیت تاشبابش سوی
بشره اش ندیده بودند زیرا فقط یك نگاه که
ازان چاره نیست طرف صاحب جمال جائز است
حضرت سفیان توری رض اصهری را از کرمابه
بیرون کشیدند که هم نشینی اش محرك مضاعف گناه
است بزاکی میفرمایند که در عمر خود یك جرم
کلان کرده ام که مسیر چشم سوی نوجوان
خوب رو دیدم - بحضور خدای عالم الغیب از
شرم آب شده میروم چشم مغفرت چطور داشته
باشم یك ولی الله فرمودند که روزی کبری جمیلی
را دیده خیال کردم که اینقدر شخص حسین
در آتش خواهد سوخت ! تاثیر این خطره

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 499 of 596

بر معلومات من چنین مضرت رسانید که
همه از یادم رفت تا توبهٔ ـ نصوح کرده
پس عالم شدم ـ ذکر یك شیخ را میکنند
که درعرض راه حج دختر پری پیکر یك عرب
متمول بروی عاشق شده درتنهائی نزدش آمد ـ
دربارهٔ حضرت یوسف ع آیت است و لقد همت
به و همه بها پیغمبر و زلیخا اول هردو قصد کردند
امام عالم مذکور امت محمدی بدون اینکه ارادهٔ
بدنماید ازپیش زن کریخت چون پیر شد بدلش
گشت که اگر هوس آن زن پوره میکردم وقت توبه
بسیار بود برین حسرت خوردن چهل روز ماتم
کردند که درجوانی تصور قادر راه ندادم
این خیال درپیری قابل تعزیت است بهمین سبب
حدیث است علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل
سعدی میگویند ـ عقق همان بیند اندر ابل ـ
که در خوبرویان چین و چگل ـ ما مردم ثابع

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 500 of 596

همین مثال وارشادیم واگر بعضی تخالف میورزند قصور ذاتی شانست بمذهب ما ایراد جائزه نمیخورد -

سرتمام عقاید واحدانیت است که اسلام مبنی برانست - ازشما موحدان راکشیده که بافغانستان یکدست میتوان شمرد ملیون هانصاری تثلیث الوهیت را قبول داشته بت های مسیح ع ومریم رض را سجده میکنند - حضرت عیسی ع مرغ از خاک ساخته پرواز می آورد واین جان انداختن است - چونکه جان انداختن فعل خداست لهذا عیسی هم خداشد - خوب منطق است اماایشوا هم باور میکنند که مثل آن مرغ جناب مسیح نیز مخلوق بود -

نسبت خفاش باعیسی چوعیسی باخداست
میشود عیسی خداخفاش گر عیسی شود

اکرم

مثلیکه برای دم کرفتن اندك وقفه در تقریر خود آورد وطرف جوزف دید که خاموش مثل بت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 501 of 596

کردنش پت نشسه است واز چهره اش علائم
ندامت ظاهر است ـ جوزف ـ پشیمانم وعفو
شما میخواهم ـ فی الحال دیگر چیزی نمیگویم زیرا
ازوضع میزبان خود قیاس میکنم که رنج بیموقع
رسانیدم ازانها نیز معذرت میطلبم ـ اجازتم
بدهید که رخصت شوم تاحضور شیرین شما از
وجود نامسعود من تلخ تر نگردد ـ میهمان
گرچه عزیزاست ولیکن چوخس خفه میسازد
اگر آید وبیرون نرود واین کم بخت بسبب دیگری
عزیزم ـ خودم سراپا خار درپهلوی کلها میبخلم
خانزاده قزلباش ـ اسارت شرط است
برای عزیز شدن و ماشما رابسیار دوستداریم
اما یکی نا پسندی شما دیگر از تکلیف خودم
اندیشیده ضبط میکنم اول بهار خط آخر بهار
حسن ـ اجتماع فصلین است احتیاط باید کرد
جوزف ناچار تبسم کرده سعی خندیدن نمود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 502 of 596

مشاعره

وقتیکه اکرم برای دم گرفتن توقف کرده بود خانزاده قزلباش مضراب نقرهٔ از جیب کشیده بناخن انداخته بود — چون جوزف از مدافعت دینی واخلاقی وادبی عاجز آمد درین فرمائش پناه گرفت :—

از تزیین انگشت میزبان ضیافت آئین ما اعلام میشود که ساز آورده شود .

دستی طنبور رسید که جوبش از خاک مصلی روئیده بآب رکن آباد نشو ونمایافته بود

خانزاده (طنبور بدست گرفته) غزل حافظ آب زلالیست که مایه حیات است — هر کس لابد وبرای تشنگان معرفت ذوق زاید را داراست ـ معنای باطنیش قبل ازین که بذهن ما کنجد ظاهرش بشهوات نفسانی برده کشکار

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 503 of 596

مان میسازد بلکه پیشتر ازینکه ماخیال صوری
بدل آریم یوسف عزیز ما بخود وبد می برد
غزل بیدل کوهست و کوتل دارد ـ بران
بالاشدن وپی آن بردن درین اوقاتیکه کوه و کوتل
های خود مان حاجت تصفیه وتخلیه ازنجاست
ودخالت کفر دارد فرصت برای صعود خیال
معنوی از کجاشود ـ نزبیدل وصائب واقسام
شعرای صاحبدل سخنان بمنزلهٔ حلوای صلی
پخته اند که هر چند قسمت شان فراوانست اما
تحلیل کردن کار هر کس و هرساعت نیست و
موافقت مزاج هم احتمالیست بنابرین منت دیگران
نه برداشته نان خشک خودرا نذر مهمانان میکنم

اگر باز آمد از غفلت جفا کرد
تلافی کرد چون ظالم بلا کرد
پشیمانی باین زودی که دیدست
پی قتلم بشیوه ابتدا کرد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 504 of 596

چو چشمان چار شد با من صنم گفت
پری قاف دو قلزم شنا کرد !
بت کافر نوشی قلبم سیه پوش
بچشم وزلف کفرستان بنا کرد
ز هد هوشی شنیدم وصل عاجل
بصحبت با الف دیگر هجا کرد
نکارم خواند در مسجد نمازی
ادا نمود و از هر کی قضا کرد
چنانست این زمان سیر گل سرخ
زمین را خون احمر لاله زا کرد
بجمع غازیان باشد چو یوسف
بشوق و ذوق می باید غزا کرد
قفس را مرکز این طائر انشاید
بباغ عالمش باید رها کرد !
یوسف اندیشه کرده که خانزاده آلان طبع
روان دارد مبادا زبان درازیش موجب شرم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 505 of 596

کردد قطع کلامش را عذر خواسته بلهجهٔ
انکریزی فی البدیهه یکدوشعر سرائید

بیاید اجر زاید میزبانم
که بازندانیش محفل بپا کرد
زخواند نهای خوش الحان بقلبم
فراموشی بنده تن عطا کرد

سردار کا که — میزبان ومهمان هر دو
کرم فرمودند — لطف انکریزی هم دیدیم
ومقام ایرانی هم شنیدیم — میزبانیکه بخود سیر
کند مهمان را — چه ضرور است که آراسته
دارد خوان را حالا عرض است کا کرم آغا
پروین شیرین هندی بخوانند .

کلجان — یك توتکه مثل بادار سابقم ازین
نوکر هم بشنوید —

کت تومی سنجم اویار کت تومی سنجم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 506 of 596

پت شده رویت مهر ونشاید ـ ابرك بفرا
پرتو این باید ـ کت تومی سنجم کاکل مشکین
بست م مشکها ـ زلف سیاهش شده قره بفرا
کت تومی سنجم . یلرم کافر مدعی کافر ـ کومك
ما کو خالق اکبر ـ کت تو می سنجم او دهر
کت تومی سنجم زلاکبو الامی ترسم ـ بنابرین
م عمیقه میکم ـ کت تو می سنجم او دهر کت تو
می سنجم بالتماس مردار اکرم چوبکی اززیرتار
رباب کشیده بدست گرفته بود کلجان گفت :ـ

حالا شاهبازی بشکار مکس میاید

اکرم جوابداد که این شاهباز ازشاخ درختی
است که برقبر بابا رحمن سبز است ـ از برکت
او باوجود طبع شعر نداشتن تعمیل حکم شما
میکنم مطلع ازغازاده باشد وطرح هم ازیشان

شهادت چون بهاست ازمرك بستر
بشوق و ذوق می باید عنا کمرد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 507 of 596

چو کردن طوعاً و کرهاً زندت
باعدا جنگ باید یا رضا کرد

وصول مرتبه بر حمله آنست
اصول امر برحرب اقتضا کرد

مسلمان شدت و غلظت بکافر
به مؤمن رحمت وصدق وصفا کرد

ازو بیگانگان خیری چه بینند
که دائم شر بخویش وافربا کرد

نبی در تهلکه گفت آنکسی را
که امروزش بفردا التوا کرد

ندارد قدرت اعلای ملت
آلهی تو عدم پیدا مبا کرد؟

ولی یاری دهنده را دهد نصر
باهل فضل قضاش التقا کرد

نهال قوم در هرعصر زمینی
بعلم ومعرفت نشو و نما کرد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 508 of 596

ملل را کفر بافن بر ثریا
نحل را جهل بادین در ثرای کرد
شه مشرك بعدلش شد شهنشاه
ستم سلطان مسلم را کدا کرد
بانوار تجلی علم و انصاف
بلیل کفر چون ماه اعتلا کرد
چو اسلام است مثل صبح صادق
خور عرفان نخواهد ارتقا کرد ؟
چو باد و رعد و ابر از خوف باری
بنوبت آه و افغان و بکا کرد
عقیق و لعل و الماس و زمرد
زمین از سبزه و گلها سخا کرد
بر افغانست مبنی رونق ملك
خوشا شاعر که افغان را ثنا کرد

خانزاده ـ سردار جان ـ ابیات قزلباشی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 509 of 596

از من شنیدند حالا مهربان کرده غزلیکه بمقام
سنی میخوانید پیشکش محفل نمائید .

سردار بشرطیکه رباب وطنبور شما زنید .

کلجان ـ زیرا خواندن همراه ساز غیر
مشروع است !

سردار ـ انچه خود نمی پسندی بردیگران
مپسند ـ همه یاران به دوزخ یاهمگنان به بهشت

کلجان ـ طریقهٔ مبارکه چشتیه داریم نواختن
سخت است شما خواندن شروع کنید

سردار ـ بیت

زاهد آب از رباط خیلی رندان بنك خورد
در نك ودورود کسله خود چو باشد نك خورد

وعدهٔ وصلش بگوشم کیف وجد آورد چون
در نگاهم کاکل وزلفش ستارو چنك خورد

ساز عهدش چون مبدل شد بسوز افتراق
در سویدایم ذوائب مار سودا رنك خورد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 510 of 596

مثل ملاح عرب یا از عجم سر شاری
توپ جهمش بین عمان در نظر سارنك خورد

از مقام پراثر بنواخت د پیك آن نهنك
ساحل را همره کشتی ازان آهنك خورد

حق زجهل اهل نااهلش شود مقهور کذب
مسلم از کافر هزیمت زین جهت در جنك خورد

طارمین نادان اسیری را اکر دشنام داد
در قفس شیرژیان از طفل چوب و سنك خورد

بر معسکر فشار مصیبت مدعی زد طعنه
اسپ تازی تازیانه در مجال تنك خورد

شهسواری را بظلمش چرخ بر کردون فراخت
تیر دیکر از کمانش شل بپای لنك خورد

برکش آخر بیض هندی بر رخ بیض رقیب
خواهد از غفلت و کرنه در نیامش زنك خورد

از پری پیکر حذر کاین دیو سیرت یکجهان
با کبر چون مور بسته از دهان تنك خورد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 511 of 596

سردار حالا بوج آمده بود فقط همین قدر
مهلت داد که چای شیرین خوردند پس اکرم
وخانزاده رباب وطنبوررا برداشته چند ترکین
آنوقت میخوردند که یکغزل تمام میشد البته
کلمجان هم درمیان یکدو بیتی میخواند مثلا --
سرزمین کابل واشجار واثمارش خوش است
باشکوفهای کوناکون چمن زارش خوش است
غنچه های نازك و گلهای رنگین را دماغ
برنمیدارد که در حب وطن خارش خوش است
در بهارش تو نهالی را که برکنده است بیخ
انتقام باغبان از تیشه بردارش خوش است
انهم وعدوان راالعانت فعل زشت است وشنیع
با رفیق ظلم دیده نصرت یارش خوش است
مسلمان زار را با زور و زر کردند زبر
آخر اهل زور را هم سرنگون سارش خوش است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 512 of 596

مسر بر طریق راست نه ور شد خواه باش
ز افتاده کیت توشه کن و رو براه باش
بر روی آب رفتن خس عزتش نداد
با آبرو نشین و بتمکین و جاه باش
بچون کف سبك مکرو بسطح وعمیق رو
در وار آبدار زیر میاه باش
طیر و پری و باد بحکم خدا روند
محکوم امر حق شو و بر جمله شاه باش
گر درهوا پری ز پرنده نه بر تری
مغلوب کن هوا و سلیمان سپاه باش
یا میر شو ببزم شهان یا بجنك میر
یا سر بنك درده و یا با کلاه باش
آماده ساز قوت حرب و رباط خیل
از بارگاه یکدل و در پایگاه باش
تا در منازل مقام بمجهودیت رسد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 513 of 596

در سعی روز و شب بدعا تا پگاه باش
اول مقاومت بنما با عدوی حق
پس منتظر ز صبر بنصرالله باش
مانند کوه سخت و موقر بکافران
با مومنان رحیم و فروتن چو کاه باش
چون تخم سبز کشت خودش میشود خراب
آباد ساز ملت خویش و تباه باش
گلبن ز کل ندید ثمر غیر بار خار
گر محسنی بحمل جفا در رفاه باش
تو از نسیم خلق گل عیش خلق را
کن تازه و ز خار جفا پر ز آه باش
در صبغة خدا دل خود را برنگ زن
جامه سپید بر تن تو یاسیاه باش
زلف ختن چو تیره کند روی دهر را
تو در میان بنور محاسن چو ماه باش

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 514 of 596

یك بازویت بگردن ظالم فکنده مشت
با دیگری ستم زدهٔ را پناه باش
رضوان چو بار داد بعاصی با نیاز
با ناز دار گفت که ای بیگناه باش
صیاد باز رشته بپا گشت بی شکار
ضائع گذاشت خلق تو یارب گواه باش
انداخت است ظالمی ار در قفس ترا
از رخنه‌هاش قانعی با یك نگاه باش

گلجان — سردار که دهن نوله را واز کرد پس بند نمیکند اخر این غزل چند بند دارد از لفظ قانع گرفتم که اکرم غازی درین باب چیزی گفته‌اند زیرا تعریف قناعت را اکثر مردم میدانند باین سبب سستی کاهلی و تنبلی در کل قوم سرایت کرده است — توضیح این مصرعه کرده بودند ع طمع را سه حرف است و هر سه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 515 of 596

تهی اگر تکلیف تکرار نشود مهربانی کنید

اکرم —

نمی بینی از حرص شکل بهی
ز کنهش ولی بایدت آگهی

ترقی بخواهی اگر بی کمال
سوی بام بی زینه می جهی

حریص علوم از نکردی بجان
همه عمر تو بگذرد در کهی

پس از فضل شو طامع مستحق
نه جلوه کنی بر سریر مهی

رقیب است از علم و قوت حذر
بضعف و جهالت نوانند جهی

بکشور کشائی بکوش از هنر
زشاهی رسی تا بشاهنشهی

توقالع بملکیکه در دست توست
بشو بشو دست هم از شهی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 516 of 596

قناعت بود جد و جهد تمام
بانجام خیر و شرش تندهی

میان مساعی بلا فکر و یاس
بر آفت ز تسکین دل سر نهی

ز بلع ممالك طمع شد زیاد
طعام دگر خواهند از فربهی

سنان تیز بنما باسنان حرص
ز آزار و آزش سپس می‌رهی

عساکر بکش باسلاح و صلاح
که گویند اهل جهانت زهی

بکن پاك ارض از خرافات کفر
بهاهم بباید نوای خهی

پس آسوده در سایهٔ عدل و امن
شود خلق از لطف ظل اللهی

و نطمع ان ید خلن بنما
بجنت چو گشتیم از گمرهی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 517 of 596

یوسف اگر چه دق و نادم نشسته بود اما
از اندیشهٔ رسوائی همرنگ جماعت گشته باز
یکدو شعر خواند .

چو رخسار سیبت پدید آوری
نماید مریض تو روی بهی
ز آزادی و راستی ام اسیر
بگل پای بند است سرو سهی

سردار کاکه — برای ضیافت طبع کرنیل
بی نیل صاحب چیزی دیگر بوزن انگریزی میخوانم.

یوسف — رسیدم ـ از نیل مقصد خود
بی بهره و کرم زیرا نصیحت شمارا گوش نمیکنم

اکرم — وفی آذاننا وقراً — کفار
میگویند که از تصدیق اسلام بگوشهای ما
گرانی است برکت های دین محمد (ص) بنگرید
که در شهادت و نیز در اخذ غنیمت ثواب است
(ولاینالون من عدو نیلاً الا کتب لهم) از

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 518 of 596

دشمن چیزی نمیگیرند که آنهم موجب اجر نشود یعنی پندی کردن شما برای ما جزای نیك دارد —

سردار —

مبر این کمان که کمان چین
بدو تیر ابروان از کمین
بمکان بماند چنین مکین
که نساخت بسمل سهمگین
بعلاج کشتهٔ حب تو
بت آهنین دل تند خو
نرود طبیب ز جستجو
پی حب کشتهٔ آهنین
چو پرستم از ستم صنم
بوغا زر ستمی دم زنم
که بدستم ازینه برکنم
همه دسته های عدوی دین

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 519 of 596

بگذر ز نازت و ناز کی
چو گذشت مدت کودکی
کمرت ببند بجابکی
که رسیده خط ای نازنین

یوسف — بمصداق خس در ریش دزد
دست خود را بریش زد که ازمدت کل نکرده
بود چون همه خنده کردند گفت که پیشتر
میزبان و حالا سردار جان ریشخندم کردند
ناچار می تراشم .

سردار —

بعفای پاک این شد همه حرف و خط چو بدرود
بکند جلای قدیم رود که زپیش پیش شود حسین

یوسف — از باران بزرگوار شاید همین
را گویند خانزاده

این ریش تو که جان ماست بتراش
مگذار که جان ما پراید

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 520 of 596

یوسف ـ ازین بهتر خواهد بود که یك
غزل بخوانید متین و سنگین

خانزاده بخشم ـ

بر پشمانی دیشب نم بچشمم هم نبود
لاجرم بر غنچهٔ دل صبح هم شبنم نبود
آفتاب از سعدهٔ شب کشت تابان و بلند
سر نگون شد پس ز سمت الراس چو ن خم هم نبود
عید ها و هم محرم در چنین حالت گذشت
موقع شادی نیامد فرصت غم هم نبود
تا زبانش صید میکردند آهوی ختن
بهر قلبم از زبان کلب مرهم هم نبود
چشمهٔ چشمش روان کردید بریك آه غیر
بر فغان و ناله ام در چشم او نم هم نبود
از نسب برتر ز شاهم یعنی از اول فقیر
این کمالم بهر ابراهیم ادهم هم نبود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 521 of 596

چیست نسبت پای اسمعیل را بادست حق
آب روی آدمی مانند زمزم هم نبود
کفر چون برخاست از کعبه مسلمانی کجا
دل چو ضعف آورد طاقت در سر و قم هم نبود
بود وقتی فاتحان سر میکشیدند از عرب
مانع اقدام شان کوهی کجا یم هم نبود
ز اتفاق پخته خشت و کل ایوان شد بلند
دربدر میکشت خاکش چون بهم ضم هم نبود
علم چون آموخت شد اعلی و افضل از ملك
ورنه با شیطان مساوی قدر آدم هم نبود
واقفی بر کل اما کشت حاکم بر همه
افتادیم از خلافت علم چون کم هم نبود
دلربایم برفرنك است اردم توپ و تفنك
فرصت جنك ازیم چنك و ربابم هم نبود
بمجرد خاموش شدن خانزاده یوسف بهمان
لهجه خواندن گرفت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 522 of 596

مستجاب الدعوتی را شاه کابل عمر ولیت

گفت نزدت یک دعای بهر دردم هم نبود

گفت علت را بود باعث ستم بر بیکسان

گو بسجنت یک اسیری غیر ملزم هم نبود

بیکناهان را رهانید و ترحم پیشه کرد

پس مرض بر تن نماند و بر دلش هم هم نبود

کلجان — گدای بعجز وزاری میگفت که برای خدا آغا چیزی بدهید ، سید آل رسول هستم جواب یافت که اول برای سید ، گدائی نارواست دوم آل رسول کی دیگری را بیاجزی آغا میگوید — گفت اگر راست بپرسید جت بودم اما ضرب کرسنه کی سیدم ساخته همین قسم گرنیل جوزف باکیزه شاعر شد اگر یک غزلی شیار داشته باشید بادب رجای شنیدنش را میبایم ::

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 523 of 596

جوزف —

تو وشوخی و خشم و شیطنو غضب
من و زاری و جان رسیده بلب
بزرگان چو از عجز خوردان شوند
نمانند هرگز بجای ادب
چو خوردان ز بینش بزرگان شوند
بود پاسداری از ایشان عجب
به پستی و خواری در افتاده ام
بسر این رعونت چرا بی سبب
بسختی چو فولاد پخته شدم
حریفا تو سیمین تنی از طرب
چرا بهر هنگام کمر بسته
زمن گر نترسی حذر کن ز رب
فتادم اگر در قفس پای بند
بسر سیر گلزار و فتح حرب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 524 of 596

پس از ار ماهی در خشان تری

شب تار دارد چو صبح ازعقب

الم شد علم خورمی بر فراشت

خوشی آمد و رفت ضرو نصب

کلمجان خواند کی های فراموش کرد کی

خودرا بیاد آورده بیتی بمعذرت خواند —

زخوردان عجب نیست ترك ادب

بود انتقام از بزرگان عجب

دیکر تعجب اینست که خیال فتح عرب

هم ظاهر میکنی و مثال شاه کابل را آورده

التجای خلاصی هم مینائی مکر مدعایت ازرهائی

همین خواهد بود — اکر در اختیارم باشد

آزادت کرده بکویم که برو کمپنی ات هم بیار

واول کابل را فتح کن پسان خیال پلو عرب

را بپز حالا این سخن ها زیب نمیدهد اکر

داری یك غزل بیار —

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 525 of 596

جوزف

شد بدر غار زپای و خلیدن باقیست
کشت کل سوزش دل لیك تپیدن باقیست

دل من خون شده از دست فشار ظالم
اندمالش بکجا زهره گفیدن باقیست

مدتی بسمل و حیران و پریشان سر شد
چقدر پیش باین حال طپیدن باقیست

چشم و دل بال کشاده زقفس باز شود
گرچه آزاد اسیراست رهیدن باقیست

ابر و باد و گل و گلشن همه در جوش بهار
یك فقط غنچه دل آه دمیدن باقیست

صدا جل صید دلم کرده هنوزش صدداست
دمبدم گرچه شهید است رمیدن باقیست

دایهٔ دهر مکن تلخ نوبستان معاش
طفل چل سال مرا شیر مکیدن باقیست

ساقی و ساغر شائق می و مینا موجود
از کف پیر مغان ذوق چشیدن باقیست

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 526 of 596

کوشم از طعنه وتشنیع عدو شد فارغ
شکوهٔ یار دل آرام شنیدن باقیست
خالق مالکت ازهرذوجهان دادعطا
درحضور شه مخلوق خمیدن باقیست
قدم چند دگر همت مردانه بنه
منزلم طی شده انجام رسیدن باقیست

نظم بیك ترنمی باغمی خوانده شد که بهمه حضار رقت طاری گردید سردار بهمین سبب برستی الفاظ وخانزاده برساد کی عبارت ایراد وارد نکردند البته باعث دیگر غیرزبانی شاعر هم خواهد بود ـ کلجان برکلهٔ هردم شهید آمادهٔ اعتراض شده بود اما اندیشیده که محفل هنوز تلخ میشود سخن را دیگر طرف دور داده آغاز کلام کرد :ـ

موسم بهاراست عجب دلفریب منظر کلزار
ابهت از رنك وبوی نونهالان چن هوا معطر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 527 of 596

وفضا خوشگوار است بادنسیم نقاب از روی
حسینان گلشن می‌ردارد مشتاقان جمال یار همه
تن متوجه میکردند شمال تندی میکند ازشاخ
های بی برگ شفتالو شکوفه میریزد یاایام برف
عود کرد زمین زیر درختها سفید کردید آمیزش
مرغی اشکباری خون بیاد داد که مستغرق
فراق دلدار وعارض قرطاس جاری می کنند —
اول خنده را ضبط کرده آخر همه قهقهه
زدند که کلجان بیمحل چه عبارت آرائی شروع
کردنه باغ بود نه بهار همه درصندلی نشسته بودند
وبیرون برف میبارید فهمیدند که اززمان طالبی
نثر مذکور یادش مانده حالا بخرج رسانیده.
یوسف — افسوسم میآید که درمشرق
چقدر اوقات گرانمایه دراختراع خیالات محال
ودرصنعت های لسانی ونکته های معنوی ضائع

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 528 of 596

میشود — اگر همان توجه درصنعت و حرفت صرف میشد مثل غرب چقدر ایجادات مفیده پدید می آمد اشعاریکه مسرت شنیدن آنها امروز حاصل شده از اغراق ومبالغه مروجه عاری بود وبهمان نسبت درخیالم زینت زیادتر داشت البته اشکباری خونی قسمی ازان بود کلمجان میخواست که جواب بدهد اما صدای آذان جمعه بگوش رسیده اکرم گفت واذا دعی للصلواة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکرالله — چنانچه همگی سوی مسجد شتافتند الاجوزف —

سعی فرار

بعداز نماز ملای مسجد شاه دوشمشیره همراه چندنفر متقدمین خود سوی خانهٔ خود دراندرابی میرود بکنار دریاچه کودل شکسته بالای یك چوبی سایهٔ جالیدار میاندازد —

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 529 of 596

درنشه خـودرا درخانهٔ شبکه کاری پنداشته
بغنودکی می‌افتد همان تصوردولتمندی‌درخوابه
منتقل شده دزدی‌را پیش رویش میآرد —
مبادا خلطهٔ طلاموهوم دزدیده شود ازخوابیکه
بخیالش خوابست بیدار میشود — زانویش
ایستاده وشور میخورد ـ همان‌را دزدانه‌کاشته
آهسته که اوخبر نشود سوتهٔ بنك برداشته
محکم وارمیکند ودستی زانوی خودرا بدست
گرفته چون بچق‌میکند وای وای هم میکند
صدایش‌را شنیده ملامعهٔ همراهیانش می‌درآید
وازسبب دردش‌پرسان میشود ـ چرسی ـ اگر
چه عینك‌زانوی ماشکسته‌نده اماضربیکه ازدستم
اوهم خورده‌است درعمرازیادش نخواهدرفت ـ

ملا — که بود وچرا زدیش وچرازدت؟

چرسی — آغا دزد بود ، دزد !

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 530 of 596

ملا — دزد پیش توجه کار داشت ؟ اگر بود ازاجنه نخواهد بود که روبروی ما غائب شد بابا این کل فساد تشه است که آدم را از هوش کشیده بضرر جان خودش می آرد — نقص مال وجان ودین وایمان همین را میگویند — آخر چرا الایش نمیکنی ؟ از دست چرس است که نزدیك تو اذان گفته میشود جماعت نماز ایستاده وتو در مستی افتاده آخر خوف خدا نداری از عذاب دوزخ نمیترسی ؟

چرسی — برو ، برو ، ملا — آزار مان نته — هر روز کسب تو همین است — مامدام در یاد خدا هستیم وبراه خدا اگر تو پیاده میروی ، ماسواره راهی هستیم — بروایقه کبر هم خوب نیست — چرسی ها بسبب عجز خود وقت بخشیده شده اند — باقی دارد

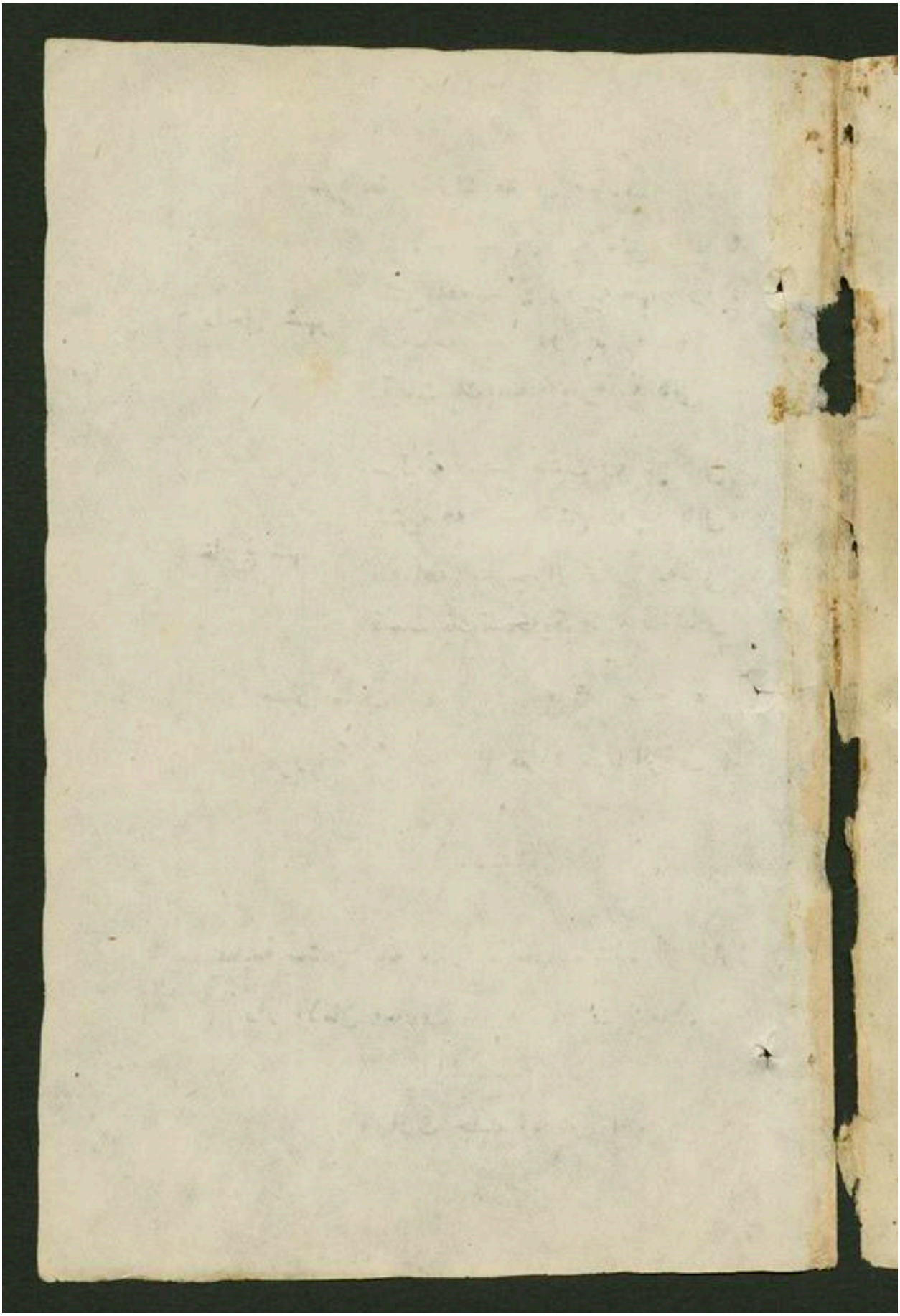

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 532 of 596

شرایط اشتراک مجرف معارف

داخل شهر

سالانه — ۶ روپیه شش روپیه کابلی
شش ماهه — ٤ روپیه چهار روپیه
سه ماهه — دو نیم روپیه
قیمت یك نسخه یکروپیه کابلی

خارج شهر

سالیانه — هشت روپیه کابلی
شش ماهه — شش روپیه کابلی
سه ماهه — چهار نیم روپیه کابلی
قیمت یك نسخه یکروپیه سه شاهی

مدیر مجرف « محمد حسین »

محرر « « (میرزا عبد الرؤف)

مطبعهٔ ماشین خانه مبارکه که جهاب شده از ادارهٔ
دار الامان معارف ماه یك بار نشر میشود

(وزارت جلیله معارف)

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 533 of 596

الذين آتيناهم الكتاب
يعرفونه كما يعرفون ابناءهم





اول نوروز
سنه ۱۳۰۱



۱۲۹۸

سال سوم

شماره ۷

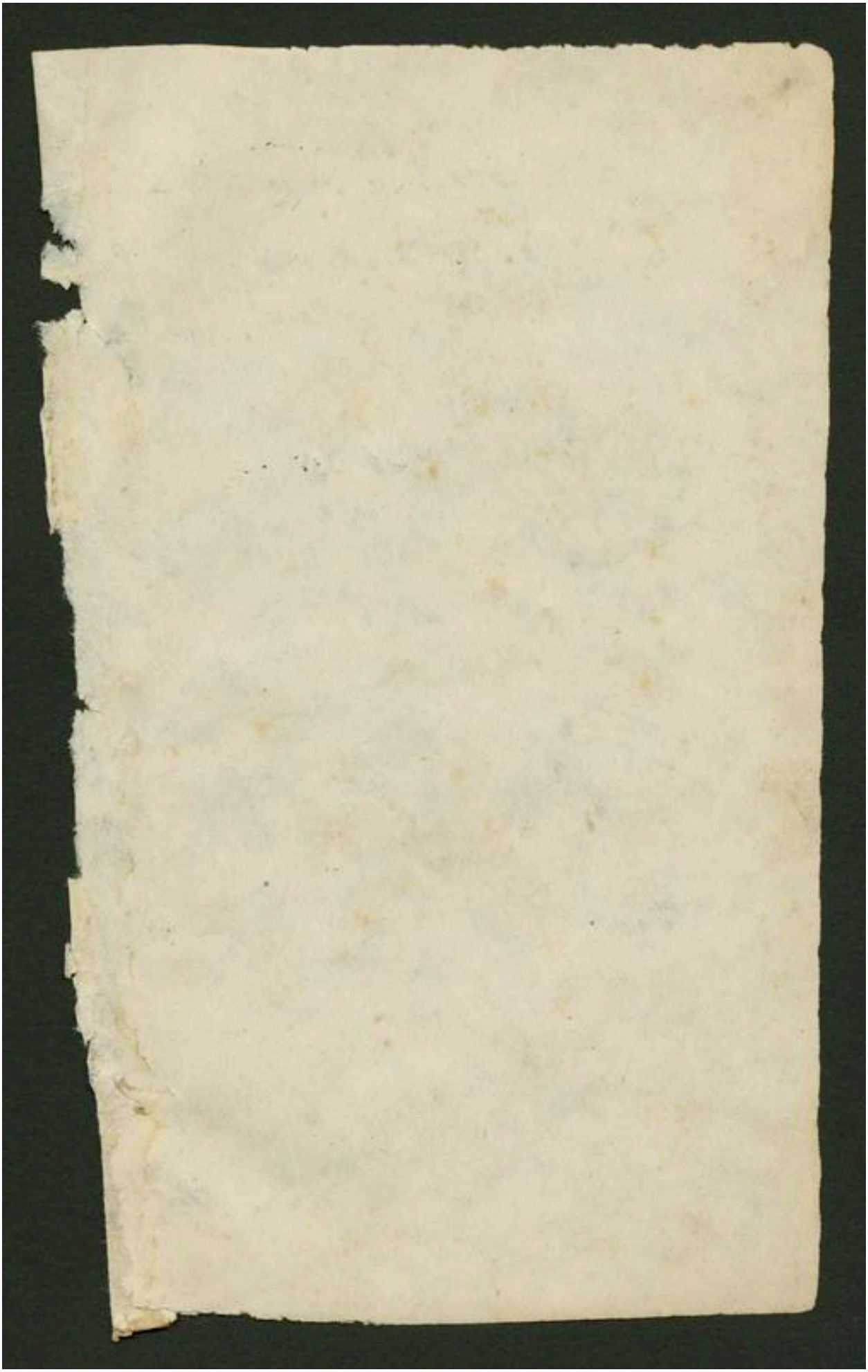

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 535 of 596

فهرست مندرجات

شماره هفتم

۱ مقاله هرات — ~~کاملاً هر قدر که هست~~

۲ یك یادگار پایه دار

۳ مکتوب طالب العلم افغانیه مقیم فرانسه

٤ ناول

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 536 of 596

بسم الله الرحمن الرحیم

ای هرات !

ازمنهٔ قبل التاریخ طنطنهٔ ترا اگر بقلم ننگاشته بزبان بیست و پنج کرور هنود نگهداشته است که از جزیرهٔ سراندیپ تا کوه همالیه ، علی الصباح هری هری ورد میکنند ـ

از ترس یك مشرب اسلام که ندبهٔ یا شیخ را مترادف شرك میپندارند ، بمناجات هندوان شرکت ورزیده نمیتوانیم بلکه ندای سلام را مانند یا اهل القبور استمساك کرده ، کلمات چند بحضرت دار النصرت تو عرض مینمائیم .

در عهد مامون یکی از آل برامکه چون جهت حکومت تو اعزام شد ، البته محصولاتت اینقدر

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 537 of 596

فراوان بود که فقط برای سفر خرج یک کرور روپیه از بیت المال عطایش کشت .

والدهٔ ماجدهٔ امیرالمومنین موصوف ، در آغوش خاك تو پرورش یافته تا حال بخوانهای مرغوب افغانستان بنام پوری یادمیشود .

از طعام مادی صرف نظر ـ امام فخررا زی علم تو آموخت پورتو ـ که قسمت میدهد بر سفرهٔ عرفان تنقلها .

چون آن شهسوار علوم استدلالیه از مدرسه سوی خانه اش روانه میشد ، سیصد تلامذه مرکابش میدویدند ، تاسخنان بازمزه وقیمت دارش که ازسرزبن بطریق درس طریقت در افشان میشد ، بزمین نریزد ـ زهی توقیر علم وخهی تقدیر وقت !

ازاحتشام علمی انتقال تو بقتل عام کشید ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 538 of 596

یکی از شهزاده کانت بدریا اسپ انداخت وعین
در حالت کریزیك بچه چنگیز وانشانه تیر ساخت.

باز تغیر بهتر باحوالت مشاهده میشود ـ
از انقلاب خون سیاه مشك ناب شد ـ مشتاق
انقلاب نباشد کسی چرا ؟ سیر و تفسیر بمعارج
علمیهٔ آنزمان واصل میکردد وادبیات نیز مدارج
فنیه را طی مینماید ـ حکما و صوفیای تو کنج های کتب
در کنج های خانه فراهم اوردند و جامهای جهان
نما در مجلس دور خوردند ـ دیوان قرونیکه
مطابع جز در خطا نام و نشان نداشت امیر علی شیر
وزیر هروقان تخمیر توسعه لك کتاب را دارا بود .

تحقیقات تاریخیه چنان کشفیات مقدسه را
هویدا ساخت که بلخ دار الشرف شد و برای
افغانستان موجب فخر و محرم است ـ چسان
یك شاه تو در مجده نهر انداخت آبه تاب ـ بدید

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 539 of 596

آورد سر بجده آیت در تشکلها . کشاده در دیارما
ز تخت ارض باب العلم ـ شروط دخلوا آن لیك
ازاهالی شد تاهلها ـ

اقتدار تو چنین امتداد یافته بود که چون
معترضی درقلعهٔ دهلی ازنقطهٔ نظرعسکری عیبی
جید شاه مقتدر اورنك زیب عالمگیر پاسخ داد
که این محض قصراست ، حصارما درهرات وقوع
دارد .

ای مفتاح هندوستان ! بدست هر پادشاهیکه
بودی حکمرانان آن برعظیم تاز بردارش بودند .
ای مدفن علما واولیا وسلاطین درزمرهٔ
اخیر امیر کبیرما درپهلوی خواجهٔ انصار بجون
مهاجر مضجع گزیده است ـ ماقبل ومابعداو
چه نیرنگها نبود که جهت استحصال رضای
تو درصفحهٔ سیاسیات تاریخ ! برای حفاظت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 540 of 596

هند قبضهٔ بردن قابض کلید آن که لازم می‌پندا
شتند آخر ماشین کاران هنرمند، بمکرو حیله
یك دندانهٔ آن سائیدند، که شاید ازین تخریب
کلید قفل وانشود ـ مصلای شهیدت شاهد
این دسیسهٔ حاسدانه است. تلك امة قد خلت
لها ما کسبت ولکم ما کسبتم ولا تسئلون عما
کانو ایعملون.

ازماضی رجوع بحال؛ درزمانی میرسانند
مان که الوالامر توشایان تحسین وستایش اند.
واضح‌باد که قبیلهٔ رذیلهٔ مداحان را علیحضرت
غازی ازیاومیراثی وژاژ خائی منع فرموده اند
حکم محکم شاهانه برزبان مداح صادرشود وبر
قلمش عائد نکردد. ازسوء تفاهمات است، ورنه
تشریف همایونی بربالای کس کوتاه نیست.
تعریف جامیان معارف اسماً ورسماً فریضهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 541 of 596

المعرف است البته اگر اخلاق را شعار سازیم
آبروی حریت ریخته بشمولیت فاضحهٔ مداحی
درشرمساری غرق خواهیم شد وآن آوان
هم سعی گشت که ازین غواصی درمراد دست
میداد ـ پادشاه حقائق آگاه ما ازدانش وتجربهٔ
خود برحال ومقال ماچنین وقوف یافته است
که اگر بمبالغه پردازیم بدون استهلاک خود
توقع امتیاز برخامیٔ عقل وطمع مادال خواهد
شد که تقدیر فراست وقوهٔ مشاهدهٔ ممدوح نتوانستیم
یعنی مدح بیجا وناجائز قدح است که برخود
مادح الحاقه میکنند ـ ازین حالت خجالت زده
بحقیقت امر اعتلزام میکنیم .

بخلاف خطاب سابق من بعد ای مرات
ترابحیث زنده مخاطب میسازیم ـ انظر الی آثار
رحمة الله کیف یحی الارض بعد موتها ـ کذلك

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 542 of 596

النشور علم و عرفان در عهد امنیت مهد امنیه
احیاءت نموده است باهمه اقسام انگورهایت که در
آب و تاب از لعل کترینند ، باغی بودی که باغ
بانش از غیری وظیفه میخواست لهذا ملکیتش
نبودی و بهمین سبب درزمین تو غرس نونهالان
نه سودی داشت نه بهبودی "

درختی بودی زیر سایه که از بارندگی آب
زندگی هم باروقار نمیکرد ، ظل الهی از شمشیر
شعاع نوریکه نه شرقیست نه غربی آن سایه
یگانه را قلع و قمع کرد ـ آفتاب جهانتاب
سلطنت سنیهٔ امانیه بکمال ضیا درخشیدن گرفت
جرم مهتاب عالم تاب وزارت امنیه ازان مستنیر
شده ، از افق موافق تو جلوه افروز گشت .

ماهی ز شهر بدر گشت وشود شهر دیگر
شد که از طلوع وغروبش دوشهر زیروزبر شد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 543 of 596

از شروع استقلال دولت ما که فی الحقیقت
حیات بااجلال ملت ما از آن وقت آغاز میکرد
جناب شجاع الدوله خان امین العسس در تاسیس
وتائید مکاتب و معارف کابل مساعی بلیغه نمودند
که از آن سبب نام نامیٔ شان بر صفحات تاریخ
آتی افغان در حروف مذهب مرقوم خواهد
شد زیرا امرا صعب نهادن بنای راست وثابت
است ، در زمین نا هموار باموادِ غیر ملائم این
کار دشوار را سر انجام دادند و مثل انگریزی
است که افتتاح نیکو بمناصفهٔ اختتام میرساند -
چون جناب محمد سلیمان خان زمام معارف را
بدست فعالیت پیوست خود گرفتند جناب امین
العسس بوزارت امنیه سر فراز شده اگرچه
حتی الوسع در اعانت معارف مثلاً در اشاعت
طرز تعلیم جدید بوجه احسن کوشیدند اما بسبب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 544 of 596

همت واسعهٔ جناب وزیر صاحب معارف مکاتب را
ازامدادشان قدری مستغنی یافتند ـ چندی چون
ماه بزیر ابر رحمت پنهان مانده باز عیان گشتند
و طالع ترا ای هرات منور و موفق ساختند
درهالهٔ شان کواکب دریه مانند ادیب بی
نظیر و شاعریکه سخنش « بس الطف است
برای تناول روز مره » وارفع از افهام عوام
اعنی صلاح الدین خان و مهاجر بهادر افغان
عبداللطیف خان بفراوانیٔ روشنی علم وعرفان
مطلع تابان ترا رشك ایالات افغانستان گردانیدند.
از اطلاعیکه منجانب رئیس هیئت تنظیمیه
جناب وزیر صاحب امنیه بوزارت ما موصول
شد ، حضرت وزیر صاحب معارف چنان مسرور
و ممنون گشتند که تشبثات منظمهٔ رئیس ترا
بحضور همایونی افضل و اهم بیان نمودند ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 545 of 596

تشکرات صمیمانهٔ ما بذات شاهانه لازم میآید
که چنین جوان قهرمان معرفت توامان را بریاست
تنظیم تو مامور فرمودند که فریضهٔ ما را وجیبهٔ خود
میداند ع وعده ما کردیم و او بجا آورد

ای مرات ، بحق خواجه عبدالله انصاری
تو که گستاخ درگاه باری است ، جرات این
مسئلت مینمائیم :

الهی !

مثل بندهٔ حمیت آکندهٔ تو که شجاع
الدولت است و رفاع الملت بجمیع حکام و خوانین
دلی عطا کن چنین ، که از اخلاص و صفا ،
نه بنفاق و ریا نه تنها بقول و گفتار ، بلکه نیز
بفعل و کردار برانگیزد بطاعت و متابعت بخدمت
اعلیحضرت والا نصرت که بوسایط جراید
و مکاتب قوانین میخواهند ترفیه و ترقی جمله

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 546 of 596

تابعین طفل و پیر و برنا از ملت افغانیهٔ عظمی تا بمجلت کل افراد رعایا مجتنب گشته از غفلت وخطایاچنین کردند بیدار وفعال که با کتساب فضل وکمال ربایند گوی سبقت وکرامت ، ازهر قوم وملك و دولت ، تا شهرهٔ آفاق شویم در تهذیب و تدبیروان ذلك علی الله یسیر .

ترقی‌های جدید هرات

۱ مکتب شرافت هرات تعداد داخله طلباء ۱۰۰۰

۲ دار المعلمین « « « « ۷۰ نفر

۳ مکتب قضاة « « « « ۱۳ نفر

٤ مکتب اصول دفتری « « ۱۰۰ نفر

• مکتب رشدیه عسکری تحت تأسیس است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 547 of 596

کیفیت عید باشرف مکتب شرافت هرات

همینکه بقرار مراسم عمومی به تکت های خبری از مقام منیع ریاست تنظیمیه هرات همه وکلا وندما وطلباء مکتب شرافت ودارالمعلمین ومکتب اصول دفتری دعوت شده بود بعداز ادای نماز وحمد بیاز همه طلبا بلباس های خیلی مرغوب وطنی ملبس وبدالان سلام خانه برای ایفای سلامی ع ، ج وزیرصاحب امنیه به نهایت وضع جدیت عسکری چشم انتظارداشتند حینیکه جناب وزارت پناهی شرف نزول فرمودند اولاً به طلاب مکتب شرافت ودارالمعلمین ازراه عاطفت وشفقت احوال پرسی وعید مبارکی فرموده ـ وپس از تبریك وتهنیت عید سعید وتلطف در باره عموم اطفال یك نطق مبسوط غرائی را که مبنی ومبشر بود در ترغیب وتشویق باکتساب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 548 of 596

علوم وفنون لازمهٔ وقت و نصایح حکیمانهٔ مشفقانه
پدرانه ایراد و بیان فرمودند که اطفال موصوف
تا مدتی از فرط شادی واز پیشه فرحت ادعیهٔ
رقت انگیز ، و بلهله مسرت آمیزی مینمودند
درین بین یکی از کوچك ترین اطفال مزبور
آقای میر غلام جیلانی خان پسر ص ، ف
(مدیر عدلیه) قاضی صاحب محکمهٔ مرافعه
که بمضمون و فحوای مقولهٔ مستندهٔ (آلو له
سر لابیه) ذهن بسیار ذکی و خیالات بس عالی
دارد پس از حاصل نمودن اجازه از جای قیام
ودر مواجهه حضرت وزارت پناهی بجواب
نطق ذیل را بیان داشت :--

پدر مهربان اهل معارف تخم معارفی که از
کف کفایت خود درین زمین جواهر نکین
افشانده واز کوشش های مردانهٔ خود ایاری

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 549 of 596

نمودید همه خدماتی بود که بعالم انسانیت بدائرهٔ اسلامیت دین مقدس وملت بیضاء ووطن عزیز خود ایفا نمودید ـ خدای را ستایش که همه مثمر گردیده چندین نونهالان وطن در گلستان معارف جولان دادیم . پدر مهربانا همه ما بزبان شکستهٔ طفلانهٔ خود میگوئیم که عید سعیدتان مبارک ! از حضرت خداوند نیاز میکنیم که بسیار عیدها را در زیر سایهٔ هما پایهٔ اعلیحضرت امیر روشن ضمیر وجناب وزیر صاحب باتدبیر خود بکمال افتخار و کامیابی بگذرانیم . زنده باد تعمیم معارف ! پستر طفل دیگری (محمد ابراهیم) نام پسر جناب ملا محمد عمر خان عضو محکمهٔ اصلاحیه بسن (۸) ساله نیز اجازه حاصل واین نطق مختصر بس مفید را بیان نمود :—

منکه طفل میباشم بحیثیت یك گنجشك ریزهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 550 of 596

پومپه از آشیانهٔ خود برخاسته درین گلشن
قدس که دبستانش مینامند داخل میشوم چند
برگ معلومات را بمنقار کوچك حافظه خود
گرفته بامیداینکه روزی در گلزار وطن هنوز
مقدس خود پرواز کنم واپس بآشیان خود
مراجعت میکنم هنوز از گروم وسرد عالم خبر
نشدم باوجود این حضرت فخامت پناهی خود
را یك جوان جدی فعال وطن پرور معارف
گستر دانسته از تشریف فرمائی شان ازطرف
خود وبرادران هم‌صنف خود تشکرات صمیمانه
وامتنانات مخلصانه را بحضور معرفت دستور
شان عرض میکنم .

بالاخره حضرت وزارت پناهی باشاگردان
باطلباء موصوف وداع ، وازانجا بمخانه دربار
پومپه که شاگردان مکتب مبارکهٔ شاهانهٔ امانیه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 551 of 596

اصول دفتری در آنجا دعوت شده بودند تشریف
فرما ، وپس ازتلطفات ومراحم زیاد حضرت
وزارت پناهی شاگردان را مخاطب ونطق ذیل را
ایراد وبیان فرمودند : —

برادران عزیز ونو نهالان وطن خوش
آمدید ! ودیدهٔ معارف خواهان رابدیدار خود
منور فرمودید سعادت این روز فیروز عیدسعید
فطر را برهمه شما تهنیت وتبریك میکویم . برادران!
من به تشریف آوری شما درین محفل مسرت شمایل
که یك روز بزرك عیدسعید عمومی مسلمانان
است خیلی خورسندم وهمه برادران وپدران تان
که نظر بمراحم ماموریت خودها برای مراسم
تبریکات درسلاملخانه تشریف آورده اند آمدن
شمارا بدیدهٔ مسرت مینکرند زیرا برخلاف
مراسم کذشته شما اولادها وبرادرهای خودرا

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 552 of 596

بالباس های مخصوص معارف در یک دعوت
رسمی دولت شامل می باشند —

لیکن من از خدای متعال آرزومندم که شما
نوجوانان پس از تعیین بامورات که هر کدام تان
رسماً بخدمات دین و دولت خود موظف گردید
و بقرار پروگرام اجرای خدمات و وظایف
مرجوعهٔ خودهارا نموده حقوق دولت و ملت
خودهارا از مخاطره و خسارهٔ که درسال های
گذشته از طرف یکعدهٔ رجال بی کفایت بهدر
میرفت اداره کرده و مالیات و محصولات بیت المال
اهالی وطن خودرا بمرکز حقه اش تسلیم نمودید
و تجربیات صداقت و فعالیت و پادشاه دوستی
و وطن پرستی خودها را بحضور همین هیئت
حاضر بینکه امروز بتقریب مراسم عید در سلام
خانه عام حاضر شده اند بپایهٔ اثبات رسانیده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 553 of 596

توانستید انکاه یك روز عید بزرك خواهد بود
ومن یك محفل مسرت وخورسندی خیلی باشکوهی
در مرکز ولایت مرات تشکیل خواهم داد
وشاها بکمال افتخار وشرافت در محضر عمومی
استاده شده خدمات صادقانهٔ خودرا یکان یکان
بیان ، ومراو این هیئت حاضرین را از کار
روائیهای جاهدانه وخدمات صادقانهٔ خود
مسرور خواهید نمود باقی از خدای متعال
حسن توفیقات خدمت وصداقت بهمهٔ تان
رجا میکنم .

مقارن اختتام خطابهٔ فوق ، عموم حضار
هلهلهٔ مسرت وشادی وادعیه رقی و آبادی دین
ودولت مقدسهٔ متبوعهٔ خودهارا نموده ویکی
ازمتعلمین مکتب مزبور میرزاعبدالله خان نام
پس ازاستجازه ازجای قیام ونطق خیلی شیرین

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 554 of 596

و پیمان باتمکینی که مبنی برحسن خدمت گذاری
و وظیفه شناسی بود عرض و ابراز داشت حضرت
وزارت پناهی پس از تودیع از آنجا بسلاخانه
تشریف برده بکرسی خویش قرار گرفتند لحظه
نگذشته بود که دوفرقه از شاگردان مکتب
مبارکهٔ شرافت بمعیت یکدسته موزیکان ازمد
عوکاه خویش پایان ودرزیر پرتوهٔ سلاخانه سمت
غربی درمواجهه حضار حینیکه ش آقای (محمد
یوسف خان) معلم نظامی مکتب مبارکه
شرافت صفوف اطفالرا منتظم ومرتب نموده
بود باهمای کندک هنر موصوف اشعار دعائیهٔ
اعلیحضرت شهریارغازی موسوم به مرش امیری
را باآواز دلنواز بسیارموزون وبترانهٔ خوش
الحان پس مهیج موزیك تامدتی میسرودند :—

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 555 of 596

(یك یادگار یابه دار)

رفقا واحبای افغـان قهرمان مرحوم و مغفور غلام محی‌الدین خان (افغـان) جهت ابقای یاد محبت نهاد ونام ملیت ارتسام او یك دوتشبثی کردند که تذکار آن خالی ازمرغوبیت نخواهد بود . اولا اعانهٔ بود که بعضی دوست دارانش بسخاوت بلکه بایثار برای اقامهٔ یك یادگار مفید در مسکنش نمودند ثانیاً جهت اجرای مزید تعلیم دینی وعلمی مولانا عبدالله خان مهاجر فاضل مدبر هندی یك مبلغی را عطا فرمودند که عطیه ازان بطلبای علم مزبور داده شود ثالثاً اهتمام تعمیر یك مناره چه بر مرقدش کرده شد بیك لوحهٔ سنك که بدوصورت بدیع است از زمین اینقـدر بلند است که ارتکاب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 556 of 596

سلك بآن نشود دوم در زبان ملی افغان کتبهٔ
کنده شده است که قدرش ظاهر است —

(۱)

برای اکثر مردم و بهمهٔ اهل معارف معلوم
است که مسکن خان مرحوم در سرای پراچه‌ها
واقع بشور بازار بود مجلس « اخوان افغان »
که در حیاتش قائم شده حالا هم عزم دائم داشتنش
را نموده است وقتاً فوقتاً در نشیمن مذکور
منعقد میشود رئیس اولش جناب عبدالهادی
خان سفیر مختار لندن والحال جناب محمد اسحق
خان مستشار وزارت خارجیه میباشند — روح
روان مجلس محمد ابراهیم خان است که حساب
وکتاب متعلق اوست الحق که حق آشنائی دوست
مغفور خود بطرز احسن ادا مینماید — الآن
چند عدد الماری تیار کرده کتابهائیکه از

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 557 of 596

مرحومی مانده است در آنها گذاشته اند تا
شائقین علم و عرفان که بکتابخانه ملی از جهت
دوری راه رسیده نتوانند از مطالعهٔ آن مستفید
گردند زیرا مسکن مرحومی را اخوان افغان
یك حصه وشعبهٔ کتابخانهٔ ملی میپندارند .

واضح باد که اخوان افغان باهمه اراده‌های
خدمت ملت ادعای فدا کاری بذات خاص
شهریار غازی خود می پرورانند زیرا محض
بوجود ذیجود شاهانه حیات ما ونجات
ملت ما وابسته است . اعلیحضرت والاشان
فرموده‌اند که یك جمعیت خیریه برای استحصال
نقد وجنسیکه اهالی بخیرات میدهند تشکیل یابد
تا مصارف بجائیکه فی‌سبیل الله گفته باشخاص
غیرمحتاج میرسد بدست اصحاب اهل وصالح آمده
باعانت تعلیم یتیمان وغربیان خرج شود اخوان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 558 of 596

افغان بتعمیل ارشاد شاهانه که عین آرزوی دلی
شانست همروقت کمربسته اند اگر مردم هنگام
خیرات کاه‌بیگاه وبمواقع موقونه احتساب نمایند
که آیا از تعلیم وتربیهٔ اطفال مسکین مصرف
بهترهم است البته در آنجا خود خرج نمایند
واگر فکر کنند که ازبسیاری مصارف تعلیم
وتربیهٔ اولاد محتاج وطن بس مفیدتر ومورد
ثواب عظیم تراست البته آنقدر نقد وجنس را
باخوان افغان خواهند داد تا بطریق مناسب
بطلبای غیر مستطیع تقسیم کنند باید دانست که
بهترین مصارف خیرات درعلم است (الذین
ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت
سبع سنابل فی کل سنبلة ماة حبة والله یضعف لمن یشاء)
برای خدا خرج کردن مال مانند دانه ایست
که هفت خوشهٔ میکرد ودرهر خوشه صد دانه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 559 of 596

میباشد وخداوند تعالی برای کسی که میخواهد
ده چند میکند پسری جاهل بی تربیت کلان
شده اکر دزد وغر نکردد محض مزدور عامی
میشود که فقط یکروپیه روزی را فائده مالی
بخود آورده میتواند همان طفل را در مکتب
داخل کرده سررشتهٔ کذرانش را بهم رسانیده
روید فارغ التعلیم شده یومیه اقلاً هفت روپیه
بلکه بس بیشتر ازان مشاهره مییابد ومنافعیکه
از اقوال واعمال وتحریراتش بملك وملت عاید
خواهد شد مضاعف است اینست اجر دنیا
وعقبی خوبتراست (للذین احسنو فی هذه الدنیا
حسنه ولدار الاخرة خیر) کی نکو کردی وکی
کردی توشر که ندیدی لائقش درپی اثر

کر مراقب باشی و کیری رسن
حاجتت ناید بعقبی آمدن

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 560 of 596

(۲)

معطی کریم اعانه بیاد غلام محی الدین خان مرحوم بطریق فیضرسان امداد طلبای عربی را خواسته اند تا این زبان دینی تشویق یافته باعث تقویت اسلام وموجب ثواب مرحوم شود ازروی مبلغیکه بدست ماست الحال ماهی هشت روپیه را وظیفه بطالبعلمی داده میتوانیم که درامتحان عربی اول براید چنانچه مضمون ذیل برای امتحان تجویز شده است :—

(یاایهاالمدثر قم فانذر وربك فکبر و ثیابك فطهر والرجز فاهجر ولاتمنن تستکثر ولربك فاصبر) ترجمه وتفسیر این آیات شریفه را بیان کنید وازروی صرف ونحو کیفیت کلمات ذیل را واضح سازید : — مدثر — قم — فانذر تستکثر درکلمهٔ مدثر چه نکتهٔ مضمر است

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 561 of 596

در آیه ربك فکبر چه لطیفه پنهان است —

از طلبای معارف که در مکاتب متعددهٔ آن درس میگیرند توقع است که جواب سوالات متذکرهٔ فوق را ازذهن خود واز علما پرسیده واز کتب دیده بنویسند و آنرا ملفوف کرده سربسته بمحرر المعرف تا بازدهم اسد برسانند وآنندهٔ نیز برای دیگر امتحان ودیگر انعام تیار باشند .

(۳)

کتبهٔ لوحه سنك

یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربك راضیة مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی —

مولوی غلام محی الدین خان (افغان) په قندهار کښی متولد سو او هلته دینی تعلیم حاصل وکړ — وصیت په سردار ایوب خان

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 562 of 596

په راولپندی اولاهور کښې دفرار په حالت
له انګریزی مکتبو جدید تعلیم واخست —
چه بیرته په کابل که راغی دامیر حبیب الله خان
په عهد د مکاتب ابتدائیو ممتحن مقرر سو —
لیس له خدمت دځوار لسو کلو دمعارف دامیر
امان الله خان غازی په روشان دوران که مدیر
ددارالمعلمین سو او هغه خیالات اوارادی ی و
اصلاح او ترقی وملت چه دوه لس کاله یخواه
په مجلس که د (جان نثاران اسلام) معاقده
کری وی دظل الهی تر سوری لاندی یخیله
وثمرته ورسیدی — په دا کیف مطمئن اوراضی
دعباد الله په خدمت که داخل ووچه په اجل
دوبای هیڅه وخپل پردرد کارته راجع سو او
هغه دولو ځشتن په جنت کښې داخل ک —
دا دعا د (اخوان افغان) په یاد دهغه وطن

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 563 of 596

دو-ق او وفا دزړه خیزی - چه په یار پسی
ژړان او جهان تیروی - ځوك کولی-ی داهسی
مشقت دشپیتو کالو دصلاح او تجرد او ځوانی
په ژوند که عائله ئی ځوان مړدان وواهل او
صالح دهر مشرب چه ټول آمرزش-ی غواړی
(یقولون ربنا اغفرلنا ولاخواننا الذین سبقونا
بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلاً للذین امنوا
ربنا انك رؤف رحیم —

روز مرك که یوم الوصال یار الست
کسیکه دست من آندم گرفت یار الست

تاریخ وفات ۲۸ ذیقعده سنه ۱۳۳۹ هجری
قمری مطابق ۱۱ اسد سنه ۱۳۰۰ هجری شمسی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 564 of 596

عطیه سرعسکر نظامی برای
طلبه مکتب راستی !

اکنون در مدیریت مکاتب مشرقی مطاع شده ایم که چندی قبلترین جناب معظم حقیقی آقای محمدصدیق خان سرعسکر فرقه ۲ مشرقی باتفاق آقایون محترم آمرین نظامی وچندی عسکری برای معاینه مکتب راستی تشریف فرماشده مراسم پذیرائی مدوحین من کل الوجوه از طرف معلمین و متعلمین بعمل آورده شده عسکر مذکور بعداز مزاج پرسی نطقی را که مبنی بر دلجوئی اعلیحضرت همایونی ومعارف پروریهای شاهانه بود ایراد نموده مفاد علم ومضار جهل را بامثله متین ودلائل رزین الی نصف ساعت ذهن نشین طلبه نموده بعده بیک طریق

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 565 of 596

نهایت محبت آمیزان امتحان سه جماعت فرداً
فرداً کرفته هر لحظه اظهار خشنودی نموده در
آخر نحویاخانه و شفاخانه مکتب را ملاحظه کرد
واز طرف طلبه یك تقریری که مبنی بردعا کوئی
اعلیحضرت غازی و کارداران صادق افغانی
ومملو از جذبات اسلامی بود قرائت کردیده
جناب محمد صدیق خان صاحب موصوف جواب
شان به بانفاظ مؤثر نهایت درست داده به محبت
وانکسار از جیب خاص شان یك مبلغ معقولی
را جهت شرینی وچای طلبه عطا فرموده طلبه
و اساتذه را ممنون و متشکر اوضاع معارف
پرورانه شان ساخته اند

* *
*

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 566 of 596

طالبعلمی از فرانس

سلیم را نبری نام پیش او قاصد

بگو کسی بتو بسیار آرزومند است

آقایان عزیزانم ! طلبهٔ مدرسه مبارکه دارالامان معارف را بدرجات عالی علم و اقبال خواهانم روز اولیکه از خدمت شما برادران جدا شده باین خراب آباد هجران گرفتار شدم! بعد از پیمودن مراحل های فراق از عنایات و الطاف اعلیحضرت غازی خویش به بسیار آرامی و راحت در بمبای رسیدیم . بعد از توقف ۲ روز سوار جهاز گردیده راه پیمای منزل مقصود شدیم ! اخرالامر بعد از مرور ۱۴ روز به مارسیلز فرود آمده شب را گذرانیده روانه پاریس گردیدیم ، در اول بمکتب

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 567 of 596

بیهودی ها هفته را بسر برده ، بعده درمکتب
کلان ایسی مشلی (نام) داخل شدیم .
برای ما جماعت مخصوص ، و خوابگاه مکمل
معین شد درین اثنایك معلم ، و یك معلمهٔ که
اندکی بزبان فارسی بلد بودند مقرر گردیده ،
قریباً بعد از ۱۵ روز دو معلم دیگر مقرر شده
که به بسیار خوبی تعلیم میدهند ! و تاحال که
۸ ماه گذشته درزبان فرانسوی همانقدر بلدیت
حاصل کرده ایم که محض و صول ابتدائی انرا
یاد گرفته ایم ویك کمی حرف نیزده میتوانیم ،
اما بقدر دفع احتیاج مانشده .

سنك هم گر واشکافی یار میآید برون ،
این سخن از بیستون و سی فرهادم رسید

آقایون ! خوب ملتفت شوید ! امروزه
روز عالم اوروپا ، وامریکا خیلی ترقی کرده است ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 568 of 596

و هنوز رو بترقی است ، آیا ترقیات اسلام که
در ازمنهٔ قدیم بود مرا فراموش نشده باشد !
آه ! کجـا شد آن ترقی عالم اسلام کجا رفت شان
وشوکت اسلام ! بلی ، مشاهده میکنم و بنظر
عبرت مینگرم ، که اسلامیان دین مبین خودرا
از دست دادند تابان بلاها دوچار شدند ، در
ممالك او روپا آمده بعضی عادات حسنهٔ که در
اوروپائیان مشاهده میشود صرف نظر کرده ،
او ضاع ذمیمهٔ شانرا در دماغ خود جادادند ،
نماز خواندن ، وروزه گرفتن که فرض است
ودر خصوص آن هاچه تاکیدات شده است ،
بطاق نسیان گذاشته اند ، شراب و گوشت
خنزیر که حرام قطعی شده است بی پروا ،
بخوردن آنها مبادرت میورزند . محض بنام
اسلامند وبس ، وبراهی که کافران قدم نهاده

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 569 of 596

میبردارند. آنها تعقیب میکنند ، ویا بپا پویانند .

افسوس است باین حالت شان ! جای عبرت است بشنیدن احوالات شان! غور کنید برادران من!

که چه نتائج دست داد ، وبچه خواری دو چار شدن ، انهمه ترقی و تعالی را بچه فلاکت مبدل کردند . . . .

وطن عزیزم افغانستان تاحال در پردهٔ گمنامی مستور بود :— چه در اوائل در دومان کسی از ما پرسان میکرد ، از کجائید ،

بجواب میگفتیم (از افغانستان) متحیر شده خیال میکرد که البته کدام صوبهٔ از هندوستان ، ویا از کدام شهری خواهد بود .

مگر بعضی جغرافیه دانان تا یک حد میدانستند مگر امروزه روز باید ما افغانان سر تفاخر را باسمان سائیده بنازیم ، که اسم افغان گوش زد

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 570 of 596

هر پیر و برنا گردیده با پرچم سیاه افغانی در دول
متمدنه اوروپا شمه پاش شکوه و اقبال اسلامی
بالای سفارت خانه ها افراشته شده . ایا این
تشبثات عالی از کیست ؟ درین ترقی موجودهٔ
افغانستان وابسته وجود سعادت آمود که ؟ ایا
این کوهکران بهای استقلال را که بدست آورد
؟ بلی ! بلی از روزیکه شاه جوان بخت محبوب
القلوب مان (امیر امان الله خان غازی) بابر
سریر سلطنت نهاد اول کاری که نمود تحصیل
کوهی بی بهای استقلال بود (الحمدلله شکر بامر
دادهٔ روز عالم استقلال) (زنده باد اعلیحضرت
پدر مهربان ما) حالا فرض ما و شما چیست که
چکنیم ! و خود را چه سازیم ؟ باید این نعمت
عظمای استقلال را که اعلیحضرت محبوب القلوب
مادر راه تحصیل آن چه مشقت ها کشیدند

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 571 of 596

بعالمی برابر نکنیم . ودر راه زنهداشت آن
خون هایخود را بریزانیم ، وجانهای خود را
فدا کنیم ، خدمت ملت و وطن ، ورضای
پادشاه غیور خود را فرض خود دانسته حتی
الوسع کوشش کنیم که لیاقت خدمات وطن ،
وتحصیل رضای پادشاه خودواهالی وطن خودرا
پیدا کرده بتوانیم . آقایان ! وطن محبوب
القلوب، مادرك شفقت اسلوب مان چه زحمت ها
بود که برای ما اولادهای خود نکشید ، وچه
محنت ها بود که ازهرطرف برایش نرسید تاهم
بآغوش مرحمت وشفقت خویش پرورید تابان
سن رسیدیم بآب وهوا ونباتاتش پرورش یافتیم
که درهمه رك وریشهٔ ماجا کرفته واین مادرك
مهربان باعث حیات ما کردیده ، آبا و اجداد
مرحوم مان درهمین خاك پاك مدفون اند حرمت

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 572 of 596

وحمت این بچه اندازه برما واجب است وحالا
محتاج خدمت اولاد های خود شده است
چه ما بکینه این سخن اعلیحضرت مهربان ما
رسیده که عدهٔ از اولادان در دفعهٔ اول وعدهٔ
دیکر در دفعه دویم بطرف اورو پارای یاد کرفتن
علم وصنایع روانه نموده اند که تاواپس آمده
بخدمات لایقه خود مزرع خشکیده وطن آبادی
نموده شاداب سازیم ورضای بادشاه محبوب القلوب
ترقی خواه خود را حاصل نموده . یك قطره
خون خود را فدای راه اسلام ، خصوصاً ملت
نجیب افغان نموده سری بعالم اسلام برآریم ،
وجان های خودرا براه بانی این ترقیات اعنی
امیر امان الله خان فدا سازیم ، دکرارمان بدل
نخواهد ماند ، زیده ازخداوند لایزال کامیابی
بامرف خود هارا استرحام مینمایم ، درخصوص

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 573 of 596

ماه مبارك رمضان :

الحمدلله به بسیار خوبی بسر میبردیم قبل از رسیدن ماه مبارك . جناب مفتش صاحب (سردار محمد عزیز خان) فرمودند که نان شام و سحر شما را در خود سفارت سررشته میکنم ، که در آنجا آمده روزهٔ خود ما را افطار کنید ، مگر چونکه راه طویل بود و سررشته طعام در مکتب خود ما نیز میشد علیهٔ فی نفر.. افرانك (۵۰ روپیه کابلی میشود) عنایت نمودند . که جهت سحری خود ، خود ما طعامی بهم برسانیم . طعام شام را در مکتب میخوردیم و بوقت عشا صلوة تراویح را بجماعت ادا کرده می خوابیم برای سحر ، ٤ یا ٥ نفر یکجا شده چراغ های الکحلی ، قند ، چای (کسرول) که عبارت از چیزی آب کردان شکلیی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 574 of 596

است خریده‌ایم . وروزانه کلچه ، پنیر ، تخم

و کاهی شیر خریده ، درخوابگاه خود بعمل ۱ ۱/۲

بجه شب از خواب برخاسته ، چای درست کرده وتخم پخته میخوریم ، بعده وضو نموده تاشفق صبح که نماز روا شود قرآن شریف خوانده بعداز آن نماز فجررا ادانموده خواب میکنیم ، این خواب تاساعت ۱۰ دوام میورزد بعد ازان از خواب برخاسته بجماعت رفته

بقرار سابق تعلیم خودرا خوانده به ۸ ۱/۲ بجه

شب روزه افطار میکنیم . این است که باین ماه مبارك همه‌ماشادان وخوشحال بوده بیك جوش وخروش اجرای مراسم دینی ووظیفه تعلیمیه خودرا میکنیم ، از وقت طلوع صبح ۳ بجه الی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 575 of 596

شام ۱/۲ ۸ بجه روز ۵ دار میباشیم هان ! آقایون

تبریك عید سعید رمضان مبارك را برای همه تان میکویم وار خدای متعال ، برای شما ، و خودها دیکر اعیانه میخواهم که یکجا بوده بخدمت ملت و دولت کوشان ، و از دیدار یکدیکر شادان باشیم :—

طالب العلم انغانی ، فدای ملت نجیب افغان

در پاریس :—

بحضور جناب مدیر صاحب . واستاذهٔ محترم خود ، عرض احترام رسانیده تبریك عید سعید را کفته دست شانرا میبوسم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 576 of 596

ناول

ما بعد از شمارهٔ گذشته

از تو کرده خولات خدا بیامرزش خوب مرد بود که روزی نمیگذشت آدمش سید کلب امام آغا چند روپیه گله دار مثل ید بیضا واری نمی آورد ـ تو هر روز کپ های چنی می آری ملا — ازدست نشه است که کافررا دعای آمرزش داده کافر میشوی بیشك عاجزی صفت خوبیست واینقسم فائده هائش دارد چرا که خدای تعالی فرموده فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما ا کبر من نفعهما) یعنی درقمار وخمر گناه زیاد است ونفع ها نیز برای مردم ، اما گناه از فائده بسیار تر است —

بعد ازان ملا با رفیقهای خود تقریر را دوام

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 577 of 596

داده گذشت — شب پس از عشا بمجرد تمام کردن دو یاسه باردعا . ملا ، نیت نفلها پیهم بسته کرده رفت تا که جمیع نماز خوانها چندی انتظار کشیده رخصت شدند — چون کسی نماند ملا تنها برآمده سوی چرمی روانه شد که همراه یکدیگر رفیق نشه نشسته اختلاط میکرد

چرمی امروز قطار اشترها نیز میشد مثلیکه غازیها کدام فرنگی را کشتانده در خانهٔ اکرم خان میبردند — نام خدا چه جوان است خدایش همه خوبیها داده است اما بی عیب ذات پروردگار است اکرم غازی یك عیب دارد که رفیق — چرس نمیکشد —

چرمی — بلی — کپ شترها بود که از نزدیك ما میگذشتند — گردنهای شانرا دیده که مثل آدم بلند بالا چرس کشیده شور خورده میروند —

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 578 of 596

بدل خود گفتم خدایا هیچ مخلوق تو بیکار نیست ضرور یك نفع ازو گرفته میشود امادرین شتر ها خسو ، چندان فائد ندیدم غیراز گریه بیوقت که مثل مؤذن بی هنگام صبح همو نوقت بیدارم میکنند که دستی خوابم برده باشد .

رفیق — هان یار — خیال من هم همین بود اما از روزیکه بگتی اش جرس کشیدم اینقدر مزه ام داد که بهای شتررا فهمیدم —

جرسی — هان — یادمن هم آمد (دست بگوش برده) بیشك خدایا هیچ مخلوق تو بیفائد نیست ـ توبه کردم یاایها الذین آمنوا توبه نصوحا ملا رفیقش را شناخته که غیر نیست در آمده گفت :—

آیت راصحیح بخوان — در میان ، توبو االی الله را ماندی .

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 579 of 596

چرسی — مارا خوبد میکنی حالا در قرآن هم دست اندازی میکنی ما از پدرهای خود همین طور شنیدیم

ملا — (اولوکان آباءهم لایعقلون شیئاً ولا یهتدون) اگر پدر های شما چیزی نمیدانستند و برهدایت نبودند.

چرسی — حالا کلاتهای مارام دومیزنی — والله اگر خیسته میتوانستم همراهت جنگ و میشدم .

رفیق — اگر زبانم قوت حرف زدن میداشت یکدو ، دوخو میزدمت .

ملا — تریاکی زوی نه زوی دی چرسی بوبردوه بقراری این مثل افغانی هردوی شما بمقابله من برابر میآئید اما ازین حرفها بگذرید یك چلم چرس خودهیدم.

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 580 of 596

جرس — ها — حالا مسلمان شدی .

ملا — از وقت فتره مسلمان هستم — جرس شاهجهانی مقید میزنم وامشب کفتم همراه شما دوست هابکشم .

رفیق — ملا صاحب توجرس چطور میکشی ؟

ملا — یك سبب دارد — روز بنك میخورم خنکی ام ضیاف میشود ، دود جرس آن را کم بکند —

رفیق ملا صاحب بنك هم میخوری ،

ملا — این هم بی‌سبب نیست — شراب مینوشم حرارتش بسیار است بخاطر سردی بنك میخورم .

رفیق — ملا وشراب — عجب است !

ملا — اینهم دلیل دارد — قمار میزنم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 581 of 596

رویه که از حرام بدست بیاید باید بحرام خرج شود ، اگر آدم آنرا بخیرات صرف کرد کافر میشود — هرگاه باختم باز برای غسل غلط کردن نشه بکار شد .

رفیق — سراین کپ ها وهمه عیب های شرعی پیش امامت چطور ساختند ؟

ملا — اینهم بدلیل نیست — پیزاردزد بودم وبوقت سجده پیزار های خلق خدارا میبردم پیشم ایستاده کردند تانظر شان مدام برمن باشد اگر چه باین طریق نماز آنهاهم چندان نمیشود — اینه همین طور امام و ملا شدم ورنه ما و شما یك مذهب ، یك مشرب ، یك طریقه داریم .

جرمی — مردهای خدا اینطور پت میانند ، آخر رستم واری آنکار میشوند —

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 582 of 596

همین قسم چیه خبر داریم که در بن دریا
طلا باشد — کلاها میگفتند که مردم از ریك
شوئی زر میکشیدند .

ملا — بلی . طلا نزدیك شماست اما شما
خبر ندارید .

رفیق — چطور ؟

ملا — همین فرنگی را نمی بینید که همراه اکرم
میکردد — اگر ما وشما اوراشب کت خودتالشکر
فرنگی برسانیم پنجاه پنجاه طلا بشما میرسد —

چرچی — ملاصاحب ماخو آخر مسلمان
هستیم — اگر لحاظ اکرم غازی نمیبود که
همسایه اش می شدیم همین چلم چرس سرفرنگی را
شکستانده غازی خو میشدم — خود اوهم مرانتها
دیده چند روپیه داده بود وطلاهم نشان میداد
که اگر خدمت کردی میدهمت خیالم شد که

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 583 of 596

مهمان ا کرم خان است شاید مسلمان شده باشد
کدام خدمت اسلامی میفرماید حالا معلوم شد که
کافر کار خودرا میکفت -

رفیق - تو باش کپ را نمی فهمی - ملا صاحب
چطور سر رشته کنیم -

ملا - خبر دار باشید کسی خبر نشود -
امشب فرنکی بعد از یك بجه از پشت بام می فراید
من چند نفررا در بیخ دیوار آورده ایستاده
میکنم - شما بجای خود نشسته باشید نه حرف
زنید نه حرکت کنید -

چرسی - همین جا نشسته باشیم نه حرف زنیم
نه حرکت کنیم ازین کرده بدر یا چرا خیز نزنیم
که مرك از زندکی نامردی و نامسلمانی هزار
درجه بهتر است - ملا ماخو کفته بودیم
مسلمان شدی نی والله کافر هستی -

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 584 of 596

ملا - آفرین صد آفرین ! امتحان ایمان شمارا میکرفتم - شکر است که بوره مسلمان بر آمدید بر پدرتان رحمت ، بر شیر دادن والای تان برکت - بیارید یك چلم دیگر بزنیم واینه دو راوپیه ؟

چرسی - بروکم شو - ما چلم خودرا مثل سوداکرها واری نمیفروشیم -

ملا - نی ما خو مذاق میکردم - یارها بیك دیکر تحفه میدهند - حدیث شریف است - تهابوا تحادوا باهم هدیه داده محبت بیکدیکر بیفزائید.

چون مجلس خاموش شد ملا ناامید کشته راه خود را کرفت - رفیق چرسی این را کفته که بینیم کجا میرود پسش راهی شد - چیزی دور رفته ملارا صدا کرده کفت که این دیوانه دستی خواب میشود ما وشما کاررا تمام میکنیم

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 585 of 596

وصد طلا خود تنها حق من میشود —

ملا — بسیار خوب — من همانجا از فراست فهمیده بودم که تو عقلمند هستی —

رفیق — شما بخیر بروید نفری خودرا بیارید و من چرسی را پی در پی چند چلم دیگر میدهم تا گنگ شده بیفتد بلکه اگر وسعم کشید از کشتنش هم صرفه نمیکنم —

ملا بدل خود فکر زده میرود که عجب مردم اند یا میگفت که خدا لات را بیامرزد یا حالا دشمن حزبش گردیده ! انسان فی الحقیقت طرفه معجونست از فرشته واز حیوان سرشته است یك عمر صالح بوده آخر طالح میگردد یا برعکس آن — بلکه اعتبار یکساعت نیست یکدقیقه خیال نکوئی موجزن گشته طوفان اراده‌های اعمال صالحه از زبان سر میکند آنی بعد هوای

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 586 of 596

نفس ازطرف هوس و کینه وزیده رخ جذبات
خوب را سوی زشتی میگرداند یابرخلاف آن
(ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل
علیهم الملئکة الخ) کسانیکه براحکام خداوندی
بثابت قدمی عمل پیرا شدند بالای شان ملئکه
نازل میشوند که ما دوستان شما در دنیا وعقبی
بوده بشارت میدهیم که هیچ خوف وغم نخورید
انسان بسعی اوقات قصد اثبات رحق مینماید
اما چندی دران نقص وتکلیف دیده بلغزش
میآید بایک عالمی را مشغول بدروغ ونفاق دیده وباو
وجود آن خوشحال فهمیده حق را بجانب آنها
می پندارد و برای پیروی امثال باطله شان دلیل وتا
ویل می تراشد بهاز نفس لوامه در لحات سکون ازین
دو روئی وتذبذب رو گردانش میسازد و همه
نی بشریک حس وجدانی دارند وضمیر منیر که

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 587 of 596

درمیان حق وباطل تمیز کرده دائماً محرك
راستی است و مسدد کذب هر نفس مستقلاً
اعتراف آیات خداوندی نموده است (قالوابلی)
یعنی ازازل فرق مابین حق وباطل کرده صراط
مستقیم را یافته است اما تاثیرات صحبت وتربیت
زشت وجدان را کند میسازد ودل بیك قرار
نمی یابد کاهی وساوس شیطانی ودیکر وقت خیالات
رحمانی خطور کرده از زبان مه برآید ونشه
در جنبش واهتزاز حسیات دخل کلی دارد
اکر فطرهٔ یادودی کم شد یابیش در حرکت قلب
تفاوت پیدا شده ازاعتدال مزاج انحراف رو
میدهد همین حال چرسی بود البته ازکپ های
چرب جوب تاسید مذکوربازی خورده مائل
بدغا کوئی فرنکی شده بود وچون پرورش
اسلامی وسالها کذران بامسلمانان نموده بود

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 588 of 596

اثر آن غالب شده آخر براه آمد جوانی ونیك نامی اکرم برو جامت باکفر جوزف مرجع شد وجرسی مارا بدلشکنی ملای غیر اماده ساخت —

ملا یقین کامل کرده بود که اویك معاونی موزونی درجرسی یافته است زیراکدلش فقط روبروی بخدانه اکرم که آنجامسکن فرنکی دیده میشد بی اطلاع او کشیدنش محال مینمود ملا بچندنفر ازاهالی چنداول که آنهارا باخود موافق ساخته بود مشاورت کرد که صباح این کپ مشهور میشود و جرسی نامم را رسوا میسازد زن وفرزندم اسیر وخانه ومالم تاراج غازیها میکردد یاخود وتعلقاتم را حالا همراه فرنکی پت بیرم واین دشوار است یاجرسی را بکشم واین آسانست زفیقش ازو کشته هم این

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 589 of 596

قصد ظاهر کرده بود رضای چنداولیها را
حاصل کرده ملا سیلاوه زیربغل طرف کدل
رفت دید که چرسی تنها زیر لحاف افتاده‌است
آهسته کردلش را پیدا کرده جای بجای
حلالش میباید دلش ازخوف میلرزد اما پرش
دور خه است زیرا اطمینان هم‌با آن مخلوطاست
که فردا چرسی رازش را فاش نخواهد کرد.
نزدیك ارسی ها درکنج دیوار مکانست
وچنداولیهای نظیف الطبع آنرا کمین ساخته
طرف ملاسی نکرند که زیر ارسی ها ایستاده
انتظار دوکس را میبایداز پهلویش رفیق چرسی
واز بالا فرنکی را اینك هردو نمودار شدند
فرنکی هنوز بزمین نرسیده بود که چرسی
نزدیك شده بیك دست صاف سیلاوهٔ کردن
ملارا پراند وبدیگر حمله فرنکی را که هردو

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 590 of 596

دستش ریسمان بسته بود دوپله میکرد
اگر از بالا صدا نمی شنید « هوش کنی نزنی »
آواز اکرم را شناخته چرسی بیك جوش
دلیرانه دست های فرنکی‌ها را بهمان ریسمان
محکم بسته کرده گفت که بالا کشش کنید —
اکرم بخنده گفت که دست هایش واز کو
وبان که خود بالاشود — چرسی تامل کرد اما
برسخن او اعتماد نموده ونیز برسیلاوه آزموده
خود تکیه زده ریسمان را جدا کرد وفرنکی یکسی
خود را فهمیده خود بالا شد — دید که پنج
نفر چند اولیها مشك‌ها بسته در اطاقش نشسته
اند — تعجب کرد که باید این مردم پایان کلك
او مینمودند وبالا محتاج مدد ناممکن پیشتر ازو
چگونه رسیدند — ؟ قصهٔ چرسی این عقده
را حل خواهد کرد ،

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 591 of 596

چون رفیق چرسی در کو دل رسید کوشش
کرد که بطمع و بیم او را هم شریك خود
سازد اما چرسی بهیچ وجه راضی نشده گفت
که من آدم غریب و عاجزم اگر همراه شما
اتفاق نمایم غازیها خواهند کشتندم ورنه ازدست
شما زنده نمیانم — دگر چیز از دستم نمیاید
تومیدانی و کدل و ملا — این را گفته جلد
خود را برداشته طرف کوه روان شدرفیقش
درحیرت مانده بجایش افتاد ودرچرت خوابش
برده بازبیدار نشد — چند روز بعد از کور
گردش چرسی بلحاظ آشنائی سابقه چپ
کرد چون بزیارتش آمد ورفت زنها
برفهای ایستاده وتارهای رنگارنك بسته دید
سرخودرا شورداده همین قدر گفت که دردنیا
چقدر چیزهای دروغ فروغ میباید (ذرهمی

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 592 of 596

غمرتهم حتی حین - چندی این گمراهی
وبدمستی جاری بوده آخر حق آشکار میگردد)
چرسی چلم بدست براه فکر کرده میرفت
که ملا ورفیقش بجیفهٔ دنیا کمر بمردار خوری
بسته اند ومراهم بخود شریك میکردند واین
همه امید های شان بسبب چرس بود که مرا
از دین ودنیا کشیده اگر کسب پدری را الا
نمیکردم چرا دربدر میگشتم ونشانهٔ آزمایش
اخوان الشیاطین میشدم ازین ندامت یکبارگی
چلم را بزمین زد حالا یکدیگر تجویز بدلش آمد
که این عادت بدرا ترك داده بایدیك کاری خوبی
شروع کنم واینوقت بهترین کارها غزاست وآن
خود درخانهٔ اکرم جاگزین است ازوسررشتهٔ
یکخدمتی بگیرم چونکه اعتبار زندگی نیست
دستی پیش اوبروم این عزم کرده طرف کوچه

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 593 of 596

گشت که سوی خانهٔ اکرم میرفت بدو و از دو نفر
قابوچی نشسته پیره هم میدهند سلام شان داده
از احوال اکرم جویا شد یکی گفت « جرسی
بابا راه تو از دریا نزدیك بود دور خورده از
راه دور چطور آمدی » جرسی جوابداد که
جرس را الا کردم و نیت غزا دارم — دیگر
گپ با آغای شما میزنم .
اکرم این اختلاط را شنیده جرسی را بالا
خواست جرسی اگرچه حالاسی میکند که همه
علائم نشه را کم کند اما فورا خود بمیشود قصهٔ
خودبیان میکند :—
صاحب مهربان— خدا شهار اروزی نیکی بدهد
بدی نی ملای مسجد شاه درشمشیره هر روزه
نزدمن آمده میگفت یامقتدیان خودرا میشنوانید
که جرس را الا کن ورنه از نشه اش بیهوش شده
بالای پل صراط تیر شده نخواهد توانستی که از

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 594 of 596

تلوار تیز تر و از موی باریکتر است . فهمیدی که
هستك ! میگفتم که جك میزنی . پل شاه دو شمشیره
از آدم است و اینقدر بردارد . پل خالق تعالی
اوزن کرده هم کمتر خواهد بود ؟ خیر ملا اینطور
باعث ترك دادن چرسم شد که خودش از پل
صراط اگر آن هزار کزهم عرض داشته باشد
بدوزخ خواهد افتاد ـ بعد ازان چرسی تمام ما
منصوبهٔ فرار را حکایت کرد ـ اگرم یکدقیقه
ضائع نکرده از جوش تازهٔ چرسی استفاده
نمود ـ میلاوهٔ بدستش داده گفت که طرف
کدل خود رفته اگر دشمن را گیر کنند بزند
و خودش از بام خانهٔ خود متوجه نواحی آن
گشت ـ اول دید که جوزف در اطاق خود
قدم میزند و دروازه را از درون زنجیر کرده
غرضش نگرفت زیرا یکدیگر درش از بیرون هم

(باقی دارد)

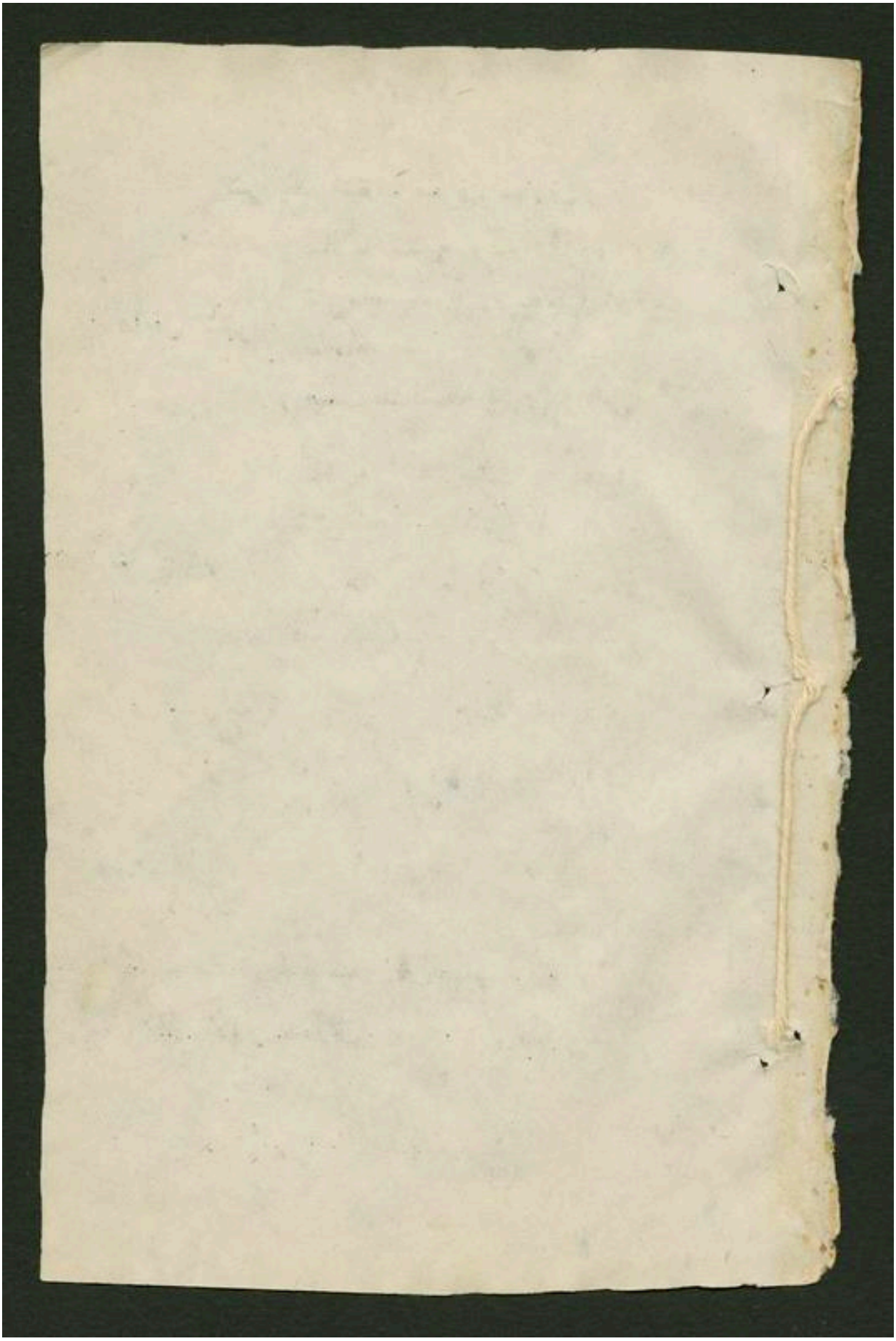

http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5kw Image 596 of 596

شرایط اشتراک مجرف معارف

داخل شهر

سالانه — ۶ روپیه شش روپیه کابلی
شش ماهه — ٤ روپیه چهار روپیه
سه ماهه — دو نیم روپیه
قیمت یک نسخه یکروپیه کابلی

خارج شهر

سالیانه — هشت روپیه کابلی
شش ماهه — شش روپیه کابلی
سه ماهه — چهار نیم روپیه کابلی
قیمت یک نسخه یکروپیه سه شاهی

مدیر معرف « محمد حسین »

محرر « « (میرزا عبد الرؤف)

مطبعهٔ ماشین خانه میار که چهاپ شده از ادارهٔ
دار الأمان معارف ماه یک بار نشر میشود.

(وزارت جلیله معارف)